

قبل از جهانگیری خیلی‌های
دیگر باید استعفا کنند
گفت‌وگو با حسین الله‌کرم



جنگ نیمه‌سرد
بین آمریکا و چین
مسعوده میرمسعودی

نهادن‌دیبا‌ن از دولت برود
گفت‌وگو با عباس سلیمی‌نمین



دیپلماسی فعال
جعفر قنادباشی

معاون منتقد

چرا جهانگیری ماند؟

با وجود برخی اختلاف‌ها در سطوح عالی دولت، شرایط اقتصادی کشور و به ویژه نقش جهانگیری در هماهنگی قرارگاه اقتصادی موجب شده او همچنان معاون اول بماند

پیغام تهران

علی‌اکبر ولایتی پیام مقامات عالی‌رتبه ایران را به پوتین می‌رساند/ محورهای این پیام را برجام و مسائل منطقه تشکیل می‌دهند/ همکاری‌های عمیق‌تر در سوریه و دور زدن تحریم‌ها از بخش‌های اصلی این پیام هستند

محتوای توافق وین چه بود؟

فرانسه و روسیه نقش مهمی در برجام بدون آمریکا بازی می‌کنند

گزارش اختصاصی مثلث

خواست‌های چین از ایران چیست؟

مخالفت با "خروج نرم"

چرا بوریس جانسون استعفا داد؟

کودتا یا دموکراسی؟

در اعتماد ملی چه خبر است





همراه اول

www.mci.ir



۱۰۰٪ معتبر

فروش ویژه سیم کارت‌های دائمی همراه اول
تمديد شد

♦♦ هزار تومان



شرکت نفت ایرانول



کیفیت را با روغن موتورهای ایرانول تجربه کنید

تلفن واحد فروش: ۸۸۲۱۲۹۹۹

www.iranol.ir





آرشیو کامل

هفته نامه متللت

از سال ۸۸ تا ۹۲

نمایش نسخه دیجیتالی | نسخه pdf | جستجوی پیشرفته
سال به روایت تصویر | شبکه های اجتماعی

مجری طرح:



موسسه فرهنگی هنری
نسیم شب کویر

www.nshk.ir

مجموعه کتابخانه های اجتماعی

متللت

درک تازه ای از واقعیت

www.mosalas.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَكذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: **مصطفی آجورلو**

سردبیر: **سعید آجورلو**

نفر نمی‌شود مقابله با یک همچو ظالمی دارای همه چیز کرد، در صورت‌های مادی، لکن می‌دانست که همین شهادت پیروز کرد اسلام را و اسلام را تجدید کرد. همین شهادت این پیرمردهای محراب از مدنی، -رحمه الله- گرفته تا این شهید اخیر ما، همین شهادت‌ها پیروزی را بیمه می‌کند. همین شهادت‌هاست که دشمن شما را رسوا می‌کند در دنیا، هر چند که همه دنیا با آنها موافق باشد.

همین سازمان عفو بین‌المللی که آن همه دروغ‌پردازی کرده است، سند صحیح هم دارد، سند صحیح این است که منافقین اینطور می‌گویند، مستند این است که در نوشته‌های منافقین این امور هست؛ آنهایی که دشمن اسلامند، آنهایی که دشمن ملت هستند، دشمن مسلمانان هستند،

شهادت بیمه‌کننده پیروزی اسلام

شما آقایان روحانیون و همه روحانیونی که در کشور هستید، همه مکلفند به اینکه این نعمت خدا را، این عطیه الهی را حفظ کنند و شکر این نعمت را برآورند و شکر به این است که تبلیغ کنند. آنچه که سیدالشهدا عمل کرد و آن ایده‌ای که او داشت و آن راهی که او رفت و آن پیروزی که بعد از شهادت برای او حاصل شد و برای اسلام حاصل شد، به مردم روشن کنند و بفهمانند به همه که مسئله مجاهده در راه اسلام آن است که او کرد. می‌دانست که با یک عده قلیل کمتر از صد

خبرنامه

۶

شایعه رد صلاحیت
کودتای دموکراسی؟
جنجال تابعیت

۱۵

گفتارها

۱۶

مخالفت با «خروج نرم»
مجادله در لندن
تشدید تنش‌ها درون آتلانتیک

۲۰

سیاست

۲۲

معاون منتقد
نهادن‌دیان از دولت برود
جهانگیری تأثیری در سیاست‌های
اقتصادی نداشت

۳۱



تحریریه:

دبیر تحریریه: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - سیدمجتبی جلال‌زاده

بین‌الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

سیاست خارجی: حنیف غفاری (دبیر)

اقتصاد: محمد مهدی صدرزاده (دبیر)

دیدار: افشین خماند (دبیر)

ورزش: مهدی روشه (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش صحبتان (دبیر)

بازار: محمد شکراللهی (دبیر)

مشاور هنری: نیما ملک نیازی

مثلث: هفته‌نامه‌های خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشارهای است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مراسم تقویت گفت‌وگو میان انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزبانی و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجابت قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمّر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.

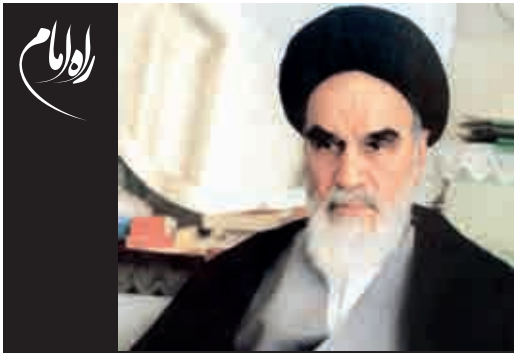
آنهایی که دیوانه شدند برای اینکه نرسیدند به آن اهدافی که داشتند و او سلطه بدتر از سلطه محمدرضا بر این کشور بود.

شما باید تبلیغ کنید آقا! محرم است. این محرم را زنده نگه دارید. ما هر چه داریم از این محرم است و از این مجالس. مجالس تبلیغ ما هم از محرم است، از این قتل سیدالشهداست و شهادت اوست.

ما باید به عمق این شهادت و تأثیر این شهادت در عالم برسیم و توجه کنیم که تأثیر او امروز هم هست. اگر این مجالس و عطا و خطابه و عزاداری و اجتماعات سوگواری نبود، کشور ما بیروز نمی شد. همه در تحت بیرق امام حسین - سلام الله علیه - قیام کردند. الان هم می بینید که در جبهه ها وقتی که نشان

می دهند آنها را، همه با عشق امام حسین است که دارند جبهه ها را گرم نگه می دارند. لکن در این اجتماعی که در محرم و صفر می شود و در سایر اوقات، مبلغین عزیز و علمای اعلام و خطبای معظم باید مسائل روز را، مسائل سیاسی را، مسائل اجتماعی را و تکلیف مردم [را] در یک همچو زمانی که گرفتار اینهمه دشمن ما هستیم، معین کنند؛ به مردم و به کشور بفهمانند که ما در بین راه هستیم و باید تا آخر راه ان شاء الله، برویم.

ما با این ترتیبی که تاکنون بوده است و کشور ما و افراد کشور ما بحمد الله، حاضر بودند، با این ترتیب اگر پیش برویم، آخر کارمان به پیروزی مطلق می رسد. لکن نباید سست بشویم.



سیاست خارجی

۳۲

محتوای توافق وین چه بود؟
ماموریت در برلین
پیغام تهران

۴۵



بین الملل

۴۶

جنگ جهانی سوم
جنگ نیمه سرد بین آمریکا و چین
مبارزه ترامپ با تک قطبی جدید

۵۱



ورزش

۵۲

هجومی مثل کی روش
کی روش باید برود
فاجعه، پس از کی روش

۵۷



طراح جلد: مصطفی مرادی



باتشکر از: دکتر دارابی - دکتر آیت‌الله ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی
مهندس صدوقی حسین محمد پورزند - محمدابراهیم محمد پورزند
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - علیرضا حسن زاده - هادی انباردار

سازمان آگهی‌ها: تلفن: ۰۹۱۲-۸۵۰۵۸۴۸

چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان

توزیع: نشر گستر امروز

نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (نواب)، خیابان نظامی گنجوی، کوچه پناه، پلاک ۱۹

تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

شماره پیامک: ۳۰۰۴۱۱۷۱۱

گرافیک و صفحه آرایی: فاطمه فتائی - علی آجورلو
افشین جم و محمد محمودی

پردازش تصاویر: هومن سلیمیان

عکس: عدنان جعفری و محمد برنو

ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی، نرگس حاجیلو و فاطمه پورمهر

حروفچینی: وجیهه قاسمی - علی حشمتی

مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار

سازمان آگهی‌ها: محمد شکراللهی

بازرگانی و بازاریابی: محمد علی آجورلو

امور اداری: علیرضا اسدالهی - علی اکبر پیمانی

انفورماتیک: شهرام زحمتی

ناظر چاپ: بابک اسکندرنیا

شایعه رد صلاحیت

برخی نمایندگان از اتفاق‌های سال ۹۶ می‌گویند



کودتای دموکراسی؟

رسول منتجب نیا قدرت را به الیاس حضرتی واگذار نمی کند

جنجال تابعیت

آیا او باما امتیاز ویژه ای به ایرانی ها داده بود؟



شایعه ردصلاحیت

برخی نمایندگان از اتفاق‌های سال ۹۶ می‌گویند

حسن روحانی همچنان نامش با شایعات بسیار مهم‌تره خورده است. یک روز می‌گویند او استعفا داده روز دیگر می‌گویند او کابینه‌اش ناراضی است اما استعفا می‌دهد و وزیران را نمی‌پذیرد و حالا هم در تازه‌ترین شایعه گفته شده است که او در انتخابات ردصلاحیت شده بوده. ادعایی که البته بازخوردهای فراوانی داشته است. کامران غضنفری، نویسنده کتاب جنجالی «حسن روحانی در یک نگاه»، مدعی ردصلاحیت رئیس‌جمهوری در سال ۹۶ شده؛ اگرچه سخنگوی شورای نگهبان این ادعا را تکذیب کرده است.

«غضنفری» به نقل از جواد کریمی قدوسی، نماینده مشهد در مجلس شورای اسلامی و از مخالفان دولت روحانی، گفته است: «آقای روحانی را شورای نگهبان ردصلاحیت کرد، برای همین انتخابات سال ۹۶: اما ایشان برمی‌گردد و شورای نگهبان را تهدید می‌کند که اگر من را تأیید نکنید، من انتخابات را برگزار نخواهم کرد. معنای تلویحی این انتخابات را برگزار نخواهم کرد، می‌شود به آشوب کشاندن کشور. شورای نگهبان چرا زیر بار چنین چیزی رفته و با چه مصلحت‌اندیشی‌ای در رأی‌گیری مجدد ایشان را تأیید صلاحیت می‌کند، باید از خود اعضای محترم شورای نگهبان سوال کرد؛ ولی این خبری است که آقای کریمی قدوسی مطرح کرد که در ابتدا شورای نگهبان ایشان را ردصلاحیت کرده بود.»

او درباره دلیل ردصلاحیت روحانی گفته: «به دلیل تخلفات بسیار ایشان. من قبل از انتخابات اسفند ۹۵ مقاله مختصر و فشرده‌ای، همین مقاله‌ای که منتشر کردیم را خیلی خلاص‌تر، آماده و پیگیری چندروزه یا چند هفته‌ای کردم و مقاله مختصری تهیه کردم که آن را فوروردین ۹۶ هفته‌نامه ۹۵ دی چاپ کرد؛ منتها قبل از چاپ از سوی یکی از دوستان فرستادیم که برای شورای نگهبان ببرد، آن دوستی که برده بود و به یکی از اعضای شورای نگهبان داده بود، نقل کرده بود وقتی آن عضو محترم شورای نگهبان این مقاله را خوانده و نگاه کرده بود، گفته بود پرونده فلانی در اینجا خیلی بیشتر از این حرف‌هاست. خیلی سنگین‌تر و بیشتر از این حرف‌هاست؛ یعنی مستندات که شورای نگهبان داشته، خیلی بیشتر از این حرف‌هاست. به همین دلیل هم در مرحله اول ایشان را ردصلاحیت می‌کند. بعد در مرحله دوم به چه مصلحت‌اندیشی ایشان را تأیید می‌کند، خوب از شورای نگهبان باید سوال کرد.»

عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان، در واکنش به این سخنان نویسنده کتاب «حسن روحانی در یک نگاه»، به سایت جماران گفته است: «من از صحبت‌هایی که ایشان می‌گویند، اطلاعی ندارم و فکر نمی‌کنم مطالبی که ایشان می‌گویند قرین به صحت باشد. هر صحبت و اظهارنظری باید مستند به قرآن دقیق و محکمه‌پسند باشد؛ والا اینکه هرکسی از ظن خود یار قافله می‌شود، خیلی مهم نیست. شورای نگهبان اگر مطلبی داشته باشد از طریق سخنگو و روابط عمومی اعلام می‌کند.»

روایت استعفا‌های پذیرفته نشده

اما در ادعایی جالب‌تر، قدرت‌الله علیخانی گفته است: «وزاری را سراغ دارم که چندین بار استعفا داده‌اند، اما رئیس‌جمهور نمی‌پذیرد.

چه اشکالی دارد که اگر نمی‌خواهد بماند، برود و کس دیگری بیاید.

چندی پیش در مراسم بزرگداشت برادر آقای ناطق نوری مسئولی به یکی از دوستان گفته چهار بار استعفا داده‌ام و آقای روحانی قبول نمی‌کند. وقتی کسی استعفا می‌دهد اگر اختلاف در فکر یا نوع کار است، باید راه حل پیدا کنید، اگر نمی‌شود، باید استعفا را بپذیرید، وقتی نمی‌پذیرید مشکلات مضاعف می‌شود.

با این حال معتقدم هنوز دیر نشده و اول کار آقای روحانی است، چرا که فقط یک سال گذشته است و نباید طوری عمل کند که انگار سال آخر دولت است. به ایشان می‌گویم «قوی کار کن و شجاعانه به میدان بیا» در محافل مختلف حرف‌ها و تحلیل‌های متفاوتی مطرح می‌شود. اگر اصلاح‌طلبان یا حامیان آقای روحانی نقد و حرف

دارند، برای خودشان نیست. می‌گویند فضای جامعه با عملکرد بعضی از وزرا و همچنین برخی مدیران ارشد در سطح استان‌ها منفعل شده است. مدیرانی که باید همراه مردم باشند، نیستند. بعضی از استان‌ها نیز فضای خوبی ندارند. مثلاً در استان ما [قزوین] با این شرایط، تازه وضع خوبی دارد! اما در خیلی از استان‌ها، حامیان دولت و اصلاح‌طلبان می‌گویند این مسئولی که گذاشته‌اند اصلاً با دولت نیست یا بعضاً نوکر

نماینده‌هاست! یا تحرکی در کار ندارند. خوب این مسائل است که حامیان را منتقد و مردم را ناراضی می‌کند. ضرر این رویکرد برای خود دولت است که کارهای خوبی هم که می‌کند تحت الشعاع برخی ضعف‌ها قرار می‌گیرد. مثلاً یک نمونه عملکرد خوب دولت در بحث گازرسانی است. در هیچ دولتی به اندازه دولت روحانی به روستاها گازرسانی نشده و اگر قرار بر قیاس باشد، عملکرد همه دولت‌های قبل یک طرف، دولت روحانی یک طرف، یعنی هر روستایی که جمعیت قابل توجهی داشته یا گازرسانی شده یا در حال گازرسانی هستند، برخی کارهایی که الان در حال انجام است، انصافاً دولت گذشته این سرعت و حجم را نداشت.»

مصطفی کواکبیان، نماینده اصلاح طلب مجلس هم با اشاره به ضرورت تغییر برخی از اعضای خسته و ناکارآمد و بی‌انگیزه دولت گفته است: «نمی‌دانم چرا آقای روحانی اصرار دارد که حتماً مجلس دست به کار شود و خودش اقدامی نمی‌کند؟» وی با اشاره به ضرورت استفاده کابینه از مشورت اقتصاددانان برجسته کشور و کارشناسان علمی گفت: «تشکیل شورای عالی اقتصادی

سه قوه شاید برای همین چند ماه شرایط اضطراری باشد والا نمی‌تواند این شورا دانی باشد. زیرا وجود چنین شورای بالادستی عملاً وظایف وزارتخانه‌ها و مجلس و دستگاه قضایی را بی‌خاصیت می‌کند.»



کودتا یا دموکراسی؟

رسول منتجب‌نیا قدرت را به الیاس حضرتی واگذار نمی‌کند

پس از مدت‌ها کشمکش و دودستگی در حزب اعتماد ملی، «محمدجواد حق‌شناس» عضو شورای شهر تهران و از اعضای ارشد حزب اعتماد ملی خبر از تغییراتی در این حزب داد و اعلام کرد، با تصمیم شورای مرکزی اعتماد ملی، پس از این دیگر حجت‌الاسلام «رسول منتجب‌نیا» قائم‌مقام این حزب نخواهد بود. او عنوان کرده که «الیاس حضرتی» نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی به عنوان قائم‌مقام و «اسماعیل گرامی مقدم» به عنوان سخنگوی حزب اعتماد ملی انتخاب شده‌اند. دلیل این انتخاب‌ها از سوی شورای مرکزی حزب اعتماد ملی توسط حق‌شناس این گونه بیان شده است: با توجه به اینکه در نامه اخیر، دبیرکل حزب اعتماد ملی نیز اختیارات خود را به شورای مرکزی واگذار کرده بود، بنابراین جلسه‌ای برای انتخاب قائم‌مقام، سخنگو و روسای دفاتر حزب برگزار شد و از میان ۳۱ رأی اعضای شورای مرکزی حزب اعتماد ملی، «الیاس حضرتی» با ۳۰ رأی به عنوان قائم‌مقام و «اسماعیل گرامی مقدم» با ۲۶ رأی به عنوان سخنگوی حزب انتخاب شدند. «حزب اعتماد ملی» یکی از احزاب اصلاح طلب است که «مهدی کروبی» پس از شکست در انتخابات ریاست جمهوری ایران سال ۱۳۸۴ و پس از کناره‌گیری از دبیرکلی مجمع روحانیون مبارز، آن را تأسیس نهاد. این حزب چهره‌های اصلاح طلب زیادی را جذب خود کرد و با تأسیس روزنامه «اعتماد ملی» کار خود را ادامه داد. اما پس از برگزاری انتخابات سال ۸۸ حوادث و اتفاقات به نحوی رقم خورد که ارگان حزب مزبور تعطیل شد و با حصر کروبی کار حزب اعتماد ملی با شدت قیل ادامه پیدا نکرد. با آغاز به کار دولت حجت‌الاسلام «حسن روحانی» و تلاشی که از سوی وزارت کشور برای فعالیت بیشتر احزاب در صحنه سیاسی کشور داشت، زمزمه‌هایی از آغاز فعالیت حزب اعتماد ملی شنیده شد، تا این که در ۹ دی ۱۳۹۲ منتجب‌نیا، قائم‌مقام حزب اعتماد ملی اعلام کرد که «عبدالرضا رحمانی فضل‌ی» وزیر کشور از این حزب برای شرکت در نشست وزارت کشور دعوت کرده است. این سرآغازی بود بر حضور پررنگ و دوباره این حزب در سپهر سیاست کشور. البته این بار شیوه کار این گونه بود که پس از حصر کروبی، منتجب‌نیا به عنوان قائم‌مقام او، مسئولیت اداره حزب را بر عهده داشت. این حزب توانست پس از سال ۹۲ در عرصه‌های مختلف اعضای خود را راهی و روانه مسئولیت‌هایی در دولت، مجلس، شورای شهر و حتی شهرداری تهران کند. «مسعود سلطانی فر» وزیر ورزش و جوانان (و قبل از آن رئیس سازمان میراث فرهنگی) و «سید کامل تقوی نژاد» رئیس سازمان امور مالیاتی کشور و «رضانوروزاده» در جایگاه مدیرعاملی

سابق شستا و در جایگاه معاون وزیر نفت و مدیرعاملی شرکت ملی پتروشیمی، «محمدرضا خباز» در جایگاه استانداری سابق سمنان و معاونت معاون پارلمانی ریاست جمهوری از شاخص‌ترین اعضای این حزب در دولت تدبیر و امید بوده و هستند. این حزب همچنین موفق شد که چهره‌هایی نظیر «الیاس حضرتی و احمدمازی» را در قالب لیست امید راهی مجلس کند و سه کرسی شورای شهر پایتخت را برای «سیدمحمدجواد حق‌شناس، سید ابراهیم امینی و حجت نظری» رزرو کند. اوچ این اتفاق هم نشان‌اندن «سیدمحمد علی افشانی» از اعضای ارشد اعتماد ملی بر کرسی مدیریت عالی شهر تهران و به عنوان شهردار پایتخت بود. با همه این توفیقات، نبود حجت‌الاسلام «مهدی کروبی» به عنوان دبیرکل حزب اعتماد ملی و واگذاری مسئولیت‌ها و امورات به قائم‌مقام این حزب، باعث بروز برخی اختلافات داخلی در این حزب شد که در نهایت این مسأله باعث شد کروبی دی ماه سال گذشته با نگارش نامه‌ای خطاب به «الیاس حضرتی» از او بخواهد، با همراهی ۱۱ تن از اعضای شورای مرکزی مشکلات موجود در حزب را مرتفع کنند. برگزاری کنگره حزب اعتماد ملی طی ماه‌های اخیر عرصه برای علنی تر شدن اختلافات اعضای حزب و پی بردن به عمق آن بود تا جایی که باعث شد این اختلافات به درگیری در کنگره بینجامد. پس از آن بود که حجت‌الاسلام «مهدی کروبی» خرداد ماه سال جاری در نامه‌ای خطاب به اعضای شورای مرکزی حزب اعتماد ملی، برای دومین بار از آنها خواست با درخواست او مبنی بر استعفا از سمت دبیرکلی حزب موافقت کنند. دبیرکل اعتماد ملی در حالی درخواست استعفا کرده که جمعه قبل از تاریخ نگارش نامه‌اش، دومین کنگره سراسری حزب اعتماد ملی، با وجود برخی اختلافات داخلی در این حزب برگزار شد و البته شاهد تنش‌هایی نیز بود.

جدال در حزب

اما بعد از تغییرات جدید حزب، دفتر رسول منتجب‌نیا، قائم‌مقام حزب اعتماد ملی در بیانیه‌ای به انتخابات اخیر شورای مرکزی این حزب که در آن الیاس حضرتی به عنوان قائم‌مقام جدید انتخاب شد، واکنش نشان داد. او نوشت: «در جلسه شورای مرکزی مورخ ۹۷/۴/۱۵ همه اعضا به جز یک نفر به قائم‌مقامی جنابعالی رأی دادند و تعداد مخالفان آن رأی در حزب، از ۷ یا ۸ نفر تجاوز نمی‌کند که آن هم طبیعی است.»

جلسه مزبور از تعداد ۶۱ نفر اعضای اصلی و علی‌البدل شورای مرکزی زمان رأی‌گیری فقط تعداد ۲۵ نفر صاحب رأی حضور داشتند که جلسه رسمی نبوده و مصوب آن فاقد

اعتبار است، ضمن آنکه به دلایل متعدد آن جلسه غیر قانونی و کودتا گونه بوده و نمی‌توان آن را جلسه حزبی نام گذاشت و لذا ۳۶ نفر از اعضا اکثراً تعدماً شرکت نکردند چون آن را غیر قانونی می‌دانستند.

«منشأ اختلافات در حزب اعتماد ملی عضویت در شورای عالی سیاست‌گذاری بود». این سخن نیز دروغ محض است چون در شورای مرکزی مصوب شد با آن شورا و شورای هماهنگی اصلاحات تعامل شود اما با حفظ هویت حزبی، متأسفانه به‌رغم حضور قائم‌مقام محترم حزب و دو تن دیگر در آن شورای عالی به دلیل خودباختگی و مقهور شدن تعداد ۴۵ نفر عضو شورای مرکزی در برابر شخصیت‌ها و احزاب دیگر و تأکید اکثریت شورا بر حفظ استقلال حزب، این اختلاف شدت گرفت.

البته آغاز اختلافات در حزب اعتماد ملی، بازگشت یکی از اعضا از خارج کشور و آزادی دو تن از اعضای شورا از زندان بود که بسیار جای تأمل و تأسف است.

«استعفای دبیرکل به دلیل مخالفت آقایان... بود»؛ حتماً فراموش کرده‌اید که استعفای دبیرکل پس از کشف مرحله اول کودتای آن چند نفر علیه دبیرکل و قائم‌مقام او بود نه اختلافات دیگر!

در اظهار نظری دیگر یک عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی گفت: «حضرتی حق نداشت جلسه شورای مرکزی را بدون اجازه دبیرکل و قائم‌مقام حزب اعتماد ملی برگزار کند». اسماعیل دوستی، عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی در گفت‌وگو با خبرنگار احزاب و تشکل‌های گروه سیاسی باشگاه خبرنگاران جوان، با اشاره به حواشی اخیر انتخابات الیاس حضرتی به عنوان قائم‌مقام این حزب و حمایت از واکنش رسول منتجب‌نیا اظهار کرد: «آقای حضرتی حق نداشت جلسه شورای مرکزی را بدون اجازه دبیرکل و قائم‌مقام حزب اعتماد ملی برگزار کند. وی افزود: «بدیهی است که قائم‌مقام باید توسط شخص دبیرکل مشخص شود و آقای کروبی نیز صراحتاً رسول منتجب‌نیا را به عنوان قائم‌مقام حزب اعتماد ملی برگزیده و قبول دارند.» دوستی تصریح کرد: «منتجب‌نیا منتسب و مورد قبول کروبی بوده و با وجود ۴ بار استعفای وی، دبیرکل حزب همچنان بر اینکه منتجب‌نیا در کسوت قائم‌مقامی اعتماد ملی باقی بماند، اصرار دارند، لذا مجدداً تأکید می‌کنم که جلسه آقای حضرتی با شورای مرکزی غیر قانونی بوده و بنده نیز در آن حضور نیافتم.» عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی در پایان خاطرنشان کرد: «بنده چندی پیش با آقای کروبی دبیرکل حزب اعتماد ملی دیداری داشتم و به همین سبب می‌دانم که وی همچنان منتجب‌نیا را به عنوان قائم‌مقام حزب قبول دارد.» چه هست در آخرین تحول در این مورد دبیرکل حزب اعتماد ملی در احکام جداگانه‌ای و براساس رأی اعضای شورای مرکزی، روسای دفتر و قائم‌مقام حزب اعتماد ملی را منصوب کرد. کروبی در نامه‌ای با اشاره به امضای ۳۰ عضو شورای مرکزی اعتماد ملی الیاس حضرتی را به مدت دو سال به عنوان قائم‌مقام این حزب تأیید و از زحمات منتجب‌نیا تقدیر کرد.



حمله فرح‌بخش به رامبد

محمدحسین فرح‌بخش، برای اولین بار در روز پنجشنبه ۱۴ تیر، ویدئویی را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد که در آن سیدعلی احمدی، مدیر عامل موسسه تصویر شهر را به خاطر نمایش ندادن آثارش در سینماهای وابسته به شهرداری تهران مورد انتقاد قرار داد. او در این مصاحبه مدعی شد سیدعلی احمدی که تهیه‌کننده «خندوانه» نیز هست، در پشت پرده این برنامه مشغول رانت خواری است و به رامبد جوان درباره این تهیه‌کننده هشدار داد. رامبد جوان مجری برنامه پر بیننده «خندوانه» هم با انتشار ویدئویی در صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام در ۱۷ تیر به صحبت‌های محمدحسین فرح‌بخش درباره علی احمدی، تهیه‌کننده برنامه «خندوانه» واکنش نشان داد که همین واکنش باعث انتشار ویدئویی تندتر از فرح‌بخش درباره رامبد جوان شد.

رامبد جوان نوشت: «درباره «خندوانه» برخی اوقات، بعضی‌ها صحبت‌هایی می‌کنند و ما را به جاهایی نسبت می‌دهند که اصلاً جای حرف زدن و جواب دادن من را ندارد، اما چند وقت پیش عزیزی در سینما حسین آقا حرفی راجع به من و از زبان من بیان کرد که تا حدی غلط و دروغ و نامردی بود، که نتوانستم جواب ندهم. حسین آقا! ای بزرگ من در سینما! سیدعلی احمدی یک تهیه‌کننده کار درست و برادر و عزیز دوست من در «خندوانه» است و ۲۴ سال است که کار رسانه و تهیه‌کنندگی می‌کند و کارش را عالی انجام می‌دهد، در تمام این دو سال به کمک گروهش باهم «خندوانه» را جلو بردیم، باید برای چیزهایی که گفتی در یک جا عذرخواهی کنی. گفته بودی پشت صحنه «خندوانه» زد و بند است و بارانت پیش می‌رود. اگر سند داری نشان دهید و اگر ندارید حرفی نزدیک. باید بگوییم تمام هزینه‌های «خندوانه» از اسپانسر برنامه تأمین می‌شود و ریالی از تلویزیون گرفته نمی‌شود که به عنوان بودجه تلویزیون و بیت‌المال باشد. اسپانسر هزینه‌های «خندوانه» را نیز به تلویزیون می‌دهد و تلویزیون پول ما را می‌دهد، ما هیچ دخالتی در امور مالی و اسپانسر نداریم. خواهش می‌کنم از این به بعد با سند حرف بزنید و دیگران هم با سند گوش کنند و حرف بزنند، باور کنند «خندوانه» برای شادی مردم ساخته می‌شود و اگر می‌خواستیم پول در بیاوریم، سکه خرید و فروش می‌کردیم و برج و ساختمان می‌ساختیم، ما برای سینما و حرفه خودمان کار می‌کنیم.»

محمدحسین فرح‌بخش در ویدئویی که در فضای مجازی منتشر کرد، گفت: «یارب! مباد که گدا معتبر شود... یادت رفته که پانزدهم بهمن ۹۶ مقابل ناجی هنر گفتی جواد فرحانی تهیه‌کننده خندوانه است و علی احمدی فقط کارهای تدارکات را انجام می‌دهد؟! رامبد جان! تا سه سال قبل اگر ماشینت را می‌زدیدند نمی‌توانستی جایگزین کنی و حالا... بیخودی برای مردم گرسنه نقش بازی نکن! اگر روراست هستی بیا و عقبه اسپانسرهای برنامه‌ات را افشا کن. آیا این اسپانسرها متصل به بیت‌المال نیستند؟ پول اسپانسرهایی که وارد برنامه‌ات شدند برای مردم پاره‌هنگ نیست که در آبادان و خرمشهر آب هم ندارند؟ من بعد از سال‌ها کار در سینما نمی‌توانم هم‌زمان سه فیلم تهیه کنم شما از کجا سرمایه تولید متوالی چند فیلم را فراهم کرده‌ای؟ زمانی که من به شما نقش دادم کسی در سینما به شما نقش یک نمی‌داد. خنده دار است که می‌گویی احمدی سابقه ۲۴ سال تهیه‌کنندگی دارد. این سابقه در کجا بوده؟ این بنده خدا تازه به واسطه اعتراضات ما به خاطر عملکرد غلطش در تصویرشهر و توقیف فیلم‌های مجوزدار از گمنامی درآمد.»



اعدام ۸ عامل داعش در ایران

هشت عامل داعش در حمله به مجلس شورای اسلامی و حرم مطهر امام خمینی (ره) اعدام شدند.

این هشت نفر با عوامل اصلی به شهادت رساندن و مجروح نمودن تعدادی از هموطنان بی‌گناه در حمله به ساختمان مجلس شورای اسلامی همکاری مستقیم داشته و با علم و آگاهی از هدف و قصد عوامل گروهک تروریستی، آنان را پشتیبانی، تأمین مالی و تسلیحاتی کرده‌اند. متهم اول این پرونده سلیمان مظفری فرزند رحمان با نام مستعار ابوانصار - امین حسینی از سال ۱۳۹۴ از کشور خارج شده و به داعش می‌پیوندد. در سال ۱۳۹۶ به همراه تیم تروریستی به صورت غیر مجاز در حالی که سلاح و مهمات جنگی به همراه داشته و کمربند انفجاری به خود بسته، به کشور وارد می‌شود و با شناسنامه معمول به نام امین حسینی به نمایندگی از سوی تیم موفق به اجاره مکانی در شهرک کرناچی جهت اقامت تیم تروریستی در کرمانشاه می‌شود. علت عدم همراهی ایشان با تیم عملیاتی اعزامی به تهران، طراحی و تدارک عملیات‌های بعدی بوده است.

محکومان، بلافاصله پس از حمله تروریستی مورخ ۱۷ خرداد ۱۳۹۶، با انجام اقدامات گسترده اطلاعاتی و قضایی دستگیر شدند و پس از انجام تحقیقات قضایی، به موجب کیفرخواست مورخ اول بهمن ۱۳۹۶ صادره از ناحیه ۲۳ دادسرای عمومی و انقلاب تهران (شهید مقدس)، برای آنان حسب اقدامات مجرمانه ارتكابی به اتهامات از طریق عضویت در گروهک تکفیری تروریستی داعش، معاونت در افساد فی الارض، قاچاق سلاح و مهمات (حین ورود به کشور) و... تقاضای مجازات گردید.

جلسات محاکمه در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی با عنایت موازین قانونی و حضور وکلای مدافع به صورت علنی برگزار گردیده و دادگاه طی دادنامه مورخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۷، با توجه به اقرار صریح و ضمنی متهمین در جلسات علنی، بخش فیلم‌های عملیات تروریستی تیم ترور در دادگاه که غالباً توسط مهاجمین از جنایت فیلم‌برداری شده و قبل از معدوم شدن از طریق فضای مجازی تلگرام به مرکزیت داعش ارسال و از آن طریق به سراسر دنیا مخابره شده است، استماع شکایت شکات و خانواده معظم شهدا و شاهدان عینی، بازدید هیات قضایی دادگاه در معیت رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی و نمایندگان دادستان از محل مجلس شورای اسلامی و دریافت گزارش‌ها و جمع‌آوری مستندات در خصوص نحوه ورود و اقدامات تروریست‌ها در به شهادت رساندن ۱۸ نفر و زخمی نمودن ۴۰ نفر، با احراز علم و آگاهی متهمان از اهداف گروهک و وحدت قصد آنان نسبت به انجام عملیات تروریستی در مرقد مطهر حضرت امام (ره) و مجلس شورای اسلامی، اتهامات مندرج در کیفرخواست را محرز دانسته و عمل آنان را مصداق بغی و معاونت در افساد فی الارض تشخیص داده و مستنداً به مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ متهمان به اسامی فوق‌الذکر را به اعدام محکوم نموده است. پس از اعتراض محکومان و وکلای مدافع آن‌ها، شعبه سسی و نهم دیوان عالی طی دادنامه مورخ ۲۰ خرداد ۱۳۹۷، دادنامه صادره از دادگاه نخستین را تأیید کرده و با قطعیت یافتن دادنامه، مجازات اعدام با رعایت موازین شرعی و قانونی اجرا شد. پرونده در خصوص سایر متهمان و مرتبطان مفتوح است.



خواسته‌های چین از ایران چیست؟

در حالی که ایران در حال مذاکرات هسته‌ای برای تعیین تکلیف برجام است گویا مذاکرات مهمی با چین در جریان است.

خبرنگار مثلث مطلع شده است که در آخرین دور از مذاکرات دو کشور مباحث قابل توجهی به میان آمده است. بر اساس این گزارش چین چند خواسته از ایران داشته است. گویا یکی از این خواسته‌ها پذیرش یوآن در ایران است. همچنین این کشور از ایران خواسته است که در ایران بانک داشته باشد. این گزارش حاکی است تعیین تکلیف جاده ابریشم از دیگر نکات مورد توجه چینی‌ها بوده است.

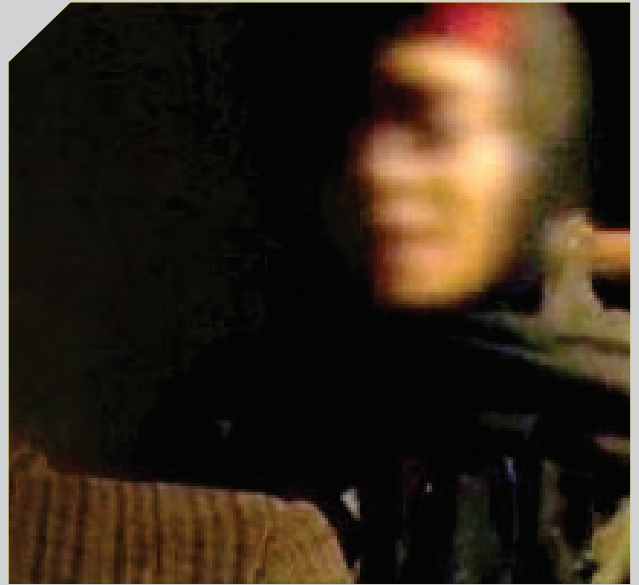
چینی‌ها البته نگاهی قابل توجه به نفت هم دارند. خبرنگار مثلث گزارش کرده است که چینی‌ها در این مذاکرات خواسته‌اند که قرار دادهای بلندمدت خرید نفت از ایران داشته باشند. از قرار معلوم آنها از همین حالا برای پایان دوران تحریم ایران روزشماری می‌کنند.

گفتنی است اردیبهشت ماه سال جاری «محمد جواد ظریف»، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در صدر هیات بلند پایه سیاسی و اقتصادی به چین سفر کرد و با وانگ یی همتای چینی خود دیدار و گفتگو کرد. در این دیدار در خصوص طیف گسترده‌ای از موضوعات دوجانبه، مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی بویژه برجام گفتگو و تبادل نظر شد وزیر امور خارجه کشورمان اظهار کرد: برای من مهم بود دیدار با اعضای برجام منتهای آمریکا را از چین شروع کنم. چین و ایران دو کشور دوست و شریک راهبردی هستند که همواره در کنار هم هستند. ایران و چین در همه زمینه‌ها همکاری گسترده دارند و چین بزرگترین شریک تجاری ایران است. وزیر امور خارجه با تشریح شرایط برجام قبل و بعد از خروج آمریکا از آن اظهار کرد: از موضع دولت چین در قبال برجام و اقدام رئیس‌جمهور آمریکا قدردانی می‌کنیم. آمریکا با خروج خود از این توافق چند جانبه توازن آن را خدشه دار کرد و صریحا قطعنامه ۲۲۳۱ را نقض کرد. ما هم می‌خواهیم مطمئن شویم ملت ایران در صورت ادامه حضور در برجام که شما و دیگر طرف‌ها توصیه به ماندن کردند، از منافع آن بهره‌مند می‌شود.

در ادامه این دیدار وانگ یی ایران را کشوری بسیار مهم و متنوع خواند و گفت: چین مایل است روابط راهبردی دو کشور ادامه یابد و ادامه هم خواهد یافت. همکاری با ایران در زمینه‌های اقتصادی رو به پیشرفت است و در سایر زمینه‌های سیاسی، امنیتی و... هم بخوبی پیش می‌رود. وانگ یی برجام را یک توافق چند جانبه بین‌المللی خواند که همه طرف‌ها موظف به اجرای آن هستند.

گفتنی است در ماه اردیبهشت همچنین بهروز کمالوندی، سخنگوی سازمان انرژی اتمی در مورد آخرین نتایج از مذاکرات ایران با چین درباره ساخت راکتور اراک، گفته بود: اکنون منتظر نتیجه طراحی تفصیلی هستیم تا بعد وارد مرحله ساخت تجهیزات شویم. راجع به این موضوع مذاکره شده، فکر می‌کنم ظرف هفته‌های آینده هم مذاکرات مان ادامه خواهد داشت.

سخنگوی سازمان انرژی اتمی خاطر نشان کرد: ما طراحی مان را ارائه کردیم، توافقات ما با چینی‌ها پیچیدگی‌هایی دارد، اینطور نیست که همه کارها را به چینی‌ها سپرده باشیم، خودمان طراحی می‌کنیم و آنها تأیید می‌کنند. این کار را در دو مرحله قبل انجام دادیم، الان منتظر نتیجه تفصیلی هستیم، بعد وارد مرحله ساخت تجهیزات می‌شویم که راجع به این هم مذاکرات شده، فکر می‌کنم ظرف هفته‌های آینده هم مذاکرات مان ادامه دارد.



اعتراف جنجالی

خبر بازداشت مائده هژبری یکی از اینفلوئنسرهای مطرح اینستاگرام از اخبار هفته گذشته بود که واکنش‌های مثبت و منفی زیادی به دنبال داشت. مائده هژبری متولد ۱۳۸۰ در تهران و ورزشکار رشته پارکور و ژیمناستیک است که چند سالی می‌شد در اینستاگرام به فعالیت مشغول شده بود و به عنوان مربی رقص عکس‌ها و کلیپ‌های رقص خودش را در پیج شخصی منتشر می‌کرد و از همین راه به صدها هزار دنبال کننده دست پیدا کرده بود. مائده به همراه افرادی چون الناز قاسمی و شاداب شکیب و دیگر افراد در پیج هایشان رقص‌ها و کلیپ‌های خود در حال رقص را منتشر می‌کنند و فالوورهای زیادی از این راه جذب کرده و درآمد میلیونی را به جیب می‌زنند.

نامبرده در برنامه‌ای که صداوسیما پخش کرد، علت این کار خود را سرگرمی عنوان کرده و گفت: «با گروه یا کسان دیگری همکاری نکرده و قصد فریب یا ترویج بی‌بندوباری نبوده است و فقط افرادی از من خوششان آمده بود و من هم با آهنگ‌های مختلف می‌رقصیدم. این کار را ابتدا برای سرگرمی چهار سال پیش انجام دادم اما بعد از مدتی متوجه شدم آمار فالوورهایم بالا می‌رود.» مائده به همراه چند تن از کسانی چون الناز قاسمی که در اینستاگرام فعالیت داشتند توسط پلیس فتا دستگیر شدند و به قید وثیقه آزاد شدند.

محمدحسین رنجبران که قبلاً خبرنگار صداوسیما بود و هم اکنون به عنوان مدیرکل روابط عمومی این سازمان فعالیت می‌کند از پخش این اعترافات دفاع کرده است. وی گفته است: «صداوسیما باید در حوزه آسیب‌شناسی معضلات فرهنگی فعال عمل کند و این خواسته بسیاری از مخاطبان است. مردم و به ویژه خانواده‌ها در تماس با واحد ۱۶۲ خواهان برنامه‌های آگاهی‌بخش در حوزه آسیب‌های فضای مجازی هستند و بر مبنای این درخواست‌ها و وظیفه ذاتی رسانه برنامه‌ها و مستندهای فراوانی در این زمینه در آینده روی آنتن خواهد رفت.» مدیر کل روابط عمومی صداوسیما ادامه داد: «این وظیفه ذاتی رسانه ملی و خواست مردم بویژه خانواده‌هاست که اطلاعات بیشتری در خصوص آسیب‌های فضای مجازی داشته باشند و نمی‌شود وقتی مسئولان مربوطه در حوزه فضای مجازی به وظایف خود در ساماندهی فضای مجازی عمل نمی‌کنند ما هم بنشینیم و دست روی دست بگذاریم و برنامه‌های آگاهی‌بخش به خانواده‌ها ارائه نکنیم.»

او گفت: «ریشه اصلی این معضل در بی‌قاعدگی و قانون بودن فضای مجازی کشور است. بارها بر این مساله تأکید شده که نباید فضای مجازی افسارگسیخته باشد و مثل همه جای دنیا باید قواعد و قانون مشخصی داشته باشد و منتشر کنندگان محتوای نامناسب در این فضا بدانند که چه هزینه‌هایی در انتظارشان است اما گویی اراده‌ای در این زمینه بین مسئولان مربوطه وجود ندارد و این جای تأسف است.» رنجبران گفت: «این برنامه محصول معاونت اجتماعی نیروی انتظامی بود. یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های مشترک ما و ناجا حرکت در مسیر پیشگیری است و همان‌طور که گفتیم بسیاری از خانواده‌ها با ما تماس می‌گیرند و مطالبه جدی در زمینه برنامه‌های آگاهی‌بخش در حوزه فضای مجازی دارند. وی افزود: «برخی خانواده‌ها با ما تماس می‌گیرند و به صراحت می‌گویند ما خانواده‌ای مذهبی نیستیم اما به خانواده و حرمت خانواده اعتقاد داریم و همکاران ما را قسم می‌دهند که برنامه‌هایی بسازید تا جلوی این عرصه افسارگسیخته فضای مجازی را بگیرد و به خانواده‌ها آگاهی دهد.»



انتشار تصاویری از آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام، بار دیگر موضوع بیماری و وخامت حال رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را در افکار عمومی به جریان انداخت. یکی از شاگردان آیت‌الله در قم گفت: «کلاس آیت‌الله هاشمی شاهرودی از دی‌ماه سال گذشته به دلیل بیماری ایشان تعطیل شده و تا امروز هیچ جلسه‌ای تشکیل نشده است.» موضوع بیماری رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام از همان زمان که زمزمه جایگزینی او بر صندلی مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مطرح می‌شد، به میان آمد.

وضعیت جسمانی آیت‌الله

چالش حجاریان

پس از آنکه سعید حجاریان در قالب یک گفت‌وگو مسایلی را در مورد انتخابات، اصلاح طلبان و شورای نگهبان مطرح کرد حمیدرضا ترقی گفته است: «از این به بعد هرچه تجمع اعتراضی داشته باشیم به پای آقای حجاریان نوشته می‌شود چون کار مشترکی است و از قبل زمینه ایجاد اغتشاش را در جامعه فراهم کردند.» حالا درواکش به بازتاب‌های سخنان حجاریان و طرح اظهاراتی مانند سخنان ترقی، یکی از رسانه‌های اصلاح‌طلب در مطلبی که به نظر می‌رسد از سوی یکی از نزدیکان حجاریان تنظیم شده نوشته است: «ایده حجاریان نه در برگزیده تظاهرات کور و اقدامات وندالیستی و ساختارشکن است، نه از باج‌گیری‌های سیاسی حمایت می‌کند او هیچ‌گاه در پروژه فکری-مطالعاتی خود تحت تاثیر شرایط قرار نگرفته و متحد و همپیمان کوتاه‌مدت نشده است»



شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، یک حقوق‌دان پاکستانی-انگلیسی را به عنوان گزارشگر ویژه این سازمان در امور حقوق بشر ایران معرفی کرد. «جاوید رحمان» ۵۱ ساله، متولد شهر «فیصل‌آباد» از توابع ایالت پنجاب پاکستان است و تابعیت کشور انگلیس را دارد. رحمان در سی‌وهشتمین نشست شورای حقوق بشر در ژنو به عنوان گزارشگر ویژه ایران تعیین شد. جاوید رحمان جایگزین عاصمه جهانگیر خواهد شد که سال گذشته به علت ایست قلبی درگذشت. وی از بین ۱۴ نامزد که برای تصدی پست گزارشگر حقوق بشر ایران بودند انتخاب شده است. این خبر در حالی منتشر می‌شود که شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد مأموریت گزارشگر ویژه این سازمان در امور حقوق بشر ایران را برای یک سال دیگر تمدید کرد.

پاکستانی دوم

تمدید سپنتا

بعد از آنکه شایعاتی در مورد آخرین وضعیت سپنتا نیکنام مطرح شد، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: «برای حل پرونده سپنتا نیکنام مهلت رسیدگی به این پرونده را تمدید کردیم. در فروردین ماه مهلت سه‌ماهه رسیدگی به پرونده سپنتا نیکنام تمام شده بود، اگر رسیدگی به آن را تمدید نمی‌کردیم نظر شورای نگهبان قطعی و از دست‌ورکار مجمع خارج می‌شد. با پیشنهاد اینجانب و موافقت آیت‌الله شاهرودی تمدید رسیدگی که طبق آیین‌نامه حداکثر یک سال می‌تواند باشد، انجام شد. حل این نوع اختلافات به رای دو سوم مجمع تشخیص مصلحت نظام نیاز دارد به همین دلیل دو هفته پیش بین دو کمیسیون حقوقی و سیاسی مجمع جلسه‌ای مشترک گذاشتیم تا نظرات آنها به هم نزدیک‌تر شود.» رضایی افزود: «این همه فضای شایعه‌پراکنی و غوغاسالاری که فرصت‌طلبان سیاسی در می‌آوردند باعث نگرانی‌هایی است. این افراد با دروغ‌پردازی، محیط عقلانی تصمیم‌گیری را هدف قرار داده‌اند، برخی از آنها نه به ایران، نه به مردم و نه به اقلیت‌ها رحم نمی‌کنند و با سیاسی کاری فقط به دنبال منافع خود هستند.»



جنجال تابعیت

ایاوباما امتیاز ویژه‌ای به ایرانی‌ها داده بود؟

چند روز پیش حجت الاسلام «مجتبی ذوالنور» نماینده قم در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با روزنامه اعتماد گفته بود: «وقتی آقای اوباما در جریان بحث برجام تصمیم گرفت، به آقایان حال بدهد، به ۲۵۰۰ نفر از ایرانیان تابعیت اعطا کرد و برخی آقایان و مسئولان با یکدیگر مسابقه گذاشتند که فرزندان شان جزو این ۲۵۰۰ نفر باشند. امروز اگر این افراد از آمریکا اخراج شوند، مشخص می‌شود چه کسانی زود بند دارند و منافع ملی را به آبنبات آمریکا می‌فروشند.» این سخنان او بازخوردهای فراوانی داشت.

ذوالنور با بیان اینکه ممکن است از هر جریانی در میان این مسئولان حضور داشته باشند، خاطر نشان کرد: «باید دقیقاً اعلام شود که فرزندان کدام مسئول در آمریکا زندگی می‌کنند و تابعیت و اقامت گرفته‌اند. آن هم در شرایطی که حدود ۳۰ تا ۴۰ نفرشان مشغول تحصیل هستند و باقی این جمعیت با پول مردم حال شان را می‌کنند و با هزینه منافع ملی، از رانت استفاده می‌کنند. اینها باید روشن شود. نمی‌توان مردم را با کله معلق بازی و پشتک‌زدن قانع کرد. کسی که دل در گروی خارج دارد، نمی‌تواند منافع ملی را تأمین کند.» البته این سخنان نماینده قم در مجلس شورای اسلامی که در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس هم عضویت دارد، با واکنش سخنگوی وزارت خارجه دولت اوباما روبه‌رو شد و از طرفی دو تن دیگر از مقامات دولت سابق آمریکا نیز این موضوع را بلافاصله تکذیب کردند، اما به هر حال این تکذیب‌ها نیز مانع واکنش «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا از این مسأله نشد. ماجرای این تکذیب‌ها به این شکل بود که «جان کری» سخنگوی وزارت امور خارجه دولت پیشین آمریکا نوشت: «حقیقت ندارد. نمی‌دانم کدام یک نگران‌کننده‌تر است؛ اینکه رئیس جمهوری، عامدانه قصد اعتباربخشیدن به روایت یک نماینده تندرو ایرانی را دارد یا اینکه او حتی به خود اجازه نداده تا صحت آن را با نزدیکانش بررسی کند؛ هزینه‌اش فقط یک تماس تلفنی بود.» در همین رابطه، «جف پرسکات» عضو شورای امنیت ملی آمریکا در دولت اوباما هم به شبکه تلویزیونی سی. بی. اس گفت: «این ادعاها واهی و کاملاً نادرست است. باید توجه داشت که این هم یک تقلید طولی وار دیگر ترامپ از گزارش‌های فاکس نیوز است که به ادعاها یک نماینده تندرو ایرانی پرداخته است.» اظهارات ذوالنور را که عضو جبهه پایداری و نماینده قم در مجلس شورای اسلامی است، نخستین بار شبکه تلویزیون فاکس نیوز بازتاب داده بود. فاکس نیوز نوشته بود که گرچه این نماینده مجلس ایران به اسم فرد خاصی اشاره‌ای نکرده، اما گفته است که چند تن از فرزندان مقام‌های فعلی و قبلی ایران در آمریکا زندگی می‌کنند.

«دونالد ترامپ»، رئیس جمهور آمریکا، دولت قبلی کشورش را به اعطای ۲۵۰۰ شهروندی آمریکا به مقامات ایرانی متهم کرد و در توثیق مدعی شد: «تازه مشخص شده که دولت باراک اوباما در جریان توافق وحشتناک هسته‌ای ایران، به ۲۵۰۰ ایرانی از جمله مقام‌های دولتی (ایران) - شهروندی آمریکا را داده است. این مسأله چقدر مهم (و بد) است؟»

در این فاصله، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس علاوه بر تکذیب سخنان «مجتبی ذوالنور»، محتوای توثیق ترامپ در سراسر اعطای ۲ هزار و ۵۰۰ گرین کارت به مقامات ایرانی و فرزندانشان را

تکذیب کرد.

«حشمت‌الله فلاحت‌پیشه» در واکنش به توثیق «دونالد ترامپ» مبنی بر اعطای دوهزار و ۵۰۰ گرین کارت و حق شهروندی آمریکا به مقامات ایرانی و فرزندانشان در جریان مذاکرات ۵+۱ گفت: «ترامپ بر اساس دروغ‌سازی‌ها سعی می‌کند سیاست ضد ایرانی را پیش ببرد و متأسفانه برخی دروغ‌ها داخل ایران منتشر می‌شود.»

نماینده مردم اسلام‌آباد غرب در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: «تحقیق و تفحص از دو تابعیتی‌ها تنها کاری بود که در مورد دو تابعیتی‌ها در مجلس صورت

اما در ادامه این واکنش‌ها «محمدجواد ابیطحی»، نماینده خمینی‌شهر گفت: «اگر آقای ذوالنور آن مطلب را بیان نمی‌کرد، ترامپ در نهایت می‌گفت و در این شکی نیست. اینکه ما اطلاع داشته باشیم که آنها چه کاری خواهند کرد، خوب است.» او عنوان کرده که «واکنش توییتری ترامپ بعد از اظهارات آقای ذوالنور، نشان از هم‌صدایی این دو ندارد و باید ناراحت هم شد و این موضوع باید نقد شود. اگر همان زمان که آقای ذوالنور گفتند که ۲۵۰۰ نفر در زمان مذاکرات، تابعیت آمریکا گرفتند مسئولین واکنش نشان می‌دادند، ترامپ این حرف را نمی‌زد. دو تابعیتی‌ها و وابستگان شان که در خارج از کشور هستند، مانع تصمیم‌گیری برخی از مقامات دولتی ما شده‌اند.» اما صادق زیبا کلام هم به این ماجرا واکنش نشان داد. او در توییتر خود نوشت: «جناب حجت الاسلام ذوالنور و آقای دونالد ترامپ می‌گویند در جریان توافق



هسته‌ای ۲۵۰۰ ایرانی گرین کارت گرفته‌اند. اما آقای دکتر ظریف و اوباما این خبر را تکذیب می‌کنند. گذشته سیاسی این چهار نفر به من می‌گوید که به صداقت مجموعه «ظریف+اوباما» خیلی بیشتر می‌توان اطمینان داشت تا «ذوالنور+ترامپ.»

ام‌اس‌د مهم‌ترین واکنش به این خبر محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان در گفت‌وگو با الف با تکذیب این خبر گفت: «بنده که مذاکرات را انجام دادم این خبر را تکذیب می‌کنم. از پایه دروغ است.» وزیر خارجه کشورمان ادامه داد: «هیچ‌گاه این گونه مباحث (حتی درخواست مشروعی مثل لغو محدودیت تحرک دیپلمات‌های ایرانی در سازمان ملل متحد) در مذاکرات یا حواشی آن یا به هر نحو دیگری مطرح نشده است.» ظریف تأکید کرد: «اگر دوستان آقایان دل‌واپس بدون اطلاع مذاکره‌کنندگان چنین امتیاز عجیب و غیر معمولی را از آمریکا گرفته‌اند (که به گفته سخنگوی وزارت امور خارجه ترامپ حتی مسئولیتش با وزارت خارجه که طرف مذاکره ما بود نبوده و نیست) که این قدر با اطمینان از آن سخن می‌گویند بحث دیگری است. خوب است اسامی این افراد را منتشر کنند.»

گرفته و حدود ۱۰۰ نفر را شامل می‌شود و از این میان، حداکثر ۱۰ نفر از آنها تابعیت مضاعف آمریکایی داشتند که رقم ناچیزی در بین مدیران کشور است.» وی با بیان اینکه ۱۰ نفر دارای تابعیت مضاعف آمریکایی قبل از برجام این تابعیت مضاعف را دریافت کردند، گفت: «آمار اعطای دوهزار و ۵۰۰ گرین کارت و حق شهروندی به مقامات ایرانی در جریان مذاکرات برجام کذب محض است و از طرح چنین مباحثی در شرایط کنونی متأسفیم.» فلاحت‌پیشه تأکید کرد: «ما به پاک دستی دیپلمات‌های ایرانی ایمان داریم و معتقدیم این افراد امانتداران سیاست خارجی کشور بوده و در برجام هم زحمات بسیاری کشیدند. کم‌اینکه مقام معظم رهبری هم از سیاست خارجی و دیپلمات‌های ایرانی در جریان مذاکرات برجام بارها قدر دانی کردند. کارشکنی آمریکا در برجام سبب رسوایی ایالات متحده در جامعه جهانی شده، لذا آمریکا با طرح ادعاها دروغین همانند آنچه در توثیق ترامپ آمد، سعی می‌کنند تا برجام را از ناحیه ایران زیر سوال ببرند و جمهوری اسلامی را طرف ناصالح نشان دهند. حال آنکه ایران صالح‌ترین طرف برجام است و بازیگری که بالاترین تعهد را نسبت به برنامه جامع اقدام مشترک داشته است.»

محمدباقر قالیباف در صفحه اینستاگرام خود با انتشار تصویری، چند خطی درباره حرکت جهادی یک طلبه و همسر معلمش نوشت. به گزارش مشرق، محمدباقر قالیباف در صفحه اینستاگرامش نوشت: «در سفری، اتفاقی بر می‌خورند به مشکلات و مصائب مردمی که در بخشی از شهرستان رودبار روزگار می‌گذرانند. شوهر خانواده که طلبه است، با همراهی همسرش، که معلم است، تصمیم به هجرت و کمک به این مردم می‌گیرند. خانم که کارمند رسمی آموزش و پرورش در مرکز یک استان برخوردار بوده، کارش را به صورت دائمی منتقل کند به روستایی در شهرستان رودبار. آقا هم بین دوستان طرح موضوع می‌کند و پانزده خانواده طلبه و دانشجوی دیگر را می‌آورد پای این #هجرت_جهادی. حالا دو سال است که آن خانم از ابتدایی تادیرستان را در روستا تدریس می‌کند. همه در خانه‌هایی گلی و محقر زندگی می‌کنند، اما خدماتشان به ۴۴ پارچه آبادی می‌رسد. بین شان فارغ التحصیل کشاورزی هست، متخصص طب سنتی هست و... در روستاها پخش شده‌اند و دارند تلاش می‌کنند تا کیفیت زندگی مردم بیشتر شود. اینها هجرت به اروپا نکرده‌اند، مثلاً نرفته‌اند به فلان دفتر در لندن. رفته‌اند جایی که به رغم بودن در منطقه پر بارش کشور، آب خوردن ندارد و باید با دبه بروند و برای خودشان آب بیاورند. با تلاشی که کرده‌اند برداشت گندم را به دو برابر افزایش داده‌اند و امیدوارند که این راه به چهار برابر برسانند. درد اینچاست که در این منطقه شش هزار هکتار زمین را که تحت کشت دیم است، روستاییان دارند با همان شیوه سنتی چهل سال قبل کاشت و داشت و برداشت را انجام می‌دهند. رفته‌به دیدارشان برای کمک و گفتن خدایوت. #اقتصاد_مقاومتی با این‌ها معنی پیدا می‌کند.»



در شبکه‌های اجتماعی توضیحاتی منتسب به محسن هاشمی رییس شورای شهر تهران درباره در رابطه با یک عکس توضیحاتی منتشر شده است. به گزارش مشرق، در پی انتشار تصویری از تبلت مورد استفاده رییس شورای شهر تهران در رسانه‌ها با برجسب اموال دانشگاه آزاد اسلامی، توضیحی در شبکه‌های اجتماعی به نقل از توییتور محسن هاشمی منتشر شده است. وی در این مورد ضمن تشکر از حساسیت افکار عمومی و اصحاب رسانه نسبت به حفظ بیت المال توضیح کوتاهی داده است: «ضمن تشکر از حساسیت اصحاب رسانه به حفظ بیت المال، به اطلاع می‌رساند تبلت مذکور در زمان ۴ سال مسئولیت معاونت عمرانی دانشگاه آزاد اسلامی توسط بنده جهت کار تابل الکترونیک استفاده می‌شده و پس از استعفا، بدلیل وجود اطلاعات شخصی در آن، بعنوان یک وسیله مستعمل در اختیار بنده باقی مانده و ارزش وقت آن از حساب شخصی من در دانشگاه جهت تسویه محاسبه شده است» این توضیحات البته در حساب کاربری که به نام محسن هاشمی فعالیت می‌کند درج نشده و منبع آن مشخص نیست.



توییت مهدی محمدی درباره اظهارات ترامپ



توییت نوبخت درباره جهانگیری



یک فعال رسانه ای در توییتور به نقل از حبیب الله دهمرده نماینده مردم زابل، زهک، هیرمند و هامون در مجلس درباره خشکسالی استان سیستان و بلوچستان نوشت



علی لاریجانی، در جدیدترین پست اینستاگرامی خود تصویری از نشست شورای عالی هماهنگی اقتصادی به اشتراک گذاشت.



راهکار وزیر ارتباطات درباره چالش قطع برق کشور



تبدیل کشور هدف ایران به ژاندارم منطقه نیستن چون یه اشتباه رو دوبار تکرار نمی کنن، بلکه مثل افغانستان دیگر همسایه ایران که پایگاهی شدن برای محاصره چین در کنار ژاپن و کره جنوبی در ۱۵ سال گذشته دنبال ایجاد پایگاهی برای تکمیل محاصره روسیه در ایران هستن. . . ایران هم عاملی هست برای محاصره روسیه و هم چین هم از نظر ابعاد امنیتی هم اقتصادی هم انرژی! . . هم مسیر ترانزیت. . . شرق به غرب. این خواب آنها تعبیر نمی شود.

متأسفانه خیلی ها در خواب قبل از انقلاب سیر می کنن استراتژی آمریکا در برخورد با ایران نسبت به قبل انقلاب تحت تاثیر لابی اسرائیل و بخصوص اعراب تغییر کرده. آمریکا دنبال مهار ایران و کوچک سازی اقتصادی نظامی با یک ارتش کوچک مینیاتوری هم دیگه نیستن آمریکا به علاوه ناتو دنبال بازگشت نظامی به ایران و همسایه شدن دوباره با روسیه هست، کاری که با دیگر همسایه روسیه یعنی اوکراین هم اخیرا کرد در زمان اوباما مودب. . . اونها دیگه مثل قبل انقلاب دنبال

تکیه ایران به اروپای غربی که عملا بخشی از ایالت های آمریکا هستند واقعا عجیب است. ایران اگر به سمت آمریکای جنوبی، آفریقا، آسیا و حتی اروپای شرقی می رفت بهتر بود تا امثال آلمان، انگلیس و فرانسه که دست کمی از آمریکا ندارند در ایران ستیزی.



بهبتره دولت ایران صریحا اعلام کنه اروپاییها کاره ای نیستند و کوچکترین کمکی نتوانسته و نمی توانند برای حفظ برجام بکنند و ما دیگر با آنها مذاکره هم نمی کنیم. بگذار ببینیم بقیه دنیا چه می کنند. اگر آنها توانستند منافع ما را تامین کنند که خوب و گرنه دیگر برجام اصلا برای ما توجیهی ندارد.



افزایش قیمت هم اثرات روانی دارد و هم اثرات اقتصادی و تورمی. نان غذای آدم های کم درآمد است. این یک قلم را گران نکنید. دولت به نانوایان سوسید بدهد. هر چند اینکار بازگشت به گذشته است لیکن مگر تعهدات دیگر دولت های احمدی نژاد و روحانی انجام شد که بخواهید قوت استراتژیک طبقه ضعیف و متوسط (به لسان متوسط است!) را هم تحت الشعاع قرار بدهید. قرار نیست همه فشارها روی طبقه ضعیف وارد شود. سیستم کمک یارانه ای مستقیم به قشر محروم جواب نداد و عملی هم نیست و تحت اعوجاج ناشی از عدم ثبات در اقتصاد و مراکز تصمیم گیری و تعویض آنهاست، برای طبقه متوسط هم فرقی نمی کند و اصلا برایش مطرح نیست که چقدر بخرد یا نخرد. در این یک مورد باید اجازه داد همه یارانه نان را بگیرند. بازهم تاکید می کنم اثرات تورمی آن بالاست و در صورت گران شدن چه بخواهید و نخواهید بر روی سرمایه ثروتمند کشیده خواهد شد و او عملا حتی بیش از سوسید نان پرداختی فعلی به آنها ارزش افزوده خواهد داشت. نانوایان هم که نباید هلاک کنید. یک کم از جاهای دیگر مایه بگذارید. به حساب افراد سرکشی نمی کنید، دروهای مالیاتی زیاد هستند، سیستم فشل بانکی و تلف کردن منابع با هدايت منابع نقدینگی به سمت کارهای غیرمولد، قاچاق و... را اصلاح کنید مشکل سوسید نان حل خواهد شد.

دولت باید نرخ ارز را برای همه مصارف آزاد و یک نرخ کند، قیمت گذاری همه کالاها را هم متوقف کند، سازمان های تعزیراتی را منحل و هر نوع یارانه ای را حذف کند، چاپ پول بدون پشتوانه را هم متوقف کند. در مقابل از منابع کلان به دست آمده ۲۵ درصد را صرف پرداخت بن غذا و کمک به بیمه درمان طبقات ضعیف و کارگران کند و ۷۵ درصد را هم به تولید اختصاص دهد.

سارقان اعتقادات دینی و عفاف عمومی گاهی از مفسدان مالی خطرناک ترند.

هر چند که در تبلیغات رسانه ای گفته شد جلوی گرانی ها گرفته شده اما نگاهی به لیست قیمت مغازه داران نشان می دهد که موج گرانی با برجاست مردم با این مشکل دست و پنجه نرم می کنند. باید با این نگاه که مردم متوجه عدم تغییر شده اند به مسائل رسیدگی کرد.

با کشوری که قرارداد برجام رو امضا کردیم که دولت هاشون واقعا هیچ کاره اند و با یک تشر کدخدا می ترسند.

مشکل کشور هم حیا و عفت عمومی است و هم مفاسد اقتصادی است و هر دو باید با قاطعیت حل بشوند و برخورد شود. عدم برخورد قاطع با یکی از اینها باعث ایجاد سوال و شبهات و تناقضات در ذهن مردم ایران می شود. ما از همه مسئولین درخواست داریم با هر دو به صورت قاطع برخورد کنند. از برخورد اخیر با برخی مفاسد در شبکه های اجتماعی کمال تشکر را داریم، ما نیازمند جامعه ای سالم از لحاظ فرهنگی و اجتماعی هستیم. نکته اما این است که مردم انتظار دارند هم زمان به مفاسد اقتصادی هم با شدت رسیدگی شود، امری که البته در چند وقت اخیر خوشبختانه دنبال می شود.

مخالفت با «خروج نرم»

چرا بوریس جانسون استعفاداد؟



روزنامه انگلیسی «فایننشال تایمز» در مطلبی نوشته است که هر چقدر تیم ملی فوتبال انگلیس در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه توانسته و حدت و همدلی بیشتری در درون این کشور ایجاد کند اما دولت متزلزل «ترزا می» توانسته است کابینه را برای مقابله با اتحادیه اروپا یکدست کند و به نظر می‌رسد خانم می در سیاست خارجی اش با ضعف‌هایی روبه‌رو شده است.

اما چه اتفاقی افتاده است؟ ماجرا از استعفای دیوید دیویس، وزیر برگزیت آغاز شد و درست مثل آن روزی که نتایج همه‌پرسی خروج انگلیس از اتحادیه اروپا معروف به «برگزیت» اعلام شد، خبر استعفای دیوید دیویس، عضو کابینه خانم ترزا می که وظیفه هدایت مذاکرات برای خروج از اتحادیه اروپا را به عهده داشت، نیز انگلیسی‌ها را شوکه کرد. چند ساعت بعد، خبر استعفای بوریس جانسون، وزیر خارجه هم منتشر شد. استعفایی که قطعاً زلزله بزرگ بود.

جانسون که همچون دیویس طرفدار «خروج سخت» انگلیس از اتحادیه اروپا بود، با اتخاذ سیاست «خروج نرم» ترزا می، برای جدایی از کابینه او تحت فشار قرار داشت لذا تصمیم به استعفا گرفت.

بحران هنگامی شروع شد که نخست‌وزیر اخیراً با احضار وزرا تصمیم خروج رسمی لندن از اتحادیه اروپا و طرح خود را در این زمینه معرفی کرد. ترزا می در حالی این طرح را مسئولیت‌پذیر و معتبر خواند که کاملاً با ایده قبلی وی برای برگزیت متفاوت بود. طرح جدید متضمن خروج کامل انگلیس از اتحادیه اروپا نیست، گفته می‌شود این طرح متضمن آن است که بریتانیا با اتحادیه اروپا یک توافق تجارت آزاد منعقد می‌کند که قوانین و مقرراتش برای اقلام صنعتی و فرآورده‌های کشاورزی تابع کتاب قوانین و مقررات مشترک فی‌مابین است. لندن همچنین به صورت جزئی صلاحیت قضایی دیوان دادگستری اروپا را می‌پذیرد. بر این اساس هم «دیوید دیویس»، وزیر امور «برگزیت» و معاون او، «استیو بیکر» در اعتراض به طرح می برای ادامه ارتباط لندن با اروپا استعفا کردند. طرحی که کابینه نخست‌وزیر ترزا می چندی پیش بر سر آن با وزرایش به توافق رسیده بود مورد انتقاد برخی از حامیان سرسخت «برگزیت» در دولت انگلیس قرار گرفت که قطع تمامی پیوندهای لندن با نهادهای اروپایی و بازتعریف را می‌خواهند.

این در حالی است که ترزا می گفته بود طرح مورد توافق، ایجاد منطقه آزاد تجاری با اتحادیه اروپا را شامل می‌شود و این به معنای ماندن انگلیس در اتحادیه گمرکی اروپا با تعریفی جدید است؛ در این صورت، کالاهای اروپایی برای ورود به انگلیس، نیازی به پرداخت حقوق گمرکی نخواهند داشت و کالاهایی که قصد ورود به دیگر کشورهای اتحادیه اروپا را دارند، می‌توانند از انگلیس وارد این قلمرو گمرکی ۲۸ کشوری شوند. اگر این توافق تجارت آزاد میان انگلیس و اتحادیه اروپا منعقد شود، فقط مسئله عبور و مرور اتباع اتحادیه به انگلیس است که باید بررسی شود؛ البته این مسئله هم اختلاف چندانی با روزهای قبل از برگزیت نخواهد داشت زیرا در حال حاضر هم انگلیس عضو پیمان «شنکن» نیست و هم اعضای برجسته اتحادیه، توافق دوجانبه لغو روادید با لندن دارند. همه این موارد به اعتراض موافقان خروج واقعی انگلیس از اتحادیه با طرح ترزا می منجر شده است. نخست‌وزیر

انگلیس اما برای اجرایی کردن طرح خود مصمم به نظر می‌رسد و شاید یکی از نشانه‌هایش این باشد که دقایقی پس از انتشار خبر استعفای جانسون، وی با این استعفا موافقت کرد.

مطالعات نشان می‌دهد که انگلیس طی ۲ سال گذشته دائماً با طرف‌های اروپایی بر سر شرایط خروج از اتحادیه اروپا به بن‌بست خورده است. این در حالی است که طبق قانون این سازمان، عضوی که تصمیم به خروج می‌گیرد ۳ سال فرصت دارد که تکلیفش را با مطالبات، بدهی‌ها و هر آنچه در زمینه مناقش اهمیت دارد مشخص کند. انگلیس بهار آینده باید روند خروج را کامل کند و عملاً از سازوکار اقتصادی و سیاسی اتحادیه جدا شود. اتحادیه اروپا از ابتدا خواهان پرداخت ۱۰۰ میلیارد یورو از سوی لندن برای هزینه خروج بود؛ موضوعی که به یکی از موارد جدی اختلاف میان دو طرف تبدیل شد. تعیین تکلیف وضعیت ادامه کار و زندگی اتباع کشورهای عضو اتحادیه اروپا در انگلیس، وضعیت مرز میان ایرلند شمالی و جمهوری ایرلند و چگونگی ارتباط میان این کشور و دیوان دادگستری اروپا که بخشی از اتحادیه اروپاست، بخشی از دیگر موارد اختلافی به شمار می‌رود. اشکال کار آنجا بزرگ‌تر شد که مردم انگلیس در شرایطی به پایان حضور ۴۴ ساله انگلیس در اتحادیه اروپا رأی مثبت دادند که حزب حاکم یعنی حزب محافظه کار مخالف آن بود.

با این حال، این حزب اعلام کرد بنا به خواسته مردم این روند را دنبال خواهد کرد. اما موضوع آن قدرها هم راحت نبود. انگلیس سالانه ۶۵۰ میلیارد دلار صادرات دارد که نیمی از آن به بازار مشترک اروپاست. چشم‌پوشی دولت از این حجم مبادلات تجاری آن قدرها راحت نبود. بنابراین از همان ابتدا حزب دولت ترزا می تلاش می‌کرد ضمن خروج از اتحادیه اروپا، مذاکرات را به گونه‌ای پیش ببرد که همچنان از مزایای اقتصادی بازار مشترک اروپا بهره‌مند شود.

با این حال، دولت انگلیس که همچنان به دنبال یافتن راه چاره‌ای برای اتصال به شریان‌های اقتصادی اروپا است، تصمیم گرفت رویکردش را از شرایط خروج سخت به خروج نرم تغییر دهد؛ یعنی با شرایطی که اتحادیه اروپا تعیین کرده همراهی بیشتری کند. اما دیوید دیویس که جزو معدود صداهای مخالف در نشست اخیر بود، تصمیم به استعفا گرفت. او در گفت‌وگویی گفت که دیگر فرد مناسب برای پیشبرد مذاکرات نیست؛ چرا که اساساً اعتقادی به طرح جدید دولت ندارد. این



در روزهای بحران سیاست در انگلیس، تیم ملی این کشور سنت شکنی کرده است

اما همه ماجرا نیست. طرح جدید مورد نظر ترزا می باید از تصویب پارلمان بگذرد؛ پارلمانی که حزب حاکم تنها با احتساب ۱۰ رأی حزب اتحادیه دموکراتیک ایرلند، دست بالا را در آن دارد. هر لحظه احتمال ترک برداشتن این اکثریت شکننده به خاطر اختلاف‌های تازه بر سر برگزیت وجود دارد. اظهار نظر برخی نمایندگان هم حزبی ترزا می علیه طرح او نگرانی کابینه را در پی داشته است. اکنون بحران دوباره به دولت ترزا می بازگشت. در حالی که اخیراً خبر رسید که نخست‌وزیر بریتانیا توانسته است بحران دودستگی درباره برگزیت را در داخل دولتش حل و فصل کند با استعفای وزیر برگزیت و وزیر خارجه این کشور بحران دوباره در دولت ترزا می لانه کرد. ترزا می گفته بود که دولت خود را در برابر این بحران بسیج کرده اما نتیجه آن تاکنون عکس بوده است.

استعفای دیویس و جانسون، دولت ترزا می، نخست‌وزیر بریتانیا را که هم‌اکنون هم در بحران به سر می‌برد، تضعیف می‌کند. دیویس یکی از حامیان جدی برگزیت در کابینه‌ای بود که میان حامیان جدایی صریح از اتحادیه اروپا و کسانی که خواستار روابط نزدیک با بزرگ‌ترین شریک تجاری بریتانیا بودند، تقسیم شده بود.

در پی استعفای بوریس جانسون، وزیر وقت امور خارجه بریتانیا پیرو اختلافاتش با ترزا می، طبیعی بود که خانم می در انتخاب وزیر کابینه با لحاظ و سواس بیشتر کسی را جایگزین وی کند که دست کم در خصوص سیاست‌های می و همچنین در خصوص ماجرای برگزیت با وی هم‌سو باشد. بنابراین جرمی هانت به عنوان جانشین او به این مقام منصوب شد. هانت در گذشته از جمله موافقان باقی ماندن بریتانیا در اتحادیه اروپا بود. هانت ۵۱ ساله به مدت پنج سال و شش ماه در مقام وزیر بهداشت در کابینه مشغول فعالیت بوده است. او طولانی‌ترین مدت وزارت در این وزارتخانه پس از جنگ جهانی دوم را داشته است. هانت همانند ترزا می موافق باقی ماندن بریتانیا در اتحادیه اروپا بود اما پس از برگزاری همه‌پرسی تاریخی که به خروج این کشور از اتحادیه اروپا منجر شد، به اجبار نظر خود را تغییر داد. با وضعیت جدید دور از انتظار نیست دومینوی کناره‌گیری در کابینه خانم رخ دهد، دولت سقوط کند و انتخابات جدید برگزار شود. اگر انتخابات برگزار شود، بعید می‌نماید حزب محافظه کار که ترزا می عضو آن است، بتواند ۴۸ رأی لازم برای به دست آوردن اعتماد به دولت را کسب کند و جانسون نامزد احتمالی رهبری خواهد بود.



ترزا می گفته بود طرح مورد توافق، ایجاد منطقه آزاد تجاری با اتحادیه اروپا را شامل می‌شود

مجادله در لندن

اختلافات میان طرفداران خروج سخت و نرم از اتحادیه اروپا ادامه دارد

آزاده طاهری

کارشناس مسائل اروپا



تلاش‌های ناامیدکننده نخست‌وزیر انگلیس برای حفظ موازنه میان دو جناح اروپاگرا و حامیان خروج سخت از اتحادیه اروپا در نهایت راه به جایی نبرد و با کناره‌گیری افرادی از دسته دسته دوم و در راس آنها بوریس جانسون، این شکاف بیش از پیش جدی شد.

ترزا می زمانی که در جولای ۲۰۱۶ وارد ساختمان شماره ۱۰ خیابان داونینگ شد، می دانست وظیفه بسیار دشوار هدایت کشورش برای بیرون رفتن از اتحادیه اروپا را برعهده دارد. خانم می همچنین از اختلافات داخلی در حزب تحت رهبری اش درباره نحوه خروج از اتحادیه نیز آگاهی داشت اما شاید تصور نمی کرد این مأموریت ناخوشایند تا به این حد بغرنج و دشوار باشد.

مذاکره با اتحادیه اروپا درباره شرایط پس از خروج انگلیس از همان ابتدا با چالش‌های جدی روبه‌رو بود. مسائلی مانند تعیین وضع مرزی بین ایرلند شمالی و جمهوری ایرلند و وضع مهم روابط آینده تجاری و اقتصادی انگلیس و اتحادیه اروپا با توجه به ماندن یا نماندن لندن در اتحادیه گمرکی اروپا از مهم‌ترین موارد اختلاف دو طرف بوده است. راهبرد اصلی انگلیسی‌ها در برگزیت پذیرش دوره انتقال و مذاکره در خصوص مدلی است که براساس آن از اتحادیه گمرکی و بازار واحد خارج شوند.

لندن امیدوار بوده است این راهبرد ترکیبی از یک توافقنامه تجارت آزاد بر اساس منطبق منطقه اقتصادی اروپا در چارچوب مقررات انگلیس و توافق‌های ویژه در زمینه‌هایی چون امنیت، حمل و نقل هوایی و همکاری‌های پلیسی و مهاجرتی را ممکن کند. با توجه به اینکه نیمی از اقتصاد انگلیس با همسایگان اروپایی اش گره خورده است، به بازار مشترک و اتحادیه گمرکی اروپا به شدت نیاز دارد و چنانچه دوره انتقالی پس‌برگزیت به هر دلیلی به اجرا گذاشته نشود آسیب جدی به اقتصاد انگلیس وارد می‌شود.

هم اکنون نیز با پدیدار شدن آثار منفی برگزیت نگرانی‌ها درباره آن به شدت افزایش یافته است. به گفته رئیس بانک مرکزی انگلیس، رأی مردم به خروج از اتحادیه اروپا، ۴۰ میلیارد پوند به اقتصاد انگلیس خسارت زده است. جدیدترین گزارش صندوق بین المللی پول نیز پیش‌بینی کرده است که عملکرد اقتصادی انگلیس به دلیل خروج از اتحادیه اروپا، طی ۵ سال آینده نسبت به سایر کشورهای عمده اروپایی ضعیف‌تر خواهد بود.

در این میان اتحادیه اروپا نیز لندن را برای روشن شدن تکلیف مذاکرات خروج تحت فشار گذاشته و از پیشرفت اندک این مذاکرات به شدت ناراضی است. این اما همه آنچه نیست که ساکن ساختمان شماره

۱۰ خیابان داونینگ با آن روبه‌رو است، بلکه اصلی‌ترین مشکل وی نه در بیرون بلکه درون خانه است و در این مدت بخش مهم تلاش‌های خانم می معطوف به حفظ موازنه قوای ظرفیت موجود بین اروپاگرایان و طرفداران برگزیت سخت شده است.

تصمیم برای خروج انگلیس از اتحادیه اروپا اگرچه از درون صندوق‌های رای بیرون آمد اما به عقیده بسیاری از ناظران، دودستگی میان اروپاستیزان و طرفداران اتحادیه درون حزب حاکم محافظه کار هیزم این آتش را



فراهم کرد.

برگزاری این همه پرس‌سویه سایه سنگینی بر آینده انگلیس و روابط با همسایگان اروپایی و حتی آینده اتحادیه اروپا انداخت اما نتوانست به اختلاف عمیق میان این دو جناح در حزب محافظه کار پایان دهد.

این بار اختلاف میان این دو جناح در قالب طرفداران خروج سخت و نرم از اتحادیه اروپا خود را نشان داد.

یک جناح از اعضای حزب محافظه کار شامل افرادی مانند بوریس جانسون و دیوید دیویس خواستار حفظ استقلال سیاسی و قضایی و کنترل بالا بر قوانین داخلی انگلیس هستند حتی اگر این استقلال در عمل به معنای دسترسی پایین یا حتی عدم دسترسی به بازار مشترک اتحادیه اروپا تمام شود. در مقابل جناح دیگر خواستار دسترسی بالا به بازار مشترک است حتی اگر با خروج از اتحادیه اروپا، امکان تأثیرگذاری اندکی بر قوانین و رویکردهای این اتحادیه داشته باشد.

ترزا می ابتدا برای پایان دادن به اختلافات دورن حزبی، به محکمه صندوق‌های رای رفت اما نتوانست از این قمار پیروز بیرون بیاید و این بار نه تنها دودستگی در حزب محافظه کار پایان نیافت، بلکه تعدادی کرسی‌های

آن در مجلس عوام کاهش یافت و موقعیت سیاسی ترزا می در داخل و در سطح اتحادیه اروپا نیز تضعیف شد. ترمیم کابینه هم نتوانست به داد خانم نخست‌وزیر برسد و در نهایت با استعفای چهره‌های شاخص اروپاستیز بحران در کابینه انگلیس جدی‌تر شد.

اکنون با کناره‌گیری طرفداران خروج سخت به نظر می‌رسد کفه ترازو به نفع حامیان برگزیت نرم سنگین‌تر شده باشد و ترزا می، کابینه یک‌دست‌تری برای هدایت جریان مذاکرات با بروکسل داشته باشد. با این حال این پایان داستان مشکلات وی نخواهد بود.

بوریس جانسون اگرچه پس از استعفا سکوت کرده است اما خروج وی از کابینه به معنای این نیست که حامیان برگزیت سخت قرار است سکوت پیشه کنند.

افرادی مانند بوریس جانسون می‌دانند که تراز می قادر نیست جناح اروپاستیز و در عین حال قدرتمندی را نادیده بگیرد که پایگاه اجتماعی قابل توجهی در میان رای‌دهندگان دارد. در عین حال جانسون و دوستانش می‌دانند که این رویکرد کج‌دار و مریز در برابر همسایگان اروپایی، بیش از این ممکن نیست، نه بروکسل حاضر است بیش از این در برابر سیاست ابهام لندن تاب بیاورد و نه بازارهای مالی و سرمایه‌گذاران بیش از این صوری خواهند کرد.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد در شرایط کنونی هیچ گزینه جدی برای جانشینی ترزا می نیست حتی با وجود آن که بخش قابل توجهی از هم‌حزبی‌هایش دل خوشی از وی نداشته باشند و گاه مزه‌مه‌های برکناری وی به گوش برسد؛ چرا کسی باید در چنین موقعیتی سکان کشتی را در دست گیرد که هم در میان موج‌های سهمگین برگزیت گیر افتاده است و هم گروهی از ملوانانش در عرشه شورش کرده‌اند.

شاید بهترین تصمیم برای جانسون و همفکرانش در برابر چنین موقعیتی خروج از کابینه‌ای باشد که قرار است مسئولیت مذاکره برای خروج نرم و در عین حال اجتناب‌ناپذیر انگلیس از اتحادیه اروپا را برعهده گیرد. این گونه جانسون می‌تواند ضمن حفظ چهره خود به عنوان مدافع سرسخت برگزیت سخت، هم ترزا می را تحت فشار قرار دهد و

هم نیم‌نگاهی به ملی‌گرایان اروپاستیز داشته باشد تا شاید بتواند در لباس رهبری پوپولیست ظاهر شود. صرف نظر از اینکه آیا جانسون برای نجات برگزیت کابینه انگلیس را ترک کرده است یا برای نجات خود، خانم می برای نجات خود، حزبی و یا شاید کشورش همچنان باید با موانع زیادی دست‌وپنجه نرم کند با این تفاوت که این بار هم‌حزبی‌های ناهمراه خود را نه در کنار بلکه در برابر خود دارد.

یک جناح از اعضای حزب محافظه کار شامل افرادی مانند بوریس جانسون و دیوید دیویس خواستار حفظ استقلال سیاسی و قضایی و کنترل بالا بر قوانین داخلی انگلیس هستند حتی اگر این استقلال در عمل به معنای دسترسی پایین یا حتی عدم دسترسی به بازار مشترک اتحادیه اروپا تمام شود. در مقابل جناح دیگر خواستار دسترسی بالا به بازار مشترک است

خصوص نموده که نشان دهد این میزان افزایش خواهد داشت. در همین حال دیگران حتی نسبت به صحت این گفته نیز خوشبین نیستند.

بر اساس آمار رسمی سازمان اوپک، بیشترین میزانی که عربستان سعودی در ماه نوامبر سال ۲۰۱۶ به طور میانگین استخراج می کند ۷۲.۱۰ میلیون بشکه در روز است و به چیزی فراتر از آن نمی توان اطمینان داشت. البته این بدان معنا نیست که چنین کاری غیرممکن است، بلکه تنها نامشخص است. تمام آنچه می توان در حال حاضر درخصوص آن مطمئن بود این است که در صورت وقف صادرات نفت ایران در برهه کنونی، عربستان می تواند بلافاصله حدود ۲۰۰ هزار بشکه در روز ظرفیت تولید خود را افزایش دهد. این در خصوص عربستان بود. دیگر کشورهای عضو اوپک مانند امارات، کویت و روسیه نیز در مجموع خواهند توانست به کمک عربستان میزان تولید اضافه خود را به یک میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز برسانند اما حتی این میزان نیز برای جبران توقف صادرات نفت ایران کافی نیست. استفاده از ذخایر نفت استراتژیک ایالات متحده ممکن است راه حل کوتاه مدتی را ارائه دهد، اما چنین راه حلی در درازمدت پاسخگو نخواهد بود. پالایشگاه های آمریکایی در حال حاضر تقریباً مسدود شده اند. ترامپ در صفحه توییتر خود می نویسد: اعضای اوپک باید به خاطر داشته باشند که قیمت نفت بالاست و آنها کاری برای حل این مساله نمی کنند. در صورت وقوع هر اتفاقی آنها قیمت ها را بیشتر می کنند، در حالیکه ایالات متحده از بسیاری از آنان در برابر مبلغ کمی دفاع می کند. این باید یک خیابان دوطرفه باشد. همین حالا قیمت ها را کاهش دهید. از این پیام کاملاً پیداست که «یا مشاوران ترامپ این واقعیت مسلم را درک نمی کنند، یا اینکه وی به سخنان آنها گوش نمی دهد.» یک راه وجود دارد که ترامپ می تواند به سرعت به قیمت های پایین دست یابد. او می تواند مجدداً تحریم ها علیه ایران را به نحوی بسیار تدریجی اعمال نماید، به جای این که همه در یک نوبت و در ۴ نوامبر باشد. مطمئناً، این فرآیند را طولانی تر خواهد کرد، اما متأسفانه به نظر نمی رسد که ترامپ فردی باشد که به چنین استدلالاتی وقعی نهد.

ممکن است به نظر برسد که پمپاژ نفت خام بیشتر در بازار باید ترس از کمبود عرضه را در زمان آغاز تحریم ها علیه ایران کاهش دهد. اما چنین تسکینی کوتاه مدت خواهد بود، و در آینده قیمت نفت این حقیقت را به خوبی نشان خواهد داد.

تغییر سیاست کاخ سفید در قبال ایران

Blomberg راه حل منازعه ترامپ با اوپک چیست؟

جولین لی

مترجم: علی عالمی

بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران روابط خارجی، در خصوص رویکرد ترامپ در قبال ایران و تأثیر آن بر اقتصاد بین الملل هشدار داده اند. این افراد معتقدند که تقابل کاخ سفید با تهران و اعمال دوباره تحریم های ثانویه نفتی واشنگتن علیه ایران، بازار نفت را ناامن ساخته و آن را از کنترل خارج خواهد ساخت. حتی در این میان، سرمایه گذاری ترامپ روی همراهی عربستان با واشنگتن نیز سودی برای رئیس جمهور آمریکا نخواهد داشت. تحلیل «بلومبرگ» در خصوص سیاست های نفتی ترامپ در قبال ایران از نظراتان می گذرد.

رئیس جمهور ایالات متحده بار دیگر در پیام توییتری خود، با انتقادات کوبنده خود اعضای اوپک را به دلیل قیمت های بالای نفت مورد خطاب قرار داد. به نظر می رسد که اوپک به جایگاهی تبدیل شده تا هرکسی بتواند آن را به دلیل قیمت بالای نفت مورد انتقاد و سرزنش قرار دهد و همه تقصیرها را متوجه آن کند. اما چنین رویکردی نمی تواند در بلندمدت پاسخگو باشد. اگر ترامپ به واقع در پی حل این مشکل است، باید سیاست خود نسبت به ایران را تغییر دهد. متأسفانه بسیار بعید است که رئیس جمهور ایالات متحده زیر بار چنین کاری برود. لذا باید منتظر بود تا قیمت نفت همچنان سیر صعودی داشته باشد. قیمت نفت و گاز طی تنها یک سال، بیش از ۵۰ درصد افزایش داشته و در هفته گذشته تقریباً به ۸۰ دلار در هر بشکه رسید. در این بین کارشناسان بر این باورند که ظرفیت تولید شناور دیگر کشورهای عضو اوپک به طور جدی کاهش یابد. اما به نظر می رسد که ترامپ نمی خواهد یا نمی تواند این

نکته را درک کند: هنگامی که تحریم های ایران در ماه نوامبر عملی شود، تولید کنندگان نفت ظرفیت جبران چنین ضرری را نخواهند داشت. اگر ترامپ موفق شود جلوی کل صادرات نفت ایران را بگیرد، دیگر کشورها می باید روزی دو میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه نفت بیشتر صادر کنند تا به نحوی این ضرر را جبران کنند. این چاله بسیار بزرگی است که باید پر شود و اگر دیگر کشورهای عضو اوپک موفق به انجام چنین کاری نشوند، قیمت نفت همچنان بالا خواهد رفت. طبق اعلام بانک مریل لینگ آمریکا، در صورت توقف صادرات نفت ایران و عدم توانایی عربستان سعودی در جبران آن، قیمت نفت به ۱۲۰ دلار در هر بشکه خواهد رسید. این در حالی است که طبق تصورات ترامپ، قیمت نفت می بایست اکنون روند نزولی به خود گرفته باشد. عربستان سعودی روز چهارشنبه اعلام کرد که ماه گذشته روزانه حدود ۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه نفت خام استخراج کرده است. این رقم حدود ۵۰۰ هزار بشکه بیش از میزان استخراج شده در ماه می است و بزرگترین پرش ماه به ماه عربستان سعودی از ژوئیه ۲۰۰۴ محسوب می شود. این پرش قاعدتاً باید در میزان تولید نفت ماهانه اوپک خود را نمایان می ساخت، اما چنین نبود. در حقیقت این افزایش تولید از سوی عربستان سعودی، با کاهش تولید دیگر اعضا همراه بود که در نتیجه تفاوتی نسبت به ماه های قبل ایجاد نشد. بر اثر انفجار در پالایشگاه فورت مک موری در کانادا که روزانه ۳۵۰ هزار بشکه نفت استخراج می نمود، نهایتاً میزان اضافه صادرات نفت عربستان نتوانست در میانگین ماهانه نفت اوپک افزایشی ایجاد کند.

واقعیت این است که ظرفیت تولید شناور اعضای اوپک به اندازه ای نیست که بتواند جایگزین صادرات نفت ایران شود. عربستان سعودی می تواند بلافاصله ظرفیت تولید نفت خود را به ۱۱ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه و پس از گذشت ۹ ماه به ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز افزایش دهد. این چیزی است که محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی در سال ۲۰۱۶ به بلومبرگ اعلام کرده است. از آن زمان تا کنون نیز وی صحبت دیگری در این





تشدید تنش‌ها در درون اطلانتیک

شدت گرفتن نگرانی اعضای ناتو از هم‌پیمانی آمریکا و روسیه

The Daily
Telegraph

سعید سبحانی

مترجم

ممکن است انگلیس و دیگر کشورهای عضو ناتو به زودی در شرایطی دشوار قرار بگیرند. شرایطی که میان ترامپ و پوتین، معامله‌ای بزرگ صورت گیرد که به نفع هر دو کشور (ایالات متحده و روسیه) باشد و آنها سعی خواهند کرد که این معامله به عنوان یک پیروزی سیاسی در هر دو کشور به تصویر کشیده شود. در نتیجه اروپا در چنین زمان بحرانی و در حالی که قاره سبز چنین بی‌ثبات است، در معرض آسیب بسیار بزرگی قرار خواهد گرفت. در حال حاضر تنها پنج کشور ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را برای دفاع هزینه می‌کنند که انگلیس یکی از آنهاست. بنا بر تصمیم اعضای ناتو در سپتامبر ۲۰۱۴ میلادی، کشورهای عضو متعهد شده‌اند تا بوجه دفاعی خود را طی ۱۰ سال، به تدریج تا ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی شان افزایش دهند. اما تاکنون تنها کشورهای ایسلند، بریتانیا، لهستان و یونان به این تعهد عمل کرده‌اند. در این میان اسپانیا ۰/۹ درصد و آلمان ۱/۲ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف هزینه‌های دفاعی می‌کنند.

به گزارش نیویورک تایمز، ترامپ در نامه‌ای خطاب به «انگالمرکل»، صدراعظم آلمان نوشته است: «در حالی که آلمان از رونق اقتصادی خوبی برخوردار است، این قابل تحمل نیست که ایالات متحده هزینه دفاع از آن را بپردازد. توپاس الوود در این خصوص بیان کرد: «همان‌طور که انگلیس هزینه‌های دفاعی را می‌پردازد، متحدان ما در ناتو نیز باید چنین کنند. جهان در حال تبدیل شدن به مکانی خطرناک‌تر است، تهدیدات پیچیده‌تری می‌شوند و از جهات گوناگون افزایش می‌یابند، لذا ایالات متحده از دیگر کشورهای عضو ناتو می‌خواهد تا وظیفه خود را در قبال پرداخت ۲ درصد از درآمد تولید ناخالص داخلی برای هزینه‌های دفاعی به انجام رسانند. رئیس‌جمهور ایالات متحده از «ترزا می» نخست‌وزیر انگلیس خواسته تا هزینه‌های نظامی خود را باز هم افزایش دهد. جیمز متیس، وزیر آمریکا در نامه‌ای به همتای انگلیسی خود اعلام کرده که ایالات متحده نگران این موضوع است که قدرت نظامی بریتانیا و نفوذ دیپلماتیک «در معرض خطر فرسایش» قرار دارند. طی هفته گذشته، ترامپ مشغول بررسی شرایط برای بیرون بردن نیروهای نظامی خود از آلمان بوده است. در حال حاضر ایالات متحده ۳۵ هزار تن از نیروهای نظامی خود را در آلمان مستقر کرده است. برای دهه‌ها، حضور نظامی آمریکا در خاک آلمان به مثابه مانعی برای حمله احتمالی روسیه به اروپا محسوب شده است که این موضوع در پی مناقشات اخیر در معرض تغییر جدی قرار گرفته است.

منبع: تلگراف

ترامپ به پوتین پرده برداشته‌اند. قرار است روسای جمهور ایالات متحده و روسیه، در یک نشست برنامه‌ریزی شده بین دورربر در هلسینکی در ۱۶ ژوئیه، یعنی تنها چهار روز پس از نشست پنجشنبه در بروکسل، گفت‌وگو کنند.

توپاس الوود، وزیر دفاع انگلیس، به طور جداگانه به تلگراف گفت: «با توجه به ردیای ایالات متحده در اروپا و اقدامات خصمانه اخیر پوتین که ثبات قاره را از بین برده است، مسائل زیادی به نتیجه دو نشست آینده میان مقامات (اروپایی، روس و امریکایی) بستگی دارد و بر بریتانیا به عنوان بزرگترین و توانمندترین نیروی نظامی اروپا، نقش مهمی در تفکر ایالات متحده ایفا می‌کند.» این سخنان در حالی ابراز شد که سفیر بریتانیا در آمریکا به تازگی از روابط انگلیس و ایالات متحده و دونالد ترامپ دفاع و اصرار کرد که روابط نظامی با وجود برخی اختلافات سیاسی همچنان «قوی‌تر از همیشه» باقی بماند. کیم دارچ پیش از سفر ترامپ به انگلیس اذعان کرد که هر دو کشور باید «صادقانه» در مورد مسائل مربوط به تعرفه‌های فولاد و آلومینیوم و قرارداد هسته‌ای ایران صحبت کنند. با این حال او می‌افزاید که این تنها به دلیل آن است که بریتانیا و آمریکا رابطه‌ای «بسیار نزدیک و گشوده» با یکدیگر دارند که می‌توانند شکایات خود را با صداقت با هم مطرح کنند. در حال حاضر ایالات متحده حضور نظامی گسترده زمینی و هوایی در کشورهای متعدد اروپایی مانند اوکراین، لهستان، آلمان، لیتوانی، لتونی و استونی دارد. ایالات متحده پیش‌تر در حال کاهش نیروهای خود در خاک اروپا بود، و این روند تا سال ۲۰۱۴، یعنی هنگام بالاگرفتن تنش‌ها میان روسیه و کریمه، در زمان رئیس‌جمهوری باراک اوباما ادامه داشت. در سال ۲۰۱۴ و مقارن با درگیری‌های اوکراین، ایالات متحده نیروهای خود را برای پشتیبانی و آموزش نیروهای مسلح ناتو در مرزهای روسیه مستقر کرد. یک منبع دیپلماتیک گفت که مقامات می‌ترسند ترامپ از فرصت پیش آمده در اجلاس این هفته، برای از میان برداشتن حمایت نظامی آمریکا از ردیف هزینه‌ها استفاده کند. این منبع گفت: «اوکراین واقعا در معرض خطر است.» یکی از مقامات رسمی فعال در آماده‌سازی مقدمات این نشست گفت که

نگرانی‌های اعضای ناتو در خصوص نزدیکی روابط ایالات متحده و روسیه افزایش یافته است. اگرچه این نگرانی‌ها به صورت مستقیم از سوی مقامات اروپایی بیان نمی‌شود، اما در بسیاری از رسانه‌های غربی این مسئله مورد توجه قرار گرفته است. تحلیل «تلگراف» از مناسبات آمریکا، ناتو و روسیه از نظر آن می‌گذرد.

ناتو اکنون نگران این مسئله است که ممکن است در صورت عدم افزایش هزینه دفاعی توسط کشورهای عضو این مجموعه، دونالد ترامپ نیروهای خود را از اروپا بیرون ببرد. ترامپ پیش از این بارها ناتو را یک سازمان «کهنه و منسوخ» خوانده بود.

به گزارش برخی منابع خبری، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا نامه شدیدالحنی را به رهبران برخی کشورهای عضو سازمان پیمان اطلانتیک شمالی (ناتو) ارسال کرده است. در این نامه‌ها که در آستانه نشست ناتو در بروکسل، برای رهبران کانادا، اسپانیا، هلند و آلمان ارسال شده، ترامپ تهدید کرده که اگر کشورهای عضو این سازمان متعهد نشوند که هزینه‌های دفاعی خود را افزایش دهند، وی نیروهای آمریکایی را از اوکراین خارج می‌کند و از شرکت در تمرینات مشترک ناتو اجتناب خواهد ورزید. این همان چیزی است که اعضای ناتو به شدت از آن واهمه دارند. مقامات ارشد درگیر در آماده‌سازی نشست این هفته ناتو نگران هستند که اگر رهبران کشورهای اروپایی با خواسته ترامپ مخالفت کنند، رئیس‌جمهور ایالات متحده با ولادیمیر پوتین درباره «بازترسیم چشم‌انداز امنیت» در سراسر اروپا وارد گفت‌وگو خواهد شد. چهارده‌های نظامی و دیپلماتیک کشورهای اروپایی در گفت‌وگو با تلگراف، از ترس خود در قبال پیشنهاد احتمالی



معاون منتقد

جهانگیری در دولت ماندگار شده است





نهادنדיان از دولت برود

گفت‌وگو با عباس سلیمی نمین

جهانگیری تاثیر در سیاست‌های اقتصادی نداشت

گفت‌وگوی مثلث با علی تاجرنیا



چرا جهانگیری ماند؟

مجادله میان «اعتدال و توسعه» و «کارگزاران»

اولین بار نیست که شایعه استعفای اسحاق جهانگیری از دولت مطرح شده؛ این بار اما گویا این ماجرا از همیشه جدی تر بوده است. او مثل ماه‌های اول تشکیل کابینه معترض است. کسانی که خبر استعفای منتشر کرده‌اند می‌گویند یک دعوا شکل گرفته میان دو بال حسن روحانی، از رویارویی اعتدال و توسعه و کارگزاران سخن می‌گویند. در حال حاضر محمدباقر نوبخت و محمود واعظی، دبیرکل و معاون سیاسی این حزب، به عنوان دو تن از اثرگذارترین افراد در سیاست‌های دولت روحانی شناخته می‌شوند. از جمله، سیاست‌های اقتصادی دولت روحانی به طور کامل در اختیار این حزب قرار دارد که در روزهای اخیر با اوج‌گیری فضای نامساعد اقتصادی کشور، انتقادها از این تیم، به ویژه از سوی اصلاح‌طلبان از جمله اعضای حزب کارگزاران به اوج خود رسیده است. در این میان، رسانه نزدیک به محمدباقر نوبخت در گزارشی بی‌سابقه (که حاکی از دگرگونی علنی این دو طیف است) و شدیدالحن علیه حزب کارگزاران نوشته است: «اعضای این حزب که بعضاً در مسئولیت‌های ارشد اجرایی دولت نیز حضور دارند مدتی است تلاش دارند تا با فاصله گرفتن از مرکزیت دولت و شخص رئیس‌جمهوری خود را مطالبه‌گر نشان داده و با ادبیات نقادانه رفته‌رفته خود را مهبلی انتخاباتی بعدی مجلس و سپس ریاست‌جمهوری نمایند.»

این رسانه برنامه کارگزاران را تخریب دولت بدون ارائه برنامه جایگزین اقتصادی دانست و حتی اشاره کرد که آنها با نام بردن از گزینه‌های مانند وزیر پیشین اقتصاد - علی طیب‌نیا - استفاده ابزاری می‌کنند. این رسانه، هدف حزب کارگزاران را از دو حالت خارج ندانسته است؛ یا پیاده شدن از قطار دولت یا سهم خواهی بیشتر از رئیس‌جمهور. در نقطه مقابل این گزارش، سایت انتخاب هم در گزارشی با اشاره به ماجرای استعفای جهانگیری نوشت: «یکی دیگر از رسانه‌های وابسته به نوبخت، در گزارشی با ابراز خشم از گزارش ارگان متعلق به حزب کارگزاران، که در آن موضوع کنار رفتن یا ماندن نوبخت در سازمان برنامه و بودجه بررسی شده، بار دیگر هدف کارگزاران را سهم خواهی از حسن روحانی دانسته و نوشته است: «پرسش و ابهامی که همچنان باقی می‌ماند این است که چرا این روزنامه در روزهایی که توسط برخی سخن از تغییر و ترمیم کابینه دولت دوازدهم است، اقدام به تخریب دکتر نوبخت و انتقاد محض از ایشان کرده و دیگر وزرا و مدیران دولت را در حاشیه‌ای امن قرار داده است؟ چرا انتقاد از تیم اقتصادی دولت به انتقاد از نوبخت منحصر شده است؟ ارگان کارگزاران سازندگی چه غرض و هدفی را از تخریب یا مخالفت با حضور دکتر نوبخت در کابینه دولت اعتدال در سر دارد؟ آیا در پس پرده طرحی برای تعرفه جایگزینی برای نوبخت یا سهم خواهی از دولت یا آغاز پروژه‌ای برای مخالف خوانی علیه دولت اعتدال صورت گرفته که با حمله مستقیم به دکتر نوبخت کلید خورده است؟»

این در حالی است که خود نوبخت چند روز پیش هرگونه کناره‌گیری‌اش از سازمان برنامه و بودجه را گمانه‌زنی دانسته و رد کرده بود. با این وجود، همین رسانه نزدیک به نوبخت، در گزارش دیگری دست خود را صریحاً رو کرده و از کنار رفتن احتمالی اسحاق جهانگیری از معاون‌اولی رئیس‌جمهور خبر داده است. در گزارش

مذکور، با اشاره به اینکه «خبرهایی از درون دولت و برخی از محافل سیاسی به گوش می‌رسد که اسحاق جهانگیری از سمت معاونت‌اولی رئیس‌جمهوری کنار خواهد رفت»، آمده است: «گفته می‌شود این تغییر در راستای ترمیم تیم اقتصادی دولت انجام خواهد گرفت. جهانگیری رئیس ستاد اقتصاد مقاومتی بوده و یکی از اعضای اصلی تیم اقتصادی دولت است. پیش از این اسامی دیگری از درون دولت جهت ترمیم کابینه شنیده شده بود. نکته عجیب اینکه این رسانه هم به شایعه عجیبی که چندی پیش در خصوص معاون اولی قالیباف منتشر شده بود، اشاره کرده و اظهارات نوبخت درباره آن را طوری بازتاب داده که در آن خبری از تکذیب صریح این شایعه نیست. به نوشته این سایت، «قابل ذکر است چندی پیش از سوی برخی رسانه‌ها خبری مبنی بر معاون اولی قالیباف مطرح شده بود که سخنگوی دولت پس از آخرین نشست هیات دولت به خبرنگار پرسش کننده گفت: اینها اخباری است که همکاران شما خبر می‌کنند و قرار نیست به همه شایعه‌ها پاسخ داده شود.» به بیان ساده تر دعوا تا جایی بالا گرفته که تیم نوبخت حاضر شده برای کنار گذاشتن اسحاق جهانگیری حتی به شایعه‌ای درباره قالیباف هم متوسل شود. این در حالی است که همین رسانه از نظرخواهی نشریه متعلق به

۲۲

اعتماد نوشت: حسن روحانی، رئیس‌جمهور تصمیم گرفته تیم اقتصادی خود را ترمیم کند. گمانه‌زنی‌ها درباره گزینه‌هایی که قرار است جای‌جا شوند زیاد است اما ظاهراً یک تغییر بسیار مهم منجر به قهر جهانگیری از دولت شده است تا جایی که او روز یکشنبه علاوه بر آنکه استعفای خود را تقدیم ریاست‌جمهوری کرده، وسایل خود را نیز جمع کرده است

۲۲

کارگزاران با یک اصولگر-ا یحیی آل اسحاق- ابراز شگفتی کرده و جلوی نام و وابستگی جریانی او علامت تعجب گذاشته بود.

همزمان رسانه‌ها خبر دادند که اسحاق جهانگیری مدت‌هاست از عملکرد تیم اقتصادی دولت که عمدتاً تحت سیطره حزب اعتدال و توسعه است، رضایتی ندارد و خواستار تغییراتی در این تیم شده است. مخالفت حسن روحانی با این درخواست تحت تأثیر مشاوران خود که همان نزدیکان نوبخت و اعتدال و توسعه هستند، باعث شده حتی جهانگیری چند باری دست به قلم ببرد و استعفای خود را نیز تقدیم رئیس‌جمهور کند؛ موضوعی که رسانه‌ای نشده و کسی هم درباره آن سخنی نگفته است.

این رسانه‌ها گزارش کردند که جهانگیری که معتقد است هیچ کاره است و عموم اختیارات در دستان واعظی رئیس‌دفتر رئیس‌جمهور است، در جلسه‌ای با حضور روحانی و برخی مقامات دولتی، مجدداً آمادگی خود را برای استعفا قبول کرده؛ اما این بار برخلاف دفعات پیشین، رئیس‌جمهور مخالفی نکرده و با سکوت خود، از

سخنان معاون اول گذر کرده است. با این حال، با وجود تمایل واعظی و نوبخت و حتی روحانی برای خدا حافظی جهانگیری از دولت، هنوز برخی مصلحت‌ها مانع پذیرش استعفای جهانگیری شده است. نزدیکان رئیس‌جمهور معتقدند در صورت خروج جهانگیری از دولت، اختیارات معاون اولی با قراردادن یکی از نیروهای «خودی» احیا خواهد شد.

جهانگیری قهر کرده؟

اما همزمان روزنامه اعتماد روایت دیگری از این ماجرا داشت. اعتماد نوشت: حسن روحانی، رئیس‌جمهور تصمیم گرفته تیم اقتصادی خود را ترمیم کند. گمانه‌زنی‌ها درباره گزینه‌هایی که قرار است جای‌جا شوند زیاد است اما ظاهراً یک تغییر بسیار مهم منجر به قهر جهانگیری از دولت شده است تا جایی که او روز یکشنبه علاوه بر آنکه استعفای خود را تقدیم ریاست‌جمهوری کرده، وسایل خود را نیز جمع کرده است. تغییری که جهانگیری را خشمگین کرده، رفتن نهایندیان به بانک مرکزی است. تغییر رئیس بانک مرکزی یکی از مهم‌ترین تغییرات تیم اقتصادی دولت است. ماموریت ولی‌الله سیف در بانک مرکزی طی روزهای آینده به پایان می‌رسد به همین دلیل رئیس‌جمهور به دنبال یک جایگزین مناسب برای او است. ابتدا از علی طیب‌نیا به عنوان جایگزین سیف نام برده شد. پس از طیب‌نیا نوبت به پورمحمدی، معاون اقتصادی سازمان برنامه رسید و اکنون قرعه به نام نهایندیان درآمده است. شنیده می‌شود پس از مطرح شدن نهایندیان به عنوان گزینه ریاست بانک مرکزی، جهانگیری تصمیم به قطع همکاری با دولت گرفته است. زمره‌های دلخوری جهانگیری از اعضای دفتر حسن روحانی از همان روزهای آغازین دولت دوازدهم به گوش رسید. برخی معتقد بودند تعدادی از اعضای دفتر رئیس‌جمهور به دلیل حضور پرشور جهانگیری در رقابت‌های انتخاباتی سعی در کم‌رنگ کردن نقش جهانگیری در اداره دولت دارند. هرچند این گمانه‌زنی‌ها بارها توسط محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور تکذیب شد اما اسحاق جهانگیری در گفت‌وگویی با سالنامه روزنامه شرق تلویحاً این موضوع را تأیید کرد. جهانگیری گفت: «دفتر رئیس‌جمهور جایی سیاسی است که رئیس‌جمهور را در کارهایی که باید انجام دهد، پشتیبانی و نیازهای این امور را برطرف کند. انصافاً آقای واعظی حضور فعال تری دارد و فردی اجرایی است. این اتفاق مثبتی است که رئیس‌جمهور درباره خیلی از مسائل تصمیم‌گیری می‌کند. شاید یک مورد نسبت به دولت یازدهم تفاوت کرده باشد و آن اینکه در دفتر رئیس‌جمهوری درباره انتصابات بعد از کابینه تمرکز شکل گرفته که من تقریباً در جریان آنها نیستم.» در جریان نبودن جهانگیری از برخی امور دلیل ناراحتی ابتدایی او از رئیس‌جمهور بوده است اما او امروز تلاش دارد حضوری فعال تر در دولت داشته باشد تا جایی که با شنیدن جانشینی نهایندیان به جای سیف تصمیم گرفته با دولت دوازدهم قطع همکاری کند. این نخستین بار نیست که خبر استعفای اسحاق جهانگیری به بیرون از درهای پاستور درز پیدا می‌کند. پیش از این یک بار در مهر ۹۶ و یک بار در فروردین ۹۷ خبر استعفای جهانگیری به دلیل اختلاف با محمود واعظی، محمدباقر نوبخت و برخی اعضای تیم اقتصادی دولت شنیده شد؛ خبری که هیچ‌گاه از سوی مقامات رسمی تأیید نشد اما محمدعلی ابطحی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور دولت اصلاحات استعفای جهانگیری را دروغ سبزه نامید. قهر روز یکشنبه جهانگیری به دلیل جایگزینی نهایندیان به جای سیف نشان می‌دهد خبر اختلاف معاون اول با واعظی و نهایندیان از پایه کذب نبوده است. حال باید منتظر ماند و به نظاره نشست که تغییرات تیم اقتصادی دولت منجر به جدایی بازوی کمکی حسن

روحانی در کارزار انتخاباتی ۹۶ خواهد شد یا این استعفا مانند دو استعفای قبلی در حدیک شایعه باقی خواهد ماند.

تکذیب دولت

دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت با تکذیب انتخاب نهایندیان به عنوان رئیس بانک مرکزی اعلام کرد که روابط جهانگیری و نهایندیان، همیشه بر پایه همکاری نزدیک و صمیمانه بوده است. در پی انتشار مطلبی در روزنامه اعتماد به تاریخ ۱۹ تیرماه تحت عنوان «پشت پرده انتشار شایعه کناره گیری جهانگیری از دولت؛ آیا نهایندیان جایگزین سیف می شود؟» توضیحات ذیل جهت تنویر افکار عمومی ارائه می شود: ۱- اصل خبر پیشنهاد ریاست بانک مرکزی به دکتر نهایندیان صحت ندارد. ۲- آقای دکتر نهایندیان در چند نوبت، شخصا شایعه استعفای دکتر سیف و قبول مسئولیت خود را تکذیب کرده اند. ۳- روابط آقای دکتر جهانگیری و دکتر نهایندیان، همیشه بر پایه همکاری نزدیک و صمیمانه بوده است. ۴- جایگاه و کیفیت رابطه آقای جهانگیری با رئیس جمهور نیز هرگز به گونه ای نبوده است که ایشان نیاز داشته باشد با تهدید به استعفا، نظر خود را به کرسی نشاناند. ۵- لازم است همه رسانه ها و جناح های سیاسی در شرایط تهدید خارجی، هم و غم خود را در مسیر تحقق وحدت و انسجام ملی و حمایت از دولت قرار دهند.

روایت یک استعفا

در حالی که اخبار استعفای جهانگیری توسط رسانه ها هر کدام به شکلی متفاوت می چرخید خبرگزاری دولتی ایسنا به نقل از یک منبع آگاه جزئیات دیگری از این ماجرا منتشر کرد. ایسنا تلاش کرد داستان استعفا را تکذیب کند. این خبرگزاری نوشت: «در پی انتشار برخی شایعات در بعضی رسانه ها مبنی بر رقابت میان برخی اعضای کابینه و استعفای معاون اول رئیس جمهوری، یک منبع آگاه ضمن رد این شایعات تاکید کرد هدف خبرسازی های دروغین و غیرواقعی و موهوم اخیر امید ایجاد فضا برای انتخابات آینده، نامید کردن مردم و حرکت در مسیر خواسته بیگانگان و آب به آسیاب دشمن ریختن است.»

به گفته این منبع آگاه بر خلاف آنچه در متن گزارش های ادعایی منتشر شده، نقش آفرینی افراد در عزل و نصب ها در دولت کذب است. این منبع آگاه تاکید کرد: «در باره انتخاب وزرا و هرگونه تغییرات در کابینه، همان طوری که قبلا هم توضیح

۲۲

آخرین خبر این است که حسن روحانی با استعفای اسحاق جهانگیری مخالفت کرده است. سایت انتخاب در خبری در این مورد از استعفای شفاهی جهانگیری معاون اول رئیس جمهور در روزهای گذشته خبر داده و از تلاش برخی نزدیکان دفتر برای اقناع رئیس جمهور در این مورد نوشت یک منبع مطلع در گفت و گو با «انتخاب»، از مقاومت رئیس جمهور در این مورد، تدبیری نو و ماموریتی جدید به جهانگیری خبر داد

۲۲

«حضور دکتر جهانگیری در کابینه، نقطه قوت دولت دکتر روحانی است. همواره شاهد مواضع منطقی و امیدآفرین ایشان بوده ام.»

بست جدید برای جهانگیری

اما آخرین خبر این است که حسن روحانی با استعفای اسحاق جهانگیری مخالفت کرده است. سایت انتخاب در خبری در این مورد از استعفای شفاهی جهانگیری معاون اول رئیس جمهور در روزهای گذشته خبر داده و از تلاش برخی نزدیکان دفتر برای اقناع رئیس جمهور در این مورد نوشت یک منبع مطلع در گفت و گو با «انتخاب»، از مقاومت رئیس جمهور در این مورد، تدبیری نو و ماموریتی جدید به جهانگیری خبر داد. پس از حملات رسانه های متعلق به سخنگوی دولت به جهانگیری برای اصرار بر استعفا و حتی خروج از کابینه بدون رضایت رئیس جمهور، اخبار رسیده به «انتخاب» حکایت از آن دارد که روحانی برای از بین بردن اختلافات و تزیق نیرو و روحیه ای جدید به جهانگیری، با ماموریت ویژه به معاون اول خود موافقت کرده است. این ماموریت، انتصاب ویژه جهانگیری به ریاست ستاد ویژه اقتصادی با اختیارات ویژه و منحصر به فردی است که در برابر جنگ اقتصادی غرب علیه کشورمان ایجاد خواهد شد. طبق اطلاعات رسیده، اعضای دیگر این ستاد، وزرای اقتصادی و دیگر دستگاه ها و سازمان های حاکمیتی هستند. با این انتصاب، به نظر می رسد تلاش برخی افراد برای حذف یا به حاشیه راندن جهانگیری به سنگ خورده است.

با وجود برخی اختلاف ها در سطوح عالی دولت، شرایط اقتصادی کشور و به ویژه نقش جهانگیری در هماهنگی قرارگاه اقتصادی موجب شده او همچنان معاون اول بماند.

داده شده رئیس جمهوری شخصا تصمیم می گیرد.» وی ادامه داد: «اعضای دولت با صمیمیت و منسجم تر از هر زمان با مدیریت و تدبیر رئیس جمهوری در حال انجام وظایف محوله در جهت حل مشکلات مردم در شرایط تحریمی و تحمیلی فعلی به ویژه در مواجهه فعال و هوشیار با بدخواهی های دشمنان هستند.»

این منبع آگاه ادامه داد: «تصویرسازی های غیرواقعی از رقابت های خیالی درون دولت به نحوی که گویی جریان های مختلفی در دولت مشغول مبارزه مستمر با یکدیگر هستند یا کابینه به مثابه یک شرکت سهامی است، آن هم در شرایطی که کشور درگیر جنگ اقتصادی تحمیلی از سوی بدخواهان جهانی و منطقه ای است و دولت متمرکز به حل مشکلات مردم است اقدامی ناپسند و خلاف مصالح ملی است.»

به گفته این منبع آگاه حفظ وحدت ملی و یکپارچگی برای حل مشکلات مردم و ایستادگی در برابر توطئه های دشمنان اصلی ترین راهبرد دولت است و تک تک اعضای کابینه در شرایط فعلی به چیزی جز حل مشکلات مردم نمی اندیشند. وحدت و انسجام مهم ترین مولفه پیروزی راهبردی دولت و ملت بزرگ ایران است که همواره از سوی رئیس جمهوری مورد تاکید قرار گرفته است. به گفته این منبع آگاه و در صورت استمرار شایعه پراکنی، پیگیری های حقوقی و قضایی علیه منتشرکنندگان شایعات اخیر از سوی مراجع ذی ربط دنبال خواهد شد.

واکنش نوبخت به خبر استعفای جهانگیری

در ادامه این تحولات سخنگوی دولت هم به خبر استعفای معاون اول رئیس جمهور واکنش نشان داد. متن یادداشت توییتهی محمدباقر نوبخت به این شرح است:



واعظی مورد توجه رسانه ها قرار گرفته و گفته می شود او اختلاف نظرهایی با جهانگیری دارد که این مساله توسط هر دو نفر تکذیب شده است



نوبخت نیز به ماجرای رفتن جهانگیری از کابینه واکنش نشان داده است



گفته شد که علت استعفای جهانگیری مخالفت با انتصاب نهایندیان برای بانک مرکزی بوده است

استعفای دوم

پشت پرده نامه‌های خداحافظی

اسحاق جهانگیری دوباره خبرساز شده؛ تبدیل شده به چهره هفته. دوباره ساز رفتن کوک کرده مثل ابتدای تشکیل دولت دوم. می‌گویند فعالا همه چیز به حالت قبل بازگشته و او ماندگار است. اما هر چه باشد او فعلا در چشم است. خاصه آنکه نام گزینه‌های دیگری هم برای معاون اولی به میان آمده است.

ستاره مناظره

«مردم یادتان هست...»؛ این جمله‌ای آشناست که در زمان مناظره‌های انتخاباتی بارها و بارها از زبان اسحاق جهانگیری شنیده شد. او آمده بود تا هر طور شده کمک کند که حسن روحانی پیروز انتخابات باشد. او برای اینکه این هدفش محقق شود برای حسن روحانی همه کار کرد. خیلی‌ها معتقدند او برگ برنده روحانی در مناظره‌ها بود تا به وقت نیاز گاه در خط حمله باشد و گاه در خط دفاع. تک به تک‌های او با محمدباقر قالیباف و ابراهیم رئیسی گاهی آن قدر داغ و جنجالی می‌شد که دیگر نوبت به حسن روحانی نمی‌رسید.

روحانی که پیروز شد خبرهایی آمد از اینکه او استعفا داده است. ماجرا از این قرار بود که گویا در زمان رایزنی‌ها برای کابینه اسحاق جهانگیری ناراحتی خود را از تصمیم روحانی از برخی انتصاب‌ها در این بخش اعلام کرده اما روحانی نظرات او را نپذیرفته است.

سایت انصاف‌نیوز که رسانه‌ای اصلاح طلب است برای اولین بار ماجرای این انصراف را تایید کرد و نوشت: «شنیده‌های موقت از استعفای «اسحاق جهانگیری» از معاونت اولی دولت حکایت دارد. با استعفای آقای جهانگیری، احتمال بررسی نام او در میان گزینه‌های شهرداری تهران بالا می‌رود. خبر استعفای رسمی جهانگیری تا این لحظه منتشر نشده ولی احتمال می‌رود که این کار به جلسه فردای منتخبان شورای شهر تهران برای انتخاب گزینه‌های اصلی شهرداری مرتبط باشد. پیش‌تر شنیده شده بود که شرط جهانگیری برای ماندن در دولت، داشتن اختیار برای چیدن تیم هماهنگی در حوزه اقتصاد دولت دوازدهم است. به نظر می‌رسد که با استعفای جهانگیری، تیم اقتصادی دولت دوازدهم به جریان «محمد نپا و ندیان» و «محمدباقر نوبخت» نزدیک‌تر شده است. اختلاف بر سر گزینه‌های مطرح برای شهرداری تهران در مدت اخیر بالا گرفته و بسیاری از آن رسانه‌ای شده است. برخی تحلیلگران معتقدند که کاندیداتوری اسحاق جهانگیری می‌تواند بیشترین رای را میان گزینه‌ها به همراه داشته باشد.»

در ادامه این خبرها سایت تابناک هم که به محسن رضایی نزدیک است با تایید شایعات مربوط به استعفای جهانگیری ماجرای آغاز این گمانه‌زنی‌ها را مربوط به تیم اقتصادی کابینه جدید دانسته بود. تابناک در این مورد نوشته بود: «پس از پیروزی «حسن روحانی» مباحث زیادی پیرامون جهانگیری مطرح شد؛ از بحث شهرداری او در پایتخت تا ارائه لیست وزیران و تیم اقتصادی دولت دوازدهم توسط او به رئیس‌جمهور؛ مسائلی که در بحث اول یعنی شهرداری تهران با

مخالفت آقای معاون اول مواجه شد اما موضوع دوم یعنی پیشنهاد دادن تیم اقتصادی دولت به رئیس‌جمهور مورد اقبال و استقبال او و همفکران سیاسی اش واقع شد. به همین دلیل مباحث زیادی پیرامون ایجاد تغییرات جدی در تیم اقتصادی دولت برای کابینه دوازدهم و ادامه راه دولت تدبیر و امید مطرح شد؛ تا جایی که خبرها از ایجاد تغییرات جدی در اکثریت کرسی‌های اقتصادی کابینه دوازدهم نسبت به دولت یازدهم حکایت می‌کرد. خبری در ارتباط با قهر «اسحاق جهانگیری» معاون اول رئیس‌جمهور در شبکه‌های اجتماعی پیچید، موضوعی که به نظر می‌رسد برآمده از همین بحث جینش تیم اقتصادی کابینه دوازدهم باشد. البته همان‌طور هم که پیش‌تر اعلام شده بود، مقرر شده که جهانگیری فهرست وزیران اقتصادی مورد نظر خود را به رئیس‌جمهور تنها پیشنهاد دهد و «حسن روحانی» در نهایت از بین آنها دست به انتخاب بزند یا نزند. هر چه به زمان معرفی اعضای دولت یازدهم به مجلس نزدیک و نزدیک‌تر می‌شویم، برخی خبرها در خصوص تغییرات تیم اقتصادی کابینه در حال تغییر نسبت به آن چیزی است که در گذشته شنیده و مطرح شده بود و گویا همین موضوع یکی از دلایل اصلی دلخوری معاون اول رئیس‌جمهور است.»

اما در این میان برخی چهره‌های اصلاح طلب هم در مورد این ماجرا به اظهار نظر پرداخته بودند. جمیله کدیور در توییتر در این مورد نوشته بود: «شنیده‌های غیررسمی حاکی از انتخاب فردی از جریان غیراعتدالی و غیراصلاح طلب به جای اسحاق جهانگیری در سمت معاون اولی است. بر اساس همین شنیده‌ها، این تغییر به دلیل اختلاف نظر در انتخاب تیم اقتصادی دولت جدید است. اگر این تغییر و انتخاب فرد جدید به جای جهانگیری جدی باشد، این یعنی دهن کجی به رای ۲۴ میلیون نفر.» در واکنشی دیگر به این مساله «حجت نظری»، عضو منتخب شورای شهر تهران که از اعضای حزب اتحاد ملت است نیز در توییتر نوشته بود: «گویا اسحاق جهانگیری از معاون اولی رئیس‌جمهور استعفا داده است. امیدوارم یا صحت نداشته باشد یا در صورت صحت، صدای جریان اصلاحات شنیده شود.»

معاون اولی بر ماجرا

نکته جالب توجه این است که ماجرای معاون اولی دولت حسن روحانی در همان زمان به موضوعی مورد بحث تبدیل شده بود تا آنجا که حتی نام ناطق نوری هم به میان آمده بود. ناطق نوری پس از استعفایش از بازرسی در افطاری با حسن روحانی با حضور محمد خاتمی حضور یافت. این حضور کافی بود تا یک شایعه جدید ایجاد

شود. خبرگزاری‌ها و سایت‌ها شایع کردند که ناطق نوری به عنوان یک گزینه جدی برای معاون اولی مطرح است. در این خبر آمده بود که «با تقویت احتمال رفتن اسحاق جهانگیری به شهرداری تهران در دوره جدید، احتمال معاونت اولی حجت‌الاسلام ناطق نوری در دولت دوازدهم نیز قوت گرفته است، اما به رغم حمایت جدی آقای ناطق نوری از حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری و نزدیکی بیش از پیش وی به رئیس‌جمهور منتخب، تاکنون حسن روحانی برای حضور وی در معاون اولی موافقت قطعی نداشته است.» این خبر البته با هیچ واکنشی از سمت دولت یا ناطق نوری مواجه نشد.

بعد از آن در خبری دیگر اعلام شد که حسن روحانی ممکن است محمد شریعتمداری را به عنوان معاون اول خود انتخاب کند و جهانگیری را به یک وزارتخانه بفرستد. همزمان برخی نیز شایع کردند که اسحاق جهانگیری به شهرداری تهران نظر دارد.

این مباحث ادامه داشت تا اینکه محسن کوهکن اعلام کرد که خبرهایی در مورد احتمال انتصاب باهنر به سمت معاون اولی وجود دارد. خود باهنر اما در واکنش به این خبر گفت: «دوستانی حسن ظن دارند به من و تشکر می‌کنم. صریح می‌گویم که اگر من جای روحانی بودم باهنر را معاون اول نمی‌کردم، هر چند من برخی کارهای دولت را تایید می‌کنم و آرزوی پیروزی دولت را دارم، اما اختلاف نظرهای جدی سیاسی و فرهنگی با روحانی دارم.»

جنجال‌های جهانگیری

اما این روزها دوباره نام اسحاق جهانگیری ورد زبان‌ها شده است. می‌گویند استعفا داده است آن هم در شرایطی که بحث تغییرات کابینه به میان آمده است. این وسط او پس از تکذیب خبرهای مربوط به استعفا به سفر رفته و قول افشای همه داده است. او گفته: «در خصوص فساد به طور کامل و جدی‌تر در مردادماه صحبت خواهم کرد البته یک عده افراد کوتاه‌فکر وجود دارند که مردم را در شرایط سختی قرار دادند و دولتمردان را دچار چالش کرده‌اند، این عده به دنبال زدن جیب مردم و غارت اموال ملی هستند در حالیکه پیش از این نیز با آنها برخورد می‌شد امروز با این افراد به صورت شدیدتری برخورد می‌شود چرا که کشور امروز نیازمند افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم است.»

به نظر می‌رسد جهانگیری دوباره دلگرم شده است.





عباس سلیمی نمین می‌گوید: «برخی نخواستند آقای جهانگیری، رئیس‌جمهور را در حاشیه قرار دهد. در رقابت‌های انتخاباتی هم، ظهور و بروز شخصیت آقای جهانگیری به نوعی بود که تلقی جامعه یک نوع در سایه قرار دادن رئیس‌جمهور بود. این خیلی نمی‌توانست مطلوب باشد برای اطرافیان آقای روحانی.» او البته معتقد است: «من فکر می‌کنم افرادی مثل آقای نهان‌دیان باید از دولت حذف شوند، چرا که یک مسیر درستی را از ابتدا در حوزه اقتصاد دنبال نمی‌کردند.» با او درباره ماجرای استعفای جهانگیری از دولت گفت‌وگو کرده‌ایم.

دولت نبوده است؟

چرا، برعکس نقطه بوده و به همین دلیل هم برخی نخواستند آقای جهانگیری، رئیس‌جمهور را در حاشیه قرار دهد. در رقابت‌های انتخاباتی هم، ظهور و بروز شخصیت آقای جهانگیری به نوعی بود که تلقی جامعه یک نوع در سایه قرار دادن رئیس‌جمهور بود. این خیلی نمی‌توانست مطلوب باشد برای اطرافیان آقای روحانی. نظرتان در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ چیست؟ به نظرتان آقای جهانگیری هست یا خیر؟

الان نمی‌شود قضاوت کرد. اگر آقای جهانگیری در این شرایط بتواند منشأ تأثیر باشد، ذهنیت جامعه از او مثبت خواهد بود، اگر الان فرصت طلبی کند و توانمندی خوبی از خودش عرضه نکند، خیر؛ خیلی به نظر من شانسی نخواهد داشت. در مجموع در شرایط کنونی ایشان هم سهیم است، به همین دلیل هم برخی از کسانی که پیشنهادات فرصت طلبانه به ایشان می‌دهند، بر اساس این تلقی است که ایشان در صورت ماندن در دولت، همه کارت‌های برنده خودش را از دست خواهد داد، یعنی کارنامه دولت را به گونه‌ای ارزیابی می‌کنند که آقای جهانگیری هم در آن سهیم است و جاذبه‌ای برای تصمیمات آینده مردم برای شکل‌دهی قوه مجریه نخواهد داشت.

نهان‌دیان از دولت برود

گفت‌وگو با عباس سلیمی نمین

آقای سلیمی نمین! موضوع استعفای معاون اول رئیس‌جمهور در گذشته هم یکبار تکرار شده بود و این بار هم با حادث شدن مشکلات اقتصادی این موضوع دوباره مطرح شده است. تحلیل شما از چرایی این موضوع چیست؟ چه اختلافاتی در دولت وجود دارد؟

این مسأله یک نوع فرصت‌طلبی سیاسی از جانب یک چریانی است که تصور می‌کند اگر در شرایط کنونی مسیر خودش را از آقای روحانی جدا کند، قادر خواهد بود در آینده از شانس بهتری برای کسب جایگاه ریاست قوه مجریه برخوردار باشد، در حالی که موقعیت کنونی هرگز این اجازه را به ما نمی‌دهد که به فکر منافع گروهی و فردی باشیم. آمریکا با آشکار کردن چهره واقعی خودش یک نوع زورگویی و قلدری نژادپرستانه‌ای از خودش بروز داده که در صورت عدم توجه به ضرورت زمان، قطعاً این می‌تواند لطمه جدی به کشور بزند. البته در صورت اتحاد و یکپارچگی هرگز آن نوع عداوت‌ها راه به جایی نمی‌برد چنانچه در گذشته راه به جایی نبرده است. اما اگر گروه‌های سیاسی این گونه عمل کنند که این عملکرد را فرصت‌طلبی سیاسی تلقی می‌کنم، قطعاً شرایط کشور خیلی برای ما مناسب نخواهد بود. البته همان طوری که شما اشاره کردید، این بحث یک بار مطرح شد، برخی افراد مطرح‌کننده دیدند که خیلی به نفع‌شان تمام نمی‌شود و تلقی جامعه خیلی مثبت نخواهد بود، حرف‌شان را تغییر دادند. فکر می‌کنم این بار هم همین حالت به وجود بیاید، چون اصلاً جامعه نمی‌پسندد که هر کسی در این شرایط راه و منافع خودش را در پیش بگیرد.

به نظرتان عمده مشکلات آقای جهانگیری در دولت چیست؟ او احساس می‌کند نمی‌تواند در شرایط حاضر راهکارها و پیشنهادهای خود را پیش ببرد؟ یعنی فردی است که به او بهاداده نمی‌شود و این بحث‌ها پیش می‌آید؟

من این را خیلی گزاره دقیقی نمی‌بینم که آقای جهانگیری فرصت بروز و ظهور توانمندی‌هایش را نداشته باشد. گرچه بین تیم اقتصادی اختلافاتی وجود دارد و این اختلافات قطعاً می‌بایست به نوعی حل و فصل شود، اما این بدان معنی نیست که آقای جهانگیری شرایط لازم جهت پیشبرد اقتصاد مقاومتی یا حل مشکلات را به هیچ وجه نداشته باشد. طبعاً بدون مشکل نیست؛ من هم قبول دارم مشکلاتی در سر راه دست‌اندرکاران وجود دارد که خود آقای جهانگیری به کرات به این امر معترض بودند که هیچ کدام از مشکلات در کشور بدون راه‌حل داخلی نیست، یعنی هیچ مشکلی وجود ندارد که ما راه‌حل داخلی برایش نداشته باشیم. اگر این سخن ایشان مبتنی بر یک باور است، طبعاً باید تلاش لازم در این وادی صورت بگیرد که خب مشکلات موجود با راه‌حل‌های داخلی پیگیری شود، اما هم‌زمان با شنیدن این نوع اظهارات می‌بینیم که برخی از مسائل با راه‌حل بیرونی پی‌گرفته می‌شود؛ مبتنی بر واردات یا راه‌های غیراصولی دیگری که ریشه در خود دولت دارد. این را آقای جهانگیری قطعاً می‌تواند مدیریت کند، ولی اگر مدیریت برای این قضیه صورت نمی‌گیرد، ما به ازای آن می‌توانیم در جاهای دیگر دنبال کنیم. اما با وجود همه ضعف‌ها و کم‌توانی‌ها یا کم‌انگیزگی‌ها در هیات

دولت، این بحث که کادر را با مصلحت‌جویی‌های فرضی ضعیف‌تر کنند، تیم خودشان را ضعیف‌تر کنند، به هیچ وجه قابل قبول نیست.

گفته می‌شود طیف مقابل آقای جهانگیری در دولت، آقای نوبخت و آقای واعظی هستند که یکسری اختلافاتی بینشان دارند. به نظرتان آقای روحانی، آقای جهانگیری را به آنها ترجیح می‌دهد و سعی می‌کند آقای جهانگیری را در دولت داشته باشد و او به کارش ادامه دهد؟

اخبار متعددی در این زمینه به گوش می‌رسد و این تلقی هم وجود داشت که بعد از انتخابات آقای جهانگیری زمینه زیادی برایش فراهم نباشد که همچنان به نوعی رئیس‌جمهور در سایه قرار بگیرد. این بحثی بود که در دوران انتخابات مطرح شد، چون آقای جهانگیری در دوران انتخابات در برخی از مناظره‌ها قوی‌تر ظاهر شد. برخی صاحب‌نظران معتقد بودند تداوم این روند در ترکیب آینده دولت ممکن نخواهد بود و منجر به حذف آقای جهانگیری خواهد شد. خب حالا این اتفاق نیفتاده است؛ به هر دلیل آقای روحانی همچنان آقای جهانگیری را در جایگاه معاون اولی حفظ کرده و ایشان مقام دوم کابینه به حساب می‌آید. یا باید ایشان دلایل مشخصی را به جامعه اقامه کند، یا با قدرت عمل کند و به دنبال پاسخگویی فرصت‌طلبی‌های برخی از دوستان خودش نباشد. من فکر می‌کنم راه‌حل دوم برای آقای جهانگیری زمینه‌های لازم را دارد و می‌تواند ایشان قوی‌تر عمل کند، اما برخی مسائلی که که ایشان مسئولیت مستقیمش را به عهده دارد، در ارزیابی‌ها ایشان را خیلی قوی نمی‌توانیم ببینیم، به خصوص ستادی که ایشان به عهده داشت در ارتباط با اقتصاد مقاومتی، خیلی نتایج برایش مترتب نمی‌بینیم، نتایج پررنگی را در این زمینه شاهد نیستیم. این به شکل دقیق به اختلافات بر نمی‌گردد، هرچند آن چیزی که شما اشاره کردید، تا حدی درست است. من فکر می‌کنم افرادی مثل آقای نهان‌دیان باید از دولت حذف شوند، چرا که یک مسیر درستی را از ابتدا در حوزه اقتصاد دنبال نمی‌کردند؛ چه در اتاق بازرگانی و چه در جایگاه دیگری که داشتند. حالا این بستگی به آقای رئیس‌جمهور دارد و خیلی به نظرات ما ارتباطی نخواهد داشت یا نظرات ما در این زمینه تأثیر نخواهد داشت، اما فکر می‌کنم به این ضرورت رسیده‌اند که در تیم اقتصادی تغییراتی ایجاد کنند. قطعاً تغییراتی که حاصل خواهد شد، جایگاه آقای جهانگیری را تقویت خواهد کرد، یعنی حذف برخی افراد چه در بانک مرکزی، چه در وزارت تجارت و معادن، وزارت اقتصاد، این‌ها می‌تواند یک مقداری جایگاه آقای جهانگیری را تقویت کند. منتها این تغییرات چه صورت بگیرد و چه نگیرد، هیچ توجیهی برای رویکرد فرصت‌طلبانه سیاسی وجود نخواهد داشت. با هر شرایطی علی‌القاعده باید ما تلاش خودمان را برای تقویت کشور در برابر هجوم نژادپرستانه سیاستمداران آمریکایی داشته باشیم و تلاش‌مان را تقویت کنیم.

یعنی با این تفاسیر می‌فرمایید که وقتی به کارنامه آقای روحانی به صورت کلی و کارنامه آقای جهانگیری در دولت نگاه می‌کنیم، آقای جهانگیری به آن صورت یک نقطه قوت برای

روزهای بحران

تنگنای سیاست ورزی اسحاق جهانگیری

مسعود پورسیدی

روزنامه‌نگار

اسحاق جهانگیری بار هاشمی رفسنجانی و یاور روحانی؛ او همانند یاران وفادار مرحوم هاشمی رفسنجانی دارای خاستگاه حزبی کارگزارانی است و با این حزب کنشگری جدی خود را در مختصات سپهر سیاست کشور آغاز کرده است. او رئیس حلقه کرمانی‌های حزب کارگزاران سازندگی محسوب می‌شود و برخی از تحلیلگران حزبی نقش او را اجرای راهبردهای سیاسی پدر معنوی حزب تلقی

محمدباقر قالیباف، اصلی‌ترین رقیب حسن روحانی را در کارزار رقابت زمینگیر کرد، این پایان کارویژه جهانگیری نبود؛ او با استراتژی عدم بازگشت به عقب، هشداری جدی به جامعه ایرانی داد و گزاره‌هایی مانند «مردم عزیز یادتان می‌آید وضع اقتصادی مردم چطور بود؟ دارو پیدا نمی‌شد و بیماران سرطانی و خاص چه عذاب کشیدند، ضمن اینکه کره و شیر خشک نیز پیدا نمی‌شد و سیلوهای گندم ما نیز خالی شده بودند» استفاده کرد. سیاست ورزی حرفه‌ای اسحاق جهانگیری، او را به مناسب‌ترین گزینه جریان اصلاحات برای انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم بدل ساخت. عبدالله ناصری در همین راستا اظهار داشت: «برای



سال ۱۴۰۰ نامزد اصلاح‌طلبان احتمالاً جهانگیری و نامزد اصولگرایان احتمالاً لاریجانی خواهد بود این در حالی است که من معتقدم جوآنکرایبی و دادن عرصه به نیروهای جدید را باید از همین انتخابات ریاست جمهوری در پیش گرفت زیرا ادامه روند حضور مدیران ۴۰ ساله در عرصه‌های مدیریتی را یکی از پاشنه‌های آشیل کشور می‌دانم و بر این باورم اگر نگاه نوگرایانه‌ای به حوزه مدیریت داشته باشیم حتی قدرت دفاعی و امنیتی بسیار بالایی برای کشور ایجاد می‌شود.»

خروج از وضعیت فرسایش سرمایه اجتماعی «دلار جهانگیری» کلیدواژه طنزآمیز جامعه

می‌کردند. محافظه‌کاری را از تکنوکرات‌ها به ارث برده است به همین خاطر در منازعات رادیکال رخدادهای انتخابات ریاست جمهوری دهم آسیب ندید؛ هرچند برخی از اعضای حزب کارگزاران سازندگی در دادگاه محکوم شدند و فعالیت تشکیلاتی آنان چهارسال در اغما قرار گرفت. با پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم، اسحاق جهانگیری مجری راهبردهای پدر معنوی دولت شد اما اوج سیاست ورزی حرفه‌ای او در برهه فقدان هاشمی رفسنجانی رخ داد. پدیده «کاندیدای پوشش» ایده انتخابات پدر معنوی دولت یازدهم برای کاهش فشارهای رقیبان حسن روحانی بود. جهانگیری با حملات دقیق بر نقاط ضعف

۱۱

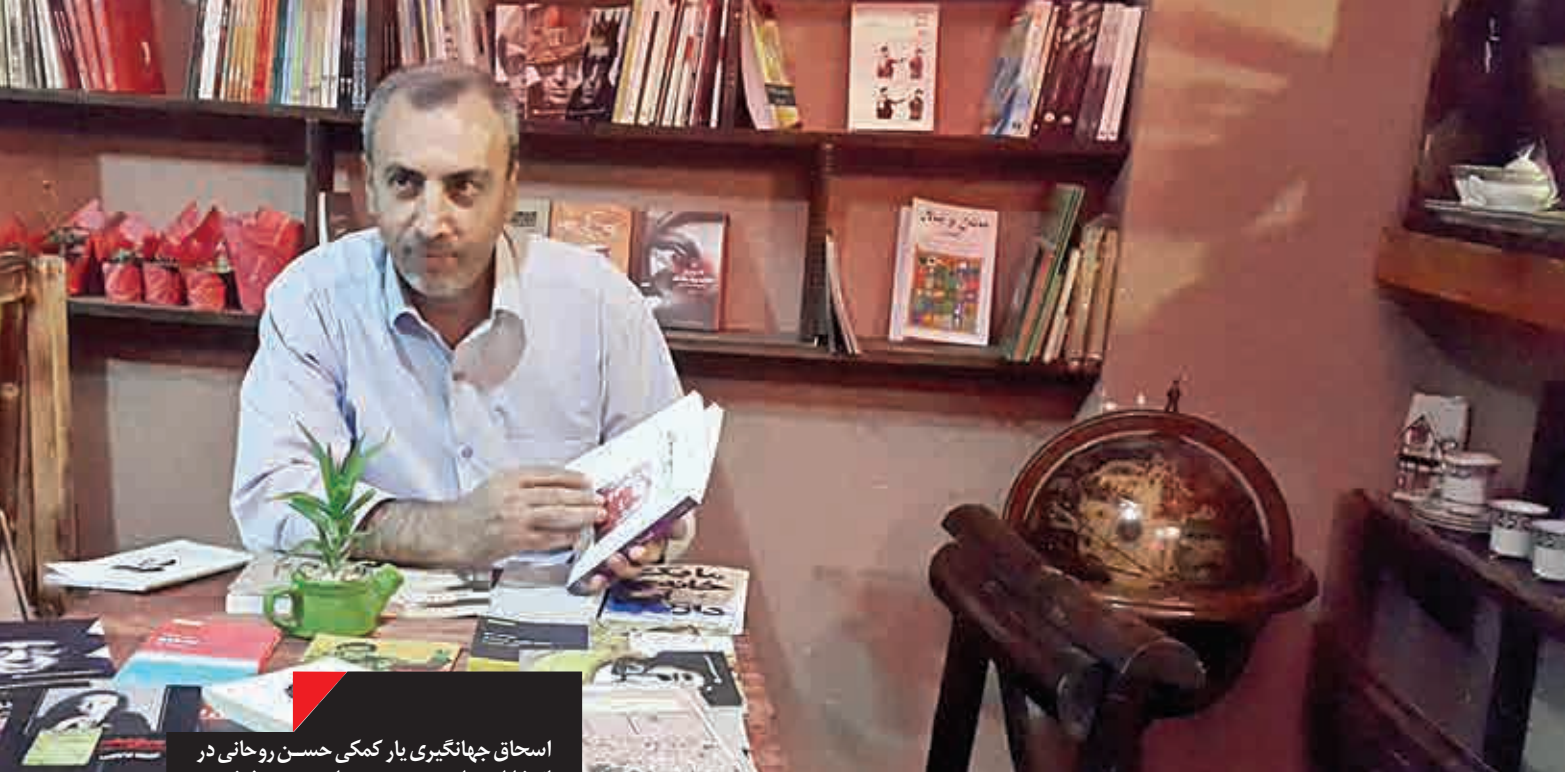
جهانگیری با حملات دقیق بر نقاط ضعف محمدباقر قالیباف، اصلی‌ترین رقیب حسن روحانی را در کارزار رقابت زمینگیر کرد، این پایان کارویژه جهانگیری نبود؛ او با استراتژی عدم بازگشت به عقب، هشداری جدی به جامعه ایرانی داد

۱۲

ایرانی به عدم مدیریت بازار ارز از سوی دولت دوازدهم است. جامعه، مدیریت ارزی را فاقد اثرگذاری مناسب در قبال افزایش نرخ ارز می‌داند و به همین خاطر هرگونه تکاپو را گفتار درمانی تلقی می‌کند. اقدام اسحاق جهانگیری هر چند از جنس مسئولیت دولتی بود ولی در هنگامه فقدان گریز مسئولیت‌پذیری در وضعیت بحران به مثابه فداکاری است. فداکاری اسحاق جهانگیری برای او چه تبعاتی دارد؟ فرسایش سرمایه اجتماعی مطلوب اصلی‌ترین تبعات اقدام اسحاق جهانگیری است. او که درصدد حضور در انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم است، این وضعیت را خطرناک می‌داند و با هوش سیاسی خواهان تغییر وضعیت است. اسحاق جهانگیری دو راه اصلی پیش رو دارد؛

۱- خروج از دولت دوازدهم؛ هرچند شایعه استعفای اسحاق جهانگیری تکذیب شد ولی این راه‌حل می‌تواند یکی از اقدامات پیشنهادی یاران نزدیک به معاون اول باشد. این راه‌حل هرچند در مقطع کوتاه مدت امکان تأثیرگذاری مثبت برای اسحاق جهانگیری را داراست ولی خروج از دولت دوازدهم در چند محور برای کنشگری آینده ایشان نامناسب است؛ الف) در فضای تصمیم‌سازی پنهان، حامیان دولت دوازدهم با این اقدام به مخالفان جدی جهانگیری بدل خواهند شد و در برهه زمانی انتخابات با تسلط بر عملیات روانی منجر به کاهش رای او خواهند شد. ب) در فضای عمومی جامعه ایرانی بر ساخت تصویر جهانگیری به فردی شبیه خواهد شد که در دوران نعمت همسو با جریان حاکم است و در عصر عسرت کنج عزلت را انتخاب می‌کند. ج) عاملیت وی برای حضور حسن روحانی در دستور موجب شده است، هرگونه اقدام انتقادآمیز وی به ساخت قوه مجریه با موج سهمگین منتقدان سیاسی او همراه بشود.

۲. ظهور در قامت منجی؛ اسحاق جهانگیری باز یگر سیاسی ایده‌آل است؛ او نقش نامزد پوششی را حتی در وضعیت فقدان کارگردان اصلی به خوبی ایفا کرد. در شرایط فعلی آن توانایی آن را دارد که با اقدامات شفافیت‌آمیز در راستای مبارزه با باندهای فساد رقیب جدی در برابر سلسله اقدامات آذری جهرمی بشود و از سوی دیگر پیششیبانی جریان اصلاحات فرسایش سرمایه اجتماعی پیشین را جبران کند و بازسازی تصویری خود در راه مبارزه با فساد را آغاز کند. این اقدام نیازمند فاصله‌گیری از ادبیات محافظه‌کارانه به دلیل پرونده اقتصادی برادرش است و باید برای حفظ جایگاهش برخی خطوط قرمز خانوادگی را رد کند.



جهانگیری نبود، روحانی رای نمی آورد

گفت و گوی مثلث با جلال جلالی زاده

اسحاق جهانگیری یار کمکی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم بود؛ شخصی که بیش از هر یک از کاندیداهای دیگر، هویتی اصلاح طلبانه داشت اما کاندیدای اصلاح طلبان نبود! بر خلاف نقش پررنگ و جسورانه وی در مناظره‌های تلویزیونی و سنگ تمام گذاشتن او برای حمایت از حسن روحانی، اما با تشکیل کابینه دوازدهم و کم‌رنگ شدن حضور اصلاح طلبان، همه نگاه‌ها متوجه جهانگیری بود. واکنش او به این بی توجهی چه خواهد بود؟ تا آنجا که اختلافات درونی و رقابت درونی برای کسب کرسی‌های وزارت در دولت دوازدهم سر باز کرد و این بار بر خلاف زمان رقابت‌های انتخاباتی جهانگیری نقش چندانی نداشت، به حاشیه رفته بود و انتصابات جدید تحت تأثیر محمود واعظی انجام می‌شد. رفته رفته و با عمیق شدن اعتراضات اصلاح طلبان به عملکرد روحانی و کم‌رنگ شدن نقش آنها در دولت جدید، شایعه استعفای جهانگیری مطرح شد. شایعه‌ای که در حد همان شایعه باقی ماند و هیچ‌گاه رنگ واقعیت به خود نگرفت اما حکایتی جدید از عمق اختلافات میان دولت و اصلاح طلبان را روایت می‌کند. بار دیگر این شایعه در محافل خبری بارنگ و لعاب بیشتری مطرح شد. تا آنجا که دولت بیانیه داد و تلاش کرد تا ماجرا را خاتمه دهد.

تا اینجا هم عملکرد آقای روحانی به ضرر اصلاح طلبان تمام شده است، خصوصاً اصلاح طلبانی که در شهرستان‌ها هستند را با آس و ناامیدی مواجه کرده است. آنها خودشان را برای آقای روحانی و پیروزی ایشان در انتخابات هزینه کرده‌اند تا ایشان شعارهای اصلاح طلبانه خود را عملی کند؛ چون رئیس جمهور تنهاست و افرادی که در کابینه ایشان حضور دارند برای موفقیت و تحقق وعده‌ها و شعارهای آقای روحانی ناتوانند. افرادی هم مثل آقای جهانگیری که هم در حاکمیت و هم در بین توده‌های مردم نفوذ و اعتبار دارند، می‌توانند خلاء کم‌اقتبالی روحانی را پر کنند؛ کنار رفتن جهانگیری منجر به بی اعتبار شدن و وارد شدن خدشه به دولت می‌شود که نتیجه آن را در پایین آمدن مشارکت مردم در انتخابات آینده خواهیم دید.

به عبارت دیگر معتقد هستیم که تا کارآمدی دولت، پای اصلاح طلبان نوشته خواهد شد؛ عده‌ای از وزرا خود را اصلاح طلب نمی‌دانند اما برخی شهامت دارند و خود را اصلاح طلب می‌دانند. ولی در مجموع چون اصلاح طلبان خود را حامی اصلی رئیس جمهور می‌دانند، این امر موجب ضرر آنها خواهد شد.

آقای جهانگیری در نقش معاون اولی چه میزان در دولت دوازدهم کارآمد هستند؟ نظر شما در خصوص ماندن یا کنار رفتن آقای جهانگیری از دولت چیست؟

باتوجه به وضعیت فعلی آنچه تکلیف انسان را سنگین می‌کند انجام تعهداتی است که بر دوش وی است. در شرایطی که روحانی بدون حمایت جهانگیری پیروز نمی‌شود، ایشان آمدند و شرایط به نفع آقای روحانی تغییر کرد که منجر به پیروزی ایشان در انتخابات شد. از نظر اخلاقی نمی‌توان وقتی از فردی در انتخابات حمایت می‌کنند پس از پیروزی او را رها کنند. اگر چه روحانی قصد ندارد بار دیگر به سمت ریاست جمهوری برسد، اما عدم

طی روزهای گذشته شایعاتی مبنی بر استعفا و کناره‌گیری آقای جهانگیری از دولت دوازدهم منتشر شد؛ ارزیابی شما از مطرح شدن چنین موضوعی در شرایط کنونی چیست؟

در خصوص این موضوع باید چند نکته را مدنظر قرار داد. مهم‌ترین آن این است که حمایت آقای جهانگیری از آقای روحانی با توجه به صداقت در گفتار و رفتار و اعتمادی که نزد افکار عمومی نسبت به آقای جهانگیری وجود دارد در امر پیروزی آقای روحانی بسیار حائز اهمیت و تأثیرگذار بوده است. اگر آقای جهانگیری حمایت نمی‌کردند و در مناظره‌ها و سفرهای استانی شرکت نمی‌کردند؛ آقای روحانی رای نمی‌آورد. روحانی پیروزی خود را مدیون جهانگیری است. بسیاری از اصلاح طلبان از جمله خود من به واسطه حمایت آقای جهانگیری از آقای روحانی به ایشان رای دادیم و در انتخابات ریاست جمهوری از ایشان حمایت کردیم. نکته بعدی آن است که تحت تأثیر حضور آقای نوبخت و آقای واعظی در کابینه دولت، قدرت آقای جهانگیری کم شده است و ایشان نفوذ زیادی در کابینه ندارند. این موضوع در کنار کم‌صدای آقای جهانگیری متأسفانه در خارج از دولت با واکنش‌های مختلفی روبه‌رو بوده است. اصلاح طلبان نسبت به کم‌توجهی روحانی به جهانگیری نگران هستند. این در حالی است که با نفوذ بیشتر رئیس دفتر رئیس جمهور و سخنگوی دولت باعث می‌شود که معاون اول عملاً کنار بکشد و این در صحنه عمل، به ضرر رئیس جمهور است. روحانی چهره کاربزمایی ندارد. اگر افرادی مثل آقای جهانگیری در کنار ایشان نباشند، رئیس جمهور نفوذ خود را در افکار عمومی از دست خواهد داد.

کم‌رنگ شدن و حاشیه‌ای شدن نقش آقای جهانگیری در دولت چه تأثیری را روی جریان اصلاح طلب خواهد گذاشت؟ به عبارت دیگر این موضوع، اطلاع طلبان را در چه موضعی قرار می‌دهد؟

حمایت از او منجر به عدم اعتماد مردم و سلب اعتماد افکار عمومی خواهد شد. وقتی مردم ببینند کسی به خواسته آنها توجه نمی‌کند، موجب می‌شود که دید فرصت طلبی و منفعت‌گرایانه‌ای در بین مردم شکل بگیرد و راه برای فرصت طلبان باز شود.

ماندن یا رفتن آقای جهانگیری، دو دیدگاهی است که در درون اصلاح طلبان حامیان خود را دارد. آیا این موضوع موجب شکل‌گیری اختلاف درونی بین این طیف سیاسی شده است؟

ماندن در قدرت با هر هزینه و به هر قیمتی به مصلحت نیست. وقتی فرد، هیچ کارایی و نفوذی ندارد و نمی‌تواند کار خاصی انجام دهد، چرا باید بماند؟ اگر آقای جهانگیری هم در نقش معاون اول نمی‌تواند کارایی داشته باشد چه اصراری است که برای حفظ مصلحت یا توجیه دیگران در کابینه بماند. اگر ایشان بماند و دولت همچنان ناکارآمد بماند، بسیاری از این هزینه‌ها پای اصلاح طلبان نوشته می‌شود.

قبل از جهانگیری خیلی‌های دیگر باید از دولت استعفا کنند

گفت‌وگوی مثلث با حسین الله کرم



یک سال از روی کار آمدن دولت روحانی می‌گذرد اما بحث ماندن یا نماندن جهانگیری در کابینه همچنان مطرح است. هر بار هم که این موضوع پیش می‌آید نام واعظی به عنوان پشت پرده ماجرا بیان می‌شود. حسین الله کرم معتقد است: «خبرهای اختلافات درون دولت واقعی نیست و این اخبار با هدف انحراف افکار عمومی از موضوعات اصلی کشور رسانه‌ای می‌شوند.» مشروح این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

توانایی‌های دولت را ذیل آن قرار دهند، چنین مسائلی مطرح می‌شود.

شما معتقدید استعفای آقای جهانگیری موضوعی نمایشی است تا توجه جامعه به موضوعات فرعی منحرف شود، آیا اتخاذ چنین تاکتیکی از جانب دولت جواب هم می‌دهد و اثری هم دارد؟

اثرش بیگیری‌های رسانه‌ای است چون با این اتفاق به موضوع دامن زده می‌شود و جای مسائل اصلی کشور می‌نشیند.

این دیدگاه وجود دارد که اگر روزی آقای جهانگیری از دولت برود، دولت دچار افت کارآمدی می‌شود، نظر شما چیست؟

به نظر من اکثر نیروهای اقتصادی دولت عملکرد مناسبی نداشتند ولی قبل از آنکه آقای جهانگیری بخواند برود خیلی افراد دیگر همچون سیاست‌گذارهای

شایعه وجود دو قطبی بین محمود واعظی مسئول دفتر رئیس‌جمهور و اسحاق جهانگیری معاون اول گمانه‌زنی‌های زیادی را در پی داشته است تا جایی که چند روز پیش خبر استعفای جهانگیری به رسانه‌ها کشیده شد اما با وجود تکذیب خبر تحلیل‌ها پایان نیافت و ادامه پیدا کرد، برخی این اتفاق را واقعی می‌دانند و معتقدند درون دولت دودستگی ایجاد شده اما برخی نیز طرح چنین موضوعاتی را از ناحیه مخالفان دولت می‌بینند و می‌گویند آنها با حاشیه‌سازی می‌خواهند توان دولت را کاهش دهند نظر شما چیست؟

این اختلاف واقعی نیست و مساله انحرافی برای تغییر موضوع اصلی جامعه شامل جنگ اقتصادی، فشار به مردم و مشکلات معیشتی است. به عبارت دیگر برای اینکه این مسائل را پوشش و

جهانگیری تأثیری در سیاست‌های اقتصادی نداشت

گفت‌وگوی مثلث با علی تاجرنیا



حاشیه‌های روابط اصلاح‌طلبان و دولت دوازدهم تمامی ندارد. گالیه‌هایی که هر بار به شکلی علنی می‌شوند و آنچنان باورپذیر هستند که به سرعت جای خود را میان اخبار سیاسی، پیدامی‌کنند. این بار هم شایعه کناره‌گیری چهره اصلاح‌طلب کابینه که به عنوان کاندیدای پوششی در ایام انتخابات ۹۶ به کمک حسن روحانی آمده بود، مطرح شد. شایعه‌ای که به دلیل نقش کمرنگ این روزهای جهانگیری و اعتراضات جناح اصلاح‌طلب به دولت، حکایت از عمق شکاف و نارضایتی میان دولت و بخشی از حامیان خود را دارد. اما همچنان هستند اصلاح‌طلبانی که بر حفظ جهانگیری در کابینه اصرار دارند و حاضر نیستند سهم حداقلی خود از کابینه دوازدهم را از دست بدهند. تاجرنیا در این زمینه معتقد است: «در مجموع منفعت حضور ایشان برای دولت، مردم و اصلاح‌طلبان بیشتر از عدم حضورشان است.»

جمهوری ۱۴۰۰، آقای جهانگیری می‌تواند باشد. با مفروض قرار دادن این گمانه‌زنی، حضور یا خروج ایشان از کابینه چه تأثیر و پیامدی برای کاندیداتوری ایشان در آینده خواهد داشت؟
اولاً تا انتخابات ۱۴۰۰ راه بسیاری باقی

(دولت‌های) گذشته کمترین تأثیر را در سیاست‌های اقتصادی دولت ندارد. بنابراین اینکه بخواهیم شکست یا ناکامی تیم اقتصادی دولت را به آقای جهانگیری و اصلاح‌طلبان نسبت دهیم، درست نیست. به هیچ وجه چهره‌هایی که در بانک مرکزی و سایر پست‌های مهم اقتصادی حضور دارند، از چهره‌های برجسته جریان اصلاح نیستند. از سوی دیگر مشکل کشور بدون نگاه سیاسی و جناحی، ریشه در مسائل فرهنگی و بین‌المللی دارد. اگرچه تیم اقتصادی دولت را دارای تقصیر و ناکارآمدی دائم اما نمی‌توان همه انتظارات را معطوف به دولت کرد و صرفاً از آن انتظار داشت. معتقدم این موضوع برای مردم هم روشن و قابل درک است. همچنان در فضای مجازی و واقعی نسبت به بسیاری از چهره‌های اصلاح‌طلب نظیر آقای خاتمی یک نوع سمپاتی قوی وجود دارد و بخش عمده‌ای از مردم قائل به تفکیک بین دولت و اصلاح‌طلبان هستند. بنابراین شرایط فعلی این ارزیابی را در ذهن مردم ایجاد نخواهد کرد که اصلاح‌طلبان به لحاظ تیم اقتصادی و مدیریتی دچار مشکلاتی هستند. به هر حال افرادی در بین اصلاح‌طلبان وجود دارند که اگر از ظرفیت آنها استفاده شود، بخشی از مشکلات و ناکامی‌هایی که در حوزه مدیریتی مطرح است، برطرف خواهد شد. اگرچه حمایت اصلاح‌طلبان از آقای روحانی برای این جناح سیاسی هزینه دارد اما مردم هم تمام مشکلات را از سوی اطلاع‌طلبان نمی‌دانند.

در ایام انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶، این گمانه مطرح می‌شد که یکی از گزینه‌های اصلی کاندیداتوری اصلاح‌طلبان برای انتخابات ریاست

در شرایط کنونی و با توجه به موقعیت دولت، چقدر باقی ماندن آقای جهانگیری در کابینه را به نفع اصلاح‌طلبان می‌دانید؟
وضعیت کشور به لحاظ وجود بحران‌های متعدد داخلی و خارجی به گونه‌ای است که هر چقدر بتوانیم ظرفیت‌های بیشتری را در نهاد‌های مختلف حاکمیت بپذیریم و در کنار همدیگر بتواند کار کنند، قطعاً به نفع کشور است. آقای روحانی مولود جریان اصلاحات است. اگر حمایت‌های شخصیت‌ها و احزاب اصلاح‌طلب نبود، احتمال بسیار ضعیفی وجود داشت که آقای روحانی رأی بیاورند. علی‌رغم برخی از اختلاف نظرها و مشکلاتی که وجود دارد، ادامه همکاری را به نفع هم جریان سیاسی (اصلاح‌طلب) و هم کشور می‌دانم. معتقدم بایستی همه زمینه‌های مناسب فراهم شود تا این همکاری و حضور (آقای جهانگیری در کابینه) ادامه پیدا کند.

شما به ادامه همکاری میان دولت دوازدهم و اصلاح‌طلبان معتقد هستید. آقای جهانگیری هم به عنوان یک مهره اقتصادی در این دولت به حساب می‌آیند و عهده دار مناسب کلیدی اقتصادی هستند. از طرف دیگر در شرایط کنونی، مردم نسبت به وضعیت اقتصادی و معیشت خود معترض هستند. آیا اصلاح‌طلبان بایستی نگران این موضوع باشند که ناکارآمدی دولت پای اصلاح‌طلبان نوشته شود و هزینه آن را اصلاح‌طلبان بپردازند؟
به هیچ وجه! این ارزیابی درست نیست. همه می‌دانند آقای جهانگیری نسبت به معاونین اول

معاون منتقد

جهانگیری بر سر دوراهی تعیین کننده قرار گرفته است

چیز اوضاع و احوال بعد از ریاست جمهوری است. شاید روحانی خواسته مقداری از وزن جهانگیری بکاهد تا او نتواند از سرمایه بهار ۹۶ برای انتخابات بعدی استفاده کند یا شاید هم خواسته حلقه یاران خود را برای پسا ریاست جمهوری آماده کند اما این حلقه چنان بسته و تنگ است که جهانگیری به صورت طبیعی، خارج از آن دیده می شود. با این وجود کسی هنوز هم نمی تواند تردیدی در موقعیت اجرایی و اداری جهانگیری داشته باشد. روزی که قرار است ارز تک نرخی شود، او به مقابل دوربین می آید، روزی که قرار است از ادغام سه وزارتخانه دفاع شود او به مجلس فرستاده می شود و هنوز هم اوست که رئیس مهم ترین شوراهای اقتصادی کشور است اما همین مساله هم نشان از این دارد که اراده ای در دولت می خواهد جهانگیری را در همان محدوده مدیریت اداری و اجرایی، ولو در سطح کلان کنترل کند.

حالا سوال این است که جهانگیری کدام یک را انتخاب خواهد کرد؟ آیا او تلاش خواهد کرد که موقعیت کنونی را حفظ کند و کارگزار ارشد دولت باشد یا اینکه از دولت بیرون بیاید و به یک نیروی منتقد اما همراه تبدیل شود؟ هر یک از این انتخابها می تواند تأثیراتی روی برند سیاسی او داشته باشد. حضور کم رنگ در دولت می تواند برند او را ضعیف تر کند و مخصوصا همراهی اش با سیاست های اصولگرایانه دولت در حوزه سیاسی و فرهنگی، حتی او را از چشم اصلاح طلبان هم بیندازد و استعفا از دولت در این شرایط، ممکن است حتی بدنه همدل با جهانگیری را هم به منتقد او تبدیل کند.

اینگونه است که جهانگیری باید به فاز دوم فداکاری خود بیندیشد. فداکاری برای ماندن در دولت. با این حال ظاهرا تیم رسانه ای او بازی را خوب بلدند و از این رو، جهانگیری امروز با وجود اینکه در دولت باقی مانده و ارشدترین مدیر آن است؛ اما به چشم یک نیروی معترض هم نگریسته می شود. در این شرایط است که شاید او بتواند برند خود را برای انتخابات آینده بازسازی کند البته به شرط اینکه دولت روحانی بتواند از بحران اقتصادی این روزها به سلامت خارج شود.



مصطفی آزاری

روزنامه نگار

به نظر می رسد معاون اول رئیس جمهور راهی به جز باقی ماندن در دولت و اعلام غیررسمی اعتراض خود به سیاست های دولت ندارد.

پیش نیاز تحلیل نحوه کنش اسحاق جهانگیری در دولت دوازدهم، بررسی جایگاه او در دولت یازدهم است. جهانگیری در دولت یازدهم یک مدیر ارشد بود که احتمالا سه چیز باعث شده بود که به عنوان معاون اول روحانی منصوب شود: نخست تجربه اداری بالا به خصوص که از ابتدای دهه ۷۰ (به جز ۸ سال ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد) در سطح استاندار و وزارت بود. دوم، ارتباط وثیق با هاشمی رفسنجانی به خصوص از بستر حزب کارگزاران سازندگی و سوم ارتباط خوب با رئیس دولت اصلاحات که جهانگیری، هشت سال وزیرش بوده است. با این حال جهانگیری برای همه کاره شدن در دولت یک چیز کم داشت: او در حلقه اول حسن روحانی نبود.

حسن روحانی نشان داده که معتمدانش را از میان همکارانش انتخاب می کند. فرقی نمی کند این افراد مثل علی جنتی در شورای سرپرستی سازمان صدا و سیما و قرارگاه خاتم الانبیا در دهه شصت یا او باشد یا مثل نوبخت از مجلس چهارم به او پیوسته باشند. مهم این است که حلقه اول حسن روحانی، باید سابقه همکاری با او داشته باشند و خب جهانگیری هیچ وقت در این سال ها، به جز سال ها هم مجلسی بودن در مجلس دوم و سوم رابطه مستقیم کاری با روحانی نداشته است. در همان مجالس هم ظاهرا جهانگیری هم گدعه روحانی نبوده و مثلا خبری از عضویت او در مجمع عقلا که برای مدیریت سیاسی جنگ تحمیلی به ریاست روحانی به راه افتاده بود، نیست. با این حال نقش جهانگیری در آستانه انتخابات سال ۳۹۶ به سرعت تغییر می کند. او از یک مدیر ارشد اجرایی به یک فعال سیاسی تبدیل می شود و از یک تکنوکرات آرام به یک مرد خروشان تبدیل می شود که قرار است خط آتش حسن روحانی در مناظره ها باشد. به جز این ها او باید فداکاری سیاسی خود را با یک کناره گیری هم کامل کند. جهانگیری پروژه را به خوبی به پایان می رساند ولی بعد از انتخابات با دو بحران مهم روبه رو می شود.

نخست اینکه حاکمیت، دیگر اعتماد سابق را به او ندارد و از این رو پرونده برادرش را با جدیت پیگیری می کند، در مقابل اظهارات او در خصوص مسکن مهر، واکنش تندی نشان داده می شود و خودش در یک مصاحبه می گویند که ماه هاست نتوانسته به دیدار رهبر انقلاب برود. این در حالی است که او پیش از این و در قامت همان مدیر اجرایی، یکی از معدود مدیران دولت روحانی بود که مورد تعریف و تمجید رهبری قرار گرفت.

مطلب دوم هم این بود که روحانی، در دولت دوازدهم، هر روز بیشتر از دیروز، در حلقه یاران وفادار خود قرار گرفت. محوریت ماجرا ظاهرا با محمود واعظی بود ولی به هر حال، افراد دیگری چون نهایندیان و نوبخت هم هستند که ظاهرا رابطه بهتری با جهانگیری دارند. اما سوال مهم این است که روحانی چرا چنین کنشی انجام داد؟ به نظر می رسد که مساله حسن روحانی، بیش از هر

اقتصادی دولت و کسانی که رانت های ارزی و سکه ای ایجاد کردند، باید بروند. سیاست گذارهای اقتصادی دولت نتوانستند سیاست های مالی و پولی کشور را تنظیم کنند و امروز میزان نقدینگی به ۲ هزار میلیارد تومان رسیده است. از طرفی مسئولان اجرایی اقتصادی با پرداخت ۱۸ میلیارد دلار ارز ۴۲۰۰ تومان، رانت ۷۲ هزار میلیارد تومانی ایجاد کردند و موجب سرگشتگی کشور شدند، اینها باید قبل جهانگیری از مسئولیت هایشان در دولت استعفا دهند.

موضوع دیگر پخش اعترافات مانده هژبری از صدا و سیماست که اعتراضات زیادی را به دنبال داشت و خیلی از فعالان حوزه اجتماعی و اصلاح طلبان خواهان شکایت از صدا و سیما شدند، شما چه دیدگاهی دارید؟

اگرچه ممکن است این اعتراضات درست و صحیح باشد اما طرح این نوع مسائل انحراف از موضوع اصلی کشور است. اینها عمدتا حامیان دولت هستند که برای انحراف افکار عمومی از موضوعات معیشتی دست به چنین مسائلی می زنند.

چرا صدا و سیما با پخش چنین برنامه ای دستاویزی به حامیان دولت می دهد؟

یک بنگاه خبری، به مسائل مختلف از جمله این موضوع می تواند بپردازد اما بهتر بود که بیشتر به مسائل معیشتی و اقتصادی و برخورد با مفسدان اقتصادی می پرداخت.

۹۹

آقای جهانگیری هم در وضعیت کنونی محبوبیت و جایگاه شان نسبت به زمان انتخابات ۹۶، تغییر کرده است. شرایط بسیار متفاوتی است

۹۹

است؛ فراز و فرودهای بسیاری را شاهد خواهیم بود. خود آقای جهانگیری هم در وضعیت کنونی محبوبیت و جایگاه شان نسبت به زمان انتخابات ۹۶، تغییر کرده است. شرایط بسیار متفاوتی است. بیشتر از اینکه افراد چه کسانی باشند، این جریان های سیاسی هستند که بر فضای انتخابات تأثیر دارند. اینکه کدام جریان سیاسی بتواند گفتمانی را عرضه کند که مردم آن را جلب کند، تأثیرگذار است. با شرایطی که در آن قرار داریم، متأسفانه نمی توان انتظار داشت که مشارکت مردم بالا باشد و پای صندوق های رأی بیایند تا در چنین شرایطی بتوان پیش بینی کرد که پیروز انتخابات، اصلاح طلبان خواهند بود. در مورد آقای جهانگیری هم چنین شرایطی حاکم است. باید در ایام نزدیک به انتخابات آینده، مجموعه اصلاح طلبان برای انتخاب ایشان، بررسی هایی را انجام دهند؛ اما معتقدم اگر در دولت دوم آقای روحانی، آقای جهانگیری حضور نداشتند، حضور ایشان برای انتخابات آینده توجیه داشت اما اکنون که مشکلات و فشارهای اقتصادی وجود دارد و با توجه به اینکه ممکن است برخی از این مشکلات پای آقای جهانگیری نوشته شود؛ در نزد افکار عمومی شرایط اندکی علیه ایشان شده باشد. باید شرایط ایشان تغییر کند و جایگاه بهتری را در دولت داشته باشند. در مجموع منفعت حضور ایشان برای دولت، مردم و اصلاح طلبان بیشتر از عدم حضورشان است.





محتوای توافق وین چه بود؟

فرانسه و روسیه نقش مهمی در برجام بدون آمریکا بازی می کنند

متفاوت تایید و از توافق اروپا با کار با ایران برای تجارت بدون دلار خبر داد.

در حوزه نفتی اما دیدگاه‌های دو طرف فاصله دارد. در حالی که ایران به دنبال دریافت ضمانت کفی برای فروش نفت است، اروپا در بسته پیشنهادی به کمیت خرید نفت اشاره‌ای نداشته است. به عبارت دیگر ایران به طور مشخص خواستار روشن شدن سطح فروش نفت و ضمانت آن و همچنین تضمین دسترسی به پول حاصل از فروش آن است. مذاکرات در این زمینه همچنان ادامه دارد. اروپا حدود ۵۰۰ هزار بشکه خرید نفت از ایران دارد که با عقب‌نشینی توتال فرانسه و شرکت انی ایتالیا این رقم در ماه‌های آتی کمتر خواهد شد.

برخی از صاحب‌نظران نفتی خرید ۳۰۰ هزار بشکه‌ای نفت ایران به اروپا را نوعی پیروزی برای دولت آمریکا قلمداد می‌کنند. بر اساس اولتیماتوم ترامپ، کشورهای عمده خریدار نفت ایران باید تا ماه نوامبر میزان واردات نفت از ایران را به صفر برسانند. ترامپ همچنین به عربستان فشار آورده تا با افزایش تولید نفت به ۱۲ میلیون بشکه در روز، کسری موجود در بازار را برای جلوگیری از رشد قیمت جهانی نفت جبران کند. در چنین فضایی، طرف ایرانی سه خواسته مشخص از اروپا دارد:

خواسته اول، روشن شدن سطح خرید کنونی و ضمانت آن، خواسته دوم، تضمین دسترسی ایران به پول حاصل از فروش نفت به سایر کشورها همچون چین، هند، ژاپن و کره جنوبی و خواسته سوم، دسترسی به یکسری از پول‌های نفتی به صورت اسکناس است.

ایران: نشست وین گامی به جلو بود

بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان با اشاره به برگزاری نشست کمیسیون مشترک برجام در سطح وزرا تصریح کرد «این نشست بسیار خوب بود و در پایان آن بیانیه سیاسی صادر شد که به لحاظ محتوایی بی‌نظیر است.»

وی ادامه داد: در این بیانیه سیاسی، اراده و خواست کشورهای اتحادیه اروپا در اعلام مخالفت صریح با خروج آمریکا از برجام و استمرار حضور ایران در این معاهده بین‌المللی مشاهده می‌شود. قاسمی با اشاره به مذاکرات اخیر و یک ماه پیش از آن در سطوح مختلف گفت: «این مذاکرات به منظور دستیابی به چگونگی مکانیزم‌های لازم برای همکاری بین ایران و اتحادیه اروپا و حتی ۴+۱ در زمینه‌های اقتصادی و بازرگانی انجام شد تا بتواند خلاناشی از

پاریس همچنین اعلام کرد که بعید است قدرت‌های اروپایی بتوانند بسته اقتصادی پیشنهادی برای حفظ توافق هسته‌ای را تا پیش از ماه نوامبر آماده کنند. ژان ایو لودریان، وزیر امور خارجه فرانسه پیش از سفر به وین برای شرکت در نشست کمیسیون مشترک برجام در گفت‌وگو با یک شبکه رادیویی فرانسوی اظهار داشت: «آنها باید دست از تهدیدات خود بردارند، در این صورت ما می‌توانیم راه‌حل‌هایی را بیابیم تا تهران بتواند از امتیازات اقتصادی لازم برخوردار شود.» لودریان همچنین گفت که نه تنها قدرت‌های اروپایی، بلکه روسیه و چین در حال کار روی یک سازوکار اقتصادی برای کاهش تاثیرات تحریم‌های سخت آمریکا هستند.

وی افزود: «ما تلاش می‌کنیم که این کار را پیش از وضع مجدد تحریم‌ها در ابتدای ماه اوت و تحریم‌های دیگر در ماه نوامبر انجام دهیم. تا آغاز ماه اوت فرصت کمی داریم اما تلاش مان این است که تا پیش از نوامبر به نتیجه برسیم.»

مرکل: شرکت‌های اروپایی باید خود تصمیم بگیرند!

آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان پس از دیدار با نخست‌وزیر چین اعلام کرد که برلین به توافق هسته‌ای ایران پایبند خواهد ماند. وی گفت: «ما به توافق هسته‌ای پایبند می‌مانیم. به نظر ما (این توافق) به خوبی مورد مذاکره واقع شده است.»

مرکل گفت «موارد بیشتری» نیز هستند که باید با ایران بر سر آنها مذاکره کرد، ولی افزود بهتر این است که طرف‌ها در توافق باقی بمانند. با این حال، صدراعظم آلمان افزود شرکت‌هایی که می‌خواهند خطر مواجه شدن با اقدامات تنبیهی آمریکا را به جان خریده و به همکاری تجاری با ایران ادامه دهند، خودشان باید تصمیم بگیرند که آیا حاضر به ریسک کردن هستند یا نه!

عدم ارائه تضمین‌های نفتی اروپا به ایران

در حوزه بانکی، اروپایی‌ها به دنبال ایجاد کانالی هستند که از طریق آن امکان ارتباط بانکی فراهم شود و با توجه به تحریم‌های آمریکا، کانال طراحی شده باید به نحوی باشد که از طرف این تحریم‌ها مورد تهدید قرار نگیرد. به همین دلیل، اروپا در پی ایجاد یک حساب مخصوص است که بر مبنای آن بتواند درآمدهای ایران را به صورت متمرکز در آن نگهداری کند. این خبر را، سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه به شکل

متعاقب برگزاری مذاکرات ایران و اعضای ۴+۱ در وین، شاهد تاکید طرف‌های مذاکره‌کننده بر استمرار مذاکرات تارسیدن به راهکارهای اجرایی برای حفظ برجام هستیم. با این حال، به نظر می‌رسد یکی از اصلی‌ترین اهداف مقامات اروپایی، «خرید زمان» تا ماه نوامبر با هدف مشخص شدن نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا باشد. ارائه بسته پیشنهادی ضعیف و مایوس‌کننده اخیر اروپاییان، نشان داد که تروئیکای اروپایی قصد اطاله مذاکرات را دارند.

قرائت بیانیه پایانی نشست وین

فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در پایان نشست وین تاکید کرد که طرف‌های مذاکره‌کننده (ایران و اعضای ۴+۱) بر استمرار مذاکرات در سطح کارشناسی و در صورت لزوم در سطح وزرا تاکید دارند. همچنین کمیسیون مشترک برجام در بیانیه پایانی خود اعلام کرد:

تمام طرف‌های برجام بر لزوم ادامه اجرای این توافق و پایبندی به تعهدات‌شان تاکید و توافق کردند که صادرات نفت و گاز و تولیدات پتروشیمی ایران باید ادامه یابد و به علاوه نشست‌های کمیسیون مشترک، از جمله در سطح وزیران ادامه داشته باشد.

شرکت‌کنندگان توافق کردند تا به پیشرفت‌ها (برای حفظ برجام) تحت بازبینی دقیق ادامه دهند و کمیسیون مشترک، از جمله در سطح وزیران کماکان تشکیل جلسه دهد تا تلاش‌های مشترک به پیش رانده شود.

در این بیانیه همچنین آمده است که طرف‌های توافق بر لزوم ادامه صادرات نفت و گاز و تولیدات پتروشیمی ایران تاکید کرده و خواستار ترغیب به سرمایه‌گذاری در ایران شده‌اند.

اصرار فرانسوی‌ها بر اطلاع مذاکرات

وزیر امور خارجه فرانسه با بیان اینکه بعید است بسته اقتصادی اروپا برای حفظ برجام تا پیش از نوامبر آماده شود، از ایران خواست از تهدید به زیر پا گذاشتن تعهدات برجامی‌اش دست بردارد. لودریان به تهران هشدار داد که تهدیدات خود برای بازگشت به برنامه هسته‌ای‌اش را در شرایطی که دیگر طرف‌های برجام برای حفظ آن تلاش می‌کنند، متوقف کند. خروج دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران و تصمیم وی برای بازگرداندن تحریم‌ها علیه تهران موجب بروز مشکلاتی برای دیگر اعضای توافق در مسیر اجرای آن شده است.

خبر اختصاصی مثلث

بر اساس گزارش خبرنگار مثلث در این دور از مذاکرات توافق کلی شکل گرفته است. گویا قرار شده است نفت ایران از طریق روسیه به فروش برسد و از این طریق مساله نفتی ایران حل شود. این گزارش می‌افزاید یکی از توافقات در این جلسه این بوده است که بانک مرکزی فرانسه تعهد می‌کند مبادلات اقتصادی با ایران را انجام دهد. همزمان این پیشنهاد مطرح شده است که بانک جدیدی میان ایران و اروپا تأسیس شود. گفته می‌شود در این دور از مذاکرات چین موانعی را بر سر راه ایران ایجاد کرده است.

تروئیکای اروپایی دیدار کرد. آنها مواضع مثبتی نسبت به برجام گرفتند و ضمن ابراز نگرانی از خروج آمریکا، قول ایجاد شرایط لازم برای منتفع شدن ایران از مزایای اقتصادی برجام را دادند. همچنین در کنار آن ایران، شکایت خود را به کمیسیون مشترک برجام ابلاغ کرد که روز جمعه جلسه این کمیسیون برگزار شد. در ضمن آن، موضوع ارائه بسته‌ی پیشنهادی اروپایی‌ها به ایران خبری شد. اما این بسته‌ها و اگرهایی دارد که باعث شکل‌گیری مواضع متفاوت شده است. خبرنگار مثلث در این موضوع به اخباری اختصاصی دست یافته است.

پس از خروج ایالات متحده از برجام، رئیس‌جمهور ایران به وزارت خارجه ماموریت داد تا به مذاکره با اعضای باقی‌مانده در برجام بپردازد و در صورت حفظ منافع ملی آن و گرفتن تضمین‌های لازم ایران در برجام بماند. ایران دو مسیر موازی با هم را آغاز کرد تا این روند تحقق یابد. ابتدا اینکه مذاکره با ۴+۱ را شروع کرد و نظر ایران در رابطه با برجام به ۵ کشور باقی‌مانده در برجام ابلاغ شد و از این رو چند روز پس از خروج آمریکا از برجام، محمد جواد ظریف سفر دوره‌ای خود را از چین و روسیه آغاز کرد و در بروکسل با سه وزیر

کند. محافل دولتی آلمان در گفت‌وگو با روزنامه پرتیراژ «بیلد» درخواست ایران برای انتقال ۳۰۰ میلیون یورو پول نقد از این کشور به مقصد تهران را تایید کرده‌اند.

ایران خواستار برداشت این پول از حساب‌های دولتی خود در بانک «تجارتی ایران و اروپا» در شهر هامبورگ آلمان است. از قرار به دلیل تحریم‌های مالی یک‌جانبه آمریکا، دولت ایران خواستار برداشت این مبلغ و انتقال آن به صورت نقد و با هوایما به داخل کشور است. ایران گفته است که این مبلغ را برای تامین ارز سفرهای خارجی شهروندان ایرانی نیاز دارد که به دلیل تحریم‌های آمریکا نمی‌توانند از کارت‌های اعتباری خود در خارج از کشور استفاده کنند. حساب بانک «تجارتی ایران و اروپا» توسط بانک مرکزی آلمان اداره می‌شود. برداشت ۳۰۰ میلیون یورو از حساب‌های ایران در این بانک باید توسط سازمان نظارت بر فعالیت‌های مالی آلمان تصویب شود. نوع درخواست ارائه شده از سوی دولت آلمان برای بررسی درخواست ایران در سازمان نظارت بر فعالیت‌های مالی، به درخواست «بررسی انگیزه» منوط است. به گفته سخنگوی مطبوعاتی این سازمان این نوع درخواست برای دریافت «اطلاعات کافی و روشن در مورد روند انجام یک معامله» مطرح می‌شود.

گفته می‌شود در مذاکرات فنی قرار شده این مسائل بحث و بررسی شود. هرچند که طرف اروپایی در مذاکرات شفاهی وعده‌های زیادی داده، اما اذعان کرده به واسطه برخی مصلحت‌ها و ملاحظات سیاسی امکان مکتوب شدن آنها وجود ندارد.

عقب‌نشینی نفتی پمپئو در مقابل ایران

از سوی دیگر، مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا در بخشی از مصاحبه اخیر خود با اسکای نیوز عربی اعلام کرده است درخواست برخی کشورها برای دریافت معافیت از تحریم‌های نفتی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس متن مصاحبه پمپئو با اسکای نیوز عربی که وزارت خارجه آمریکا آن را منتشر کرده، پمپئو گفته است کشورهای معدودی خواهند بود که به سراغ ایالات متحده آمده و درخواست معافیت از آن [تحریم‌ها] را خواهند کرد. ما آن را در نظر می‌گیریم. پمپئو به نام کشوری در این باره اشاره‌ای نکرده است. آمریکا ۴ نوامبر (۱۳ آبان ماه) را به عنوان مهلت توقف خرید نفت از ایران و همراهی با تحریم‌های ضدایرانی تعیین کرده است.



آلمان تلاش می‌کند جانب میانه‌را داشته باشد

مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا در بخشی از مصاحبه اخیر خود با اسکای نیوز عربی اعلام کرده است درخواست برخی کشورها برای دریافت معافیت از تحریم‌های نفتی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دستیابی به این اهداف را اعلام نکرده است. در این راستا در مورد اینکه آیا بانک سرمایه‌گذاری اروپا زمینه‌گسترش اعتبار به ایران را فراهم می‌کند یا خیر؛ تردیدهایی وجود دارد. اتحادیه اروپا همچنین برای مقابله با تحریم‌های آمریکا علیه شرکت‌های اروپایی که در ایران تجارت می‌کنند خواهان ارائه به روزسانی قانون مسدودسازی است. اما بریان اوتول، مشاور ارشد رئیس اداره کنترل وزارت خزانه‌داری آمریکا گفت که به دلیل وابستگی شدید اقتصاد آمریکا و اروپا؛ این قانون از کارایی مناسب برخوردار نیست. با این حال او پیش‌بینی کرد که چین، ترکیه، روسیه و هند تحریم‌های آمریکا را نادیده می‌گیرند و استراتژی «حداکثرسازی فشار» دولت ترامپ تنها به ۸۵ درصد از کمپین تحریم علیه ایران در دولت او با دست خواهد یافت.

این کمپین در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به عنوان یک مولفه کلیدی و دست‌ورکار مشخص برای مذاکرات به هدف محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران در ازای رهایی از تحریم‌ها به اوج خود رسید. در حالی که دولت ترامپ هیچ دستور کاری ندارد و فقط یک فهرستی از خواسته‌های غیرمعمول دارد که در آن فهرست بر رهایی چرخه سوخت هسته‌ای و تغییر سیاست‌های منطقه بلندمدت ایران در خاورمیانه تاکید می‌کنند.

ماجرای انتقال پول از آلمان به ایران

رسانه‌ها گزارش داده‌اند که ایران تصمیم دارد ۳۰۰ میلیون یورو از دارایی‌های خود را از بانک تجارتی ایران و اروپا به صورت نقد و با هوایما به داخل کشور منتقل کند. دولت آلمان باید با درخواست ایران موافقت



لاوروف مواضع تعیین‌کننده‌ای در مذاکرات داشته است

خروج آمریکا از برجام را تا حد زیادی ترمیم کنند. «وی با اشاره به طرح دیدگاه‌های طرف‌های ایرانی و اروپایی در مذاکرات مستمر کمیسیون برجام یادآور شد: «در نهایت خروجی این مذاکرات در قالب یک بسته کلی در نشست روز جمعه کمیسیون مشترک مورد بحث و بررسی وزرای عضو قرار گرفت. «قاسمی اجلاس مشترک ایران و وزرای ۱+۴ را گامی رو به جلو در عرصه سیاسی و اقتصادی دانست و تصریح کرد: اما این پایان کار نبود چرا که ما به چانه‌زنی‌ها و مذاکرات بیشتری به ویژه در حوزه کارشناسی برای دستیابی به راهکارهایی که رضایت‌مندی ایران را در قبال ضمانت‌های طرف اروپایی دربر داشته باشد نیاز داریم. در صورت نیاز طی هفته‌ها و ماه‌های آینده نیز جلسات کمیسیون مشترک برجام در سطوح معاونان و کارشناسان ادامه خواهد داشت که احتمالاً پس از آن اجلاس وزرا را به دنبال دارد.

روایت لاوروف از نشست وین

سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرد که سه قدرت اروپایی (آلمان انگلیس و فرانسه) برای ادامه تجارت خود با ایران بدون استفاده از دلار موافقت کردند. به گفته لاوروف، این تصمیم تأثیر زیاد و مثبتی بر کمپانی‌های کوچک و متوسطی که قصد همکاری تجاری با ایران دارند، خواهد داشت. او همچنین اعلام کرد که اعضای برجام به توافق رسیده‌اند تا اقداماتی برای جلوگیری از اعمال تحریم‌های آمریکا علیه شرکت‌هایی که با ایران به تجارت ادامه می‌دهند به کار بگیرند. باربارا اسلاوین، تحلیلگر برجسته در این خصوص و در «Axios» نوشت: «برای نخستین بار پس از خروج آمریکا از برجام؛ وزرای امور خارجه کشورهای باقی‌مانده در توافق هسته‌ای بار دیگر متعهد به اقدامات جدید برای حمایت از ایران در مقابل تحریم‌های آمریکا شدند.

بریتانیا، فرانسه، آلمان، روسیه و چین در وین تحت حمایت اتحادیه اروپا با ایران دیدار کردند و در نهایت با انتشار بیانیه‌ای بر «تعهد به اجرای کامل و موثر توافق» تاکید کردند. آنها فهرست رسمی از اهداف که شامل حفظ روابط اقتصادی با ایران، حفظ کانال‌های مالی، تداوم خرید نفت از ایران و حفاظت از شرکت‌ها تحریم‌های فراسرزمینی اروپا را مطرح کردند. اما هیچ‌یک از وزرا ابزار



برخی شواهد از عقب‌نشینی پمپئو حکایت دارد

راداشته باشند تا از این طریق بتوانند مرادواتشان با ایران را حفظ کرده و منافع جمهوری اسلامی را هم تامین کنند. بدین صورت رضایت ایران طبق ادعای اروپاییان جلب می‌شود و این شرکت‌ها از تعرض ایالات متحده محفوظ می‌مانند.

اما اگر اروپایی‌ها به تعهداتشان عمل نکنند و رضایت ایران را جلب نکنند، ایران همان گونه که اعلام کرده از برجام خارج خواهد شد که این اقدام پیامدهایی به دنبال خواهد داشت. برخلاف تحریم‌های سال ۹۰ که آمریکا توانسته بود یک اجماع بین‌المللی علیه ایران شکل دهد و بسیاری از کشورهای اروپایی، سازمان ملل و شورای امنیت را نیز علیه ایران بسیج کند، امروز ایالات متحده آمریکا تنهاست و کشورهای اروپایی خصوصا کشورهای عضو برجام مخالف اقدامات ترامپ هستند؛ اما با خروج ایران از برجام، جبهه آمریکا قدرتمند شده و کشورهای اروپایی نیز در کنار آنها قرار می‌گیرند و لذا آرزو و خواسته قلبی ترامپ، بوتون و پمپئو به حقیقت می‌پیوندد. از سوی دیگر چین و روسیه هم وضعیتی نامشخص تر از اروپا نسبت به ایران دارند؛ در این میان حتی روسیه یک گام فراتر نهاده و در نظر دارد برای بیرون اندن ایران از بازار صادرات نفت با همکاری عربستان سعودی کمبود نفت جمهوری اسلامی ایران را جبران کند. بنابراین اولین پیامد خروج ایران از برجام قرار دادن اعضای ۴+۱ در کنار ایالات متحده است. از طرف دیگر در تحریم‌های سال ۹۰ ایران با کشورهای محدودی چون چین، ترکیه و هند تعامل تجاری داشت اما امروز علاوه بر آنها، کشورهای اروپایی هم می‌توانند با ایران مرادوه اقتصادی داشته باشند. لذا اگر کشورهای اروپایی طبق ادعای خودشان یک میلیون بشکه نفت از ایران بخرند، از لحاظ اقتصادی به نفع ایران خواهد بود؛ ضمن اینکه جمهوری اسلامی در کنار آن می‌تواند چند صد هزار بشکه به چین، هند و بازارهای آزاد صادر کند. این در حالی است که در زمان تحریم‌های سال ۹۰ که وضعیت اقتصاد مملکت و معیشت مردم بسیار نامساعد بود صادرات نفت ایران ۸۰۰ هزار بشکه بود؛ لذا دومین پیامد خروج از برجام از دست دادن صادرات یک میلیون بشکه نفت ایران به اروپا و چین خواهد بود که در این صورت فروش نفت ایران نزدیک به صفر خواهد رسید و می‌توان تصور کرد که نسبت به سال ۹۰ وضعیت اقتصادی به مراتب بدتر خواهد شد. همچنین بعد از خروج ایران از برجام، کشور به دلایل گوناگونی چون شروع فعالیت‌های هسته‌ای، خروج از ان پی تی یا هر اقدام دیگری احتمالا ایران به سمت دیگری پیش خواهد رفت. نکته مهم این است که این قبیل مسائل به مشکلات ایران می‌افزاید، ضمن اینکه باید توجه داشت که آمریکا، اسرائیل و عربستان به دنبال ایجاد تنش و تشنج در ایران هستند. بنابراین در شرایط کنونی برجام برای ایران یک تکیه‌گاه است که چهار قدرت شورای امنیت به اضافه آلمان و اتحادیه اروپا را از نظر قانونی و حقوقی وادار به حمایت از ایران می‌کند.

۲۲

روپایی‌ها برای اینکه به ایران تضمین بدهند باید صحنه‌های اسلامی ایران تاسیس کنند و تمام کشورهای اروپایی در این زمینه همکاری لازم را داشته باشند تا از این طریق بتوانند مرادواتشان با ایران را حفظ کرده و منافع جمهوری اسلامی را هم تامین کنند. بدین صورت رضایت ایران طبق ادعای اروپاییان جلب می‌شود و این شرکت‌ها از تعرض ایالات متحده محفوظ می‌مانند

۲۲

پاشنه آشیل اروپا

دولت‌های غربی نمی‌توانند برای شرکت‌های خصوصی و چندملیتی تعیین تکلیف کنند

علی خرم

سفر پیشین ایران در مقر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو



بعد از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام، کشورهای اروپایی در صدد جلب رضایت ایران برای باقی ماندن در این معاهده برآمدند و قرار بر آن شد که تضمین‌های لازم را با هدف منتفع شدن ایران از ادامه توافق هسته‌ای بدون حضور آمریکا ارائه دهند.

در این بین مشکل عمده کشورهای اروپایی وجود شرکت‌های خصوصی و چندملیتی با اختیارات گسترده است. در واقع شرکت‌های چندملیتی در هر جای جهان دارای استقلال رای هستند و تصمیمات و سیاست‌هایشان مبتنی بر خط مشی هیات مدیره و اعضای مجمع عمومی است. در نتیجه این شرکت‌ها در ابتدا تابع تصمیمات و



مربوطه را مورد توجه قرار دهند و لذا نظرات دولت‌های خود را بهتر به کار می‌نند. نکته دیگری که در این بین مطرح می‌شود این است که آیا شرکت‌ها و بانک‌های اروپایی با ایالات متحده آمریکا مرادوه دارند یا خیر؟ به عنوان مثال شرکت توتال، نفت شیل آمریکا را استخراج می‌کند، بنابراین شریک اقتصادی و اشنگتن تلقی می‌شود و طبیعتا منافعش در ادامه همکاری با آمریکا است نه ایران. به همین خاطر شرکت توتال فرانسوی نمی‌تواند از قانون اروپا و توصیه‌های امنونفل مارکون پیروی کند؛ اما شرکت‌های کوچکی که در سوئیس، اتریش یا آلمان هستند و مرادوه‌ای با ایالات متحده ندارند مصون از خطر تحریم‌های آمریکا هستند. همچنان که پیش از این اروپایی‌ها و چینی‌ها تلاش‌هایی برای ادامه رابطه با ایران انجام دادند؛ به عنوان مثال چینی‌ها بانک‌هایی را مختص رابطه با ایران تاسیس کردند و این بانک‌ها به این دلیل که هیچ رابطه‌ای با بانک‌های آمریکایی نداشتند در حالی که مصون از تحریم‌های واشنگتن بودند، توانستند تعاملشان با ایران را نیز حفظ کنند.

بنابراین اروپایی‌ها برای اینکه تضمینی به ایران با هدف تامین منافع برجام بدون آمریکا بدهند باید بانک سرمایه‌گذاری خاص جمهوری اسلامی ایران تاسیس کنند و تمام کشورهای اروپایی در این زمینه همکاری لازم

نظرات هیات مدیره و سهامداران شان هستند تا دولت‌ها و کشورشان. ضمن اینکه به طور قانونی اتباع کشورهای غیر اروپایی نیز می‌توانند در شرکت‌های اروپایی سهم داشته باشند؛ به همین خاطر ترکیب سهامداران شرکت‌ها چندملیتی است و جمع جبری ملیت‌ها و سهامداران هستند که تصمیم می‌گیرند سیاست شرکت مورد نظر چگونه باشد. بنابراین هیچ دولت غربی قادر نیست به شرکت‌ها دستور دهد، مگر در دو مورد؛ اول اینکه منافع سهامداران ایجاب کند که سیاستی خاص را اتخاذ کنند یا اینکه به طور مثال همچنان که در میان رهبران اروپایی یا آسیایی یک نوع ضدیت با دولت آمریکا به وجود آمده، ممکن است در شرکت‌ها هم انگیزه مقابله یا مقاومت در برابر تصمیمات ترامپ به وجود آید. لذا قبل از اینکه دولت‌ها بخواهند به ایران ضمانت دهند باید به دو انگیزه مذکور شرکت‌ها، کارخانجات و بانک‌ها توجه کنند؛ زیرا این اهرمی است در دست دولت‌های غربی.

از سوی دیگر کشورهای اروپایی می‌توانند با مشوق‌ها و حمایت‌های شان از شرکت‌ها به نوعی نظر خود را به آنها انتقال دهند. پس اهرم دوم آنها چتر حمایتی است که دولت‌های اروپایی می‌توانند برای شرکت‌ها داشته باشند و شرکت‌ها علی‌رغم استقلال، برخی اوقات نیازمند حمایت دولت‌شان هستند. در این راستا اقدامی که دولت‌های

ماموریت در برلین

روایت «پولیتیکو» از اقدامات ضدایرانی «ریچارد گرانل»

شادی حسینی فرد

مترجم

تلاش‌های سفیر ایالات متحده آمریکا در آلمان علیه ایران همچنان ادامه دارد. «ریچارد گرانل» نسبت به دیگر سفیران آمریکایی حاضر در کشورهای اروپایی، فعالیت‌های پرنرگ‌تری را در تقابل با روابط تجاری با ایران در پیش گرفته است. اصلی‌ترین هدف گرانل از این اقدامات، جلوگیری از حضور شرکت‌های کوچک و متوسط اروپایی در ایران است. زمانی که دونالد ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران خارج شد، گرانل در اظهارنظری جنجالی از شرکت‌های آلمانی خواست تا به فعالیت‌های تجاری خود با ایران خاتمه دهند. این اظهارات، با ناراضی و خشم رسانه‌ها و برخی سیاستمداران آلمانی مواجه شد. با این حال هم‌اکنون ریچارد گرانل سعی دارد با اتخاذ رویکردی نرم‌تر، گزینه‌های دیگری را به شرکت‌های آلمانی (به جای تجارت با ایران) ارائه کند. اقدامات اخیر ریچارد گرانل، مورد توجه بسیاری از تحلیلگران رسانه‌ای در آلمان و دیگر کشورهای اروپایی قرار گرفته است. اقداماتی که برخی از آنها به صورت آشکار و برخی دیگر به صورت پنهان صورت گرفته است. نشریه «پولیتیکو» در گزارشی به قلم «متیو کارنیتشیک» به بررسی اقدامات ضدایرانی سفیر آمریکا در برلین پرداخته است:

ریچارد گرانل (سفیر آمریکا در آلمان) مشغول رایزنی با شرکت‌های آلمانی است تا به آنها در خصوص استفاده از ظرفیت‌های تجاری ایالات متحده آمریکا مشاوره دهد. بر اساس شنیده‌ها، ریچارد گرانل به صورت خاص در تلاش است تا با مدیران شرکت‌های کوچک و متوسط آلمانی در راستای استفاده از بازار ایالات متحده آمریکا و ایجاد ارتباط تجاری با این کشور، گفت و گو کند. او در این خصوص پیشنهادهایی را به شرکت‌های آلمانی ارائه داده است. او اخیراً با اعضای اتاق بازرگانی و صنایع آلمان دیدار کرده و درباره دهه‌ها شرکتی که می‌توانند با آمریکا همکاری بیشتری داشته باشند با آنها گفت و گو کرده است. به نظر می‌رسد ریچارد گرانل سعی دارد در برهه فعلی با رویکردی نرم‌تر این پرونده را هدایت کند. در ماه مه، زمانی که دونالد ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران خارج شد، گرانل در توثیتی جنجالی برانگیز از شرکت‌های آلمانی خواست تا بلافاصله تجارت با ایران را متوقف کنند. با این حال به نظر می‌رسد

ریچارد گرانل به صورت خاص در تلاش است تا با مدیران شرکت‌های کوچک و متوسط آلمانی در راستای استفاده از بازار ایالات متحده آمریکا و ایجاد ارتباط تجاری با این کشور، گفت و گو کند. او در این خصوص پیشنهادهایی را به شرکت‌های آلمانی ارائه داده است. او اخیراً با اعضای اتاق بازرگانی و صنایع آلمان دیدار کرده و درباره دهه‌ها شرکتی که می‌توانند با آمریکا همکاری بیشتری داشته باشند با آنها گفت و گو کرده است

گرانل خود نیز نسبت به خطای خود در این خصوص پی برده است.

اقدامات گرانل بخشی از یک استراتژی وسیع‌تر محسوب می‌شود. مطابق این استراتژی، مقامات آمریکایی سعی دارند اقداماتی صورت دهند تا شرکت‌های اروپایی به صورت داوطلبانه از تجارت با ایران اجتناب کنند. این در حالی است که کشورهای عضو اتحادیه اروپا به شدت از تصمیم ترامپ مبنی بر خروج از برجام انتقاد کرده‌اند. ایران کشوری جوان با حدود ۸۰ میلیون جمعیت است که بازار جذابی برای کشورهای اروپایی دارد. شرکت‌های آلمانی قبل از سال ۲۰۱۲، یعنی زمانی که قدرت‌های بین‌المللی تحریم‌های چندجانبه را علیه ایران اعمال کنند، حضور فعالی در ایران داشتند. پس از اینکه در سال ۲۰۱۵ میلادی، میان ایران و اعضای ۵+۱ توافق صورت گرفت، مقامات آلمانی به ایران سفر کردند و با رئیس‌جمهور این کشور برای نحوه برقراری ارتباطات مالی و تجاری رایزنی کردند.

در آن زمان، فدراسیون صنایع آلمان پیش‌بینی کرد

که صادرات به ایران در مدت کوتاهی از ۴/۲ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۴ میلادی به ۱۰ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۷ افزایش یابد. با این حال، به دلیل اعمال فشارهای ایالات متحده آمریکا این پیش‌بینی محقق نشد. هم‌اکنون اصلی‌ترین خواسته ترامپ این است که آلمان را به صورت کامل، به جمع کشورهای ضد ایران ملحق کند. نزدیکی فاصله آلمان به ایران (که مدت پرواز بین این دو ۵ ساعت است) و عدم وجود رقابت عمده اقتصادی، فاکتورهای جذابی برای شرکت‌های کوچک و متوسط آلمانی برای تجارت با ایران محسوب می‌شود. با این وجود، تصمیم اخیر ایالات متحده آمریکا مبنی بر خروج از برجام، معادله را می‌تواند تغییر دهد. مطابق این تحریم‌ها، شرکت‌های اروپایی که با ایران تجارت می‌کنند مشمول جریمه‌های ایالات متحده آمریکا می‌شوند. در حالی که اتحادیه اروپا قول داده است برای محافظت شرکت‌های اروپایی (از تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران) تلاش کند، اما ممکن است بسیاری از خطرهای آینده نیز علیه شرکت‌های اروپایی حاضر در ایران باقی بماند. آمریکا به شرکت‌های اروپایی هشدار داده است که ظرف شش ماه فعالیت‌های تجاری خود را در ایران متوقف کنند یا پیامدهای این موضوع مواجه شوند.

در چنین شرایطی ریچارد گرانل سعی دارد به شرکت‌های آلمانی گزینه‌هایی جایگزین (به جای تجارت با ایران) ارائه دهد. همچنین ایالات متحده آمریکا، به گزینه‌ای به نام سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در عربستان سعودی نیز اشاره می‌کند. به عبارت بهتر، گرانل از شرکت‌های آلمانی می‌خواهد تا به جای ایران در عربستان سعودی سرمایه‌گذاری کنند. او در این خصوص به ارتباطات بهبود یافته واشنگتن و ریاض اشاره می‌کند. این در حالی است که روابط دو کشور آلمان و عربستان پس از تصمیم برلین مبنی بر توقف صادرات سلاح به همه کشورهای درگیر در جنگ یمن، از جمله عربستان سعودی وضعیت عادی ندارد. همچنین در ماه نوامبر، آلمان صراحتاً از دخالت عربستان سعودی در سیاست داخلی لبنان انتقاد کرد. در هر حال، شرکت‌های آلمانی در عربستان سعودی احساس می‌کنند که به نوعی تحریم غیررسمی و غیراعلامی در قبال فعالیت‌های تجاری خود مواجه هستند. در مقابل، ایالات متحده آمریکا سعی دارد شرکت‌های تجاری و بازرگانی در آلمان را به سوی سرمایه‌گذاری در عربستان ترغیب کند. واشنگتن معتقد است که نزدیک شدن آلمان به عربستان سعودی، برلین را از تهران دور خواهد کرد. در نهایت اینکه دونالد ترامپ در صدد است تا آلمان را به صورت مطلق و کامل، به کشورهای ضدایرانی تبدیل کرده و مراودات تجاری این کشور اروپایی با ایران را به کمترین حد ممکن برساند. با این حال روابطی که در دوسوی آتلانتیک شکل گرفته است و تنش‌هایی که میان آلمان و ایالات متحده آمریکا (طی دو سال اخیر و پس از حضور ترامپ در کاخ سفید) به وجود آمده، احتمال این موفقیت رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در این ماموریت را سخت کرده است.



۲۲

۲۲

بازی پارادوکسیکال

اروپا چگونه با ایران برخورد خواهد کرد

حنیف غفاری

روزنامه‌نگار



اگرچه برخی تحلیلگران از «مواجهه برجامی» آمریکا و اروپا خبر داده و آن را به مثابه تقابلی تمام‌عیار در دو سوی آتلانتیک مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند، اما تعلق تروئیکای اروپایی در ارائه بسته پیشنهادی نهایی به ایران و تلاش آنها برای اطلاع مذاکرات برجامی با کشورمان، حکایت از استمرار بازی پارادوکسیکال و دوگانه قاره سبز در مسیر حفظ توافق هسته‌ای دارد. در این خصوص نکاتی وجود دارد که نمی‌توان به سادگی از کنار آنها گذشت:

نخستین موضوعی که باید در این خصوص مدنظر قرار داد، به مذاکرات موازی تروئیکای اروپایی و ایالات متحده آمریکا در خصوص برجام مربوط می‌شود. مذاکراتی که تأثیر و انعکاس آن در نحوه ارائه بسته پیشنهادی به ایران کاملاً مشخص است. تروئیکای اروپایی همچنان به رایزنی‌های پشت پرده خود با «مایک پمپئو» وزیر امور خارجه آمریکا و دیگر اعضای دولت ترامپ ادامه می‌دهند. اظهارات اخیر «ژان اولیو دریان» وزیر امور خارجه فرانسه مبنی بر عدم ارائه بسته پیشنهادی اروپا تا ماه نوامبر موبد همین حقیقت است. شواهد و مستندات موجود نشان می‌دهد که اروپای واحد به‌رغم ادعای قبلی خود، همچنان رویکردی مستقل و موثر را در قبال توافق هسته‌ای و حفظ آن در پیش نگرفته است. خروجی مذاکرات اخیر در وین نیز صرفاً «ادامه مذاکرات» بود، موضوعی که با توجه به رویکرد خاص اروپاییان نسبت به برجام، ایران و آمریکا کاملاً قابل پیش‌بینی بود.

از سوی دیگر، با ارائه بسته پیشنهادی اروپا مشخص شد که قاره سبز در رویکردی عامدانه، هنوز از فاز «تعهد» وارد فاز «تضمین» بر سر برجام نشده است. به عبارت بهتر، حتی مقامات اروپایی در جایی که قدرت و ابتکار عمل کافی را برای حفظ برخی خواسته‌های برجامی ایران داشته‌اند، ترجیح داده‌اند صرفاً چراغ سبزی‌ها را به کشورمان بر سر حفظ توافق هسته‌ای نشان دهند! چند روز پس از خروج ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای، مقامات اروپایی در «بیانیه بروکسل» بر کلیت انتفاع ایران از توافق هسته‌ای تأکید کرده بودند. پس از آن قرار بود تروئیکای اروپایی راهکارهایی را برای عملیاتی کردن توافق بروکسل به ایران پیشنهاد دهند و این بسته پیشنهادی را به عنوان مبنای عمل خود در این خصوص تهیه و تنظیم کنند. با این حال اروپا با ارائه یک بسته پیشنهادی کلی و خام، بار دیگر در صدد خرید زمان برآمده است.

نکته دوم، به بازی خاص اروپا در قبال برجام بازمی‌گردد. این «بازی خاص» مختصات و قواعد مخصوص به خود را دارد. واقعیت امر این است که تروئیکای اروپایی با پیشگامی فرانسه از یک سو در صدد «ارائه حداقل تضمین‌های ممکن به ایران» و از سوی دیگر، در صدد «خرید زمان» برای مشخص شدن تکلیف ترامپ و همراهانش در انتخابات میان‌دوره‌ای

کنگره هستند. نباید فراموش کرد که فرانسه و امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور این کشور از ابتدای سال ۲۰۱۷ میلادی، پررنگ‌ترین نقش را در میان سایر کشورهای اروپایی (در تخریب برجام) ایفا کرده‌اند. نقش منفی فرانسوی‌ها در تقابل با برجام، موضوعی نیست که بتوان آن را تحت تأثیر برخی اظهارات ايجابية مقامات کاخ الیزه در خصوص توافق هسته‌ای کتمان کرد. همکاری رسمی کاخ سفید و کاخ الیزه بر سر تغییر برجام، در ماه سپتامبر سال گذشته و همزمان با برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک به نقطه اوج خود رسید. ماکرون در دو دیدار جداگانه با دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس به آنها تعهد داد که تمامی تلاش خود را برای گنجاندن موضوع توان موشکی ایران در برجام یا تحدید همزمان توان موشکی و هسته‌ای ایران به کار خواهد گرفت.

همچنین ماکرون به ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در خصوص اعمال فشار بر ایران بابت موضوع بازرسی از اماکن نظامی کشورمان تضمین‌هایی داد. به عبارت بهتر، ماکرون از سوی ترامپ و نتانیاهو مأمور شد تا ضمن متقاعد کردن آلمان (دیگر عضو ۵+۱) برای تغییر برجام، ایران را بابت تن دادن به مذاکره بر سر توان موشکی خود تحت فشار قرار دهد. پس از دیدار ماکرون و ترامپ در ماه سپتامبر (شهریور ماه) سال گذشته در نیویورک، تلاش‌های فزاینده رئیس‌جمهور فرانسه برای همراه‌سازی آلمان با فرانسه و انگلیس بر سر تغییر برجام آغاز شد. مقامات آلمان معتقد بودند که تنظیم، تصویب و امضای یک توافق ثانویه که قطعاً در مغایرت با متن اصلی برجام خواهد بود به لحاظ حقوقی آسان نیست.

همچنین مقامات آلمان در خصوص افزودن الحاقیه‌ای به برجام که متضمن رفع نگرانی‌های ترامپ در خصوص بندهای غروب آفتاب (Sunset) اعمال بازرسی از اماکن نظامی ایران و تحدید توان موشکی ایران باشد ملاحظاتی داشتند. ماکرون در مدتی کوتاه، توانست مقامات آلمان را نیز با خود در راستای اعمال تغییر در توافق هسته‌ای همراه سازد. با این حال مقامات فرانسوی و آلمانی اصرار داشتند که از به کار بردن واژه «تغییر برجام»

اجتناب کرده و واژه «اصلاح برجام» را جایگزین آن نمایند تا به این وسیله، قدرت مانور سیاسی بیشتری در مواجهه با افکار عمومی و مخاطبان برجام داشته باشند.

نکته سوم به کارنامه غیرقابل دفاع اروپا در قبال برجام مربوط می‌شود. از مهر ماه سال گذشته تا زمان اعلام رسمی خروج آمریکا از برجام، مذاکرات نمایندگان سه کشور اروپایی و ایالات متحده آمریکا در خصوص تغییر توافق هسته‌ای در جریان بود. این مذاکرات در سطوح کارشناسی و با حضور نمایندگان کشورهای فرانسه، انگلیس، آلمان و آمریکا صورت گرفت و بسیاری از آنها به صورت مخفیانه و غیر علنی برگزار شد. تروئیکای اروپایی اصلی‌ترین مأموریت خود در قبال برجام، یعنی مهار ایالات متحده آمریکا را اعمال فراموش کرده و «معامله با آمریکا» را به عنوان یک راهکار مهم برای تقویت اتحاد درون آتلانتیکی خود با واشنگتن انتخاب کردند. آنها حتی به همه خواسته‌های غیرقانونی ترامپ مبنی بر تغییر برجام تن دادند.

در حال حاضر و پس از اعلام خروج رسمی ترامپ از توافق هسته‌ای نیز کشورهای اروپایی هنوز توافق هسته‌ای با ایران را به مثابه یک «متغیر وابسته سیاسی» مدنظر قرار می‌دهند، نه یک «متغیر مستقل حقوقی» بسیاری از رسانه‌های غربی تأکید کرده‌اند که بازیگران اروپایی نسبت به اینکه برجام را به عنوان وجه المصلحت‌های برای معامله با آمریکا و تنظیم رفتار ترامپ در قبال اروپا و واحد فدا کنند، ابایی ندارند. اخیراً ترزا می، نخست‌وزیر انگلیس صراحتاً از دیگر بازیگران اروپایی درخواست کرده است که به جای مواجهه با ایالات متحده آمریکا (بر سر مسائلی مانند برجام و وضع تعرفه‌های گمرکی ۰.۰۰۰) رو به مصالحه و گفت‌وگو موثر با دولت ترامپ بیاورند و حتی از مقابله به مثل با واشنگتن در حوزه‌های تجاری پرهیز کنند. بدون شک، تا زمانی که اتحادیه اروپا وارد فاز «تقابل راهبردی» با دولت ترامپ نشود، خبری از اصلاح رویکرد اروپا در قبال برجام نیز نخواهد بود. این موضوعی است که باید از سوی دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان درک شود.

در اینجا تأکید می‌شود که اصلی‌ترین خطای اتحادیه اروپا، معامله اولیه آنها با آمریکا بر سر تغییر برجام بود، معامله‌ای که امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، ترزا می نخست‌وزیر انگلیس، آنگلا مرکل صدراعظم آلمان در یک سو و دونالد ترامپ در سوی دیگر آن قرار داشتند. ورود اروپا به این معامله، حیثیت و استقلال این مجموعه را در نظام بین‌الملل زیر سؤال برد. هم‌اکنون اروپای واحد فرصت اندکی جهت «اصلاح بنیادین» رویکرد و بازی خود در قبال توافق هسته‌ای دارد. در غیر این صورت، هزینه شکست اروپای واحد به مراتب نسبت به آن چه مقامات قاره سبز تصور می‌کنند بیشتر خواهد بود.



مقامات اروپایی در جایی که قدرت و ابتکار عمل کافی را برای حفظ برخی خواسته‌های برجامی ایران داشته‌اند، ترجیح داده‌اند صرفاً چراغ سبزی‌ها را به کشورمان بر سر حفظ توافق هسته‌ای نشان دهند!

اروپا نیم‌نگاهی به انتخابات کنگره دارد

گفت‌وگوی مثلث با مدیرمسئول مجله ایرانی روابط بین‌الملل



به دنبال مذاکرات اخیر وزرای خارجه کشورهای ۴+۱ و ایران در وین اکنون مذاکرات هسته‌ای بدون حضور آمریکا وارد فاز جدیدی شده است. این در حالی است که وزیر خارجه فرانسه گفته که بعید است بسته پیشنهادی اقتصادی به ایران تا پیش از نوامبر آماده شود. اکنون این پرسش‌ها مطرح است که اروپا تا کجا در برابر فشارهای آمریکا مقاومت می‌کند و در صورت لغو برجام، چه سناریوهایی پیش روی ایران قرار خواهد داشت؟ دکتر امیر هوشنگ میرکوشش، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد و مدیرمسئول مجله ایرانی روابط بین‌الملل در گفت‌وگویی به تحلیل این موضوع پرداخته است.

مشترکی در حمایت از یکدیگر در مقابل خروج آمریکا از برجام دارند. ایران می‌تواند با مذاکرات فراگیرتر و بر اساس منافع ملی در مورد مسائل مورد اختلاف، اروپا را تشویق به ماندن در برجام و حمایت بیشتر این اتحادیه از ایران کند.

در رابطه با روابط تجاری اروپا با ایران بخشی از شرکت‌های دولتی و بخش زیادی خصوصی و چند ملیتی هستند که تسلط دولت‌ها از این شرکت‌ها خیلی پایین است و در واقع نمی‌توانند آنها را مجبور به تجارت با ایران کنند. در این صورت چطور اروپا با این حجم از شرکت‌های خصوصی و چند ملیتی می‌تواند به ایران تضمین لازم را بدهد و آیا برایش صرفه اقتصادی دارد؟

به دلیل ماهیت اقتصادی اروپا که مبتنی بر اقتصاد خصوصی و لیبرالیستی است، اروپا نمی‌تواند در تصمیم‌گیری‌های شرکت‌های خصوصی و چند ملیتی مداخله کند و این شرکت‌ها به صورت مستقل عمل می‌کنند. به عنوان مثال مشاهده کردیم که شرکت چند ملیتی توتال فرانسه تصمیم به توقف فعالیت‌های خود در ایران گرفت و دولت فرانسه در این تصمیم تأثیرگذار نبود. در این رابطه امانوئل ماکرون اعلام کرد که او رئیس‌جمهور فرانسه است و نه مدیرعامل شرکت‌هایی مثل توتال. توتال و بسیاری از شرکت‌های خصوصی و چند ملیتی به دلیل حجم بالای تبادلات اقتصادی با آمریکا و برای جلوگیری از تحریم‌های این کشور، رفتن از ایران را به ماندن ترجیح می‌دهند. همزمان با آمادگی بسیاری از شرکت‌های اروپایی برای خروج از ایران به دلیل هراس از تحریم‌های آمریکا، رئیس‌جمهوری فرانسه جنگ تجاری بین اروپا و آمریکا به خاطر تصمیم واشنگتن برای خروج از توافق هسته‌ای با ایران را منتفی دانست.

سناریوهایی پیش‌روی ایران و برجام، در صورت به نتیجه نرسیدن مذاکرات با اروپا چیست؟

خروج یا عدم خروج اروپا از برجام با سناریوهایی متفاوتی قابل تبیین و تحلیل است. یکی از این سناریوها، همراستایی راهبردی اروپا و آمریکا در مهار ایران و خروج اروپا از برجام است. در صورت به حقیقت پیوستن چین سناریویی، ایران نیز دیگر دلیلی برای ماندن در برجام ندارد. این در حالی است که چین و روسیه برای حفظ برجام

تحریم‌هایی که قرار است اعمال کند، اروپا تا کجا می‌تواند فشارهای آمریکا را تحمل کند؟

اروپا تا زمانی که از یک طرف به خودتکایی ژئوپولیتیکی و امنیتی نرسیده و از این منظر به ایالات متحده وابستگی دارد و از طرف دیگر به دلیل حجم بالای مبادلات تجاری و اقتصادی با آمریکا و نیز مشارکت در نظم بین‌الملل و نهادهای وابسته به آن مثل شورای امنیت و نیز شراکت با آمریکا در پیمان ناتو، قادر به رویارویی همه‌جانبه با آمریکا نیست و در صورتی که روابط این اتحادیه با آمریکا به آستانه رویارویی برسد این اتحادیه اروپاست که در مقابل آمریکا کوتاه خواهد آمد. تهدید ترامپ به خروج از ناتو و عدم تأمین امنیت اروپا می‌تواند اهرم فشار سترگ و غیر قابل تحمیلی برای اروپا باشد.

به نظر شما اروپا به چه دلایلی در مقابل آمریکا ایستاده و برای حفظ برجام تلاش می‌کند؟ آیا منافع اقتصادی دارد یا بیشتر به مسائلی سیاسی و امنیتی مربوط می‌شود؟

برجام احتمالاً اولین معاهده بین‌المللی است که اتحادیه اروپایی نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری آن داشته است. برجام توانست ظرفیت‌های دیپلماتیک و هماهنگ‌کنندگی اروپا را عملیاتی کند. نقش اتحادیه اروپا در این مذاکرات مبتنی بر نهادهای اتحادیه اروپایی بود و توانست آمریکا را نیز به تبعیت از این نقش وادارد. برجام برای اروپا از منظر خودتکایی امنیتی و دفاعی، حفظ فاصله انتقادی اروپا از آمریکا و کسب پرستیژ برای اروپا در عرصه بین‌المللی تأثیرگذار بود. اتحادیه اروپایی در مقابل تلاش ترامپ در جهت تضعیف و فروپاشی این توافق تاکنون مقاومت کرده است. ملاحظات هویتی، حیثیتی و هنجاری اتحادیه اروپا احتمالاً می‌تواند بر پایداری این اتحادیه در جهت حفظ برجام کارسازتر باشد و بر ملاحظات اقتصادی پیشی گیرد.

بعد از مذاکرات اخیر وزرای خارجه کشورهای ۱+۴ و ایران در وین، برخی این‌گونه تحلیل کردند که اروپا در حال زمان خریدن است و این مذاکرات نیز احتمالاً سرانجامی نخواهد داشت، بلکه اروپا فقط زمان می‌برد تا بلکه با تغییراتی در کنگره آمریکا تحولی ایجاد شود؛ شما این سناریو را چقدر صحیح می‌دانید؟

بعید نیست اروپا نیم‌نگاهی به انتخابات کنگره آمریکا داشته باشد؛ همان‌گونه که ایران نیز با حساسیت نظاره‌گر این انتخابات خواهد بود. اما به نظر می‌رسد که اتحادیه اروپایی بیشتر به دنبال حفظ موقعیت و پرستیژ خود در عرصه جهانی است و از این منظر سناریوهایی متفاوتی را میتوان مطرح کرد.

استراتژی صحیح از سوی ایران در این شرایط چه باید باشد تا بتوانیم ضررهای خروج آمریکا از برجام را کمتر کنیم و همچنین اجازه ندهیم که اروپا ایران را بازی دهد؟

بهترین راهبردی برای ایران مذاکرات با اتحادیه اروپا و دادن فرصت به این اتحادیه در جهت حفظ برجام است. بنا بر این تهدیدات علیه اروپا و یا خروج از برجام و NPT و یا بستن تنگه هرمز می‌تواند اروپا را در مقابل آمریکا خلع سلاح کرده و مقدمات اتحاد مجدد این دو قدرت علیه ایران را فراهم نماید. به نظر می‌رسد ایران و اروپا وظایف

با توجه به مذاکرات اخیر انجام شده و همچنین بسته پیشنهادی اروپا به نظر شما در مقطع فعلی، سیاست اروپا در قبال برجام چیست؟

سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا شامگاه چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت/۱۶ مه در اجلاس صوفیه توافق کردند که با وجود خروج آمریکا از برجام، به تعهدات خود در توافق هسته‌ای با ایران عمل کنند. اکنون بحث بر سر اقدامات عملی برای حفاظت از شرکت‌های اروپایی در برابر تحریم‌های آمریکاست. مقامات اروپایی می‌گویند راه ساده‌ای برای حفاظت از شرکت‌های اروپایی در برابر تحریم‌هایی که دونالد ترامپ دوباره به اجرا گذاشته وجود ندارد و برخی از شرکت‌های بزرگ اروپایی مثل «توتال» از هم اکنون خروج از ایران را آغاز کرده‌اند و شرکت‌های بزرگ کشتیرانی مثل «مرسک» اعلام کرده‌اند فعالیت خود در ایران را تعطیل خواهد کرد. شرکت ایتالیایی «فولادسازی دانیلی» نیز اقدامات برای یافتن پشتوانه مالی با هدف قراردادهای یک میلیارد و پانصد میلیون یورویی خود در ایران را متوقف کرده است. شرکت فنلاندی «فناوری معادن به نام اوتوتک» هم اعلام کرده که تحریم‌های آمریکا مناسبات آن شرکت با ایران و فعالیت در آن کشور را پیچیده و کند خواهد کرد. مقررات اتحادیه اروپا برای ممنوع کردن تبعیت شرکت‌های اروپایی از تحریم‌های آمریکا تاکنون هیچ‌گاه مورد استفاده قرار نگرفته و علاوه بر مهم بودن، اجرای آن نیز بسیار دشوار است. همزمان با آمادگی بسیاری از شرکت‌های اروپایی برای خروج از ایران به دلیل هراس از تحریم‌های آمریکا، امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه، جنگ تجاری بین اروپا و آمریکا را به خاطر تصمیم واشنگتن برای خروج از توافق هسته‌ای با ایران منتفی دانست. در مقطع کنونی اتحادیه اروپا به دنبال خریدن زمان برای کاهش فشارهای ایالات متحده است. اتحادیه اروپا هنوز بسته نهایی خود را پیشنهاد ن داده و تنها به مواردی کلی اشاره کرده است و بنا بر سخنان وزیر خارجه فرانسه این اتحادیه نیاز به زمان بیشتری برای ارزیابی اقدامات خود و نیز عکس‌العمل ایالات متحده در رابطه با حفظ برجام دارد.

اظهارات اخیر رئیس‌جمهور ایران درباره بستن تنگه هرمز و به طور کلی این سیاست که ایران در هرگونه مذاکراتی با طرف غربی دست بالا را بگیرد، چه تأثیری در رویکرد طرف مقابل در قبال ایران دارد؟

باید توجه داشت تنگه هرمز آبراهی بین‌المللی است و بستن آن ناقض قوانین بین‌المللی و نیز منافع ملی کشور است. البته باید اذعان کرد که رئیس‌جمهور ایران نیز به صراحت از بستن تنگه هرمز صحبتی نکرده است. در دوران باراک اوباما نیز این موضوع مطرح شد که اوباما آن را جزء خطوط قرمز آمریکا دانست. در دوران دونالد ترامپ همچنان این خط قرمز وجود دارد و به طور کلی آبراه‌های بین‌المللی و عبور و مرور آزاد کشتی‌ها در این آبراه‌ها برای ایالات متحده به منزله منافع حیاتی تعریف شده است. همچنین هرگونه اقدامی در جهت بستن تنگه هرمز، ایران را مجدداً تحت فشار فصل هفتم منشور سازمان ملل قرار خواهد داد، جنگ با آمریکا و متحانش را اجتناب‌ناپذیر کرده و نیز باعث وحدت مجدد اروپا و آمریکا علیه ایران خواهد شد.

با توجه به سیاست‌های واشنگتن و فشارها و

بدون اروپا انگیزه و توان لازم را ندارند. بنابراین ایران تا زمان حضور اروپا در برجام باید به حضور در آن وفادار بماند. به نظر می‌رسد دولت ترامپ به دنبال فرآیند اهریمن‌سازی (naming&shaming) ایران است. در صورت عملی شدن این فرآیند، ایران به عنوان تهدید امنیت بین‌المللی شناخته خواهد شد و در آن صورت مرحله بعدی یعنی هدف قراردادن ایران (shooting) اتفاق خواهد افتاد. ایالات متحده برای رسیدن به این مرحله نیازمند همراهی اروپا، چین و روسیه و بردن پرونده ایران تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل است. لذا یکی از مهم‌ترین وظایف سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان در ایران، مقابله با این پروژه آمریکا است. ایران باید برای جلوگیری از اجماع بین‌المللی و مطرح شدن به عنوان تهدیدی وجودی، تعهد خود به موافقت‌نامه‌ها و قوانین بین‌المللی را در عمل نشان دهد. در این راستا هرگونه تصمیمی مبنی بر خروج از NPT، غیرعقلانی و در جهت پروژه فوق خواهد بود.

در صورت خروج اروپا از برجام، سناریوی ممکن برای ایران بازگشت به غنی‌سازی اورانیوم است که این اقدام می‌تواند بدون بزرگنمایی و تبلیغات تهاجمی و غیرکارساز و کاملاً تحت قوانین و پروتکل‌های NPT صورت گیرد. هرگونه بزرگنمایی و برجسته کردن جنبه‌های نظامی غنی‌سازی اتمی می‌تواند باعث مطرح شدن ایران به عنوان تهدیدی بین‌المللی و اجماع مجدد قدرت‌های بزرگ علیه ایران و در نتیجه ورود به مسیری بدون بازگشت و غیر قابل پیش‌بینی شود.

سناریوی بدیل و قابل طرح دیگر برای ایران در صورت فروپاشی کامل برجام، مذاکرات فراگیر و بدون پیش‌شرط با تمامی طرف‌های برجام، در بستری بین‌المللی و در مورد تمامی موارد مورد اختلاف تحت پوشش سازمان ملل است. اروپا می‌تواند پیش‌زمینه این مذاکرات در تمامی مسائل مورد اختلاف مثل حضور منطقه‌ای ایران، قابلیت موشکی و حقوق بشر را فراهم کند. لازمه این مذاکرات و رسیدن به نتایج مطلوب و در جهت منافع ملی انسجام و وحدت داخلی میان مردم و حکومت و نیز میان نخبگان سیاسی است.

همان‌طور که اشاره کردید ایران و اروپا در رابطه با مسائلی همچون حضور منطقه‌ای ایران، قابلیت موشکی و حقوق بشر اختلاف نظر دارند. در چنین شرایطی اروپا چگونه می‌تواند گفت‌وگوها بر سر مسئله هسته‌ای با ایران و ارائه تضمین‌های لازم را به درستی پیش ببرد؟

در حال حاضر تمرکز اروپا به علت فشارهای آمریکا در مورد مسائل تجاری فی‌مابین از جمله افزایش تعرفه‌های تجاری، بر حفظ برجام معطوف است. به نظر می‌رسد از نقطه نظر اقتصادی، اروپا برای حفظ برجام و مقابله اقتصادی با آمریکا انگیزه‌ای ندارد و از هم‌اکنون با خروج شرکت‌های اروپایی روند خروج اروپا از برجام آغاز شده و پس از ۱۸۰ روز با شروع تحریم‌های هوشمند و فلج‌کننده ایالات متحده این روند تکمیل می‌شود. در شرایط کنونی اتحادیه اروپایی برای حفظ پرستیژ بین‌المللی و نیز تعهد به هنجارهای بین‌المللی و هنجارهای اتحادیه اروپایی توانسته در مقابل آمریکا مقاومت کند. اتحادیه اروپایی بر اساس همان هنجارها به مسائلی مثل حقوق بشر و نظم منطقه‌ای و بین‌المللی اهمیت می‌دهد و این موارد همیشه در برنامه‌های کلان این اتحادیه وجود داشته و خواهد داشت؛ زیرا مشروعیت این اتحادیه بر اساس این هنجارها شکل گرفته است. در این میان ایران می‌تواند با ورود داوطلبانه در مذاکرات حقوق بشری و نیز مسائل منطقه‌ای در متوازن نمودن این اختلافات و حفظ برجام با اتحادیه اروپایی همراهی و همکاری کند.

اروپا در منطقه خاورمیانه علاوه بر ایران با

عربستان و حتی رژیم صهیونیستی نیز روابط مطلوبی دارد. با این اوصاف، کشورهای اروپایی چگونه می‌توانند توازن را در این روابط برقرار کنند؟

قدرت اتحادیه اروپایی علاوه بر اتکا بر هنجارهای این اتحادیه، مبتنی بر منافع ملی است. اروپا بر اساس منافع ملی خود با همه کشورها، ارتباط سیاسی و اقتصادی دارد و سعودی‌ها و اسرائیلی‌ها نیز خارج از این موضوع نیستند. روابط روسیه با عربستان و اسرائیل نیز مبتنی بر منافع ملی است و اخیراً مواضع روسیه در مورد خروج ایران از جنوب سوریه و نیز امتیاز دادن ایران برای حفظ برجام نیز شواهدی بر اهمیت منافع ملی در سیاست خارجی این کشور است. نکته مهم این که در سیاست خارجی، دوست و دشمن دائمی وجود ندارد و ایران نیز باید از این قاعده بر اساس منافع ملی کشور تبعیت نماید.

به‌طور کلی در حال حاضر وضعیت مذاکرات ایران و اروپا و تلاش‌های آمریکا برای سنگ‌اندازی در مسیر تضمین اروپایی‌ها به ایران به چه صورت است؟

مواقت‌نامه برجام (برنامه جامعه اقدام مشترک) در سال‌های اخیر به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات در مباحث بین‌المللی مطرح بوده است. پیامدهای حاصل از پدیده تحریم‌های هوشمند قبل از برجام باعث آغاز مذاکرات هسته‌ای با کشورهای ۵+۱ گردید. برجام توانست با لغو تحریم‌های هسته‌ای شامل تحریم مالی، بانکی، بیمه‌ای و تحریم نفتی وضعیت نابسامان اقتصادی ایران را تا حدی سامان بخشد. دولت جدید آمریکا قبل از روی کار آمدن وعده پاره کردن برجام را داد. دونالد ترامپ در تاریخ ۸ مه ۲۰۱۸ طی امضای بیانیه‌ای قصد خود را برای خروج از توافق هسته‌ای برجام با ایران اعلام و به وعده انتخاباتی خود عمل کرد.

اختلافات فرآینداتیک بر سر موضوع پرونده هسته‌ای ایران (مواقت‌نامه برجام) با خروج ایالات متحده آمریکا از این توافق‌نامه وارد مرحله جدیدی شده است. این اختلافات خطر روبرویی اقتصادی میان واشنگتن و کشورهای اروپایی را افزایش می‌دهد.

رویکرد واشنگتن و اروپا در مورد تهدیدهای ایران متفاوت است. بازیگران اروپایی به‌طور کلی ایران را به عنوان منبع اصلی بی‌ثباتی منطقه

در خاورمیانه نمی‌بینند و بر اهمیت مشارکت برای تکمیل اقدامات شهرآمیز تأکید دارند. سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا شامگاه چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت/۱۶ می در اجلاس صوفیه توافق کردند که با وجود خروج آمریکا از برجام، به تعهدات خود در توافق هسته‌ای با ایران عمل کنند. اکنون بحث بر سر اقدامات عملی برای حفاظت از شرکت‌های اروپایی در برابر تحریم‌های آمریکاست. در این زمینه گزینه‌های چندانی وجود ندارد.

یکی از سناریوهای محتمل در برجام خروج اتحادیه اروپا از برجام و فروپاشی این مواقت‌نامه است. اتحادیه اروپایی در صورت خروج از برجام یا عدم توانمندی در حفظ آن در کنار ایالات متحده قرار خواهد گرفت و در راستای خواسته‌های این کشور گام بر خواهد داشت. تغییر رفتار مورد نظر آمریکا چیزی به غیر از تغییر رژیم نیست که در بیانیه ۱۲ ماده‌ای وزیر خارجه آمریکا نیز بر آن تأکید و تصریح شده است. در این میان باید توجه داشت که افزایش فشارهای محیطی و نارضایتی‌های داخلی و تحریم‌های اقتصادی در جهت فروپاشی اقتصادی و سیاسی کشور طراحی شده است. باید توجه نمود که در ادامه این روند و نیز رویدادهای قابل پیش‌بینی آینده هدف تمامیت ارضی و استقلال کشور است و خروج آمریکا و اروپا از برجام و حفظ یا فروپاشی این معاهده فرع بر موضوع مورد اشاره فوق است.

برای خروج از این بحران و دفع خطرات از کشور چه اقداماتی باید انجام داد؟

تغییر سیاست‌های مبتنی بر ارزش‌ها و منافع و اهداف ملی کشورها معمولاً کاری دشوار و کمتر قابل دست‌یافتن است، اما تغییر اولویت‌ها در سیاست داخلی و خارجی کاملاً امکان‌پذیر و در دسترس است و کشورهای زیادی در مقاطع حساس تاریخی به این تغییر اولویت‌ها اقدام کرده‌اند. در شرایط حساس کنونی، مهم‌ترین اولویت کشور رفاه اقتصادی مردم است. این اولویت و نگاه به درون می‌تواند تأثیرات مثبتی بر روند سیاست خارجی داشته باشد. در واقع لزوم توجه به معیشت مردم و رشد اقتصادی، تولید در جهت افزایش انسجام داخلی و وحدت میان اقشار مختلف جامعه و بازسازی رابطه میان مردم و حکومت بر اساس حکمرانی خوب اولویت سیاست‌های کشور است. در شرایط کنونی می‌توان با جراحی اقتصادی و خصوصی‌سازی واقعی و نیز مبارزه قاطع و قانونمند با فساد اقتصادی و اداری در جهت جلوگیری از دست‌یافتن آمریکا و برخی متحدان آن به اهداف‌شان تلاش مضاعفی کرد. مذاکره مستقیم با رقبای منطقه‌ای و نیز قدرت‌های بین‌المللی نیز می‌تواند اولویت دوم کشور باشد و این امر زمانی در راستای منافع ملی کشور است که با شروع و انجام فوری اولویت اول، انسجام و وحدت داخلی نسبی در کشور به وجود آید.



پیغام تهران

علی اکبر ولایتی پیام مقامات عالی رتبه ایران را به پوتین می‌رساند

اخیرا فرستاده ویژه رئیس جمهور به مسکو رفت و پیام مقام معظم رهبری و رئیس جمهوری را به ولادیمیر پوتین تقدیم کرد. علی اکبر ولایتی در سفر به مسکو با رئیس جمهور روسیه و دیگر مقامات این کشور دیدار کرد. این دیدار، درست ۵ روز قبل از دیدار ولادیمیر پوتین و دونالد ترامپ در هلسنینکی صورت گرفت. در خصوص سفر دکتر ولایتی به مسکو نکاتی وجود دارد که لازم است مورد توجه قرار گیرد:

به نظر می‌رسد موضوع «توافق هسته‌ای با ایران»، «سیاست‌های نفتی روسیه» و «موضوع سوریه» از مهم ترین مواردی بوده‌اند که در سفر علی اکبر ولایتی به روسیه مورد رایزنی و گفت‌وگو قرار گرفته است. روسیه یکی از اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد و همچنین یکی از موثرترین بازیگران اجلاس همکاری‌های شانگهای محسوب می‌شود.

از این رو مسکو می‌تواند ضمن استفاده از توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود در شورای امنیت (به سود ایران)، مسیر عضویت سریع تر ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای را نیز هموار سازد.

موضوع سیاست‌های نفتی روسیه و برخی همکاری‌های مشترک این کشور و عربستان، مساله دیگری است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت. روسیه خواهان آن است تا بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت جهان عمده کاهش تولیدی که کمک کرد بازار تثبیت شده و قیمت‌ها تقویت شوند را پایان دهند.

وزیر انرژی روسیه در این خصوص می‌گوید: «مسکو خواهان آن است که اوپک و متحدانش اجازه دهند ۱/۵ میلیون بشکه در روز به بازار بازگردد. قیمت‌ها به حد کافی متعادل شده‌اند تا چنین افزایش شدید تولید را جذب کنند.»

موضوع دیگری که هم اکنون به محل بحث در مناسبات ایران و روسیه تبدیل شده، «سوریه» است. چنانچه کارشناسان و تحلیلگران روسی اعلام کرده‌اند، سوریه موضوع اصلی گفت‌وگو و ولادیمیر پوتین و دونالد ترامپ در نشست ۱۶ ژوئیه در هلسنینکی است. حتی سوریه یکی از مهم ترین دستورات کارهای گفتگویی است که می‌تواند منجر به توافق واقعی بین پوتین و ترامپ باشد.

به عنوان مثال، «المانتور» مدعی شده است که هرگونه توافق بین آمریکا و روسیه بر سر سوریه در راستای خروج کامل نیروهای آمریکا از این کشور و دست کشیدن از

خواسته سرنگونی بشار اسد از قدرت در ازای محدود کردن نفوذ ایران در سوریه توسط روسیه است.

مختصات نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران

دیدار علی اکبر ولایتی و پوتین، بار دیگر توجهات را به سوی استراتژی «نگاه به شرق» رهنمون می‌سازند. تقابل ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران به نقطه اوج خود رسیده است. دونالد ترامپ رسماً از توافق هسته‌ای خارج شده و با وضع دوباره تحریم‌های ثانویه علیه کشورمان، در صدد اعمال محدودیت‌های اقتصادی علیه نظام و ملت ایران است. از سوی دیگر، برگزاری اجلاس اخیر گروه ۷ در کانادا نیز حاکی از بروز اختلافات عمده میان ایالات متحده و شرکای غربی آن بوده است.

سوال اصلی اینجاست که در چنین شرایطی نگاه ما به دیگر بازیگران فعال در نظام بین الملل، خصوصاً چین و روسیه باید چگونه باشد؟ چگونه می‌توان از ظرفیت پکن و مسکو در راستای مقابله با تحریم‌های ایالات متحده آمریکا و حتی شرکای اروپایی آن استفاده کرد؟ به راستی آنچه امروز در نظام بین الملل در قبال ایران می‌گذرد چگونه قابل درک است؟

مفهوم «نگاه به شرق» لازم است به صورت واقع‌گرایانه در سیاست خارجی کشورمان تبیین شود. مفهوم نگاه دستگاه دیپلماسی ما به شرق، به معنای تبدیل شدن ایران به متغیری وابسته به پکن و مسکو نیست، بلکه به معنای همیاری و همکاری موثر میان ایران و کشورهای شرقی در راستای مقابله با سیاست‌های چندگانه و خصمانه کشورهای غربی است. همان گونه که تاکید شد، در این خصوص لازم است نگاه واقع‌بینانه‌ای نسبت به بازی غرب در نظام بین الملل داشت. یکی از موانعی که مانع از ترسیم مناسبات راهبردی و عمیق ما (در حد مطلوب و موثر) با روسیه و چین شده است، نگاه خاص و ایجابی برخی دولتمردان به بازیگران غربی است.

همگرایی و همکاری در نظام بین الملل یک اصل تئوری و عملی محسوب می‌شود. در باب نظریات همگرایی و همکاری تاکنون هزاران رساله و مطلب نوشته شده و تئرها و آنتی‌تئرها گوناگونی در این خصوص بیان شده است. بدیهی است که ما در همگرایی با روس‌ها، چینی‌ها و هر بازیگر دیگری در نظام بین الملل باید اصل احتیاط را رعایت کنیم. همگرایی با روسیه و چین به هیچ عنوان معنای «هضم ما در بازی روس‌ها و چینی‌ها» نیست، بلکه اصلی منطقی با هدف بهره‌گیری از ظرفیت‌های این همکاری و همگرایی است.

همکاری و همگرایی ایران و روسیه کاملاً محاسبه

شده توأم با چاشنی احتیاطی و با آینده‌پژوهی و در نظر گرفتن احتمالات ممکن در قبال این تعامل دو طرفه خواهد بود. با پیشش گزاره‌های منطقی و عقلانی و تحلیل آنها در بستر نظام منطقه‌ای و بین الملل امروز درمی‌یابیم که عدم پاسخدهی به تقاضای روسها برای برقراری روابط استراتژیک با ایران منبایی عقلانی و منطقی ندارد. باید از روابط با کشورهای روسیه، چین، هند و... جهت حفظ و افزایش قدرت مانور بین المللی خود استفاده بهینه را نموده و اهمیت بالای استراتژیک این روابط را فدای مناسبات تاکتیکی خود با غرب نکنیم. یکی از خطرناک ترین بازی‌های آمریکا در قبال مخالفان و دشمنانش، هدایت بازی استراتژیک آنها در زمین بازی تاکتیکی غرب است.

واشنگتن استعداد زیادی دارد که استراتژی کشورها را به پای تاکتیک‌های خود ذبح کند، بنابراین باید در رصد این بازی غرب و خنثی سازی آن هوشیار بود. یکی از راهکارهای مهم در قبال این مساله، همگرایی با بازیگرانی است که غرب نسبت به آنها نیز نگاهی تهدید محور دارد. هم اکنون که واشنگتن و ناتو در تقابل با قدرت مسکو به سر می‌برند، بهترین زمان برای تعریف یک همگرایی موثر و مفید با روس هاست.

نگاه به شرق بر اساس منافع ملی ایران

«نگاه به شرق» در حوزه سیاست خارجی کشورمان باید به عنوان یک راهبرد موثر در راستای مواجهه با سیاست‌ها و اقدامات ایالات متحده آمریکا مورد استناد و توجه قرار گیرد. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران باید بر اساس منافع ملی خود و با چاشنی احتیاط، روابط استراتژیک و تاکتیکی موثری را با کشورهایی مانند چین و روسیه تعریف کند. عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای در این خصوص بسیار مفید می‌باشد. از سوی دیگر، باید در عین توجه نسبت به اختلافات و شکافهایی که میان بازیگران غربی (آمریکا و اروپا) و خصوصاً در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ ایجاد شده است، متوجه این نکته اساسی بود که تفکیک بازی اروپا از آمریکا یا در نظر گرفتن اروپای واحد به عنوان بازیگری مستقل از واشنگتن، خطایی راهبردی در حوزه سیاست خارجی کشورمان محسوب می‌شود. هم اکنون دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان باید ضمن در نظر گرفتن ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل اقتصادی، راهبردی، سیاسی و بین المللی کشورهای شرقی، مخصوصاً دو کشور چین و روسیه، مناسبات قوی تری را با آنها ترسیم کنند. مناسباتی که مسلماً تعریف صحیح آن، قدرت مانور ما در نظام بین الملل را افزایش خواهد داد.

خبر اختصاصی مثلث

اما موضوع دیگر مورد بحث ولایتی مسایل منطقه ای بوده است. گویا ایران از روسیه خواسته است که همکاری با جبهه مقاومت را عمیق تر کند.

هم‌راستا با این مساله، البته ایران برای سفر ولایتی یک دستور کار مهمتر هم داشته است. گویا ولایتی ماموریتش این بوده که قبل از دیدار ترامپ و پوتین در هلسنینکی، بکوشد دیدگاه‌های ایران را به اطلاع پوتین برساند.

مثلث گزارش کرده است که ولایتی در بخش برجام در مورد مسایل بانکی از پوتین خواسته است که به ایران در گرفتن امتیاز از غرب در این بخش کمک کند.

گفتنی است یکی از مسایل اساسی مورد بحث ایران و اتحادیه اروپا در مذاکرات اخیر موضوع تحریم بانکی بوده است. در سطح برجام مساله دیگر مورد بحث توسط ولایتی این بوده است که روسیه هم در اوپک و هم در بحث صادرات نفت به ایران کمک کند.

سفر علی اکبر ولایتی به روسیه و دیدارش با ولادیمیر پوتین با تحلیل‌های متعددی همراه شده است.

این تحلیل‌ها البته بر پایه اخبار ضد و نقیضی است که از دیدار و محتوای پیام‌های همراه ولایتی شکل گرفته است. در این اما خبرنگار مثلث به اخباری اختصاصی از محتوای مذاکرات ولایتی در روسیه دست یافته است. بر اساس این گزارش سفر ولایتی با دو موضوع برجام و منطقه انجام شده است. خبرنگار

دیپلماسی فعال

ارائه نقشه راه ایران به پوتین

کاهش حضور ایران در سوریه به اطلاع ایران برساند. این بدان معناست که پوتین در حال حاضر به طور ناخواسته به اصلی ترین بازیگر در پیچیده ترین مسائل راهبردی کلان منطقه به خصوص موضوع سوریه تبدیل شده است و از این لحاظ مسکو را به محلی برای تجلی سیاست های متضاد ایران و آمریکا و همچنین رقابت های فشرده میان مسکو و واشنگتن تبدیل کرده است.

آنچه مسلم است پیام ایران در این شرایط بغرنج این قابلیت را دارد تا پوتین را در موقعیت بهتری قرار دهد و نکاتی را که ممکن است او در خصوص مسائل منطقه از آنها غافل بوده را به او یادآور شود. پوتین باید بداند که حضور ایران در سوریه و از آن فراتر مجموع حضور منطقه ای ایران در چارچوب مذاکرات دو جانبه و نه چند جانبه تحقق پیدا کرده است و این حضور از جمله ارکان قدرت ایران در برقراری امنیت منطقه ای تلقی می شود؛ حضوری که به آسانی تحقق پیدا نکرده و از جانب تهران و مسکو از جمله اساسی ترین اصول مربوط به کنش ها و واکنش های منطقه ای است. همچنین این بدان مفهوم است که رئیس کرملین باید به این نکته توجه کند که روسیه در شرایط حاضر در عرصه سوریه یک قدرت تام الاختیار و ویژه در حوزه روابط خارجی آن کشور نیست، لذا در مذاکرات خود با نتانیاهو و ترامپ قاعدتا باید در محدوده موضوعاتی به مذاکره بپردازد که موافقت ایران را پیش از آن جلب کرده باشد.

به هر ترتیب آقای ولایتی حامل پیامی مهم آن هم در شرایط بسیار حساسی بود که این پیام به چند موضوع مهم ایران و سوریه، آینده برجام و همچنین مناسبات دو جانبه ایران و روسیه می پرداخت. پیامی که با توجه به دیدارهای مهم پوتین می تواند سرفصل تازه ای برای مجموعه تحولات آتی سیاسی و نظامی در سوریه و سرآغازی برای تعیین روابط اقتصادی تهران و مسکو در شرایط تحریم کنونی قلمداد شود.

آنچه که سبب شده تا این گونه از دیپلماسی در شرایط حاضر به کار گرفته شود همین موضوعات و شرایط خاص و حساسی است که در منطقه پدید آمده که دستگاه دیپلماسی آمریکا را به تصمیم گیری های جدی درباره مسئله سوریه واداشته است. این بدان معنا است که دولت واشنگتن در حال حاضر به این نتیجه رسیده است که نه تنها اهرم های لازم برای تأثیرگذاری بر روند معادلات منطقه را در اختیار ندارد، بلکه ایران و هم پیمانانش در سوریه ابتکار عمل را به دست گرفته اند. بنابراین ایران نیز به ناگزیر برای به کارگیری بهتر این اهرم و نتیجه گیری و بهره برداری از این موقعیت بسیار حساس باید از یک دیپلماسی فعالی بهره برداری کند.

به اصلی ترین مسئله راهبردی در منطقه غرب آسیا تبدیل شده است، طبیعی است که در این شرایط پوتین نیازمند یک سلسله مشورت ها و رایزنی هایی است که برای مذاکره با طرف آمریکا و طرف اسرائیلی توانمندی های لازم را در اختیار او قرار دهد. لذا اصلی ترین گمانه زنی ها بر این مبنای استوار است که پیام ایران در واقع ارائه نقشه راهی برای



پیشبرد مذاکرات پوتین با طرف های مقابل و قراردادن اطلاعات دقیق تری از موضع ایران به رئیس جمهور روسیه تلقی می شود.

البته در سطوح راهبردی کلان، موضوعات مهم تر و پیچیده تری نیز قابل فرض است و آن موضوعاتی را شامل می شود که به دیپلماسی پنهان ترامپ در خصوص اعمال تحریم ها علیه ایران و شروط مربوط به برچیده شدن این تحریم ها مربوط می شود. چرا که این احتمال مطرح است که ترامپ درصدد آن برآمده باشد تا با بهره برداری از فرصت دیدار با رئیس جمهور روسیه از او بخواهد تا شروط مربوط به کاهش تحریم ها یا برداشتن تحریم ها را در قبال

جعفر قنادباشی

کارشناس مسائل خاورمیانه



علی اکبر ولایتی، مشاور مقام معظم رهبری در امور بین الملل او اواخر هفته گذشته در رأس هیاتی وارد مسکو شد تا پیام مهم مقام معظم رهبری و حسن روحانی، رئیس جمهور ایران را به رئیس جمهور روسیه ابلاغ کند؛ پیامی که با توجه به مقطع کنونی و شرایط حاکم بر منطقه پیامی خاصی و ویژه تلقی می شود. ارسال این پیام در قالب یک نامه به رئیس جمهور روسیه درست پیش از دیدار پوتین با نخست وزیر رژیم صهیونیستی و همچنین دیدارش با دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا انجام شد. شاید به همین دلیل بود که گمانه زنی ها و فرضیه های مختلفی راجع به این پیام در رسانه های مختلف مطرح شد. پیش از آن در مورد موضوع مذاکرات پوتین و نتانیاهو یا روسای جمهور آمریکا و روسیه فرضیاتی مطرح شده بود و با ارسال پیام ایران به پوتین معادلات تازه ای در خصوص دیپلماسی چند جانبه شکل گرفته در مسکو مطرح است. آنچه مسلم است پیام ایران را می توان در چند سطح دو جانبه، منطقه ای و جهانی مورد تحلیل و واکاوی قرار داد. در سطح دو جانبه، در مقطع کنونی با توجه به نزدیک تر شدن زمان اعمال تحریم ها و به خصوص بعد از مذاکرات وزرای خارجه ۴+۱ در وین قاعدتا این پیام در بردارنده مطالباتی است که ایران از روسیه به عنوان یکی از کشورهای باقی مانده در برجام دارد.

مطالبات دیگر ایران در روابط فیما بین ایران و مسکو مربوط به تحریم های نفتی و نفتی است که انتظار می رود روسیه در این شرایط ایفا کند و در دیپلماسی نفتی اش همسو با آمریکا حرکت نکند. جدای از آن تعیین میزان روابطی که در عرصه اقتصادی غیرنعم اعمال تحریم ها روسیه خواهد توانست با ایران داشته باشد حائز اهمیت است. یعنی مسکو باید تعیین کند که در شرایط تحریمی آمریکا، به چه میزانی و در چه عرصه هایی خواهد توانست با ایران مبادلات اقتصادی داشته باشد.

ولیکن در سطوح منطقه ای گمانه زنی ها و فرضیات بیشتری درباره محتویات پیام ایران در فضای رسانه ای انتشار یافته است زیرا همان گونه که اشاره شد موضوع معادلات منطقه ای اصلی ترین موضوع مطرح در پیام ایران بوده است. این در حالی است که همه تلاش نتانیاهو و ترامپ آن است تا در مذاکرات خود با پوتین نه تنها او را به مخالفت با حضور ایران در سوریه ترغیب کند بلکه خواستار آن هستند تا از دولت روسیه به عنوان یک میانجی فعال برای پیشبرد سیاست های مشترک واشنگتن و تل آویو در سوریه بهره برداری کنند. از این رو در این صحنه پیام ایران اشاره به برگ برنده ای است که در حال حاضر به لحاظ حضور ایران در سوریه در اختیار پوتین قرار گرفته و

پوتین باید بداند که حضور ایران در سوریه و از آن فراتر مجموع حضور منطقه ای ایران در چارچوب مذاکرات دو جانبه و نه چند جانبه تحقق پیدا کرده است و این حضور از جمله ارکان قدرت ایران در برقراری امنیت منطقه ای تلقی می شود؛ حضوری که به آسانی تحقق پیدا نکرده و از جانب تهران و مسکو از جمله اساسی ترین اصول مربوط به کنش ها و واکنش های منطقه ای است.

رایزنی‌های خاص در برلین خرازی از فرصت ایران به اروپا می‌گوید

گرائل نیز از «کاهش سطح روابط تجاری ایران و آلمان» به «توقف کامل مراودات تجاری ایران-اروپا» تغییر یافت. ماموریت ریچارد گرائل هم اکنون صرفاً در برلین خلاصه نمی‌شود. او از سوی ترامپ ماموریت دارد تا پیام‌های تهدیدآمیز تجاری و اقتصادی واشنگتن علیه شرکت‌های اروپایی و کشورهای عضو اتحادیه اروپا را به آنها مخابره کند.

گرائل هم‌اکنون در جلساتی که با اعضای اتاق بازرگانی آلمان داشته است، از آنها خواسته است تا به جای سرمایه‌گذاری در ایران، در ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی سرمایه‌گذاری کنند. در هر حال، آلمان به یکی از کشورهای هدف آمریکا در راستای اعمال فشارهای تجاری و اقتصادی به ایران تبدیل شده است. بدون شک در آینده، فشارهای ایالات متحده آمریکا بر دولت آلمان و شرکت‌های بازرگانی در این کشور افزایش خواهد یافت. بدیهی است که در اینجا لازم است در کنار رایزنی‌های وزارت امور خارجه کشورمان با مقامات اروپایی، از توان و ظرفیت دیگر سیاستمداران فعال و صاحب‌نظر در حوزه سیاست خارجی بهره‌مند شد.

نکته پایانی اینکه کمال خرازی در دیدار با مقامات آلمانی روی حق ایران مبنی بر توقف اجرای تعهدات کشورمان در برجام تأکید کرده است. واقعیت امر این است که هم‌اکنون ایالات متحده به صورت یکجانبه از توافق هسته‌ای خارج شده و جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند در اقدامی متقابل، کل یا بخشی از تعهدات خود در برجام را متوقف کرده و به آنها عمل نکند.

با این حال ایران، فرصتی را در خصوص «حفظ توافق هسته‌ای» از طریق «ارائه تضمین‌های اقتصادی» در اختیار اتحادیه اروپا و خصوصاً تروئیکای اروپایی قرار داده است. مسلماً اگر اروپا نخواهد یا نتواند از این فرصت استفاده کند، در آینده‌ای نزدیک شاهد اقدامات جدی‌تری از سوی جمهوری اسلامی ایران خواهیم بود؛ موضوعی که در سفر اخیر رئیس شورای راهبردی روابط خارجی کشورمان به آلمان نیز از سوی وی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. انتقال این پیام صریح از سوی جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند تأثیر مستقیمی در تعجیل طرف اروپایی در اتخاذ تصمیمی سرنوشت‌ساز در خصوص توافق هسته‌ای و حفظ برجام داشته باشد.

اقدامات ضدبرجامی ایالات متحده آمریکا داشته است. از سوی دیگر، آلمان در دوران پس‌اقدامات فعالیت‌های اقتصادی نسبتاً گسترده‌ای را در کشورمان داشته است. از این رو نقش برلین در حفظ توافق هسته‌ای و ارائه تضمین‌های لازم به ایران می‌تواند موثر و مفید باشد. فراتر از آن، هم‌اکنون شاهد بروز اختلافاتی میان برلین و واشنگتن بر سر موضوعاتی مانند خروج از برجام و وضع تعرفه‌های گمرکی (بر فولاد و آلومینیوم وارداتی اروپا) هستیم. همین اختلاف سبب شده است تا صدراعظم آلمان و رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در مواجهه با یکدیگر قرار گیرند. در چنین شرایطی رایزنی‌های دیپلماتیک ایران در برلین می‌تواند نقش بسزایی در مواجهه با اقدامات ایالات متحده و دولت ترامپ در تقابل با برجام داشته باشد.

نکته سوم، به فعالیت‌های خاص سفیر ایالات متحده آمریکا در آلمان (علیه ایران) بازمی‌گردد. یکی از اصلی‌ترین اهداف ترامپ از انتصاب ریچارد گرائل به عنوان سفیر ایالات متحده آمریکا در آلمان، هدایت و مدیریت فضای پس از خروج از برجام در میان کشورهای اروپایی بوده است. این انتصاب، حدود یک‌سال قبل صورت گرفت اما بررسی صلاحیت گرائل در سنا مدت‌ها به تعویق افتاد. یک سال قبل و در تیرماه سال گذشته، سنا این ادعا را رد کرد که انگیزه ترامپ از انتخاب گرائل، کاهش سطح روابط تجاری ایران و برلین بوده است. سرانجام صلاحیت گرائل به عنوان سفیر پیشنهادی ترامپ در آلمان، در ۲۶ آوریل امسال مورد تأیید سنا قرار گرفت و سناتورهای آمریکایی، با ۵۶ رأی موافق در مقابل ۴۲ رأی مخالف، رأی به تصدی‌گری پست سفارت آمریکا توسط وی دادند. نکته جالب توجه اینکه تا قبل از نهایی شدن انتصاب گرائل، سفارت آمریکا در آلمان برای مدت بیش از یک‌سال بدون سفیر اداره می‌شد.

گرائل دقیقاً زمانی به عنوان سفیر وارد آلمان شد که ترامپ تصمیم نهایی خود را مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای اتخاذ کرده بود. از این رو چشم‌انداز و هدف

سفر کمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی به آلمان و دیدار وی با مقامات این کشور، آن هم در برهه‌ای که رایزنی‌های فشرده مقامات آمریکایی با شرکت‌های آلمانی جهت توقف مراودات تجاری با ایران ادامه دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. خرازی در دیدار وزیر مشاور امور خارجی وزارت خارجه آلمان به نکات قابل‌تأملی اشاره کرده است:

«موضوع مهم در مقطع کنونی، تبدیل اراده سیاسی اروپا در حمایت از برجام به اقدامات عملی در راستای اجرای برجام است؛ به‌طوری که منافع ایران از برجام تأمین شود. ما بر اساس متن برجام این حق را داریم که در برابر نقض عهد دیگران، به خصوص اینک که آمریکا از این توافق هسته‌ای خارج شده است، به‌طور کامل یا بخشی از اجرای تعهدات خود را متوقف کنیم، ولی به اروپا این فرصت را داده‌ایم تا ببینیم اروپا چگونه می‌خواهد اراده خود را به عمل ترجمه کند.»

علاوه بر آن، خرازی در سفر خود به آلمان با یوشکار فیشر، وزیر امور خارجه اسبق این کشور نیز دیدار و گفت‌وگو کرد. وی در این دیدار عنوان کرد که تعهد ایران به برجام به راهبرد اروپا برای مقابله با تحریم‌های آمریکا بستگی دارد. در خصوص اظهارات وزیر امور خارجه اسبق کشورمان در آلمان و کلیت حضور وی در این کشور نکاتی وجود دارد که لازم است مورد توجه قرار گیرد:

نخست اینکه رایزنی‌های دیپلماتیک رئیس شورای راهبردی روابط خارجی کشورمان در اروپا، مصداقی از فعالیت همه‌جانبه دستگاه دیپلماتی و سیاست خارجی کشورمان در قبال برجام محسوب می‌شود. در برهه‌ای که دشمنان جمهوری اسلامی ایران لابی‌های گسترده‌ای را در مواجهه اقتصادی و سیاسی با ایران در اروپا صورت داده‌اند، چنین رایزنی‌ها و دیدارهایی ضروری به نظر می‌رسد.

نکته دوم، به نقش آلمان و جایگاه این کشور در حفظ برجام بازمی‌گردد. آلمان کشوری است که نسبت به دو کشور انگلیس و فرانسه، رویکرد سخت‌تری در برابر





بازی دوگانه روس‌ها

ناصر ایمانی در گفت‌وگو با مثلث

هفته گذشته مشاور مقام معظم رهبری در امور بین الملل سفری به مسکو داشتند که این سفر با حضور ینامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی همزمان شده بود؛ به نظر شما در مقطع فعلی مهم‌ترین مأموریت دکتر ولایتی در سفر به مسکو چیست؟

من گمان می‌کنم همزمانی سفر دکتر ولایتی و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به مسکو کاملاً تصادفی بود و هیچ برنامه‌ریزی برای تلاقی این دو دیدار در روسیه وجود نداشت. از سوی دیگر در ارتباط با اهداف سفر علی‌اکبر ولایتی به روسیه و پس از آن به چین باید گفت که در واقع نقش روسیه و چین در مسائل امور بین‌الملل و تعاملات خارجی ایران در حال پررنگ‌تر و پراهمیت‌تر شدن است. به عبارت دیگر با توجه به نوع برخورد اروپاییان نسبت به مسئله برجام بعد از خروج ایالات متحده آمریکا از آن و ارسال پیام‌هایی با محتوای ناخوشایند به ایران از سوی اعضای اتحادیه اروپا، رایزنی با روسیه، چین و هند اهمیت بیشتری پیدا کرده است تا به صورت دقیق‌تری به بررسی نقش این کشورها در ارتباطات خارجی و مسائل اقتصادی جمهوری اسلامی پرداخته شود. اهمیت دیگر این سفر به دلیل ارسال پیام شخص رهبری به کرملین است. در واقع دکتر ولایتی اخیراً پیام‌های رئیس‌جمهور و دولت را در سفری به روسیه و چین بیان کرده‌اند، اما از آنجایی که ولادیمیر پوتین حساب ویژه‌ای روی تصمیمات و نظرات مقام معظم رهبری خصوصاً در رابطه با مسائل و تحولات منطقه دارند، چنان که در سفر به ایران هم اولین دیدارشان را با رهبری برگزار کرده بودند، این بار دکتر ولایتی که مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل هستند پیام‌هایی را از جانب شخص رهبری و رئیس‌جمهور برای ایشان ارسال کردند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت این قسم سفرها در این مقطع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

چرا در برهه فعلی سفرهایی از این دست همچون سفرهای دکتر ولایتی به عراق و روسیه یا سفرهای آقای خرازی به کشورهای اروپایی افزایش یافته است و با چه هدفی انجام می‌گیرد؟

به عقیده من محتوای این سفرها در ارتباط با مواضع ایران برای ادامه برجام و تصمیمات مسئولان جمهوری اسلامی ایران با توجه به خروج آمریکا از برجام و رفتار اروپا بعد از آن است. از دیگر موضوعاتی که در این سفرها مطرح می‌شود مسائل مربوط به جنوب سوریه و نقش مستشاری ایران در سوریه است. مسئله دیگری که باید به آن اشاره کنم اهمیت پررنگ شدن نقش کشورهای آسیایی از جمله چین، روسیه و هندوستان نسبت به گذشته نزد ایران است. زیرا به دلیل برخی گرایش‌های خاصی که در ایران وجود دارد تمایل و اعتماد به کشورهای اروپایی و غربی بیشتر از کشورهای آسیایی است و ارتباط قوی‌تر جمهوری اسلامی با روسیه و چین در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی با تعلق روبه‌رو بوده است. این در حالی است که در سال‌های اخیر بی‌اعتمادی‌های بیشتری از غربی‌ها دیدیم تا چین و روسیه. البته طبیعی است که هر کشوری در ابتدا بر اساس منافع کشور خود تصمیم‌گیری می‌کند اما در عین حال اگر ایران بخواهد پایه‌های سیاست خارجی و اقتصادش را بسازد، در مقطعی که واکنش مناسبی از جانب غربی‌ها دریافت نمی‌کند باید تا کید بیشتری در رابطه با روس‌ها و چینی‌ها و همچنین آسیای شرقی داشته باشد تا شاید بتوان از این مقطع با وجود مشکلات پیش آمده در خصوص برجام به سلامت عبور کرد.

با توجه به همراهی روسیه با عربستان در حوزه جایگزینی صادرات نفت ایران و فشارهای آمریکا و اسرائیل برای خروج ایران از سوریه به نظر شما آیا این سفر می‌تواند حاوی پیام هشدار برای مسکو باشد که علیه منافع ایران اقدامی نکند؟

قطعاً یکی از اهداف این سفر می‌تواند این مسئله

رئیس‌جمهوری روسیه این روزها بیش از پیش در کانون توجه برخی مقامات منطقه‌ای و فرماندهی قرار گرفته است. در این رابطه علاوه بر سفر هفته گذشته نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به مسکو، علی‌اکبر ولایتی مشاور امور بین‌الملل مقام معظم رهبری نیز برای ابلاغ پیامی از جانب رهبری و رئیس‌جمهور به ولادیمیر پوتین، به روسیه سفر کرد. همچنین دیدار دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با همتای روس خود در هلستینکی نیز از جمله اخبار مهم این روزهاست. در واقع این سفر به دلیل پررنگ شدن نقش روسیه در تعاملات خارجی ایران بعد از خروج آمریکا از برجام و همچنین نقش موازنه‌گر مسکو در مسائل منطقه‌ای به ویژه مسئله سوریه حائز اهمیت است. در این رابطه گفت‌وگویی با ناصر ایمانی، کارشناس مسائل سیاسی داشتیم.

باشد اما باید به این موضوع نیز توجه کرد که زمانی ما می‌توانیم به روسیه یا هر کشور دیگری در زمینه مسائل انرژی یا حضور نظامی ایران و غیره هشدار دهیم که بستر مناسبی از روابط را در سیاست خارجی و دیپلماسی آن کشور داشته باشیم. ضمن اینکه اگر همراهی روسیه در مسائل مربوط به سوریه نبود، ایران به لحاظ امنیت ملی دچار مشکلات فراوانی می‌شد اما نمی‌توان انتظار داشت که روس‌ها در مسئله سوریه کاملاً هماهنگ با ایران و مطابق نظرات ما عمل کنند. زیرا روسیه یا کشورهای دیگر تا جایی که منافع ملی خودشان تامین شود یا منافعش با منافع ما همپوشانی داشته باشد همکاری می‌کنند.

در نهایت به نظر شما هدف نتانیاهو و ترامپ در مقطع فعلی از دیدار با پوتین چیست و چه خواسته‌هایی از رئیس‌جمهور روسیه خواهند داشت؟

در واقع از گذشته رژیم صهیونیستی با روسیه رابطه خوبی داشته است؛ اکنون هم جمعیت زیادی از روس‌ها در داخل سرزمین‌های اشغالی هستند. اگرچه روسیه بسیاری از سیاست‌های رژیم صهیونیستی را طی سال‌های گذشته قبول نداشته است، اما صرفاً به دلیل منافع مشترک با ایران، با اسرائیل قطع رابطه نخواهد کرد. اکنون روسیه با توجه به درخواست‌های رژیم صهیونیستی از آنها برای عدم حضور ایران در سوریه و همچنین با وجود نقشی که ایران در سوریه دارد در حال بررسی وزن هر یک از این مواضع و یافتن راهی برای حفظ منافع و رابطه با هر کدام از این کشورها است.

روس‌ها با ایرانی‌ها لطمه وارد کند. روسیه می‌تواند نقشی متوازن در سوریه داشته باشد تا تنش اسرائیل با ایران به بحران منطقه‌ای تبدیل نشود.

موضوع بعدی برجام منهای آمریکاست که روس‌ها می‌توانند در کنار ایران بمانند و هزینه خروج آمریکا از برجام را با تعمیق روابط خود کاهش دهند. آمریکایی‌ها همچنین گفت‌وگو روی فعالیتهای منطقه‌ای ایران را هم با پوتین در دستور کار دارند. دیدار ترامپ و پوتین در روزهای آینده از این حیث برای ایران مهم است.



پیغام به شرق

سفر ولایتی به مسکو چه معنایی دارد؟

ایران در حال حاضر در مرحله حساسی است. کارشناسان مختلف از ویژه بودن شرایط حاضر سخن می‌گویند و فضای آینده را آبیستن تحولاتی جدید می‌دانند. خروج آمریکا از برجام، تنش‌های متعدد منطقه‌ای، روزگار پساداعش خاورمیانه، شکنندگی پیمان‌ها و اتحادهای گذشته و روند موجود در مناسبات کشورها و بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی باعث شده مقامات ایرانی این تحولات را با دقت مورد نظر داشته باشند و در راستای هدایت وضعیت موجود به فضای آرام و بدون تنش تحرکاتی را شکل دهند. اما به جز سفرهای مقامات مختلف وزارت خارجه، سفر افرادی چون علی اکبر ولایتی مشاور رهبر انقلاب در امور بین‌الملل و کمال خرازی، رئیس شورای روابط خارجی از این جمله است.

سفر افرادی غیر از وزارت خارجه اما با سابقه وزارت خارجه و آشنا با امور سیاست خارجی که در برهه‌هایی در برنامه سیاست خارجه مغفول مانده می‌تواند تأثیرات بسیاری روی تأمین منافع ملی و تعامل با کشورهای مورد نظر داشته باشد.

در این باره با توجه به ویژه بودن وضعیت برجام و توجه همه‌جانبه به آن، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی و وزیر خارجه پیشین کشورمان در ادامه سفرهایی که داشته در آلمان با یوشکا فیشر، رئیس پیشین حزب سبزها و وزیر خارجه اسبق آلمان دیدار کرد.

در این ملاقات، مسائل منطقه، موضوع خروج آمریکا از برجام و نقش اروپا در حفظ این توافق هسته‌ای و نیز مشکلاتی که سیاست‌های دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای اروپا به وجود آورده است، بحث و بررسی شد. خرازی در این ملاقات اظهار کرد: «تعهد ایران به برجام به راهبرد اروپا برای مقابله با تحریم‌های آمریکا بستگی دارد و در صورتی که خروج آمریکا باعث شود ایران از این موافقت‌نامه نفعی نبرد، طبیعتاً باقی‌ماندن جمهوری اسلامی ایران در برجام بی‌فایده خواهد بود.»

دیدار وزیر سابق وزارت خارجه و گفت‌وگوی صریح و به دور از پروتکل‌های تشریفاتی می‌تواند در برهه کنونی در ایجاد اعتماد دو طرفه و کاهش سوءتفاهمات و رسیدن به مسیری برای تعامل بسیار حیاتی باشد.

سفر ویژه ولایتی

اما سفر علی اکبر ولایتی به مسکو برای رساندن پیام رهبر انقلاب و رئیس‌جمهور به شکل ویژه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. سخنگوی وزارت خارجه سفر روز چهارشنبه ۲۰ تیرماه دکتر ولایتی به مسکو را سفری بسیار مهم خواند و گفت: «آقای ولایتی حامل پیام رهبر معظم انقلاب و رئیس‌جمهور برای رئیس‌جمهور روسیه است.»

پهرام قاسمی با اشاره به تشریح دیدگاه‌ها و مواضع جمهوری اسلامی ایران برای سایر کشورها پس از خروج آمریکا از برجام تصریح کرد: «پس از خطای راهبردی آقای ترامپ و خروج از معاهده چندجانبه بین‌المللی برجام، جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفت با اعزام تعدادی از فرستادگان ویژه که حامل پیام مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران هستند دیدگاه‌ها و مواضع کشورمان را در قبال این رفتار خودخواهانه و خلاف موازین بین‌المللی آمریکا برای سایر کشورها تشریح کند.»

در واقع ارسال پیام در این سطح به معنای این است که قرار است تهران و مسکو، باب مرادوهای تازه و فراتر از گذشته را باز کنند. قطعاً مادامی که محتوای پیام‌هایی که گفته می‌شود قرار است همراه با مشاور امور بین‌الملل رهبری به رئیس‌جمهور روسیه تقدیم شود، مشخص نشود نمی‌توان در مورد متن و جزئیات آن اظهار نظر کرد. اما چند چیز را می‌توان از فرم و شکل این اقدام برداشت کرد. اول از همه اینکه بر اساس آنچه از شرایط کنونی بر می‌آید نه قرار است و نه لزومی دارد ایران گام تازه‌ای بردارد و اقدام تازه‌ای انجام دهد، چرا که مسئولیت‌ها و تعهدات خود را بر مبنای توافقی‌های بین‌المللی به انجام رسانده است. نکته دوم این است که ارسال چنین پیامی بیش از هر چیز اهمیت مسائل و تحولات اخیر در روابط دو جانبه را برای روس‌ها تبیین خواهد کرد. در واقع چنین پیامی نشان می‌دهد که تحولات جاری، آن قدر مهم است که لزوم برقراری تماس در چنین سطحی پیش می‌آید.

علی اکبر ولایتی مشاور رهبری در امور بین‌الملل نیز از افرادی بوده‌اند که به عنوان فرستاده ویژه، سفرهای متعددی به کشورهای منطقه و از جمله روسیه داشته است. ولایتی که از حامیان نزدیکی ایران به روسیه بوده، تلاش کرده است روند همکاری دو کشور در مسائل مختلف ادامه داشته باشد و خللی در ادامه همکاری‌ها شکل نگیرد.

روسیه در حال حاضر می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در دو موضوعی داشته باشد که ایران با دو بازیگر منطقه‌ای و بین‌المللی دچار تنش است. اولی موضوع سوریه است که نقش روسیه در آن بی‌بدیل است و دو کشور همراه هم نتایج و دستاوردهای مهمی را به دست آورده‌اند. اما رژیم اسرائیل با سفرهای متعددی که نتایج‌ها به مسکو داشته‌تلاش کرده است این روند را دچار خدشه کند و به روابط و همکاری

جنگ جهانی سوم

ترامپ چه نقشه‌ای برای اقتصاد دنیا در سر دارد؟





آیا این اهداف از دگر دبیسی نظام بین المللی نشات می گیرد که به سمت مدل جدیدی از چیدمان قدرت ها پیش می رود؟

آیا جهان به سوی نظام تک قطبی آمریکا و چند مرکزی شامل اتحادیه اروپا ترجیحا انگلستان، فرانسه، آلمان، روسیه، چین و ژاپن در حال پیش رفتن است یا تک قطبی چین و تک مرکزی آمریکا و چند مرکز پایین تر شامل اتحادیه اروپا، ژاپن، روسیه، برزیل و هند؟

به هر حال در عصر جهانی شدن و تکنولوژی فناوری و اطلاعات، نظام بین الملل در حال دگر دبیسی است و چینی ها این موضوع را دریافته و با همکاری همه جانبه سعی در هماهنگی و همکاری با کشورهای آسیای شرقی با محوریت یکن دارند.

نظریه های «غازهای در حال پرواز» نشان از بلند پروازی های چین و رسیدن به تک قطبی جهان شدن است که طبق این نظریه رهبری این گروه غازهای در حال پرواز را چین بر عهده دارد.

آمریکا از این موضوع کاملا آگاهی دارد و با اتهام سرقت مالکیت معنوی کالاها، نوآوری های تکنولوژیکی و رقابت غیرمنصفانه، هم می خواهد جلوی بلند پروازی های چین را بگیرد و هم پرستیژ یکن را به عنوان یک قدرت رقیب زیر سوال ببرد.

بر اساس تعرفه جدید ۲۵ درصدی آمریکا روی کالاهای وارداتی از چین که حدود ۲۵ میلیارد دلار است، طبق نظر اتاق بازرگانی آمریکا ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر موقعیت شغلی شان به خطر می افتد؛ در حالی که ترامپ این ایجاد شغل را حمایت از مالکیت معنوی دانش روز و رقابت منصفانه می داند.

در تحلیل لایه به لایه این مساله می توان از روانشناسی شخصیت ترامپ بحث را شروع کرد. ترامپ یک فرد اقتصادمحور و در پوسته داخلی سودمحور است و قوانین و پیمان های بین المللی در صورتی برایش اعتبار دارد که منافع آمریکا را تامین کند. او به همه پیمان ها به عنوان پیمان های آمریکا محور نگاه می کند و اگر این مهم بر آورده نشود و شعار «اول آمریکا» را تامین نکند، ترامپ دلیلی برای ماندن در آن پیمان ها نمی بیند. در لایه بعدی مخاطبین آمریکایی که بیشترین رای دهندگانی هستند که به ترامپ رای دادند نیز به سود بیشتر و رسیدن به رفاه کامل می اندیشند و به این تصمیم های ترامپ اعتراضی ندارند. پس ترامپ در داخل کشور یا به بیان دیگر در داخل کمپانی خود مزاحم چندانی ندارد و شهروندان آمریکایی نیز امروزه که تنش های سیاسی و اقتصادی بیدار می کند، در آرامش نسبی هستند.

در لایه دوم در این تحلیل ارتباطات آمریکا را باید در سه محور مطالعه کنیم:

۱- محور ارتباط با چین

جنگ نیمه سرد بین آمریکا و چین

منظور ترامپ از این جمله که

«نمی خواهم مرسدس بنز در آمریکا ببینم» چیست؟

مکزیک وارد کرد که متقابلا این کشورها هم این عمل را بی جواب نگذاشتند و به تلافی تعرفه های جدیدی در مسیر کالاهای آمریکایی قرار دادند. واردات سالانه آمریکا از اتحادیه اروپا ۸/۱۲ میلیارد دلار است که اتحادیه اروپا هم در برابر عمل آمریکا، تعرفه سنگینی برای واردات کالاهای آمریکایی قرار داد.

در این تحلیل این سوالات مطرح و پاسخ داده می شود:

چرا رئیس جمهور جمهوری یخواه ایالات متحده آمریکا این سبک سیاست را در مورد پیمان های بین المللی پیش گرفته است؟

آیا این استراتژی ویژه ترامپ است یا این استراتژی مربوط به تصمیم گیران جمعی نخبگان آمریکا و در راستای مقابله به مثل با کشورهای مثل چین است که در حال حاضر رشد حد اکثری دارند؟

آیا اتحادیه اروپا که از متحدین تاریخی آمریکا است قربانی استراتژی آمریکا در قبال چین شده است؟

آیا اتحادیه اروپا یکی از باز بگران صحنه بین الملل است که نقش بسزایی در تحولات تجاری دنیا دارد؟

آیا ترامپ در پس این جمله «دیگر نمی خواهم مرسدس بنز در خیابان های آمریکا ببینم»، می خواهد

بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا شکاف ایجاد کند و با عنوان کردن کالاهای به خصوص و ایجاد تعرفه جدید در عملکرد یکپارچه اتحادیه اروپا خلل ایجاد کند؟

و سوال مهم که در لایه درونی تر مطرح می شود و در روانشناسی ترامپ نهفته است مبنی بر اینکه سبک

مدیریتی ترامپ اعم از همکاری و رقابت کمپانی محور است و این سبکی است که شرکت های بزرگ برای

«اول شدن» در رقابت انجام می دهند و دستاورد مطلق را بر دستاورد نسبی ترجیح می دهند. حال آیا این

تصمیمات ترامپ در خروج از پیمان های بین المللی نیز در این راستا قرار دارد؟

آمریکا با روند خروج از پیمان های بین المللی، چه اهداف آشکار و پنهانی دارد؟

سیده مسعوده میرمسعودی

تحلیلگر مسائل بین الملل و سردبیر مجله ایرانی روابط بین الملل



با ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید هر چند ماه یک بار، جهان شاهد تحقق یکی از شعار های عنوان شده توسط ترامپ در کمپین تبلیغاتی او است؛ محور اصلی شعار های اقتصادمحور ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری نیز رسیدن به شعار «اول آمریکا» بود. طی این دو سال پس از ورود ترامپ به کاخ سفید، جهان بارها شاهد تک رایی و یکجانبه گرایی آمریکا در خروج از پیمان های بین المللی بوده است. از جمله می توان به تهدیدات ترامپ برای خروج از توافق نفتا اشاره کرد. این توافق تجارت بین سه کشور آمریکا، کانادا و مکزیک به ارزش یک تریلیون و ۳۰۰ میلیارد دلار را شامل می شود که بخش اصلی تجارت آمریکا و کانادا و بخش کوچکتر تجارت مکزیک و آمریکا را تحت پوشش قرار می داد. توافق نفتا جزو توافق هایی است که ترامپ از همان کمپین تبلیغاتی برای ریاست جمهوری به دنبال خروج از آن بود. خروج از نفتا مرگ یک میلیون و ۸۰۰ هزار شغل در صنایع آمریکا را به دنبال خواهد داشت. پیمان ترانس پاسیفیک، پیمان آب و هوایی پاریس و پیمان برجام از جمله توافق هایی است که رئیس جمهور آمریکا تا کنون از آنها خارج شده است. پیمان ترانس پاسیفیک، توافق تجاری میان آمریکا و ۱۲ کشور حاشیه اقیانوس آرام بود.

در ادامه این خروج ها از پیمان های بین المللی، ترامپ در جولای ۲۰۱۸ با ایجاد تعرفه ۲۵ درصدی بر ۳۵ میلیارد دلار کالاهای وارداتی از چین، وارد یک تنش تجاری با چین شد و متقابلا چین نیز با ایجاد تعرفه جدید بر ۱۰۰ نوع کالای ورودی از آمریکا به چین، تلافی همپایه این حرکت را به جهانیان نمایش داد. همچنین آمریکا در این راستا، تعرفه ۲۵ و ۱۰ درصدی بر واردات فولاد و آلومینیوم از اتحادیه اروپا، کانادا و



۲- محور ارتباط با اتحادیه اروپا

۳- محور ارتباط با کانادا و مکزیک

با وجودی که آمریکا در حال حاضر در هر سه محور، یک استراتژی یعنی «تعرفه جدید واردات کالا به آمریکا» را به کار برده، ولی برای هر کدام هدف خاص و نیت جداگانه‌ای دارد.

به نظر نویسنده، نیت اصلی آمریکا ایجاد اختلال در بلندپروازی‌های چین است و ایجاد تعرفه جدید روی واردات کالا از چین ترمزی کوتاه‌بر نقش گسترده چین در بازار جهان و ایجاد اختلال در آن است. به چند دلیل؛ اول اینکه چین رقیب قدری برای آمریکا در زمینه تجارت و اقتصاد جهانی است و ایالات متحده از حضور پررنگ چین در اقتصاد سیاسی بین‌الملل نگران است. مساله دوم به سرعت بالای پیشروی چین در اقتصاد جهان مربوط می‌شود که آمریکا را بر آن داشته تا این سرعت را کم کند و سومین موضوع نیز تاثیر اقتصاد بر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی دولت‌هاست که بیشتر به چند جانبه‌گرایی چین اعتماد دارند و یکجانبه‌گرایی آمریکا مورد پسند بیشتر کشورها نیست. این موضوع چین، موضوع نگران‌کننده‌ای برای آمریکا در سیاست‌های اجرایی آمریکا در جهان است.

ایجاد تعرفه بر کالاهای وارداتی دو محور بعدی یعنی محور اتحادیه اروپا و محور کانادا و مکزیک تقریباً پوششی بر نیت ارتباط محور اول یعنی چین است و هدف اصلی ایجاد تعرفه جدید بر کالاهای وارداتی از اتحادیه اروپا، سیاست همراهی این کشورها با سیاست‌های عملیاتی آمریکا در جهان است.

سیاست bandwagoning برای اتحادیه اروپا در راستای سیاست‌های اجرایی آمریکا مدنظر ترامپ است و می‌توان گفت اتحادیه اروپا هم از نیت اصلی آمریکا باخبر است و برای این سیاست همراهی، خواستار هزینه بیشتری از آمریکا است.

تعرفه جدید ۲۵ و ۱۲ درصدی واردات فولاد و آلومینیوم در راستای همان تنبیه اتحادیه اروپا در برابر ترمز از خواست آمریکا برای این همراهی است که خشم تصمیم‌گیران کلیدی اتحادیه اروپا را برانگیخته است؛ تا جایی که ژان کلود یونکر بعد از اعلام تعرفه جدید آمریکا در قبال واردات کالا از اروپا، اقدام آمریکا را علیه WTO دانسته و خواستار تجدیدنظر آمریکا در این اقدام و رعایت تجارت جهانی و قوانین وابسته به آن شد. متقابلاً اتحادیه اروپا هم یک تعرفه سنگین روی ۱۲/۸ میلیارد دلار کالاهای وارداتی از آمریکا به اتحادیه اروپا گذاشت تا اعتراض خود را به‌طور علنی بیان کند. همان طوری که در بالا اشاره شد، هدف اصلی و محور اصلی این خروج‌ها از پیمان‌های بین‌المللی در پوسته داخلی از یک طرف کم‌قوت کردن چین و رام کردن این اژدهای شرقی است که روز به روز

ترامپ یک فرد اقتصادمحور و در پوسته داخلی سودمحور است و قوانین و پیمان‌های بین‌المللی در صورتی برایش اعتبار دارد که منافع آمریکا را تأمین کند. او به همه پیمان‌ها به‌عنوان پیمان‌های آمریکامحور نگاه می‌کند و اگر این مهم برآورده نشود و شعار «اول آمریکا» را تأمین نکند، ترامپ دلیلی برای ماندن در آن پیمان‌ها نمی‌بیند.

قوی‌تر می‌شود و از طرف دیگر از نگرانی آمریکان نسبت به چندجانبه‌گرایی چین و درگیر کردن اتحادیه اروپا و کانادا با موضوع خود (آمریکا) مربوط می‌شود. آمریکا به شدت از سیاست همراهی اتحادیه اروپا با چین خشمگین است و سعی دارد پرواز بلند خود را حفظ کند و چین را به زانو در بیاورد. البته می‌توان گفت این موضوع بیشتر «تنش تجاری» است و هنوز به جنگ تجاری بین آمریکا و چین تبدیل نشده است.

در تعریف آکادمیک از جنگ تجاری می‌توان به سه موضوع اشاره کرد:

کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی (WTO) متعهد هستند تا با ترویج تجارت آزاد مانع شکل‌گیری تجارت غیرمنصفانه شوند. تجارت غیرمنصفانه زمانی شکل می‌گیرد که کشوری با اعطای یارانه‌های دولتی به یک محصول موجب ارزان‌تر شدن آن نسبت به تولید سایر اعضا و یا یک عضو رقیب شود. در این صورت کشور متضرر از این اقدام سه‌گزینه پیش‌رو دارد؛ اول اینکه شکایتی به سازمان تجارت جهانی تقدیم کند. سازمان تجارت جهانی با کشور خاطی را متقاعد می‌کند که اعطای یارانه دولتی را متوقف کند یا به کشور متضرر اجازه می‌دهد تا به نسبت یارانه اعطایی، تعرفه‌ای بر واردات این محصول وضع کند.

گزینه دوم، مذاکره دو جانبه یا چندجانبه کشورها با یکدیگر است تا با حصول تفاهمی اختلاف تجاری میان آنها حل شود. ممکن است گاهی برای کشاندن طرف خاطی به پای میز مذاکره، کشورها ناچار به اعمال تعرفه وارداتی موقت علیه کالاهای مشمول یارانه دولتی شوند اما گزینۀ سوم زمانی رخ می‌دهد که مساله از اختلاف تجاری فراتر می‌رود و به تعبیری کارشناسان حوزه تجارت بین‌الملل، جنگ تجاری آغاز می‌شود. در جنگ تجاری، دو طرف با پافشاری بر مواضع و خواسته‌های خود راه را بر دستیابی به هر توافقی می‌بندند و تنش سیاسی میان آنها افزایش می‌یابد. در این صورت دو طرف به اعمال تعرفه‌های سنگین علیه کالاهای مورد تجارت بین خود اقدام می‌کنند. همچنین موانع تجاری غیر تعرفه‌ای نیز میان دو طرف تشدید می‌شود. این اقدام به دلیل تسری زبان تجاری از دامنه یک یا چند کالای خاص به محدوده تعداد بیشتری از کالاهای مورد افزایش هزینه سربار تجاری دو کشور در عرصه تجارت بین‌الملل می‌شود و نیز هزینه مبادله در بعد اقتصاد و بازارهای داخلی دو کشور را افزایش می‌دهد. در سطح نظام بین‌الملل، تلاش‌ها برای رسیدن به قطب هژمون است؛ در دو دهه اخیر نظام تک‌قطبی آمریکا بر نظام بین‌الملل حاکم بوده و با این تنش تجاری که در سطح برتر رخ داده، صدرصد پس‌لرزه‌های این تنش تمام کشورهای دنیا را در بر می‌گیرد و اگر به جنگ تبدیل شود، می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری به اقتصاد

جهان وارد کند. حال پرسش این است که در این جنگ تجاری، کدام کشور پیروز می‌شود؟ آمریکا یا چین؟ این مساله به استراتژی بعدی در ایجاد تعرفه جدید مربوط می‌شود و این که کدام کشور از این موضع عقب‌نشینی کند.

به نظر نویسنده چین با موضوعی که در بیشتر مقاطع تاریخ معاصر از خود نشان داده همیشه سیاست «یک قدم عقب‌نشینی و ده قدم پیشروی در آینده» را در پیش می‌گیرد.

در تنش تجاری اخیر نیز می‌توان گفت که آمریکا سیاست چک و بالانس را در پیش گرفته است و با جواب چین به سیاست ایجاد تعرفه جدید، پیش‌بینی می‌شود آمریکا در این موضوع کمی موضع اعتدال را پیش گیرد و از مسیر راه‌آبرود دیگری احتمالاً در بازارهای مصرف چین ورود کرده و در آنها اختلال ایجاد کند. به هر حال چین چون از سرعت بالایی در ارتقای اقتصادی برخوردار است، بلافاصله تغییر موضع داده و بیشترین تلاش را هم در درگیر کردن آمریکا با کشورهای غیر از ۱۵ کشور آسیایی جنوب شرقی انجام خواهد داد.

اتحادیه اروپا نیز در این تنش تجاری کاملاً سردرگم است و مساله برگزیت و گرفتاری‌های خاص خروج انگلستان نیز این روزها دامنگیر اتحادیه اروپاست. به نظر می‌رسد اروپا هم در این تنش تجاری آمریکا و سیاست‌های جاری بر اتحادیه و هم موضوع پیمان‌های دیگر از جمله برجام تصمیم محکمی نمی‌تواند بگیرد و تقریباً به اجبار در برابر سیاست تحکمی و همراهی با آمریکا سر فرود می‌آورد. در ارتباط با کانادا و مکزیک به عنوان همسایگان آمریکا با اینکه این کشورها از تصمیم ترامپ در ایجاد تعرفه جدید بر صادرات به آمریکا آسیب می‌بینند ولی به نظر نویسنده آمریکا بیشتر متضرر می‌شود؛ چون کانادا و مکزیک حکم «خارج نزدیک» برای آمریکا دارند و روسیه در کمین پنجره‌های به این منطقه است. آمریکا با این تنش تجاری راه را برای رقبای خود در این مناطق که از نظر استراتژیک برای آمریکا کلیدی است باز می‌کند و اعتماد این کشورها به کشورهای فرصت طلب رقیب آمریکا با این حربه در آینده، منافع آمریکا را در این مناطق به خطر می‌اندازد. به هر حال نظام بین‌الملل در حال دگردیسی است و سیاست‌های اعلامی و اعمالی قدرت‌های بزرگ، مسیر دگردیسی را یا به سمت از پیله درآمدن پروانه‌ای زیبا یا عدم خروج از پیله و به سوی آشوب جهانی تئوری جیمز روزان می‌برد. نظام بین‌الملل توسط مورتون کاپلان در ۵ مدل طراحی شده است که اگر این مدل‌ها را بخواهیم با عصر جدید انطباق بدهیم مدل تک‌قطبی با محوریت چین یا آمریکا بیشتر منطبق با شرایط روز است. البته بیشتر تحلیلگران، نظام حاکم را چند مرکزی بدون قطب می‌دانند که در بررسی بیشتر این موضوع آشکار می‌شود که نظام بین‌الملل همیشه دارای قطب غالب بر مراکز بوده ولی عملاً در تطبیق سیاست‌های اقتصادی حاضر می‌تواند یک قطب هژمون با عملکرد باز بگران کلیدی جهان وجود داشته باشد. اگر واقع‌گرایانه به موضوع نگاه کنیم این تنش را می‌توان شبیه تنش‌های جنگ سرد با باز بگران متفاوت دید و عنوان جنگ نیمه سرد بین آمریکا و چین را برای آن برگزید؛ تنش یا جنگ نیمه سردی که نمی‌تواند ادامه داشته باشد چون دور شدن از قراردادهای بین‌المللی یک بازی برد-باخت یا در حالت بدتر باخت-باخت را به دنبال دارد؛ قدرت‌ها نیز باید این را بپذیرند که زمان همیشه پایدار و به نفع یک قدرت نخواهد ماند و برای رسیدن به فرصت‌های بالاتر باید چیزهایی را از دست داد.



مبارزه ترامپ با تک قطبی جدید

جنگ اقتصادی آمریکا با چین، جهان را به چه سمتی می برد؟

رضا مجیدزاده

پژوهشگر اقتصاد سیاسی
توسعه



جنگ تجاری آمریکا با چین، اتحادیه اروپا و مکزیک شدیدتر شده است؛ تاکنون، ایالات متحده برای واردات کالاهای ۲۹ کشور اتحادیه اروپا، چین، کانادا، ژاپن و مکزیک، نزدیک به یک تریلیون دلار تعرفه وضع کرده است و این کشورها نیز به سازمان جهانی تجارت شکایت برده اند، اما به نظر می رسد که ایالات متحده همانند رویه خود در قبال پیمان پاریس و بیانیه G7، قصد خروج از سازمان جهانی تجارت را نیز دارد. از این رو، انتظار می رود که این جنگ تجاری ابعاد گسترده تری پیدا کند و تحلیل سناریوهای احتمالی آتی آن، نه فقط برای کشورهای درگیر، بلکه برای تمامی کشورهای جهان، اهمیت بالایی دارد. موانع تجاری، مهم ترین ابزار جنگ تجاری است که شامل مالیات های غیرمستقیم بر واردات یا تعرفه، سهمیه بندی واردات، موانع غیرتعرفه ای و محدودیت اختیاری صادرات می شود. در طراحی مالیات های غیرمستقیم، معمولا تعرفه در آمدی برای کالایی به کار می رود که در داخل تولید نمی شود اما تعرفه حمایتی بدین منظور طراحی می شود که از تولیدکنندگان داخلی در مقابل رقابت خارجی حمایت کند. اگرچه تعرفه های حمایتی معمولا به اندازه کافی برای توقف واردات کالاهای خارجی سنگین نیستند اما تولیدکنندگان خارجی را از نظر فروش در بازارهای داخلی در وضع نامناسب رقابتی قرار می دهند. سهمیه بندی واردات، حداکثر میزان کالایی را مشخص می کند که می تواند در هر دوره زمانی وارد شود. مانع غیرتعرفه ای یا NTB به معنای الزام اخذ پروانه واردات است که به منظور تحدید واردات، استانداردهای غیرمعمول ناظر بر کیفیت و ایمنی کالا یا موانع اداری غیرضروری را مشخص می کند. ژاپن و کشورهای اروپایی مکررا درخواست می کنند که واردکنندگان داخلی کالاهای خارجی شان مجوز دریافت کنند. محدودیت اختیاری صادرات یا VER یک مانع تجاری است که از طریق آن بنگاه های خارجی به صورت داوطلبانه مقدار صادرات خود را به کشورهای خاصی محدود می کند. مانع VER اثر سهمیه بندی واردات را دارد از طرف صادرکنندگان و به امید جلوگیری از موانع شدیدتر تجاری مورد توافق قرار می گیرد.

جنگ تجاری ترامپ

اصول سیاست مالی در ایالات متحده به این صورت است که در کنگره اتخاذ می شود در حالی که کاخ سفید در اعمال سیاست های تجاری اختیار عمل بالایی دارد. بنابراین ترامپ می تواند موافقت نامه های تجارت آزاد مانند نفت را لغو کند یا بدون خروج از WTO، به سمت اعمال محدودیت های تجاری دیگری گام بردارد تا کسری حساب های جاری را جبران کند یا به مقابله با تهدیدهای امنیت ملی آمریکا یا فوریت های ملی بپردازد. ماده ۱۲۲ از قانون تجارت سال ۱۹۷۴ ایالات متحده، اجازه افزایش تعرفه ها تا ۱۵ درصد و اعمال دیگر محدودیت های تجاری به صورت مقدار کالا و تا سقف ۱۵۰ روز را به رئیس جمهور آمریکا می دهد. البته تمديد این محدودیت ها برای دوره زمانی فراتر از ۱۵۰ روز به تصویب کنگره نیاز دارد. شکایت و پیگیری از طریق سازوکار سازمان جهانی تجارت نیز در حدود ۱۸ ماه زمان می برد که به راحتی قابل چشم پوشی

است. در حال حاضر، ایالات متحده دارای کسری تجاری بزرگی است؛ یعنی ارزش کالای وارد شده به آمریکا بسیار بالاتر از ارزش صادرات آنهاست. در نتیجه، فرمول ترامپ این است که تعرفه های اعمال شده در واردات، واردات از کشورهای دیگر را کاهش می دهد و کسری تجارت آمریکا را بهبود می بخشد تا بستر اشتغال زایی را فراهم کند. از یک منظر کاملاً اقتصادی، اثر این تعرفه ها در اقتصاد کلان به شیوه تبدیل عواید تعرفه برای دولت و زیان آن برای مصرف کنندگان بستگی دارد. اگر برندگان سیاست یعنی صنایع داخلی منتفع آمریکا، عواید خود را به کندی وارد اقتصاد این کشور کنند اما بازندگان تقاضای خود را در واکنشی فوری بکاهند، آنگاه احتمال کاهش آهنگ رشد اقتصادی در داخل ایالات متحده وجود خواهد

داشت. البته مانده تجاری ایالات متحده بهبود می یابد و نرخ واقعی دلار را بالا می برد اما اثر این افزایش ارزش، از اثر تعرفه روی اقتصاد آمریکا بیشتر خواهد بود و در بلندمدت می تواند به کاهش میزان محصول و اشتغال بینجامد. بر اساس برآوردهای صندوق بین المللی پول، هر ۲۰ درصد تعرفه آمریکا روی کالاهای وارداتی شرق آسیا، در صورت عدم مقابله به مثل این کشورها، ارزش دلار را تا ۵ درصد

بالا می برد و موجب کاهش ۶۰ درصدی تولید در ایالات متحده در یک افق ۵ ساله (شاید زمانی بعد از دور بازی ترامپ و عدم پاسخگویی او) می شود.

اکنون دو مجموعه از تعرفه ها توسط ترامپ اعمال می شود که اولی برای فولاد و آلومینیوم در ذیل ماده ۲۳۲ از قانون تجارت سال ۱۹۶۲ است که حمایت از صنعت ایالات متحده را بخشی از امنیت ملی در نظر می گیرد و اتحادیه اروپا از این ناحیه دچار مانع تجاری شده است و دومی ناظر بر صادرات چینی در ذیل ماده ۳۰۱ قانون تجارت سال ۱۹۷۴ که اقدامی یکجانبه در تجارت بین الملل به شمار می رود. ترامپ در روز ۱۵ ژوئن اعلام کرد که دولت او برای کالاهای چینی، تعرفه های ۵۰ میلیارد دلاری وضع می کند و در آینده نیز سطح تعرفه ها را به مبلغ ۴۰۰ میلیارد دلار خواهد رساند. چین در واکنش به این اقدام تهدید کرد که برخی از محصولات کشاورزی صادراتی ایالات متحده را هدف قرار می دهد. صنایع کشاورزی محلی آمریکا نیز نگران هستند که از تعرفه های مقابله با کالاهای آمریکایی دچار خسران شوند. اما اعمال تعرفه روی واردات آلومینیوم و فولاد از اتحادیه اروپا و تهدید به وضع تعرفه برای خودروهای صادراتی این قاره نیز واکنش اتحادیه اروپا در قالب اعمال تعرفه روی محصولات آمریکایی مانند موتورسیکلت هارلی دیویدسون تا کره بادام زمینی را به دنبال داشته است. کانادا هم به دنبال اعمال مالیات گمرکی ۲۵ سنتی روی ۱۳ میلیارد دلار کالاهای وارداتی آمریکایی از قبیل فولاد، ماست و نوشیدنی و مکزیک نیز در پی اعمال تعرفه روی

۱۳ میلیارد دلار از کالاهای آمریکایی مانند فولاد، گوشت، میوه و پنیر است.

ترامپ و رویای بازگشت کلاتر

فریدزکریا در کتاب بازی بزرگان یا جهان پسا آمریکایی از دوران مختلف نظم بین المللی سخن به میان آورده و دوران پس از شوروی سابق را دوران سیطره سیاسی و تک قدرتی آمریکا می نامد که به تدریج به سمت دوران پس از آمریکای ابرقدرت حرکت می کند. اما ترامپ به دنبال این است تا این روند را دوباره به سمت هژمونی آمریکا برگرداند. در جهان امروزین یک نظم حالت طبیعی حکمفرماست به طوری که چند کشور در آن نقش فرادستان دارای قدرت اثرگذاری بالا بر دیگر کشورها را ایفا می کنند و از توانایی کنترل خشونت برخوردارند. مهم ترین خصوصیات این نظم حالت طبیعی فقدان کنترل زور از یک طرف و عدم حاکمیت قانون از طرف دیگر در میان فرادستان است. ایالات متحده از زمان جنگ جهانی دوم رسماً به رهبر ائتلاف



غالب این نظم طبیعی تبدیل شد و کنترل منابع رانت به استفاده از آنها برای کنترل خشونت فرادستان را به دست گرفت. طرح مارشال برای بازسازی اروپا و نظام برتون وودز از جمله این کنترل های منابع و فضای جریان بودند که موجب شدند در بستر جنگ سرد بین ایالات متحده و شوروی سابق برای ایجاد دو اردوگاه نظم طبیعی سوسیالیستی و کاپیتالیستی یک رقابت شدید شکل بگیرد. این رقابت به حدی بود که شوروی تا ۹۰ مایلی مرزهای ایالات متحده (کوبا) پیش رفت و آمریکا نیز در قلب میدان دید شوروی سابق کشورهایی مانند کره جنوبی و ژاپن را به اردوگاه سرمایه داری ملحق کرد. فروپاشی شوروی سابق بر اثر تضادها و تناقض های درونی اش، پایانی بر این رقابت بود که فرصت گسترش موفله های نظم طبیعی سرمایه داری به سراسر جهان را در اختیار ایالات متحده قرار داد. با این وجود، مجموعه ائتلاف غالب این نظم طبیعی در فاصله ورود ایالات متحده تا امروز ثابت باقی نمانده است. برای نمونه، چین به عنوان یکی از اعضای ائتلاف غالب در هزاره سوم مطرح شده که بدهی هنگفت کشورهای اتحادیه اروپا به آن یا تامین مالی کالایی آن برای کشورهای آفریقایی یا آمریکای لاتین موجب شده تا به یکی از رقبای جدی ایالات متحده از نظر قدرت کنترل جریان منابع در آینده نزدیک تبدیل شود. در واقع از میان کشورهای بریکس، تنها چین است که نوع تعاملش با ایالات متحده

در نوع توزیع قدرت جهانی کارگر خواهد افتاد. در نتیجه این نوع تعامل، جهان به سمت دو قطبی جدید، چند قطبی یا قدرت های متوسط یا تک قطبی پیش خواهد رفت اما ترامپ، در کنار هدف اقتصادی از جنگ تجاری، هدف سیاسی جلوگیری از این روند را نیز دنبال می کند.

گروه ارزیابی استراتژیک SAC در جدیدترین ارزیابی خود از منابع قدرت که تولید ناخالص داخلی، جمعیت، مخارج دفاعی و نوآوری فناوریانه از شاخص های آن هستند، ایالات متحده را با کمترین فاصله از کشورهای دیگر در مقام اول قرار داده است. ایالات متحده در حدود ۲۰ درصد از کل قدرت جهانی را در اختیار دارد و سهم اتحادیه اروپا و چین هر کدام ۱۴ درصد است. نتایج برخی از پیمایش ها نیز نشان از افت نسبی قدرت ملی ایالات متحده دارد؛ در میان جوانان ایالات متحده، تنها ۱۵ درصد از اعضای گروه های سنی ۱۸ تا ۲۹ سال بر این باورند که آمریکا بزرگ ترین قدرت دنیاست در حالی که این آمار در سال ۲۰۱۱ برابر ۲۷ درصد بوده است. البته در حال حاضر ایالات

روی، ایالات متحده مشغول تنظیم سیاست هایی است که نه تنها فناوری های کلیدی برای تامین امنیت ایالات متحده، بلکه برتری نظامی این کشور در مقابل رقبای آن و برتری اقتصادی آن در سطح جهان را حفظ کند. بنابراین مساله پیشدستی ترامپ در جنگ تجاری فقط روی اشتغال زایی در آمریکا متمرکز نیست، بلکه ترامپ دکتترین بازگشت به نقش آمریکا به عنوان بازیگر بزرگ یا کالانتر جهان و احیای هژمونی آن را در دستور کار قرار داده است اما استراتژی های خود را طوری تنظیم می کند که چند هدف را همزمان محقق کند. به همین علت، وزارت خزانه داری ایالات متحده در جست و جوی مقرراتی است که بنگاه هایی با حداقل ۲۵ درصد مالکیت چینی را از سرمایه گذاری در شرکت های آمریکایی دارای فناوری های مهم صنعتی، منع کند. همچنین دولت ترامپ به دنبال تنظیم قوانینی است که جلوی تحویل فناوری با ارزش به چین از جانب شرکت های آمریکایی را بگیرد تا اطمینان حاصل شود که چین نمی تواند با ایالات متحده رقابت کند. به این ترتیب، می توان محور جنگ تجاری ترامپ با کشورهای اروپایی، چین، کانادا، مکزیک و ژاپن را مهار رقابتی اقتصادی، حمایت از صنایع آمریکایی و اشتغال زایی برای شهروندان آمریکا، مهار رشد فناوری در چین، بازگشت به دوران هژمونی آمریکا و جبران کسری تجاری این کشور عنوان کرد.

آینده جنگ تجاری

نمی توان در جریان یک جنگ تجاری انتظار داشت که یک طرف راهبردهای خود را دنبال کند و رقبا بدون واکنش، رفتار او را مشاهده کرده و منفعل باشند. اگر ترامپ می تواند روی واردات فولاد و آلومینیوم تعرفه وضع کند، کشورهای مقابل نیز می توانند روی واردات محصولاتی مانند خودرو یا هواپیمای آمریکایی تعرفه یا محدودیت در نظر بگیرند. پس از آنکه ایالات متحده برای واردات کالاهای چینی، تعرفه هایی در حدود ۶۰ میلیارد دلار اعمال کرد، گزارش شد که چین با وضع تعرفه روی کالاهای ۳ میلیارد دلار کالای وارداتی از ایالات متحده، پاسخ خواهد داد. می توان این حالت را از طریق نظریه بازی ها تحلیل کرد. اگر به طور ساده، فقط چین و آمریکا را در نظر بگیریم، در مقابل اعمال تعرفه آمریکا، چین دو گزینه دارد؛ ادامه روند یا مقابله و واکنش. آمریکا نیز دو گزینه دارد؛ آزاد و جنگ تجاری داشته که دومی را برگزیده است. اکنون چین با کاهش تقاضا برای محصولاتش در ایالات متحده روبه رو شده است و اگر گزینه واکنش متقابل را انتخاب کند، می تواند نرخ برابری یوان در برابر دلار را در نرخ پایین تر از نرخ کنونی، میخکوب کند و با تضعیف ارزش یوان، باعث کاهش قیمت نسبی محصولاتش نسبت به محصولات آمریکایی شود یا در ذیل همین گزینه واکنش متقابل، روی کالاهای آمریکایی تعرفه وضع کند. نوع تعادل احتمالی برای این بازی به میزان منفعت انتظاری و منفعت واقعی هر یک از دو کشور در جریان جنگ تجاری بستگی دارد. یعنی در هر دوره، آنها تفاوت بین منفعت انتظاری و منفعت تحقق یافته را ارزیابی کرده و بر اساس آن راهبرد دوره ای خود را انتخاب می کنند. بنابراین نمی توان تعادل مشخصی برای این بازی در نظر گرفت؛ از یک سو می تواند به تکرار تعرفه در هر دور بینجامد یا اینکه با وجود یک ناظم مانند سازمان جهانی تجارت، هسته ای برای همکاری شکل بگیرد یا اینکه یکی از کشورها برای جلوگیری از زیان بیشتر،

برای توافق تجاری پیشدستی کند. با توجه به چیدمان کنونی از رقابت نزدیک چین و آمریکا از یک طرف و افزایش مستمر قدرت اقتصادی چین، انتظار می رود که احتمال کنارگذاشتن جنگ تجاری از سوی هر دو کشور، کمتر باشد. اهمیت خلع سلاح کره شمالی برای آمریکا، نفت شیل و اهمیت قیمت نفت برای چین، متغیرهایی هستند که این بازی دو نفری را پیچیده تر می کنند. یک سناریوی دیگر نیز می تواند نگاه به این فرایند از منظر اثر اودیوس تلاش ترامپ برای عدم تحقق پیشگویی های مبنی بر تبدیل شدن چین به قدرت برتر جهان در آینده باشد که می تواند این پیشگویی را در مسیری متفاوت در نهایت محقق کند.

اما چنانچه در یک مدل تضاد، شامل ایالات متحده، چین، مکزیک، کانادا و اتحادیه اروپا، راهبردهای کلی آمریکا را در قالب ادامه جنگ تجاری و بازگشت به تجارت آزاد و راهبردهای چهار بازیگر دیگر را به صورت مقابله به مثل (اعمال تعرفه) یا شکایت به WTO در نظر بگیریم، آنگاه حالت استمرار جنگ تجاری توسط ایالات متحده و مقابله به مثل دیگر بازیگران، یکی از تعادل های محتمل بازی است که در قالب آن، ایالات متحده نسبت به کشورهای دیگر، دستاورد بیشتری کسب می کند و در صورت ثبات شرایط بین المللی، ادامه جنگ تجاری، برای این کشور سودمند است. اما در صورت اتخاذ راهبرد مقابله به مثل یا تلافی توسط کشورهای مقابل و ادامه راهبرد جنگ تجاری توسط ترامپ، بدون تغییر معنادار در شرایط بین المللی کنونی، بازگشت ایالات متحده به سمت تجارت آزاد با این کشورها، تعادل احتمالی نیست. شکایت این کشورها به WTO نیز راهبرد موثری برای بازگشت ایالات متحده به سمت تجارت آزاد به این کشورها نیست و به نظر می رسد در صورت عدم استفاده از اهرم های سیاستی دیگری غیر از جنگ تجاری یا توسل به سازمان جهانی تجارت، یعنی ابزارهایی از قبیل تحریک کره شمالی توسط چین، یا ورود بازیگران دیگر به این بازی، یا بروز اتفاقاتی مانند بروز بحران مالی در ایالات متحده، امکان بازگرداندن ایالات متحده (دست کم در دوران ریاست جمهوری ترامپ) به سادگی میسر نباشد. هرچند در حال حاضر، اطمینان مصرف کنندگان به اقتصاد آمریکا بالاست و ارقام اشتغال نیز باعث می شود تا شاید مواردی مانند یک جنگ ناخواسته یا حوادثی از این دست به بحران مالی منجر شوند. رفتار ترامپ در پایان اجلاس G7 نیز این نتایج را تا حد زیادی تایید می کند. اما نتیجه این جنگ تجاری هر چه باشد چند آموزه مهم غیر تجاری دارد؛ اول، هنوز هم مرزهای جغرافیایی اهمیت دارند و جهانی شدن که به ایدئولوژی بسیاری از افراد تبدیل شده بود یک اقتضای مربوط به شیوه تولید نیوتی است. فناوری اطلاعات و ارتباطات جهان را کوچک کرده است اما به همان تعبیری که فریدریک لیست، بیش از ۲۰۰ سال پیش گفته است، بدون یک سازمان مقتدر جهانی، تجارت آزاد جهانی، نتایج موعود را به دنبال نخواهد داشت. جهان در واقع یک نظم اجتماعی دسترسی محدود است که گروهی از فرادستان برای کنترل منابع و دسترسی به فرصت های کسب منابع و منافع، رقابت دارند و تعهدات مقطعی آنها برای تجارت آزاد یا موارد دیگر، معتبر نیست. دوم، تجارت آزاد برای آمریکای شمالی بیشترین منفعت را داشته است چون سرمایه مالی و انسانی کشورهای جهان سومی را با هزینه ای بسیار ناچیز جذب خود کرد و صنایع آلاینده را در اختیار کشورهای توسعه خواه قرار داد اما اکنون زمان تغییر نظم بین المللی برای جلوگیری از قدرتمند تر شدن رقبای جدید نوپاست. سوم، هیچ مقطعی از تاریخ، پایان تاریخ نیست و مساله انطباق و یادگیری منجر به بروز نظم های نوینی در جهان می شود که حتی در صورت شباهت به نظم های گذشته، کارکردی یکسان با آن نظم ها ندارند.



متحده از نظر قدرت ملی

هنوز بالاتر از کشورهای دنیاست اما

این وضعیت پایدار نیست و این کشور برای جلوگیری از سبقت رقبایش به راهبردهای فعال سیاست خارجی و جنگ تجاری برای افزایش دسترسی به منابع و قدرت نتایج روی آورد است.

در واقع، دونالد ترامپ بر این باور است که با شخصیت کاری خود می تواند موفقیت بین المللی و پشتیبانی داخلی به دست آورد یعنی سخت کوشی و کسب نتیجه. اما اداره یک بنگاه تجاری با بازی در عرصه بین المللی با پیچیدگی های رقابتی و منافع متقابل در هم تنیده با قدرت سیاسی و امنیت، اموری همسان نیستند. ترامپ به دنبال توقف برنامه «ساخت چین ۲۰۲۵» چین است که قصد دارد پیشتر از تولید فناوری باشد و چین را به یک کارخانه بزرگ در جهان تبدیل کند. چین این برنامه را با سرمایه گذاری و پارانها هنگفت روی محصولات های تک مانند رباتیک یا خودروهای کم مصرف دنبال می کند. هدف ترامپ نیز مسدود کردن دسترسی چین به فناوری های کلیدی آمریکایی است. کمیته سرمایه گذاری خارجی در ایالات متحده، که به نام CFIUS شناخته می شود، سرمایه گذاری های کشورهای خارجی را بررسی می کند تا اطمینان حاصل کند که با استفاده از فناوری هایی که برای نیروی نظامی ایالات متحده حیاتی است، تهدیدی برای امنیت ملی ایجاد نمی شود. از این

هجومی مثل کی روش

آیا سیستم تهاجمی کی روش در بیرون زمین منجر به ابقای او می شود؟

او همچنین به لزوم فضای آرام در فوتبال ایران و عدم تخریب ذهنیت مناسب مردم تاکید کرده و به نظر می‌رسد هر دو مربی ملی و باشگاهی پرسپولیس با خطراتی جدی در این زمینه مواجه شوند.

در این مدت صحبت‌های ضد و نقیضی در رابطه با تمدید قرارداد یا جدایی کارلوس کی‌روش از تیم ملی وجود دارد. مسئولان فدراسیون فوتبال از جمله مهدی تاج در گفت‌وگوهای این روزهای خود از توافق‌هایی با مرد پرتغالی خبر می‌دهند اما از سوی دیگر برخی منابع معتبر خبری از جمله رویترز به نقل از افراد نزدیک به کارلوس کی‌روش صحبت از عدم توافق این مربی با طرف ایرانی را مطرح می‌کنند.

فدراسیون فوتبال ایران قبل از اعزام تیم به مسابقات جام جهانی مذاکرات خود برای تمدید قرارداد را با کارلوس کی‌روش آغاز کرده بود. جایی که مهدی تاج در خلال برگزاری اردوی آماده‌سازی تیم ملی ایران در کشور ترکیه، در گفت‌وگو با رسانه‌های داخلی خبر توافق با کی‌روش را اعلام کرد. درست یک روز بعد از اعلام این خبر از سوی رئیس فدراسیون، سرمربی پرتغالی تیم ملی با قرار گرفتن در مقابل خبرنگاران از پیشنهاد ایران قبل از شروع جام جهانی تشکر و تصمیم‌گیری در این رابطه را به بعد از مسابقات جام جهانی موکول کرد.

بعد از حذف ایران از جام جهانی از درون فدراسیون فوتبال خبر می‌رسد که بین مهدی تاج و کارلوس کی‌روش توافقاتی کلی از جمله در مباحث مالی و همچنین مدت زمان قرارداد صورت گرفته اما برخی جزئیات مانع امضای قرارداد ما بین دو طرف می‌شود. ظاهراً این قرارداد از نظر مالی نزدیک به ۲۰ درصد افزایش می‌یابد که با توجه به توفیق نسبی کی‌روش در جام جهانی چندان هم غیرطبیعی نیست.

اما طبق اخبار به دست آمده مرد پرتغالی برای مسئولان فدراسیون فوتبال شرط گذاشته است که در صورت راهیابی تیم ملی ایران به مرحله نیمه‌نهایی جام ملت‌های آسیا قراردادش به صورت خودکار تا پایان جام جهانی ۲۰۲۲ قطر تمدید می‌شود. اما رئیس فدراسیون به دنبال این است این شرط را در صورت راهیابی تیم ملی ایران به فینال مسابقات عملی و اجرایی کند. شرطی که تا به الان مورد موافقت دو طرف قرار نگرفته تا فعلاً قرارداد کی‌روش تمدید نشده باشد. قرارداد کی‌روش با فدراسیون فوتبال تا پایان جولای (مردادماه) اعتبار دارد و فرصت برای تنظیم قرارداد جدید موجود است. با این حال آنچه که باعث تعجیل فدراسیون می‌شود در پیش بودن جام ملت‌ها و لزوم برنامه‌ریزی خاص برای تیم ملی است. در روزهایی که کی‌روش مشغول مذاکره با فدراسیون است درست مثل گذشته خبرهایی در رابطه با پیشنهادات تیم‌های خارجی به وی مطرح می‌شود که معلوم نیست تا چه اندازه به واقعیت نزدیک باشد.

این در حالی است که کی‌روش در آخرین اظهارنظر خود پیرامون ماندن یا رفتنش از فوتبال ایران به نوعی چراغ سبز نشان داده و تاکید کرده است: «در هشت سال گذشته همیشه نسبت به اهداف و برنامه‌های تیم ملی متعهد بوده‌ایم. همیشه از خودگذشتگی‌های خودمان را پیشاپیش بدون هیچ توجیه، توضیح یا گالایه‌ای انجام داده‌ایم و فدراسیون فوتبال و مخصوصاً رئیس محترم فدراسیون فوتبال جناب آقای تاج همیشه تلاش کرده‌اند که پاسخ خواسته‌های ما را پیدا کنند و راهکارها را بیابند اما در حال حاضر توقعات برای جام ملت‌ها بسیار بالاست و تنها دلیل، قصد و نیتی که بنده برای ادامه دادن کار در جام ملت‌ها دارم، این خواهد بود که به موفقیت برسیم

این روزها ماندن یا رفتن کی‌روش از فوتبال ایران به سوژه داغ رسانه‌ها تبدیل شده است. این در حالی است که با آغاز مجادلات شدید میان سرمربی تیم ملی و سرمربی تیم فوتبال پرسپولیس و تاثیر این درگیری لفظی در فضای کلی فوتبال ایران شایعاتی مبنی بر ترک پست از سوی کی‌روش به گوش می‌رسد. نزدیکان کی‌روش با اشاره به ناراضی‌های سرمربی تیم ملی از روند آماده‌سازی پیش از جام جهانی احتمال تکرار این مساله را عامل اصلی خداحافظی کارلوس کی‌روش از سوی تیم ملی برمی‌شمارند. این در شرایطی است که فعلاً کی‌روش مطالبات خود را در دو جبهه پیش می‌برد؛ ابتدا پاسخ به برانکو ایوانکوویچ، سرمربی پرسپولیس که حضورش در ایران و ادامه اعتراضاتش برنامه‌های کی‌روش را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد و در مرحله بعد جلب مشارکت هواداران فوتبال برای بهبود وضعیت قراردادش با فدراسیون فوتبال ایران که به وی همکاری ۶ ماهه و تا پایان جام ملت‌های آسیا پیشنهاد داده است.

شاید کی‌روش از این قرارداد ۶ ماهه چندان راضی نباشد اما با توجه به امیدی که به قهرمانی تیم در جام ملت‌های آسیا دارد این احتمال زیاد است که مشکلی برای این قرارداد وجود نداشته باشد. بررسی‌ها درباره شایعه جدایی کی‌روش به اینجا رسیده که او پیش از ترک ایران به مقصد پرتغال در یک رستوران ژاپنی در شمال تهران با دستیارانش جلسه‌ای برگزار کرده که در آن درباره آینده حضور کادرفنی در ایران بحث کرده.

۷۷

بعد از حذف ایران از جام جهانی از درون فدراسیون فوتبال خبر می‌رسد که بین مهدی تاج و کارلوس کی‌روش توافقاتی کلی از جمله در مباحث مالی و همچنین مدت زمان قرارداد صورت گرفته اما برخی جزئیات مانع امضای قرارداد ما بین دو طرف می‌شود. ظاهراً این قرارداد از نظر مالی نزدیک به ۲۰ درصد افزایش می‌یابد که با توجه به توفیق نسبی کی‌روش در جام جهانی چندان هم غیرطبیعی نیست.

۷۷

سایت ورزش سه درباره جزئیات این جلسه نوشته است: در این جلسه که مارکار آقاچانیان، میک مک‌درموت، اوسیانو کروز، لوپز و سایر همکاران فنی کی‌روش در آن حضور داشتند دو بحث مطرح شد؛ موضوع اول کار در ایران و سپس موضوع مطالبه کادرفنی از فدراسیون فوتبال و گمانه‌زانی درباره دریافت دستمزدی که هنوز به طور کامل دریافت نشده است. جالب اینکه یکی از اعضای کادر در گفت‌وگو با شهروندی که از وی درباره آینده کی‌روش سوال کرده بود این طور جواب داده که سرمربی تیم ملی تمایلی به ادامه کار در ایران ندارد، مگر آنکه فدراسیون این تضمین را بدهد که برنامه او را برای جام ملت‌ها به صورت تمام و کمال اجرا خواهد کرد و هیچ مانعی در این راه به وجود نخواهد آمد.

همچنین کی‌روش از اتفاقات پیش آمده و صحبت‌های برانکو ایوانکوویچ به شدت عصبانی است. با همه اینها این انتظار از فدراسیون فوتبال می‌رود که به سرعت در این باره اعلام نظر رسمی کند. اتفاقی که تا به حال رخ نداده اما مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال بارها به طور ضمنی تاکید کرده که قرارداد با کی‌روش منعقد خواهد شد. تاج قبلاً اعلام کرده بود با کی‌روش به توافق دست یافته تا با او تا پایان جام ملت‌های آسیا ادامه دهد.



کی روش باید برود درباره مربی تندخویی که پاسخگو نیست

مهدی روشه

دبیر گروه ورزش



وقتی پپ گواردیولا از بارسلونا جدا شد خیلی‌ها تصور می‌کردند کاتالان‌ها هرگز موفق به فتح سه گانه نمی‌شوند و سال‌ها باید بگذرد تا گواردیولا جانشینی بیاید که موفق به انجام این کار شود. در مادرید نیز تصورات عمومی درباره احتمال موفقیت رئالی‌ها بعد از عصر مورینیو همین اندازه رنگ باخته بود. هواداران این مربی خاص تاکید می‌کردند تیمی که با مورینیو به ناکامی رسیده حتما خیلی بیشتر از اینها باید تصور باشد تا از کهنکشان‌ها دوباره یک مدعی بزرگ بسازد. این تصورات معمولا در همه جای دنیا وجود دارد. به خصوص درباره مربیانی که موفق شده‌اند به شکلی متفاوت کار کنند و اثری از خود بر جای بگذارند. وقتی به دوران مربیان قبل از کارلوس کی‌روش برمی‌گردیم متوجه می‌شویم اکثر مربیان تیم ملی فوتبال کشورمان سعی کرده‌اند نتایج قابل قبولی کسب کنند تا در سایه نتایج قابل قبول نیمکت مربیگری خود را حفظ کنند.

معدود مربیانی هم بوده‌اند که بدون توجه صرف به موضوع نتیجه در صدد جوآنگرایی برآمده‌اند؛ مثل علی دایی، مثل محمد مایلی‌که‌ن. با این حال عمر مربیگری هیچ‌یک از اینها به اندازه کی‌روش نبوده است. البته این موضوع غیرطبیعی نیست. چه این فوتبال ایران است که به شاگرد خلف الکس فرگوسن نیاز دارد؛ مربی که حتی مخالفانش او را از لحاظ فنی نفی نمی‌کنند. اما با این حال انتقادهایی جدی را به او وارد می‌دانند.

بهرتر است نظرم در همین جا در همین بخش از یادداشت درباره ماندن یا رفتن کی‌روش اعلام کنم. چون فوتبال درست مثل یک زنجیره است. همه حلقه‌ها حلقه درست و بجا و گاهی نیز اینجا به هم وصل‌اند. بنابراین بیم دارم که پراکنده‌گویی‌ام از صراحتم درباره موضوع اصلی کم کند. من اعتقاد دارم کی‌روش باید از فوتبال ایران برود. اما این بدان معنا نیست که این مربی برای فوتبال ایران کاری انجام نداده یا اینکه سعی‌اش برای ساختن تیمی جدید بیهوده بوده. ابتدا این طور نیست. کی‌روش در تمام این سال‌ها تیمی ساخته که به شدت شبیه خود اوست؛ جنگنده.

سختکوش و البته به وقتش زهدار. این تیمی که امروز می‌بینیم امضای کارلوس کی‌روش را با خود دارد که بسیاری از تیم‌های ملی در دنیای فوتبال رویای همکاری با او را در سر می‌پرورانند.

باید بدانیم که واقعیت چیست؟ واقعیت این است که خیلی‌ها خواهان همکاری با کی‌روش هستند و اتفاقا این پیشنهادها صرفا مانور رسانه‌ای یا بازار گرمی نیست؛ درست برخلاف برخی مربیان ایرانی که وقتی از باشگاهی شال و کلاه هدیه می‌گیرند بلافاصله در رسانه‌های نزدیک به خود می‌گویند در حال فکر کردن به پیشنهادهای

شانس خوبی برای شکست دادن کشوری که ۴۰ سال پیش پیشرفت را شروع کرد ندارد. آنهم با ۱۵ روز تمرین قبل از شروع مسابقات.»

البته که سرمربی تیم ملی بازم نسبت به برنامه آماده تیم ملی ابراز نگرانی کرده و قهرمانی در این رقابت‌ها کار دشواری می‌داند. او هرچند نسبت به قبل آرام‌تر صحبت می‌کند اما باز هم گلايه‌هايش را از خللی که از نظر او قرار است در برنامه‌های آماده‌سازی به وجود بیاید پنهان نمی‌کند. او معتقد است که با ۱۵ روز تمرین قبل از رقابت‌های جام ملت‌ها نمی‌توان به مصاف ژاپنی رفت که در رقابت‌های جام جهانی توانست تا مرحله یک‌هشتم بالا بیاید. البته که گلايه‌های کی‌روش موضوعی است که بسیاری از مربیان تیم‌های ملی جهان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند چرا که باشگاه‌ها حاضر نیستند بعد از یک جام جهانی سنگین و فصولی که تحت تاثیر مسابقات مقدماتی بوده، اجازه بدهند بازیکنان‌شان وقت زیادی در دور از تمرینات باشگاهی و در کنار تیم‌های ملی باشند. اما از آنجایی که کی‌روش معتقد است سطح آمادگی بازیکنان لیگ برتر ایران بالا نیست از اردوهای بلند مدت را برای آماده‌سازی مدنظر دارد. موضوعی که ظرف دو سال اخیر تبدیل به چالشی بزرگ میان او و برخی از چهره‌های مطرح فوتبال ایران شده است.

با همه اینها خبری که هفته گذشته منتشر شد حامیان کی‌روش را نگران کرد. سایتی الجزایری به نام لوبوتور در مقاله مفصلی با عنوان «کارلوس کی‌روش بسیار محتمل» از مذاکرات مدیر برنامه‌های این مربی پرتغالی با فدراسیون فوتبال الجزایر خبر داد. به نوشته این سایت، بعد از اینکه وحید حلیلهوزیچ گزینه اول سرمربی‌گری این کشور اعلام کرد: «صادقانه بگویم هنوز تصمیم خودم را نگرفته‌ام. منتظرم چون پیشنهادهای زیادی دارم و باید انتخاب درستی بکنم. قبل از اینکه تصمیم بگیرم و آن را اعلام کنم باید بیشتر فکر کنم.» خیرالدین زتچی، رئیس فدراسیون الجزایر به دنبال نقشه B رفته و به چند دلیل می‌توان حضور کی‌روش در الجزایر را بسیار محتمل دانست.

اول اینکه کی‌روش در حال حاضر یک مربی آزاد و بدون قرارداد محسوب می‌شود چون قراردادش با ایران تا انتهای جام جهانی اعتبار داشت و به گفته لوبوتور خیرالدین زتچی از طریق مدیر برنامه‌های وی پیشنهاد قرارداد چهارساله به کی‌روش داده است.

کورکف هم که از وی به عنوان یکی از گزینه‌ها یاد می‌شد با باشگاه العرافه به توافق رسیده و «کارلوس کی‌روش که هم اکنون از کامرون نیز پیشنهاد دریافت کرده می‌تواند به دلیل فاصله کوتاه و پرواز یک ساعت تا لیسبون، کار در الجزایر را ترجیح دهد.»

این سایت با یادآوری اینکه فدراسیون فوتبال الجزایر در گذشته‌ای نه چندان دور به عقد قرارداد با این مربی پرتغالی نزدیک بوده نوشته است: «زتچی شانس آخر خود را با حلیلهوزیچ امتحان خواهد کرد ولی بیش از این منتظر پیدا کردن جانشین برای ریح ماجرکه ۹ ماه است مسئولیت این تیم را به عهده دارد نخواهد ماند چون دیدار مهم با قزاق‌های گامبیا در راه است.»

باید دید کارلوس کی‌روش که این روزها به دلیل اختلاف شدید با برانکو ایوانکوویچ بخشی از هواداران خود در فوتبال ایران را از دست داده است قراردادش با فدراسیون فوتبال ایران را تمدید خواهد کرد یا خیر؟

گلايه‌های کی‌روش موضوعی است که بسیاری از مربیان تیم‌های ملی جهان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند چرا که باشگاه‌ها حاضر نیستند بعد از یک جام جهانی سنگین و فصولی که تحت تاثیر مسابقات مقدماتی بوده، اجازه بدهند بازیکنان‌شان وقت زیادی را دور از تمرینات باشگاهی و در کنار تیم‌های ملی باشند

و تنها دلیل مان این موفقیت است. از بعد حرفه‌ای تنها دلیل بنده برای به چالش کشیدن این رویا، موفقیت است اما در هشت سال گذشته همواره ما زحمات، کار و نتایج مان را پیشاپیش ارائه کردیم و مسئولان ورزشی وعده‌ها و قول‌ها را دادند که بعضی از این وعده‌ها هیچ موقع به تحقق پیوست و بعضی‌ها دیر اتفاق افتادند. بعد از هشت سال الان زمانی است که بر عکس این کار را انجام دهیم و این شرایط را برگردانیم. به خاطر مصلحت و آینده فوتبال ایران الان زمان این است که مسئولان ورزشی ابتدا راهکارها و راه‌حل‌ها را روی میز بگذارند و از طرف مقابل، ما به قول‌هایمان متعهد خواهیم بود که بهترین مان را به نمایش بگذاریم و پیراهن مقدس تیم ملی را در جایگاه بالاتر و بهتری قرار دهیم. اگر آن شرایط و امکانات پیشاپیش محقق نشوند بنده فکر نمی‌کنم که بنده شخص مربی و شخص مناسبی برای هدایت تیم باشم که بخواهم تیم ملی را به یک جایگاه بالاتر برسانم.»

در همین حال نایب‌رئیس فدراسیون فوتبال درباره ماندن کی‌روش در تیم ملی با قطعیت سخن می‌گوید. علی‌کفایشان که حالا ۲ سال است از ریاست فدراسیون فوتبال کناره‌رفته، می‌گوید: «طبق مصوبه‌ای که هیات‌رئیس فدراسیون فوتبال داشت، قرار بر این شد تا پایان جام ملت‌های آسیا قرارداد کی‌روش را تمدید کنیم. ما این موضوع را با او مطرح کردیم و در واقع قراردادش را تمدید کردیم. ان‌شاء‌الله تا پایان جام ملت‌ها کی‌روش سرمربی تیم ملی هست و بعد از آن ببینیم که چه می‌شود. بنابراین اخبار و شایعاتی که پیرامون جدایی کی‌روش و پیوستنش به تیم‌های دیگر مطرح می‌شود، درست نیست. به آن توجه نکنید. او برنامه‌ریزی کرده و حتی تیمی و برنامه‌های خود را تا جام ملت‌ها ارائه کرده است. ان‌شاء‌الله طبق آن برنامه فدراسیون بتواند تدارکاتش را انجام دهد تا تیم ملی خوب جلو برود.»

همچنین مصاحبه آخر کارلوس کی‌روش با سایت ای‌اف‌سی نشانگر تغییراتی اساسی در نحوه دیالوگ‌های سرمربی تیم ملی است. او در این مصاحبه دیگر از جدایی حرف ن‌زده و از برنامه‌هایش برای جام ملت‌ها می‌گوید. او البته مثل همیشه معتقد است که تیم ملی ایران برای موفقیت در رقابت‌های جام ملت‌های آسیا، نیازمند برنامه آماده‌سازی بهتری است. او در این مصاحبه می‌گوید: «ما باید مقابل عربستان، امارات و قطر و همچنین قدرت‌های بزرگ آسیا یعنی ژاپن، کره جنوبی و استرالیا بازی کنیم. بعضی از مردم فکر می‌کنند بعد از حضور ما در جام جهانی، جام ملتها آسان است در حالی که این طور نیست. ما با حریفانی بازی می‌کنیم که از ۳۰ سال پیش، پیشرفت را شروع کرده‌اند. اگر واقعا می‌خواهیم موفق باشیم به امکانات نیاز داریم. اجازه بدهید راجع به ژاپن صحبت کنیم. شما

مربیگری در خارج از لیگ فوتبال ایران هستند. از این گذشته کی‌روش قابلیت‌های دیگری هم دارد. یعنی این مربی به جز اینکه یک مربی استاندارد است مدیر خوبی هم هست. اما مسأله اصلی همینجاست.

ما امروز کی‌روشی را در فوتبال مان می‌بینیم که وجه مدیریتش از مربیگری اش سبقت گرفته. در مربیگری اگر چه انتقاد به تصمیمات فنی یا استراتژی‌هایش امر بسیار دشواری است اما آنچه همین امتیاز ویژه این مربی را به تهدیدی علیه کی‌روش تبدیل نوع برخورد سرمربی تیم ملی است با داشته‌های فنی اش. آنجا که مربیان یا کارشناسان یا حتی برخی هواداران فوتبال در ایران موضع بالا به پایین آقای کارلوس را نمی‌پسندند و معتقدند او بدون تحقیر و تمسخر فوتبال ایران نیز می‌تواند تجربه‌ها و دانش فنی اش را منتقل کند.

در واقع ما چیز زیادی از کی‌روش نمی‌خواهیم هر چند این خواسته‌ها به مذاق این مربی خوش نمی‌آید. ما می‌خواهیم سرمربی تیم ملی فوتبال ایران کاغذ و قلمش مهمیای ثبت نکته‌های فنی برای پیشبرد فوتبال ایران باشد نه اسلحه‌ای برای تخریب منتقدان؛ آن هم به تندترین و زنده‌ترین شکل ممکن.

یکبار منتقدانش را ماسر بخواند و بار دیگر رویاه و شغال. این روش خوبی نیست. البته این توصیه‌ها به طور طبیعی نباید از سوی رسانه‌ها مطرح شود. فدراسیون فوتبال باید مربی تحت استخدام خود را در چنین مواردی کنترل کند. اما فدراسیون مقابل کی‌روش ضعیف است. این مربی پرتغالی از مدیران کنونی فوتبال ایران بزرگتر است بنابراین نمی‌توانیم توقع داشته باشیم که تاج و همراهنش کارلوس کی‌روش را وادار کنند طبق ادب و منش مشخصی رفتار کند و چون فدراسیون این شهامت را از خود نشان نداده لاجرم این مرد پرتغالی تندخو همچنان می‌تازد. کاغذ و قلم ایشان مهیاست تا کوچکترین نقد

فراموش نکنیم مادر برهه‌ای وقتی محمد مایلی‌کهن در مسیر بیانیه‌نویسی قرار گرفت تا برخی واقعیت‌های فوتبال ایران را با زبان تند خود بازگو کند بلافاصله او را برکنار کردیم. در آن برهه ما به یک مربی ایرانی حتی به اندازه دو هفته فرصت ندادیم که خودش رسانه خودش باشد اما حالا سال‌هاست که کارلوس کی‌روش علیه منتقدان و اخیراً علیه رقیبانش بیانیه می‌نویسد و ما همچنان مجذوب چنینش کلمات کارلوس در بیانیه‌هایش هستیم. وقتی دایره لغاتش برای ما جمله‌های تند قصار می‌سازد حظ وافری به ما دست می‌دهد. کی‌روش نه تنها یک مربی با دانش است، بلکه مربی است که برای رسانه‌ها به شدت جذاب است.

تیمی که درست مثل دفعات قبلی حضورش در جام جهانی سه بازی انجام دهد و حذف شود؟ کی‌روش نه تنها بیش از برداختن به متن در فوتبال ما اسیر حواشی شده و از جنجال‌ها استقبال می‌کند بلکه امروز حامیان قدرتمند او فضایی ایجاد کرده‌اند تا آقای کارلوس اساساً خود را مقابل فوتبال ایران و افکار عمومی پاسخگو نمی‌بیند. البته این عدم پاسخگویی موضوعی نیست که صرفاً کی‌روش را دربارهاش سرزنش کنیم. رفتار مرسوم در فوتبال ایران تا بوده چنین بوده. امروز حامیان کی‌روش معتقدند چون دوران پس از جدایی او از تیم ملی دورانی سخت و پر تنش خواهد بود بنابراین راه بهتر حفظ این مربی است. هر چند فوتبال ایران با رئال مادرید و بارسولونا قابل قیاس نیست اما فراموش نکنیم تصویری که درباره دوران بعد از پپ و دوران بعد از مورینیو در فوتبال اسپانیا وجود داشت بیشتر نوعی جنگ روانی برای منتقدان این مربیان بود تا بیان واقعیت. چون واقعیت این بود: بارسولونا با انریکه و رئال مادرید بازیدان موفق به فتح سه گانه شدند. هر چند هیچ کس هنوز اثرات پپ در بارسا را انکار نمی‌کند. آیا در صورت رفتن کی‌روش از تیم ملی آثری از این مربی در فوتبال ما باقی خواهد ماند؟

ممکن را به مسأله‌ای داغ برای رسانه‌ها تبدیل کند. فراموش نکنیم مادر برهه‌ای وقتی محمد مایلی‌کهن در مسیر بیانیه‌نویسی قرار گرفت تا برخی واقعیت‌های فوتبال ایران را با زبان تند خود بازگو کند بلافاصله او را برکنار کردیم. در آن برهه ما به یک مربی ایرانی حتی به اندازه دو هفته فرصت ندادیم که خودش رسانه خودش باشد اما حالا سال‌هاست که کارلوس کی‌روش علیه منتقدان و اخیراً علیه رقیبانش بیانیه می‌نویسد و ما همچنان مجذوب چنینش کلمات کارلوس در بیانیه‌هایش هستیم. وقتی دایره لغاتش برای ما جمله‌های تند قصار می‌سازد حظ وافری به ما دست می‌دهد. کی‌روش نه تنها یک مربی با دانش است، بلکه مربی است که برای رسانه‌ها به شدت جذاب است. یک مربی کاریزماتیک که به خوبی می‌داند کدام جمله‌ها با چه ضرباهنگی قرار است او را در موضع غالب قرار دهد و به تیتیر یک رسانه‌ها تبدیل کند. اما آیا همه آنچه از کی‌روش و جذب این مربی در ذهن داشتیم همین‌ها بود؟ یک مربی دانشمند که خیلی او را در فوتبال مان کم‌رنگ می‌بینیم یا درصد بسیار بالایی از جنجال و حاشیه؟ این همه انتظارات ما بود؟ همه آنچه داریم یا نداریم باید صرف به سرانجام رسیدن





کی روش باید بماند مشکل فوتبال ایران سرمربی نیست

مجبور بودیم دفاع کنیم و چشم به ضدمحمله‌ها داشتیم. نمی‌توانم بگویم عده‌ای که می‌گویند کاش تیم ملی تا این حد دفاعی و بسته بازی نمی‌کرد حق اظهار نظر هم ندارند. به هر حال هر کسی عقیده‌ای دارد، هیچ‌کسی از دیدن بازی دفاعی خوشحال نمی‌شود. همه هواداران و دوستداران فوتبال علاقه‌مندند تیم‌های محبوب‌شان هجومی بازی کنند اما یادمان نرود که حمله کردن سخت است. کار دشواری است. وقتی تیم شما حمله می‌کند باید برنامه دقیق‌تری داشته باشد تا بتواند بازی را کنترل کند در صورتی که دفاع صرف خیلی هم سخت نیست. اما می‌خواهم عرض کنم ایراد ما فقط به شیوه بازی تیم ملی مان بر نمی‌گردد. ایراد ما فقط این نیست که بازی دفاعی و بسته‌ای ارائه می‌کنیم. ما در سطح باشگاهی هم نتوانسته‌ایم خوب کار کنیم. شما ببینید باشگاه‌های ما چندین سال است که نتایج خوبی در سطح آسیا کسب نمی‌کنند. با همه اینها موضوع ماندن یا رفتن کی‌روش را بسیار مهم می‌دانم و اعتقاد دارم افرادی باید در این زمینه اظهار نظر کنند که تجربه بالایی دارند. نمی‌شود تصمیم‌گیری در مورد موضوعی به این مهمی را به دست افرادی بسپاریم که احساسی به مسائل نگاه می‌کنند و نگاه کارشناسانه‌ای ندارند. اما اگر نظر من را بخواهید باید عرض کنم فوتبال ما دهه‌هاست که نتیجه نمی‌گیرد. با خیلی از مربیان ایرانی و خارجی نتیجه نگرفتیم. پس مشکل ما مربی نیست، بلکه مشکل اصلی ما طرز تفکری است که بر فوتبال ایران حاکم شده است.

مشکل ما در فوتبال ایران مربی نیست. مشکل ما ساخت‌افزایی است. مشکل ما مدیریت است. هنوز پرتفره‌ترین تیم‌های فوتبال ما یعنی پرسپولیس و استقلال یک زمین اختصاصی برای تمرین و بازی‌هایشان ندارند آن وقت می‌نشینیم درباره ماندن یا رفتن کی‌روش صحبت می‌کنیم. هیچ کدام مان هم نمی‌خواهیم بپذیریم این مربی در فوتبالی کار می‌کند که هنوز باشگاه‌هایش حق ندارند از حق پخش تلویزیونی و حق بلیت‌فروشی منتفع شوند. ما مدیرانی در این فوتبال داریم که به طور مرتب بازیکن و مربی خارجی می‌آورند تا در صورت ناکامی خودشان را تبرئه کنند. من به شما قول می‌دهم اگر مدیرانمان بهتر بودند وضع مان خیلی عوض می‌شد. اما ما همیشه توپ را به زمین مربی می‌اندازیم. در صورتی که ما به عنوان مدیر باید پاسخگو باشیم که آیا همه امکانات را برای تیم ملی فراهم کرده‌ایم؟ آیا تیم ملی زمین تمرین مناسب داشته است؟ آیا بازی‌های تدارکاتی خوبی داشته‌ایم؟ این مسئولیت‌ها متوجه چه کسانی است؟ در این مورد هم مربی را باید مقصر بدانیم؟ فوتبال ما مدت‌هاست که نمی‌تواند حق پخش تلویزیونی‌اش را بگیرد. چرا؟ برای شما مثال می‌زنم. مدیریت قبلی پرسپولیس این باشگاه را بیچاره کرد. محرومیت و جریمه و بدهی‌های میلیاردی روی دست باشگاه گذاشتند و رفتند. چرا پاسخگو نیستند؟ اصلاً خبری از آقایان نیست. احساس مسئولیت نمی‌کنند که درباره بحرانی که بابتی‌تدبیری برای پرسپولیس رقم زدند توضیحی بدهند یا حتی اشتباه خودشان را بپذیرند. هیچ‌کس در نهایت متوجه نشد که آقایان طارمی و ماهری چه کردند که حالا چوب کارهای این آقایان را باید رده‌های پایه پرسپولیس بخورد. چون رده‌های پایه باشگاه هم متأسفانه محروم از نقل و انتقالات است. بنابراین معتقدم کی‌روش باید در فوتبال ما بماند. باید به او اعتماد کنیم و از او بخواهیم تا پایان جام ملت‌های آسیا روی نیمکت مربیگری تیم ملی بنشیند. باید فضا را برای موفقیت او و شاگردانش فراهم کنیم. اگر چنین اقداماتی انجام دادیم، آن وقت ما هم در موفقیت فوتبال ملی مان سهیم داریم و اگر چنین رویه‌ای را در پیش نگرفتیم امید شک کنیم که ما هم در ناکامی فوتبال مان مقصر هستیم.

شاهد بودیم. اگر مربی‌شان کمی درایت داشت شک نکنید ژاپن به یک چهارم نهایی می‌رسید. ما نمی‌توانیم مثل ژاپن بازی کنیم. این توانایی را نداریم. دلیلش هم روشن است. بازیکنان ما تازه از سن ۲۰ سالگی یا حتی بیشتر شروع می‌کنند در حالی که بازیکن باید از سن پایین آموزش‌های لازم را ببیند تا بتواند در مسیر یک فوتبالیست حرفه‌ای قرار بگیرد. ما این فضا و این امکان را در فوتبال مان نداریم اما نمی‌دانم چرا کنفدراسیون فوتبال آسیا ما را به عنوان فدراسیون برتر انتخاب می‌کند. من فکر می‌کنم ای‌اف‌سی ما را سرکار گذاشته است. چون ما هنوز چهار تا استادیوم استاندارد نداریم آن وقت چطور است که فدراسیون برتر آسیا هم می‌شویم. فوتبالی که سال‌هاست از جیب مردم هزینه می‌کند به جایی نمی‌رسد. اگر نتیجه‌ای می‌گیریم صرفاً به دلیل خلاقیت‌های فردی بازیکنان است. در چنین شرایطی تصور کنید عده‌ای سعی دارند، بگویند همه مشکلات فوتبال ایران از کی‌روش است چون این مربی پرخاشگر است. من نمی‌گویم ایشان ایرادی ندارد اما شک نکنید که فوتبال ما از ریشه خراب است. فوتبال ما هیچ پایه و مبنایی ندارد. در هیچ کجای دنیا همه موفقیت را به نام مربی نمی‌زنند و خلاف این موضوع هم همین‌طور. همه شکست یا ناکامی هم به گردن مربی نیست. ژاپن و کشورهای مثل ژاپن واقعا فوتبال بازی کردند. آن قدر بازیکنان‌شان از لحاظ حرفه‌ای آمادگی داشتند که به راحتی بازی هجومی را بدون ترس از نام حریف در دستور کار قرار می‌دادند اما ایران چطور. ما

محمد پنجعلی

بازیکن اسبق تیم ملی



فوتبال ما حرفه‌ای نیست. سال‌هاست که می‌گوییم فوتبال ما آماتوری است. توانمندی‌ها و بضاعت فوتبال ما همین اندازه است که می‌بینیم. البته این بدان معنا نیست که بگوییم بازیکنان ما ضعیف هستند؛ نه. اصلاً این طور نیست. ما در فوتبال مان بازیکنان بسیار خوبی داریم. بخصوص در مورد بازیکنان تیم ملی باید عرض کنم که در جام جهانی خیلی تلاش کردند و همه ما قدر دان زحمات‌شان هستیم. اما یکسری می‌گویند تیم ملی باید در جام جهانی بازی هجومی به نمایش می‌گذاشت. از کی‌روش انتقاد می‌کنند و می‌گویند ایران ترسو بازی کرد و اگر ترس از نام رقیب را کنار می‌گذاشت شرایط بهتری پیش می‌آمد و شاید حتی می‌توانستیم به دور بعدی صعود کنیم. نه؛ این حرف‌ها را قبول ندارم. این انتقادات از کی‌روش منطقی نیست. ما اگر شیوه بازی مان نفوذی و هجومی بود شک نکنید که شکست‌های سنگینی می‌خوردیم. اما بهتر است مثالی بزنم تا منظورم روشن‌تر کنم؛ ژاپن را دیدید. آنها هم از نظر تکنیکی از ما ضعیف‌ترند و هم از نظر فیزیکی. با این حال همین ژاپن در روسیه همه را غافلگیر کرد. چیزی نمانده بود که بلژیک را با همه ستاره‌هایش حذف کند. یک بازی فوق‌العاده از آنها

فاجعه، پس از کی‌روش

بازیکنان تیم ملی در جام جهانی زندانی بودند

حسن روشن

بازیکن سابق تیم ملی



وقتی کی‌روش وارد فوتبال ایران شد همه ما خوشحال شدیم. با خودمان گفتیم مریبی بزرگی به فوتبال مان آمده تا خیلی چیزها را تغییر بدهد. خود من به شخصه گمان می‌کردم که رایکوفی دیگر قرار است وارد فوتبال ما شود. مریبی که قرار است هم تیم بزرگسالان ما را اداره کند و هم بر عملکرد تیم‌های ملی پایه ما نظارت داشته باشد. در واقع خیلی‌ها مثل من فکر می‌کردند. انکار رایکوف یا او فارل آمده بودند تا شرایط فوتبال ملی ما تغییر جدی به خود ببیند. اما کی‌روش خیلی زود متوجه شد که فوتبال ایران بهترین جایی است که می‌تواند امتیازهای جدی بگیرد و در عوض آن طور که از او انتظار می‌رود کاری انجام ندهد. ما دو بار با کی‌روش به جام جهانی رفتیم. قبل از ایشان هم سه بار دیگر به جام جهانی رفته بودیم. پس ما با مریبان ایرانی هم تجربه حضور در جام جهانی را داشته‌ایم. می‌خواهم بگویم اگر سقف خاسته‌های فوتبال ایران از کی‌روش این بوده که ایران را به جام جهانی ببرد، خوب این کار را انجام داده و به بهترین شکل ممکن هم انجام داده است. با اقتدار هم به جام جهانی رفته‌ایم اما اگر هدف گذاری ما چیز دیگری بود باید بنشینیم درباره‌اش قضاوت کنیم که کی‌روش چقدر موفق بوده است. به طور مثال اگر برنامه و هدف گذاری ما این بود که از گروه خودمان صعود کنیم و در جام جهانی روسیه بیش از سه بازی انجام دهیم، باید بپذیریم که این مریبی پرتغالی شکست خورده و انتظارات ما را برآورده نکرده است. ضمن اینکه ما دیدیم نه اسپانیا تیم بود و نه پرتغال. این دو تیم به نام ستاره‌هایش بند شده بود که این تابو هم شکسته شد. چون این جام نشان داد که در فوتبال تیم بودن مهم تر از ستاره داشتن است. حداقل تیمی که به یک چهارم نهایی رسیدند این ادعا را تایید می‌کنند. یکی از ایرادهایی که به نظر من کی‌روش دارد و اتفاقاً اصرار دارد که این شیوه را ادامه دهد این است که او بیش از حد به لژیونرها توجه دارد. اشکال ندارد. لژیونرها هم بچه‌های زحمتکش ایرانی هستند اما شما دیدید که در همین سه بازی هم بازیکنان شاغل در لیگ خودمان چقدر به کار تیم ملی آمدند و چه عملکرد فوق العاده‌ای داشتند. اما کی‌روش همیشه فوتبال ایران را دست کم گرفته است. در بیانیه‌هایش تاکید کرده که فوتبال ایران ضعیف است. لیگ ایران ضعیف است و نمی‌توان با این وضعیت کارهای بزرگی انجام داد اما این دیدگاه اشتباه است. حداقل عملکرد بازیکنان نشان داد که کی‌روش اشتباه می‌کند.

کی‌روش هیچ وقت خودش را پاسخگو نمی‌بیند. همیشه سعی دارد فوتبال ایران را در موضعی قرار بدهد که پاسخگوی او و نیازهایش باشیم. این درست نیست. مثلاً او هیچ وقت توضیح نمی‌دهد که چرا قوچان نژاد را به روسیه برد اما به او بازی نداد و در عوض در هر سه بازی به سردار آزمون بازی داد که اتفاقاً تحت فشار افکار عمومی و رسانه‌ها قرار گرفته بود. او هیچ وقت توضیح نمی‌دهد که چرا اشکان دژاگا مصدوم را با تیم ملی به روسیه برد یا تصمیمات دیگری که به نظر من مریبی دیگری بود

درباره‌اش شفاف سازی می‌کرد اما کی‌روش اصلاً ضرورتی نمی‌بیند که درباره این سوال‌ها و ابهامات توضیح بدهد. از این گذشته این مریبی هیچ کاری برای آینده فوتبال ایران نکرده. کدام مریبی ایرانی را در کنار خود پذیرفت تا دل مان خوش باشد اگر روزی کی‌روش از فوتبال مان رفت مریبانی هستند که می‌توانند به خوبی از عهده هدایت تیم ملی برآیند. نه، هیچ دستیار ایرانی را نپذیرفت و اگر هم کسی را قبول کرد خیلی زود مشکل پیدا کرد. بنابراین او طوری در فوتبال ما کار کرده که اگر روزی برود ما مجبوریم دوباره از صفر شروع کنیم. با همه اینها فدراسیون به طور جدی به دنبال تعدیل قرارداد با کی‌روش است. هیچ کس هم نیست به ما بگوید چگونه است که ما در حالی برای کی‌روش دست می‌زنیم و هورا می‌کشیم بین تیم‌های آسیایی حاضر در جام جهانی روسیه ضعیف‌ترین عملکرد را داشته‌ایم. تا اعتراض هم می‌کنیم می‌گویند اگر دیگر تیم‌های آسیایی هم در گروه مرگ قرار می‌گرفتند، همین نتیجه را کسب می‌کردند. چه گروه مرگی؟ اسپانیا و پرتغال ضعیف‌ترین عملکردهای چند سال اخیر خودشان را داشتند اما ما نتوانستیم از این فرصت طلایی استفاده کنیم.

البته من مقصر اصلی را فدراسیون فوتبال می‌دانم. آنها باید از این مریبی بخواهند. مگر نه اینکه فدراسیون ادعا کرد قرارداد محکمی با کی‌روش بسته است؟ بعد در توضیح قرارداد هم گفتند کی‌روش وظیفه دارد طبق این قرارداد به تیم‌های پایه ما هم نظارت کند. چه اتفاقی افتاد؟ چرا داستان چیز دیگری شد؟ مگر نه اینکه گفتند ما تاکید کرده‌ایم که دستیار ایرانی در کنار کی‌روش قرار بگیرد؟ چرا چنین نشد؟ خود کی‌روش نشان داده که با مریبی ایرانی کنار نمی‌آید. دلیلش را نمی‌دانم. قضاوتی هم نمی‌کنم اما خروجی این واکنش‌ها به اینجا رسیده که چیزی عاید فوتبال ما نشده است. اساساً کی‌روش بیشتر از اینکه به مسائل فوتبال و امور فنی بپردازد به مسائل دیگری توجه دارد که شاید صلاح نیست به زبان بیاورم. با این حال معتقدم باید یقه فدراسیون فوتبال را بگیریم نه کی‌روش. در جام‌های جهانی بعدی هم احتمالاً آقایان می‌خواهند تبلیغات رسانه‌ای راه بیندازند که ما نتوانستیم به جام جهانی صعود کنیم. جام جهانی ۲۰۲۶ که ۴۸ تیم به جام جهانی می‌رود هم احتمالاً خوشحالیم از اینکه در جام جهانی هستیم. چرا ما فراموش کرده‌ایم که قهرمان آسیا بوده‌ایم؟ ما تیم بسیار خوبی بودیم. هجومی و منسجم.

چرا تا این حد خودمان را باور نداریم که همیشه به دفاع محض فکر می‌کنیم؟ چرا تا این حد سطح لیگ خودمان را پایین می‌دانیم که اصلاً نمی‌خواهیم آن را ببینیم؟ این طرز فکر خروجی اش این شده که ما تیم ملی مان را به لژیونرها متکی کرده‌ایم و انگیزه و امید را بین بازیکنان جوان داخلی از بین برده‌ایم. کی‌روش اما این مسائل برایش اهمیت ندارد. او فارل سالی دو ماه در ایران نبود و فرق کی‌روش با او فارل‌ها در این است که این مریبی در سال فقط دو ماه در ایران حضور دارد و بقیه سال نیست. بازیکنان ایرانی در بازی با اسپانیا و پرتغال زندانی بودند. زندانی دفاع محض. در صورتی که تجربه نشان داده هر وقت بازیکنان ایرانی رو به جلو و هجومی بازی کرده‌اند بوغ خودشان را نشان داده‌اند. هر وقت به این بازیکنان اعتماد کرده‌ایم و به آنها آزادی عمل داده‌ایم آنها به بهترین شکل ممکن جواب اعتماد ما را داده‌اند.

اما ما نه تنها شاهد این اعتماد نبودیم، بلکه بارها از سوی کی‌روش تحقیر شدیم. با بیانیه‌هایش با مصاحبه‌های تندش و بارفتارارش همیشه تاکید کرده که بازیکنان ایرانی و به خصوص آنهايي که در لیگ داخلی زیر نظر مریبان ایرانی هستند، در حد و اندازه‌های بازی‌های جهانی نیستند اما جام جهانی به ما ثابت کرد که همین بازیکنان حاضر در لیگ مان خیلی هم آماده و استاندارد هستند. حکایت فوتبال ما با کی‌روش شبیه آن داستان است که می‌گویند روزی یک نفر مشغول بریدن قفل مغازه‌ای بود. از او پرسیدند چه می‌کنی جواب داد ساز می‌زنم. پرسیدند پس چرا سازت صدا ندارد، پاسخ داد صدایش بعداً درمی‌آید. داستان کی‌روش و فوتبال ایران هم همین است. وقتی او از فوتبال ما برود تازه معلوم می‌شود که چه مسأله‌ای پشت پرده بوده است.

این مریبی امروز در فوتبال ما به حامیان خودش هم رحم نمی‌کند. کمیته فنی فدراسیون فوتبال می‌گوید کی‌روش یکی از بهترین‌هاست اما او در واکنش به کمیته فنی همواره تاکید کرده که من اصلاً این کمیته را قبول ندارم. شما از همین جا تا آخر داستان را بخوانید که ما تا چه حد به این مریبی امتیاز داده‌ایم. امتیازهایی که گاهی اصلاً حق او نبوده و در حیطه اختیارات او نبوده اما ما این اختیارات را به او داده‌ایم و حالا هم زبان مان مقابل این مریبی کوتاه است. تا حدی که فدراسیون به خودش جرات نمی‌دهد از کی‌روش گزارش فنی بخواهد، از او سوال کند و راجع به برخی ابهامات شفاف سازی کنند. با همه اینها معتقدم این مریبی حتماً باید تا پایان جام ملت‌ها در تیم ملی بماند تا به خیلی‌ها ثابت شود او گمشده فوتبال ایران نیست چون مطمئن باشید ما در جام ملت‌های آسیا هم قهرمان نخواهیم شد.



این مریبی امروز در فوتبال ما به حامیان خودش هم رحم نمی‌کند. کمیته فنی فدراسیون فوتبال می‌گوید کی‌روش یکی از بهترین‌هاست اما او در واکنش به کمیته فنی همواره تاکید کرده که من اصلاً این کمیته را قبول ندارم.



کاروان ورزش ایران در مراسم افتتاحیه بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ آندونزی با پرچم‌داری کیمیا علیزاده رژه خواهد رفت. اعضای هیات اجرایی کمیته ملی المپیک در حالی برای انتخاب پرچم‌دار تشکیل جلسه دادند که بار دیگر به این نتیجه رسیدند یک بانوی ورزشکار را به عنوان پرچم‌دار انتخاب کنند. علیزاده در شرایطی عهده‌دار این مسئولیت شده که در بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ ریو با کسب مدال برنز در رشته تکواندو، ورزش زنان ایران را برای نخستین بار در تاریخ حضورش در این بازی‌ها صاحب مدال کرد. به جز کیمیا علیزاده، الهه احمدی، قهرمان تیراندازی جهان و احسان حدادی، نایب قهرمان پرتاب دیسک المپیک ۲۰۱۲ لندن نیز کاندیدای پرچم‌داری بودند. انتخاب علیزاده به عنوان پرچم‌دار کاروان بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ در حالی انجام شده که در سه رویداد بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ ریو، بازی‌های ۲۰۱۷ کشورهای اسلامی و بازی‌های جام بزرگ در تیراندازی و سارا خادم‌الشریعه در شطرنج، زنان ورزشکاری بودند که به ترتیب در این رویدادها پرچم‌دار بودند اما این برای دومین بار است که مسئولیت پرچم‌داری کاروان ایران در بازی‌های آسیایی که بزرگ‌ترین میدان ورزشی قاره آسیاست، به یک ورزشکار خانم سپرده می‌شود. اولین پرچم‌داری بانوان ایران در بازی‌های آسیایی به مسابقات سال ۱۹۹۸ بانوکوک برمی‌گردد، جایی که بعد از انقلاب، زهر محروقی در رشته تیراندازی به عنوان پرچم‌دار در مراسم افتتاحیه حاضر شد. ایران تاکنون در ۱۴ دوره بازی‌های آسیایی حضور داشته که در بین ورزشکارانی که بوده‌اند، کشتی با هفت پرچم‌دار بیشترین سهم را داشته است. رضا سوخته‌سرای با سه بار پرچم‌داری در صدر قرار دارد. بین رشته‌هایی که بیشترین پرچم‌دار را داشتند، بعد از کشتی، وزنه‌برداری قرار دارد. هجدهمین دوره بازی‌های آسیایی روزهای ۲۷ مرداد تا ۱۱ شهریور در جاکارتا و پالمبانگ برگزار می‌شود. کاروان ایران با حضور ۳۸۳ ورزشکار در این بازی‌ها شرکت می‌کند. احتمال افزایش تعداد نفرات نیز وجود دارد.



خبر اول اینکه جایزه «بوکر طلایی» که قرار بود امسال به مناسبت پنجاهمین سال برگزاری جایزه «بوکر» به بهترین برنده این رویداد ادبی در طول تمام دوره‌های برگزاری آن اعطا شود، در نهایت به رمان پرفروش بیمار انگلیسی نوشته مایکل اونداتیه رسید. ۲۶ سال پیش در سال ۱۹۹۲ اعضای هیات داوران جایزه بوکر درباره انتخاب برنده نهایی این جایزه ادبی تردید داشتند و در نهایت رمان بیمار انگلیسی از مایکل اونداتیه را به صورت مشترک با رمان «گرسنگی مقدس» نوشته «بری آنس ورث» به عنوان برنده انتخاب کردند اما رمان نوشته «اونداتیه» در رای گیری مردمی که برای انتخاب برنده برگزیده بوکر برگزار شد با اختلاف در صدر ایستاد و جایزه ویژه «بوکر طلایی» را به خانه برد.

خبر بعدی اینکه نشر نارگل کتابی تازه از یوسف علی میرشاک را با عنوان «خرد و خرد برتر» به زیر چاپ برده است. این کتاب با عنوان دوم تاملی در آیین پهلوانی و آیین شهریار از سوی این نویسنده تألیف شده و در دست انتشار قرار گرفته است. میرشاک در این اثر تازه سعی کرده تا اندیشه منتهی به مسأله ولایت‌مداری را از دل اندیشه جاری در اسطوره‌های کهن پارسی خارج کرده و در معرض قرآن و قضاوت مخاطبان خود قرار دهد.

این را هم بدانیم که سردار حسین رحیمی، فرمانده انتظامی پایتخت در خصوص دستگیری سلطان سکه و حواشی ایجاد شده در خصوص اینکه ۲ تن سکه، چه شده است، گفت: «سلطان سکه هنگام دستگیری هیچ سکه‌ای به همراه نداشته است. چرخش مالی این فرد و نفرت همراهش در طول سال بالغ بر ۲ تن سکه بوده؛ سلطان سکه و نوچه‌هایش از سطح بازار سکه‌ها را خریداری می‌کردند و هر موقع که دل‌شان می‌خواست در بازار توزیع می‌کردند.» عکس روز اختصاص دارد به همایش عاشقان امام جعفر صادق (ع) که در روز شهادت آن حضرت در میدان صادقیه منطقه ۵ تهران گرد هم آمده و به عزاداری پرداختند.



در هفتاد و چهارمین جلسه شورای شهر تهران، اعضای شورا مهمان ویژه‌ای داشتند که به بهانه بررسی وضعیت آسیب‌های اجتماعی در پایتخت و راهکارهای تعامل بیشتر در این زمینه به صحن آمده بود. «پرویز فتاح» رئیس کمیته‌امداد در این جلسه هم از شورا و دیدگاه‌های خود در مورد اعضا و عملکرد آن گفت و هم گزارشی خلاصه از وضعیت آسیب‌های اجتماعی در کلانشهر تهران داد: «در مسائل اجتماعی می‌خواهیم همراه شما باشیم؛ قطعاً نمی‌توانیم در معضلات اجتماعی خود را کنار بکشیم. در مسأله تکدی‌گری مادر کنار اعضای شورا هستیم و اگر هزینه و مسئولیتی وجود دارد بخشی از آن را بر عهده می‌گیریم تا با یک هم‌افزایی میان استانداری، بهزیستی و مجموعه مدیریت شهری این مشکل را حل کنیم. بی‌تردید مسأله کودکان کار نیز باید مورد توجه قرار گیرد و با یک ریشه‌یابی مناسب نسبت به حل آن گام برداریم.» یوسف کرمی، دارنده مدال برنز المپیک ۲۰۰۴ آتن که یکی از چهره‌های ماندگار تکواندو به حساب می‌آید، به خاطر انتشار یک عکس حساسی مورد تمجید قرار گرفت. ماجرا از این قرار بود که این قهرمان سابق تکواندو با همراهی چندتن از دوستانش به کمک مردم سیستان و بلوچستان در بحران کم‌آبی رفته بودند و یوسف کرمی هم تصمیم گرفت یک روز تمام را به نایبی و در دست گرفتن فرغون کنار آنها بگذراند. اما داستان عکس‌هایی که کرمی در آنها با لباسی خاکی‌رنگ و شلوار نظامی در حال ساخت‌وساز است، چیست؟ کرمی تعریف می‌کند: «برای روز اول، ما قرار بود که فقط در منطقه حاضر شویم و با گرفتن چند تا عکس و رساندنش به مسئولان، برای فراهم کردن امکانات در این منطقه فکری کنیم، اما وقتی که دیدم آنها در منطقه در آن شرایط سخت کار می‌کنند و با کمترین امکانات خانه می‌سازند، نتوانستم از کنار این موضوع بگذرم. گفتم که باید خودم هم دست به کار شوم و با آنها کار کنم.»



روایت محسن رضایی از احمد متوسلیان



قلیباغ از یک زوج جهادی می گوید



تولیت آستان قدس بر مزار پدر مقام معظم رهبری



پیشنهاد علی مطهری به فیفا



سه شنبه



در روزهای اخیر اخبار زیادی در مورد نهایی شدن انتقال رونالدو به تورین منتشر شده بود و بالاخره باشگاه رئال مادرید نیز این انتقال را تایید کرد. ستاره پرتغالی ۹ سال قبل راهی برنابئو شده بود و بعد از به ثمر رساندن ۴۵۱ گل و به دست آوردن ۱۶ عنوان با لباس کهکشانی‌ها، رسماً با مبلغ ۱۰۵ میلیون یورو راهی یوونتوس شد. رونالدو قرار است سالانه ۳۰ میلیون یورو دستمزد از بیانکنوری دریافت کند و حالت تبدیل به گرانقیمت‌ترین بازیکن تاریخ سری آ نیز شده است. رونالدو در بیانیه‌ای در این رابطه گفت: «۹ سال شگفت‌انگیز را در رئال مادرید سپری کردم که بی شک بهترین لحظات عمر من بود. باید از باشگاه رئال مادرید، این شهر و هواداران به خاطر لذت، عشق، محبت و شادی بی حدی که به من اعطا کردند، تشکر کنم. به هر حال من حس می‌کنم زمان برای آغاز شدن مرحله‌ای جدید در زندگی من فرا رسیده بود و به همین دلیل من از باشگاه درخواست کردم شرایط انتقال من را فراهم سازد. من از همگان خصوصاً هواداران می‌خواهم شرایط من را درک کنند. من دیگر لباس رئال مادرید را نمی‌پوشم اما این پیراهن، نشان و سانتیاگو برنابئو هر جا که باشم با من خواهد بود. از همه ممنونم و مانند ۹ سال پیش که برای اولین بار در برنابئو فریاد زدم: زنده باد مادرید. « ماسیمیلیانو آلگری، سرمربی یوونتوس معتقد است که هدف رونالدو همانند همیشه گلزنی برای تیم خواهد بود: «او یک بازیکن حرفه‌ای فوق‌العاده است و برای تیمی که کارهای مهمی انجام داده است، مهره‌ای ارزشمند محسوب خواهد شد. امسال سال مهمی را پیش رو داریم که باید به اهدافمان دست یابیم. فتح لیگ قهرمانان همیشه جزو اهداف تیم بوده و قطعاً خرید رونالدو برای کسب این جام به ما قدرت می‌دهد.»

چهارشنبه



یک تانکر حامل مواد سوختی در سنندج با یک اتوبوس حامل مسافر تصادف کرد که این حادثه منجر به نشت مواد سوختی و انفجار تانکر و آتش‌سوزی وسیع در محل حادثه شد. در این حادثه، اتوبوس آتش گرفته و بر اثر آتش‌سوزی اتوبوس و به دلیل حضور تعدادی از مسافران در آن، جمعی طابق اعلام رسمی مقامات استانی، ۱۱ نفر کشته شده و تعدادی نیز مجروح شدند. با وقوع آتش‌سوزی و پخش شدن مواد سوختی و اشتعال زای تانکر، احتمال وقوع آتش‌سوزی وسیع در منطقه به وجود می‌آید اما با حضور به موقع نیروهای امدادی به منطقه، سریعاً روی مواد پخش شده، خاک ریخته شده و مسیر با خاک مسدود می‌شود تا در صورت مشتعل شدن مواد سوختی، آتش‌سوزی قابل کنترل باشد. از سوی دیگر نیروهای امدادی به موقع در محل حضور یافته و مجروحان را نجات داده و اجساد را که به دلیل شدت سوختگی، بعضاً قابل شناسایی هم نبودند از منطقه دور می‌کنند. در این حادثه علاوه بر تانکر و اتوبوس، چند خودروی پارک شده در محل نیز دچار آتش‌سوزی و آسیب شده‌اند. سردار محمدحسین حمیدی، رئیس پلیس راهور ناجا درباره علت این حادثه گفت: «حوالی ساعت ۳۰ دقیقه بامداد چهارشنبه یک دستگاه اتوبوس مسافربری در حاشیه پایانه شهر سنندج در حال مسافرگیری بود که ناگهان یک دستگاه تانکر حامل مواد خطرناک از پشت سر با اتوبوس برخورد کرده است. طبق قانون، رانندگی بیش از ۹ ساعت توسط رانندگان و وسایل نقلیه عمومی ممنوع است و تانکرهای حامل مواد خطرناک نیز اگر سامانه نظارتی آنلاین نداشته باشند اجازه تردد شبانه ندارند.» استاندار کردستان با اعلام سه روز عزای عمومی در استان درباره این حادثه و شایعه که گفته می‌شود تانکر عراقی بوده هم گفت: «تانکر حامل سوخت ایرانی بوده و متعلق به یکی از استان‌های همجوار است. تانکر حامل سوخت به دلیل اینکه راه عبوری نداشته است با اتوبوس برخورد کرده و موجب این حادثه دلخراش شده است.»



شب زرین قلم از خانم راضیه تجار تقدیر شد



آیین اختتامیه شانزدهمین دوره جایزه «قلم زرین» و تجلیل از راضیه تجار، نویسنده پیشکسوت حوزه ادبیات داستانی انقلاب اسلامی، با حضور غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، علیرضا مختارپور، دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، استاد یاور همدانی، محمدرضا سرشار، رئیس انجمن قلم ایران، محسن پرویز، سخنگوی انجمن قلم و جمعی دیگر از اهالی قلم و مسئولان و فعالان حوزه کتاب، در انجمن قلم ایران برگزار شد. در ابتدای این مراسم، محمدرضا سرشار، رئیس انجمن قلم گفت: «تداوم چنین جایزه‌ای در ۱۶ سال گذشته باعث افتخار است. با این همه این جایزه امسال برای ۹۰ میلیون تومان هزینه برداشت. شاید این رقم برای اختلاس کنندگان و آنهایی که دست در بیت‌المال دارند، عددی نباشد؛ اما شاید برای آنها قابل توجه باشد که برای انجمن ما که تنها درآمدش حق عضویت اعضایش است و آن هم تنها کفاف یک ماه از اموراتش را می‌دهد، رقم بالایی است. جایزه قلم با سابقه‌ترین جایزه ادبی غیر دولتی در ایران است. در حدیثی از پیامبر اکرم نقل شده اگر کار کوچکی ادامه داشته باشد، بهتر از کار بزرگی است که ادامه پیدا نکند. ما به این حدیث تأسسی می‌جویم هرچند برگزاری این جایزه کار کوچکی نیست.»

بانوی داستان نویسی آفرین

در بخش دیگری از این مراسم بزرگداشتی برای راضیه تجار، نویسنده و دبیر انجمن قلم برگزار شد. حدادعادل در این آیین دقایقی درباره ویژگی‌های فردی و سال‌ها فعالیت موثر راضیه تجار در حوزه ادبیات داستانی انقلاب اسلامی به سخنرانی پرداخت و از انجمن قلم به خاطر حسن انتخاب‌شان در تکریم راضیه تجار تشکر کرد: «انقلاب اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف باید تجلی کند. هر انقلاب اصیل و بزرگی یک ادبیات پویا و اصیل را در کنار خود به وجود می‌آورد. اگر تاریخ انقلاب‌های جهان را بخوانیم، می‌بینیم در بطن هر انقلابی، ادبیاتی از شعر و داستان ظهور می‌کند. از منظر دیگری هر انقلابی محتاج یک حرکت عظیم در عرصه تعلیم و تربیت

توانستم خودم را در محضرش حفظ کنم و او مرا از دروغ دور کرد و ظرف روحم را از انقلاب اسلامی پر.»

فضیلت امانت

علیرضا مختارپور، دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور نیز به عنوان یکی از سخنرانان این آیین با طرح این سوال که کدام عوامل در موفقیت یک اثر ادبی موثرتر است، گفت: «برخی گفته‌اند شمارگان آن اثر و برخی گفته‌اند میزان جوایز ادبی کسب‌شده توسط آن و برخی هم نظر منتقدان را درباره اثر ملاک موفقیت دانسته‌اند. البته موضوع معرفی و رسانه‌ها و اثرگذاری آن در سایر آثار منتشر شده را برشمردند. من به عامل دیگری اشاره می‌کنم و آن این است که ملاک موفقیت یک اثر می‌تواند میزان مراجعه به آن در کتابخانه‌های کشور باشد. ما براساس بررسی‌هایی که بر میزان امانت گرفته‌شدن کتاب از کتابخانه‌های عمومی کشور طی سال ۹۳ به بعد انجام داده‌ایم، به این نتیجه رسیده‌ایم که فضای اجتماعی و التهابات سیاسی تأثیری در به امانت رفتن یک کتاب از کتابخانه‌ها نداشت. متأسفانه جوایز ادبی هم در این شاخص تأثیری نداشته و همچنین فضای رسانه‌ای کشور؛ در عین حال به آثاری دست پیدا کرده‌ایم که متناسب با شرایط کشور و گفتمان جاری در آن مورد اقبال قرار گرفته است. با این همه می‌خواهم بگویم در تمام سال‌های گذشته یکی از ۱۰ کتاب پر امانت‌رفته در کتابخانه‌های عمومی کتاب «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» است که تنها در سال ۹۵ هر جلد از آن ۱۲ هزار بار امانت گرفته شده است.»

برندگان قلم زرین

در انتهای این مراسم، برگزیدگان این دوره از جشنواره قلم زرین معرفی شدند و از آنها تقدیر به عمل آمد. در بخش نقد ادبی، کتاب «پژوهشی در ادبیات و اندیشه علمی-تحلیلی» اثر محمد قصاع و کتاب «درس گفتارهای نقد ادبی» اثر احمد خاتمی به عنوان آثار تقدیری مشخص شدند. در بخش شعر کودک، مجموعه شعر «آبان در ترافیک» سروده داوود لطف‌الله به عنوان اثر برگزیده معرفی شد. در بخش شعر بزرگسال، کتاب «سپاه‌مست، سپاه‌تاک» اثر مرتضی امیری اسفندقه به عنوان اثر برگزیده انتخاب شد. این کتاب شعر شامل ۱۰۰ قصیده از امیری اسفندقه است که همگی آنها به شخصیت‌های فرهنگی کشور تقدیم شده است. از جمله شخصیت‌های فرهنگی که در این کتاب قصیده‌ای به آنها تقدیم شده است، می‌توان به دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، زنده یاد خسرو شکیبایی، دکتر محمود مهدوی دامغانی، دکتر سیدعلی موسوی گرماردی، دکتر بهاء‌الدین خرمشاهی، استاد علی انسانی و استاد مفتون امینی اشاره کرد.

در بخش داستان کوتاه، کتاب «روایتی ساده از ماجرای پیچیده» نوشته ابراهیم حسن بیگی و باغ خرمالو اثر هادی حکیمیان به عنوان اثر برگزیده معرفی شد. در بخش داستان بزرگسال نیز اثر «گیلداد» نوشته حسن قلی‌پور به عنوان اثر برگزیده معرفی شد. این رمان به ماجرای قیام «میسرا کوچک خان جنگلی» می‌پردازد. داستانی که در دل روستای گیلده و در دوران قیام جنگلیان به وقوع می‌پیوندد؛ گویی بلای آسمانی ده را در بر گرفته است و اتفاقات ناگوار پی در پی به وقوع می‌پیوندد. زورگویی‌های خان و خان‌زاده‌ها و سستی که بر رعیت روا می‌دارند عرصه را بر مردم تنگ کرده است؛ نگرانی و ناامیدی فضای روستا را در بر گرفته است و بهار روی خود را به اهالی نشان نمی‌دهد. گیلدا به مرکز ناگهانی پدرش و حبس او در آخرین روزهای پیش از مرگش می‌اندیشد

است. اگر انقلاب در کشور صورت گیرد و آن انقلاب در آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت قهرمانانی نداشته باشد، آن انقلاب عقیم است. امروز با شخصیتی روبه‌رو هستیم که عمر خود را در عرصه ادبیات و تعلیم و تربیت صرف کرده است.»

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ادامه از سابقه خانم راضیه تجار گفت: «از ابتدای انقلاب چشم به راه بانوانی بودیم که در شعر و داستان و ادبیات چهره شوند. در سال‌های اول انقلاب خواهر خوبی به نام سپیده کاشانی داشتیم که تکیه‌گاه شاعران زن جوان‌تر از خود بود. خاطرات بسیار خوبی از بزرگوار، نجابت، ذوق و ایمان آن بانو داشتیم، اما حیف که زود از میان ما رفت و سال‌ها این عرصه کمتر با نام بانویی همراه بوده است. اما بیش از ۲۰ سال است وقتی در ذهن این عرصه را جست‌وجو می‌کنم، نام راضیه تجار می‌درخشد. زن‌ها پس از پیروزی انقلاب هم رضایت داندند مردان و پسران‌شان راهی جبهه شوند و شهدادت آنها را تحمل کردند. کتاب‌هایی که درباره نقش زنان در آزادی خرمشهر و پشت جبهه نوشته شده، گواه این موضوع است. زنان در انقلاب ما داستان‌ساز و نقش‌آفرین بودند، اما این عرصه زن داستان‌نویس هم می‌خواست. خانم تجار هم خودش در انقلاب نقش‌آفرین و داستان‌ساز بوده و هم داستان‌نویس و داستان‌نویس آفرین بوده است.»

راضیه تجار در ادامه به‌طور اجمالی به معرفی کوتاهی از زندگی‌نامه خود پرداخت و از عشق به نوشتن و خواندن و سیطره آن بر جان‌ش از همان دوران کودکی گفت: «۳۰ سال در آموزش و پرورش در سمت معلم، دبیر، معاون و مدیر خدمت و ۲۳ سال در وادی ادبیات و حول محور قلم زندگی کردم. انقلاب اسلامی ظرف روحم را پر کرد و دامن شهدا را گرفتم تا دستم را رها نکنند و حاصل سال‌ها عشق و علاقه در این حوزه، ده‌ها کتاب است. انجمن قلم مانند حوزه هنری خانه دوم من است و ۱۹ سال است تلاش می‌کنم با کمک دوستانم گام‌های بلندتری بردارم. من این شانس را داشتم که با عشق زندگی کنم، معنایش را بشناسم. عشق به خانواده، به همسر، فرزندان، وطن، ادبیات و دوستانم و عشق به ذات پروردگار. خدا را شکر که پیوسته



فرق امید و آرزو

بخشی از پیام آیت‌الله جوادی آملی به کنگره مسلمانان آمریکا

که همگان بفهمند،
ایشان در بخشی دیگر از این پیام به معرفی انسان
اهل امید پرداختند: «کسی اهل امید است که حقیقت
خود را بشناسد و حقیقت جهان را بشناسد، مدیریت خود را
بفهمد، مدیریت جهان را بفهمد. خود و مدیریت خویش
را در قلمرو مدیریت جهان آفرین و انسان آفرین به نام خدا
بداند. کسی که درباره انسان‌شناسی قد فکر و اندیشه او این
است که انسان مثل یک میوه‌ای است که بعد از یک مدت
می‌پوسد و در بین خاک دفن می‌شود، چنین شخصی نه
امیدی دارد و نه آرزویی. کسی که می‌گوید مرگ پایان راه
است و انسان با مُردن می‌پوسد و بعد از مرگ خبری نیست،
او هر چه بیندیشد آرزوست نه امید. کسی که به فکر برزخ و
قیامت نیست، کسی که نمی‌داند اسلام به او گفته است،
انسان مرگ را می‌میراند، نه بمیرد، چنین شخصی بین امید
و آرزو فرق نمی‌گذارد.»

آیت‌الله جوادی آملی عقل را معیار تفاوت گذاری
بین آرزو و امید دانستند: «می‌توانیم بین امید و آرزو فرق
بگذاریم که عاقلانه بیندیشیم و عاقلانه عمل کنیم؛ و
اسلام به هر دو بخش برنامه وسیعی ارائه کرده است؛ دو
رهبران الهی مریبان خوبی بودند برای ما؛ سه و به ما
فرمودند اگر بخواهید به مقصد و الا بار بایید، راه باطل هرگز
انسان را به مقصد صحیح نمی‌رساند، هرگز هدف وسیله
را توجیه نمی‌کند. این از بیانات نورانی سالار شهیدان
حسین بن علی بن ابی‌طالب (ع) است که اگر کسی بخواهد
به مقصدی برسد از راه باطل، هرگز راه باطل او را به مقصد
صحیح نمی‌رساند. کسی که بخواهد به هدف صحیح
از راه باطل برسد، زودتر از دیگران به دام می‌افتد. هرگز
هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. هرگز راه بد به مقصد
صحیح نمی‌رسد. هرگز راه ستم، راه تبعیض، راه اجحاف،
راه تعدی، راه ده‌حجابی و بی‌حجابی، راه بی‌عفتی، راه
گزاف‌گویی و گزاف‌خوری، راه اختلاس و نجومی و مانند
آن، سالک را به مقصد نمی‌رساند. با عمل طالح رسیدن به
مقصد صالح، هیچ ممکن نیست.»

آیت‌الله جوادی آملی در پیام خود به چهاردهمین
کنگره بین‌المللی مسلمانان آمریکا، با هدف هویت بخشی
به جامعه شیعی و مسلمانان آمریکا با موضوع «اسلام دین
امید»، در تبیین معنای امید در اسلام نوشتند: «امید
یک فضیلت اخلاقی انسانی است، آرزو در برابر امید
رذیلتی بیش نیست. جامعه ما باید بین امید و آرزو فرق
بگذارد. با یک مثل ساده، زمینه این فرق روشن می‌شود،
تحلیل نهایی این فرق در اثنای گفتگو واضح خواهد شد.
امید مثل آن است که یک کشاورز زمین و زمینه را آماده
کند، برای باروری مزرعه یا بوستان خود، آبیاری کند،

بذرافشانی کند، نهال کاری کند، همه لوازم کشاورزی
را انجام دهد، چنین شخصی امیدوار است که حوادث
غیرپیش‌بینی شده‌ای از راه نرسد و او به محصول این
باغ و مزرعه خود برسد. آرزو آن است کسی کاری نکرده،
کشتی نکرده، نهالی نکاشته، آبیاری نکرده، شیار نکرده،
منتظر رسیدن میوه مناسب و محصول گوار است. کسی
بدون رنج منتظر گنج باشد، آرزوی خام است. کسی با
تلاش و کوشش منتظر نتیجه باشد، امید ثمربخش
است. بین رجا و تمنی، بین امید و آرزو بسیار فرق است.
این فرق لغوی و مطلب کوتاه و غیرعلمی و غیردقیق

گمشدگی و گمگشتگی

سخنرانی قاسم پورحسن در نشست «نیپیلیسم فعال و چشم‌انداز صلح»



بلوخ در مورد وضع کنونی و آینده بحثی دارد و جمله او این
است که می‌گوید: «وضعیت کنونی ما مبهم، تاریک و
بحرانی است. ما به جای دیگر، به زندگی دیگر و به حیات
و موقف دیگر چرخش می‌کنیم» و این می‌تواند دیدگاه
اتوپیا یا تشکیل دهد که خطرناک است، لذا راه درمان
این است که وضعیت کنونی و آینده را بشناسیم. نباید صلح
بر مبنای اتوپیا باشد، چرا که در این صورت خشونت آفرین
خواهد بود و به غیر از فلسفه نمی‌توان به صلح اندیشید.»

نشست «نیپیلیسم فعال و چشم‌انداز صلح» در هفته
جاری با حضور اندیشمندان و اساتید دانشگاه و به همت
مجمع فلاسفه ایران برگزار شد. یکی از سخنرانان این نشست
دکتر قاسم پورحسن، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه
طباطبایی بود که درباره امکان‌های فلسفه برای بسط صلح و
مقابله با نیپیلیسم و خشونت به ارائه دیدگاه‌هایش پرداخت.
قاسم پورحسن، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه
طباطبایی و یکی از سخنرانان این نشست گفت: «به عنوان
مقدمه در مورد نیپیلیسم باید به جمله معروف الکساندر
پوشکین اشاره کنم که می‌گوید: «هرچه می‌جوئیم راه
پیدا نیست.» در واقع او ما را گمشدگان معرفی می‌کند.
همچنین باید توجه داشت که داستان نیپیلیسم، مناقشه
بین نیچه و شوپنهاور است. در واقع مناقشه به «نه‌گویی»
شوپنهاور و «آری‌گویی» نیچه است. بنابراین نیپیلیسم در
معنای عام خود به معنای گمشدگی و گمگشتگی است اما
در معنای خاص به معنای این است که احساس درد و رنج و
مرارت نداریم. در اینجا باید جمله معروف نیچه را مطرح کنم
که می‌گوید «نیپیلیسم دم در ماست که ایستاده است.»
او معتقد است که آینده ما نیپیلیسم است. همچنین در
مورد معنای نیپیلیسم گفته‌اند که به انفعالی و فعال تقسیم

می‌شود که درست است اما به حصر عقلی نیست و می‌توان
شق دیگری در نظر گرفت. شاید تصویری که ارنتس بوخ
ترسیم می‌کند راه سومی در این زمینه باشد.
پورحسن برای روشن ترشدن معنای نیپیلیسم به
مفهوم «سوئزکتیویسم» اشاره کرد و گفت: «به قول
«ایزوتسو» عالم در حال غربی شدن است. البته تفاوتی
ندارد که ما به این قضیه ملتفت باشیم یا نباشیم؛ بلکه
این وضعیت محصول سوئزکتیویسم است که گسترش
پیدا کرده است. فقط مراد بنده از سوئزکتیویسم در اینجا
معنای دکارتی و فلسفی کلمه نیست. اگر بخواهم واضح
بگویم مراد من اروپامحوری است. مرحوم شریعتی در مورد
اعلامیه حقوق بشر بحثی دارد که می‌گوید این اعلامیه
واقعی نیست، بلکه این اعلامیه سفیدپوستان است نه
همه بشر. یکی از مبانی سوئزکتیویسم فلسفی است، اما
مبنای مهم آن اجتماعی است که به همان اروپامحوری
برمی‌گردد.»

پورحسن در ادامه با تکیه بر سه مفهوم ابهام، اتوپیا
و صلح، نیپیلیسم را عامل گسترش خشونت دانست و
این‌طور توضیح داد: «در اینجا می‌خواهم از ارنتس بلوخ
کمک بگیرم که وضع کنونی ما یا همان نیپیلیسم چیست.



برای خنده، محض فروش درباره فیلم هزارپا، آخرین ساخته ابوالحسن داوودی

چهره‌ها در سال‌های اخیر فروش خوبی را برای فیلم‌هایی که در آنها بازی کرده‌اند به همراه داشتند، برای همین فروش این فیلم خیلی هم دور از ذهن نیست. قصه فیلم هزارپا از آن قصه‌های قدیمی است که هر بار به شکلی در سینمای ایران به عنوان کم‌دی ارائه می‌شود؛ دختری نذری دارد و می‌خواهد به آرزوی برسد، پسری از این راز مطلع می‌شود و می‌خواهد از آن سوء استفاده کند. این نوع قصه که با چاشنی نوستالژی هم همراه است، می‌تواند همان چیزی باشد که در سینمای ایران می‌تواند یک نسخه همیشه جواب‌دهنده دانست؛ به ویژه اینکه سازه‌های این فیلم این را موبه‌مو از الگوهای موفق استخراج کرده‌اند، یعنی اگر فیلم هزارپا را ببینیم ناخودآگاه در ذهن وقت‌زمان‌هایی که نوبت بازی رضا عطاران است، یاد فیلم نهنگ عنبر می‌افتیم و بازی جواد عزتی حتی در تکیه کلام‌ها هیچ تفاوتی با فیلم اکسیدان ندارد. داستان فیلم هم به تبعیت از فیلم موفق «نهنگ عنبر» در دهه ۶۰ روایت می‌شود تا فروش اثر تضمین شود چراکه این فرمول پیش از این در دو قسمت «نهنگ عنبر» به خوبی جواب داده است.

هرچند ابوالحسن داوودی این مقایسه را قبول ندارد و در مصاحبه‌ای گفته است: «هزارپا» یک کم‌دی متفاوت است و لحن و قصه فیلم برای مخاطب تازه خواهد بود. این فیلم از کارهای قبلی من گرم‌تر و جذاب‌تر است، البته باید فیلم نمایش داده شود و مورد قضاوت قرار بگیرد. سوژه فیلم درباره اتفاقات دهه ۶۰ و شرایط جنگ است، اما جنس آن در مقایسه با فیلمی مثل «نهنگ عنبر» متفاوت است. سعی کردم به ویژگی‌های دیگری که در آن دوران رخ داده توجه کنم، چیزی که در «هزارپا» اهمیت دارد شیوه پرداخت و گرمی روایت است. معتقدم در بین کارهایی که کرده‌ام این اثر ویژگی‌ها و تفاوت‌های بسیاری با بقیه دارد.»

مختلفی را تجربه کرده و فیلم‌هایی ساخته که بیشترشان به مذاق مردم خوش آمده و از آنها استقبال شده است. این فیلم با فروش یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان در سه روز، توانست رکورد فروش افتتاحیه در سینمای ایران را بشکند. این رکورد پیش از این در اختیار فیلم «نهنگ عنبر ۲» ساخته سامان مقدم بود.

فیلم هزارپا در شوخی‌های خود، در داستان خود و در انتخاب بازیکن خود فیلمی است که برای خندیدن و فروش ساخته شده است. رضا عطاران و جواد عزتی زوج کم‌دی فیلم هزارپا را تشکیل دادند و از آنجایی که هر دوی این

«هزارپا» جدیدترین ساخته سینمایی ابوالحسن داوودی بعد از فیلم موفق «رخ دیوانه» است که مثل کارهای قبلی این کارگردان، از حضور بازیگران مطرحی استفاده می‌کند. «هزارپا» بعد از نان، عشق و موتور ۱۰۰۰ تجربه تازه ابوالحسن داوودی در ژانر کم‌دی محسوب می‌شود. این فیلم در حالی که به روزهای پایانی جام جهانی نزدیک می‌شود رکورد فروش افتتاحیه را در سینمای ایران جابه‌جا کرد. بیش از ۱۵ سال از ساخت آخرین کم‌دی که ابوالحسن داوودی کارگردانی کرده، می‌گذرد و این کارگردان صاحب‌نام در طول این سال‌ها ژانرهای



عملیات نجات

ماجرای کودکان تایلندی فیلم می‌شود

در حالی که عملیات نجات نوجوانانی که در غاری زیرزمینی در تایلند گیر افتاده بودند به سلامت به انجام رسید، اکنون اعلام شده فیلمی بر مبنای این رویداد ساخته می‌شود. پیور فلیکس انترتینمنت در تلاش است حقوق ساخت فیلم از ماموریت نجات جان پسرهایی را که با مربی‌شان در هزارتوی غاری در تایلند گرفتار شده بودند به دست آورد. مدیر این کمپانی گفته از احتمال ساخته شدن این فیلم بسیار هیجان‌زده و این موضوع برایش خیلی با اهمیت است. وی با تمجید از شجاعتی که این گروه در غار نشان دادند و تلاشی که ماموران برای بیرون کشیدن آنها به خرج دادند، این ماجرا را بسیار با ارزش خواند. تلاشی سه‌هفته‌ای متشکل از نیروهای بین‌المللی در نهایت توانست این دانش‌آموزان را که برای گردش با مربی‌شان به غار رفته بودند و بر اثر بالا آمدن آب آنجا محبوس شده بودند، از دل زمین بیرون بکشند. ۱۲ پسر دانش‌آموز و مربی‌شان سرانجام سه‌شنبه به سلامت از غار بیرون آورده شدند. این تیم به دلیل بازنگری شدید و بالا آمدن آب در غار، امکان بیرون آمدن نداشتند.

عاشقانه‌ای در دل جنگ

زاغ

نمایش «زاغ» به نویسندگی آرش منصوری و کارگردانی حسن همتی از دوازدهم تیرماه در تماشاخانه استاد مشایخی به صحنه رفته است. در فصل داغ تابستان و کم‌رنگی حضور آثار دفاع مقدسی روی صحنه نمایش، اجرای «زاغ» یک اتفاق خوشایندی است که باید قدر دانست. داستان درباره دختر و پسری فامیل است که عاشق هم می‌شوند و ناخواسته به خانه‌ای می‌روند که در اثر بمباران تخریب شده و اتفاقاتی می‌افتد و بعد از ۳۰ سال که می‌خواهند آن منطقه را پاکسازی کنند روح این دو نفر با هم صحبت کرده و داستان‌هایی را رقم می‌زند. «زاغ» داستان دلدادگی رعنا و بشیر، پسر عمو و دختر عموی کرمانشاهی است. آنها سی سال پیش از این زیر آوار ناشی از بمباران عراق مدفون شده‌اند و حالا تکه‌های استخوان رعنا به بهانه ساخت پارک از زیر خاک بیرون آورده می‌شود و جنازه بشیر همچنان زیر خاک باقی می‌ماند. در طول نمایش متوجه می‌شویم آنها به خاطر اختلافات پدرانشان نتوانسته‌اند به هم برسند و جنازه‌های آنها نیز به دلیل زیباسازی شهر از هم جدا می‌شود. مهندس زیباسازی فردی است که کسی سراغ آنها نمی‌رود مگر همان خواستگار سمج و پول‌دار رعنا. داستان «زاغ» داستان جنگ‌زدگانی است که کسی سراغ آنها نمی‌رود مگر آنکه بیل‌های مکانیکی جسد یکی از آنها را از زیر خاک بیرون بیاورد. داستان جنگ‌تحمیلی فقط داستان رزمندگان و حماسه‌ها و باز روایی عملیات‌ها نیست. مردم عادی که ناگهان سیل بمب بر سرشان آوار شده نیز بخشی از تاریخ دفاع مقدس است؛ بخشی که مغفول مانده و باید گفته شود. نمایش «زاغ» گامی مثبت در این جهت است.



دیدار با فرشته

علیرضا جهانبخش، متین را پیدا کرد



«کجا بودی، دنبال می گشتم»

این اولین جمله‌ای بود که علیرضا جهانبخش به متین گفت. راست می گفت علیرضا، او دنبال متین می گشت، در کوران جام جهانی بود که عکسی در فضای مجازی منتشر شد که در آن کودکی در منطقه‌ای فقیرنشین، پشت لباس خود، نام علیرضا جهانبخش را حک کرده بود. او تنها نبود، عکس چند کودک خردسال را در حال بازی فوتبال در یک زمین خاکی نشان می داد که

یکی شان روی تیشرت زرد رنگش یک زیرپیراهنی رکابی پوشیده و پشت آن، نام دست نویس علیرضا جهانبخش، مهاجم تیم فوتبال را چسبانده بود. هر یک از دوستان او هم نام یکی دیگر از بازیکن های تیم ملی را پشت پیراهن شان چسبانده بودند. این عکس خیلی زود دست به دست شد و ستاره تیم ملی از آن باخبر شد و به دنبال پیدا کردن این پسر افتاد. او حتی در صفحات مجازی خود خواست که هر کس این فرشته را می شناسد به او خبر بدهد. بررسی های

بعدی نشان داد که پسرک، متین ۶ساله از قاسم آباد است؛ محله‌ای محروم در نزدیکی خاورشهر در ۱۰ کیلومتری اتوبان امام رضا در جنوب شرق تهران... جایی که تنها یک زمین فوتبال دارد و به دلیل وضعیت نامناسب غیرقابل استفاده است. برای کودکی که تنها دلگرمی اش فوتبال است و توپ خود را در زمین های نامسطح کنار کوره های آجرپزی شوت می کند، شاید داشتن زمین فوتبالی مناسب یک آرزوی بزرگ باشد. متین از وقتی شنید جهانبخش به دنبال او می گردد، از مادرش می پرسید که جهانبخش کی به دیدار او می آید. علیرضا آقای گل لیگ هلند به دیدار متین رفت و فرشته اش را پیدا کرد. جهانبخش با کلی توپ و پیراهن به میان کوره های آجرپزی رفت تا متین و دوستانش دقایقی چند فارغ از زمین ناسازگار محل زندگی خود در آسمان باشند. وقتی جهانبخش با آنها همبازی شد، وقتی با آنها فوتبال بازی کرد و درباره فوتبال، درباره مسی و رونالدو حرف زد، آنها دنیای شیرین تری را تجربه کردند اما این دنیا انگار برای جهانبخش هم زیباتر بود، وقتی در صفحه اینستاگرامش خواندیم: «زمین خاکی، دمپایی پاره و لباس خاکی متین، بدجور من رو یاد چگی خودم انداخت، با این تفاوت که من تونستم سقف آرزو هام رو بزرگتر ترسیم کنم و آرزوی من این هستش که این بچه ها هم بتونن سقف آرزو های بزرگتری داشته باشند. امیدوارم که بتونیم تو این مسیر به متین و متین هایی که تو کشورمون کم نیستن، یاری بیشتری بدیم. متین و متین هایی که چنین شرایط زندگی دارند (با تمام احترام) مثل همه بچه های این کشور حق انتخاب و امیدواری به آینده ای روشن دارند و نباید دنیای این عزیزان به کارگاه آجرپزی اطراف تهران محدود باشه. باید بتونن تحصیل کنن، آرزو های بزرگ داشته باشند و حداقل امکاناتی برابر با همه ما داشته باشند.»

راستی متین حالا یک پیراهن با نام علیرضا جهانبخش دارد، یعنی همان پیراهنی را دارد که جهانبخش آن را با شماره ۱۸ در جام جهانی پوشیده بود. فوتبال تا وقتی می تواند این قدر شاد کند چقدر دوست داشتنی است.

ماجراجویی بعد از ۴۰ سالگی

بوفون به پاریس رفت



دهید. « گروهی اعتقاد دارند که انتقال بوفون یک شوی تبلیغاتی دیگر از سوی مدیران متمول پاری سن ژرمن است، نمایشی که آنها هر سال برای دیده شدن بیشتر به راه می اندازند اما بوفون چنین نظری ندارد: «من در فوتبال عنوان زیادی را فتح کرده ام و حالا ۴۰ سال سن دارم اما از نظر ذهنی و جسمی در سلامت کامل به سر می برم. من تمام تلاش خود را در پاریس به کار خواهم گرفت تا هم تیمی هایم در زمین در بهترین موقعیت ممکن قرار بگیرند. می خواهم ثابت کنم که هنوز یک دروازه بان بزرگ هستم و مطمئن هستم که این کار را انجام خواهم داد.»

بوفون تا چه زمانی می تواند در پاریس بازی کند، او برای چند وقت می خواهد در این تیم باشد او در این باره می گوید: «اینکه من تا ۴۰ سالگی حتی هنوز برای تیم ملی ایتالیا نیز بازی می کردم نشان می دهد من می توانم هنوز هم در بالاترین سطح رقابت کنم. هرگز از خودم در مورد زمان خداحافظی سوال نمی کنم زیرا این موضوع باعث رشد احساسات منفی در من می شود. هر گاه حس کنم دیگر بین بهترین ها جایی ندارم می فهمم که زمان خداحافظی فرا رسیده است.»

ناصر الخلیفی، رئیس باشگاه پاری سن ژرمن در

همه کسانی که فوتبال بازی می کنند در چهل سالگی، چند سالی می شود که از فوتبال خدا حافظی کرده اند یا دارند مربیگری می کنند یا آنکه در کنار خانواده از روزهای بازنشستگی لذت می برند اما در فوتبال استثنایی هایی هم وجود دارد، یکی هم می شود جیان لوییجی بوفون که تازه در چهل سالگی یاد یک ماجراجویی بزرگ می کند. بله! با اعلام رسمی باشگاه پاری سن ژرمن، بوفون، قهرمان ۹ دوره سری آ، ۵ دوره کوپا ایتالیا و جام جهانی فوتبال، با قراردادی یک ساله که امکان یک سال تمدید را هم دارد، به باشگاه فرانسوی پیوست.

بعد از معارفه به عنوان بازیکن جدید پاری سن ژرمن، جیان لوییجی بوفون در مصاحبه ای در کنفرانس خبری گفت که هدفش از انتقال به پاری سن ژرمن، نه لیگ قهرمانان، بلکه تجربه یک ماجراجویی در خارج از کشور بود: «من ۱۰ سال با پارما و ۱۷ سال در یوونتوس زندگی کرده و شرایط بسیار راحتی در تورین داشتم اما به دنبال رقابت طلبی بودم و این یک چالش جدید برای من است. امروز برای اولین بار با زبان جدید تمرین کردم و شروع خوبی بود. بعد از یک ماه، وضعیت بهتر هم خواهد بود. این زندگی است. شما باید افق های زندگی خود را گسترش

خصوص این انتقال بزرگ می گوید: «در ۴۰ سالگی، شور و اشتیاق او برای فوتبال دست نخورده باقی مانده است و جیجی پروژه ما را برای دستیابی به بالاترین اهداف و دستاوردها مناسب دید. او با انتقال تجربیات ارزشمند خود، نه تنها به سایر دروازه بان های تیم، بلکه به تمام بازیکنان، در این راه به ما کمک خواهد کرد.»

فلسفه تحلیلی چیست؟

ابعاد و ویژگی‌های متمایزکننده آن

زندگی‌نامه

نویسنده این کتاب، هانس یوهان گلوک، متولد آلمان و دانش‌آموخته ریاضیات و فلسفه در این کشور و همین‌طور در انگلستان است. گلوک، ابتدا به دلیل مطالعات شارحانه‌اش درباره ویتگنشتاین شناخته شد. یکی از آثار وی در این خصوص با عنوان فرهنگ اصطلاحات ویتگنشتاین (۱۹۹۰) در سال ۱۳۸۹ به فارسی ترجمه و منتشر شده است. گلوک همچنین آثاری را درباره کواپن، دیویدسون و استراوسون منتشر کرده است. با این حال وی از میانه دهه ۱۹۹۰ مطالعاتی را درباره تاریخ فلسفه تحلیلی آغاز کرد. او ویراستار مجموعه مقاله طالع فلسفه تحلیلی (۱۹۹۷) بود که اخیراً به فارسی ترجمه شده و مقالات دیگری را درباره شکل‌گیری فلسفه تحلیلی، ارتباط میان این فلسفه و ویتگنشتاین، پیش‌داوری‌های متقابل فلسفه انگلیسی‌زبان و آلمانی‌زبان و وضعیت فلسفه معاصر در دهه‌های پایانی قرن بیستم در اواخر دهه ۱۹۹۰ و نیمه اول دهه ۲۰۰۰ منتشر کرد. «فلسفه تحلیلی چیست؟» حاصل تلاش‌های گلوک طی دوره‌مذکور است که در سال ۲۰۰۸ انتشار یافت. فلسفه تحلیلی در نیم‌قرن اخیر به سرعت بسط یافته است و همچنان که گفته شد، حوزه‌هایی جدید در آن شکل

«فلسفه تحلیلی چیست؟» نوشته هانس یوهان گلوک با ترجمه یاسر خوشنویس برای دومین بار در بهار ۹۷ به همت انتشارات ترجمان علوم انسانی منتشر شد. در کتاب «فلسفه تحلیلی چیست؟»، گلوک، تلاش کرده ابعاد و ویژگی‌های متمایزکننده فلسفه تحلیلی را مشخص کند. او رویکردهای مختلفی در پاسخ به پرسش «فلسفه تحلیلی چیست؟» را بررسی کرده و معتقد است هیچ‌کدامشان معیاری جامع و مانع به ما نمی‌دهند. در نهایت گلوک تلاش می‌کند با ایده تشابه خانوادگی ویتگنشتاین و تلقی تکوینی نیچه، فلسفه تحلیلی را متمایز کند. در بخشی از یادداشت مترجم این اثر آمده است: «فلسفه تحلیلی تاریخی بیش از صدسال را پشت سر گذاشته است. اگرچه این عنوان چندین دهه است که به‌نحو گسترده به کار می‌رود، نویسندگان، مجلات و دانشکده‌های متعددی خود را متمایل به آن می‌دانند و تقابل آن با فلسفه قاره‌ای به یکی از دوگانه‌های مشهور در فلسفه معاصر تبدیل شده است اما هنوز تلاش کافی برای روشن کردن ابعاد این گرایش فلسفی و خصوصیات متمایزکننده آن صورت نگرفته است. کتاب «فلسفه تحلیلی چیست؟» یکی از سازمان‌یافته‌ترین تلاش‌ها در این خصوص به شمار می‌رود.

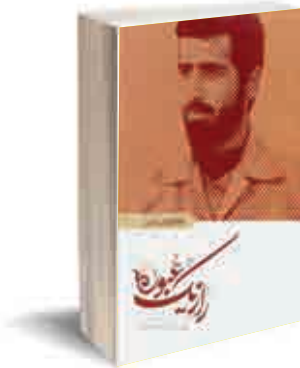


گرفته‌اند و مباحثی که زمانی ملک مطلق فلسفه قاره‌ای تلقی می‌شد امروزه با شدت و حدت در دانشکده‌های تحلیلی پی گرفته می‌شوند و آثار قابل توجهی به سبک و سیاق تحلیلی درباره فیلسوفان قاره‌ای نوشته می‌شود. این امر در کنار بی‌توجهی طولانی مدت ما به تحولات فلسفه تحلیلی پس از جنگ جهانی دوم اهمیت خواندن آثاری همچون «فلسفه تحلیلی چیست؟» را بیشتر نشان می‌دهد. امید است انتشار کتاب بتواند به شکل‌گیری فهم بهتری از فلسفه تحلیلی و مسیر طولانی‌ای که در این صد و اندی سال پشت سر گذاشته است، کمک کند.

اندیشه

راز یک عبور

زندگی‌نامه شهید جعفر محمدی



کتاب «راز یک عبور» مشتمل بر زندگی‌نامه شهید «جعفر محمدی» به قلم «مریم بذرافشان» توسط انتشارات سوره مهر به چاپ و انتشار رسیده است. «راز یک عبور» در بیست و شش فصل تدوین شده که داستان از روزهای تحصیل شهید جعفر محمدی شروع می‌شود و با شهادت آن شهید بزرگوار پایان می‌یابد. شهید «جعفر محمدی» در نیمه دوم ۱۳۵۹ مسئول آموزش نظامی بسیج بود و در اردیبهشت ۱۳۶۰ به شهر گیلانغرب در کرمانشاه اعزام شد. در عملیات والفجر مقدماتی، فرماندهی گردان یاسر از تیپ سلمان فارسی لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) را بر عهده داشت. در این عملیات نیز از ناحیه شکم به سختی مجروح شد. در عملیات‌ها چند بار به درجه رفیع جانبازی نائل شد، با این حال هرگز چهره را ترک نکرد و سرانجام حین عملیات کربلای ۸ در حال وضو گرفتن بود که با فرود چند گلوله توپ، ترکشی به سرش اصابت کرد.

در بخشی از خلاصه این کتاب که در پشت جلد نوشته شده آمده است: «آستین لباسش را بالا زد و احمد هم کنار شیر آب نشست. چند گلوله توپ کنار قرارگاه به زمین خورد. جعفر مشت‌آب به صورتش پاشید. صدای زوزه توپ آمد. از آنج تا نوک انگشتان دستش راهم شست. دستش بالا رفت تا مسح سر را بکشد، گلوله کنار منبع آب فرود آمد. هنوز انگشتانش به رستگاه موهایش نرسیده بود که ترکش بزرگی به سرش اصابت کرد. به زمین افتاد. فرصت نداشت تا ببیند احمد با یک پای قطع شده چطور بالای سرش ایستاد، نشست و بعد خم شد. دست به سر جعفر کشید. فرصت نداشت تا فریاد یا حسین احمد را بشنود. صدای برخورد ترکش گلوله‌ای که از گردراه رسید، به تن احمد فرو رفت...»

مقاومت

در خواب‌هایم

رمانی اجتماعی توأم با معناگرایی



کتاب داستانی «در خواب‌هایم» اثر مریم راهی از سوی انتشارات کتاب نیستان منتشر شد. تغییرات وسیع و پر دامنه در زیست اجتماعی ایران معاصر و جایه‌جایی پرشتاب میان ارزش‌های اجتماعی و به تبع آن رنگ و لعاب پیدا کردن برخی از ارزش‌های غیربومی و در کنار آن در غبار و حاشیه ماندن برخی از اصول و باورهای سنتی و اصیل زیست شرقی و ایرانی، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فرهنگی نویسندگان ایرانی در سال‌های اخیر بوده که به شکل‌های مختلفی در آثار داستانی آنها ظهور و بروز پیدا کرده است. از بیان داستان‌های اجتماعی رئالیستی درباره اثرات این تحول تا نگاهی توأم با تأثر و حسرت به باورهای از دست رفته. در این میان برخی نویسندگان سعی کرده‌اند با رهیافتی تازه و خلق زاویه دیدی بدیع و جذاب، نگاهی تازه به این موضوعات انداخته و آنها را از منظر باورهای مختلف نهادینه‌شده در مخاطب خود در قالب داستان بیان کنند. مریم راهی نیز با چنین رویکردی تازه‌ترین اثر داستانی خود را در قالب رمانی با عنوان «در خواب‌هایم» منتشر کرده است. اثری که می‌توان از آن به عنوان رهیافتی تازه در رمان اجتماعی اعتقادی با درون‌مایه معناگرا یاد کرد؛ درون‌مایه‌ای که نه الزاماً تاریخی و دینی که نشأت گرفته از باور عمیق به نیروها و اراده‌های ماورای طبیعی و ازلی و صلب‌البنه آورده شده در متون تاریخی مذهبی است. راهی که در دو اثر قبلی خود با عنوان «یوما» و «فردا مسافرم» نشان داده بود که توانایی بالایی در پرداخت داستانی سوزناهی دارد که اطلاعات تاریخی چندانی پیرامون آنها نیست. در این مجموعه نیز بر مبنای چنین رویکردی، به خلق موقعیت‌های بکر و کمتر دیده‌شده‌ای بر مبنای برخی باورهای دینی در رمان دست زده است.



آلمان فرانکفورتر آگمانیه

بعد از هفته‌ها اختلاف نظر میان صدراعظم آلمان با وزیر کشور خود بر سر موضوع مهاجران که تا استعفای هورست زیهوفر پیش رفت، سرانجام این دو مقام آلمانی در این زمینه به توافق دست یافتند. همه این موضوع سوژه بخش هفتگی فرانکفورتر آگمانیه شده است تا این چهره سیاسی را در یک دعوی کودکانه نشان دهد.



فرانسه لوپوئن

هفته‌نامه لوپوئن در آخرین شماره خود با تیتر ماکرون چگونه به جنگ می‌رود، به ستاد فرماندهی رئیس‌جمهور فرانسه پرداخته است، این هفته‌نامه در این گزارش خود قصد دارد نشان دهد که ماکرون چگونه تصمیمات مخفیانه خود را می‌گیرد و مشاورانش در گرفتن این تصمیمات چه کسانی هستند و ضرب نفوذ هر کدام چقدر است؟



آمریکا نیوزویک

نیوزویک سعی کرده در این شماره خود نگاهی متفاوت به دیدارهای ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و او، رهبر کره شمالی بیندازد و این سوال را مطرح کند که نقش کره جنوبی در این میان چیست؟ این هفته‌نامه با بازی با نام رئیس‌جمهور کره جنوبی یعنی مون و تشابه این نام با ماه، به پایان یک جنگ پرداخته است.



انگلستان اکونومیست

نشریه انگلیسی اکونومیست در این جلد فوق‌العاده خود به شکاف روزافزون بین آمریکا و اروپا پرداخته است. این هفته‌نامه نوشته است: «اتحاد بین آمریکا و اروپا، پیروز جنگ سرد شد و سپس یک دموکراسی را در اروپای شرقی تازه‌آزاد شده بنیان نهاد. تنش‌ها اما بر سر مشارکت‌ها، اولویت‌ها و ارزش‌های ناتو و این اواخر تقاضاهای ترامپ، در حال از هم گسستن این اتحاد است.»



ترکیه ملیت

«رجب طیب اردوغان» هفته گذشته به عنوان اولین رئیس‌نظام ریاستی ترکیه، در جمع نمایندگان پارلمان این کشور، سوگند یاد کرد. مراسم تحلیف ریاست‌جمهوری «رجب طیب اردوغان» در حضور ۶ هزار مهمان خارجی برگزار شد. این مراسم که بسیار باشکوه برگزار شد، به طور طبیعی تیتر صفحه اول همه روزنامه‌های ترکیه بود، جلد روزنامه ملیت را پس از این مراسم می‌بینید.

هنر مدرن: بررسی و تحلیل هنر معاصر جهان

نویسنده: مرتضی گودرزی (دیباچ)

ناشر: سوره مهر

تعداد صفحات: ۸۶۸



«هنر مدرن»، یک کتاب تاریخی و تحلیلی، در زمینه شناخت مکاتب هنری معاصر است. نویسنده با تألیف این کتاب قصد داشته جریان‌ها و مکاتب هنری معاصر، اعم از مدرن و پست‌مدرن را، در ظرف زمانی خود، بررسی کند و نشان دهد که این مکاتب، هر کدام در چه اوضاع و با چه زمینه‌های فکری و اجتماعی ویژه‌ای شکل گرفته و رشد کرده‌اند. در این کتاب، اگرچه درون‌مایه تاریخی برجسته‌ای به چشم می‌خورد، اما تحلیل و تفسیر هنری نیز جایگاه مهمی دارد و بدون درک حداقلی از مبانی هنر، فهم و دریافت مفاهیم کتاب برای خواننده مشکل خواهد شد.

نویسنده در این کتاب از یک زاویه دید مشخص و با یک نگاه ثابت به تحلیل همه پدیده‌های هنری معاصر پرداخته و همه را زیر یک ذره‌بین برده است و در طول کار خود از قضاوت‌های یک‌جانبه پرهیز و کوشش کرده نگاهی واقع‌بینانه بر تحلیل‌های او حاکم باشد.

ترتیب پیشرفت کار کتاب، بر اساس ادوار تاریخی هنر است و در فصل‌های کتاب به این موضوعات می‌پردازد و به لحاظ جامعیت و شمول، چه از جهت نظری و چه از نظر تاریخی، کامل است و کوشش کرده هیچ اتفاق مهمی را از قلم نیاندازد.

مطالعه این کتاب، دید موسعی را برای پژوهشگران هنر به وجود می‌آورد تا بتوانند با مرور تاریخ و نظریه‌ها، شناخت مناسبی را از هنر معاصر جهان به دست بیاورند. مطالعه این کتاب، برای افرادی که به رشته پژوهش هنر علاقه دارند یا این حوزه مطالعاتی را دنبال می‌کنند، توصیه می‌شود.

